

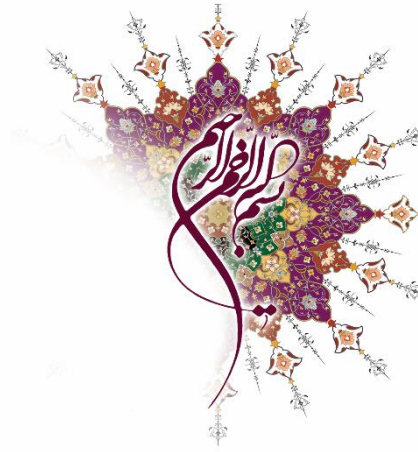
# حسابداری و سفافیت مالی

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۱-۲۴۵۳

دوره ۱ / شماره دوم / زمستان ۱۴۰۲ / پیاپی ۲

- تأثیر اجرای مدل گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام و اجتناب از مالیات ۱-۲۵  
سارا مکوندی، بهاره بنی طالبی دهکردی و حمیدرضا جعفری
- ویژگی‌های کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر حسابرس ۲۶-۴۵  
کاظم شمس الدینی، احمدصادق سلطانی تژاد و حمزه زاده ده بالائی
- تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان مدیریت و حسابداری شهرستان مشهد) ۴۶-۶۹  
مهدی فیل سرائی و بهزاد شفیعی مقدم
- تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها ۷۰-۸۵  
محمود حسن زاده کوچو
- بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش میانجی فناوری‌های مالی ۸۶-۱۰۸  
سعید عمورضایی، حسین اسلامی مفیدآبادی و مرضیه ابراهیمی شقاقی
- افشای آینده‌نگرانه و شهرت شرکت به‌عنوان مکانیزم‌هایی برای کاهش نوسانات بازده سهام ۱۰۹-۱۳۲  
محمد کیامهر، احسان کرمانی و علی نوروزی





فصلنامه حسابداری و شفافیت مالی

دوره ۱ شماره دوم زمستان ۱۴۰۲ پی‌اچ‌ئی ۲

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر

مدیر مسئول: دکتر مهدی ساریخانی

سر دبیر: دکتر رضوان حجازی

مدیر داخلی: دکتر روح اله نوذری

کارشناس نشریه: فاطمه کریمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر سید حسین ابطحی	استاد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر
دکتر زهره حاجیها	استاد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
دکتر مهدی خیراندیش	استاد مدیریت دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری
دکتر غلامرضا زندی	دانشیار حسابداری دانشگاه کوالالامپور مالزی
دکتر محمدحسین ستایش	استاد حسابداری دانشگاه شیراز
دکتر داریوش فروغی	استاد حسابداری دانشگاه اصفهان
دکتر هاشم ولی پور	دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد
دکتر سید عباس هاشمی	دانشیار حسابداری دانشگاه اصفهان

آدرس نشریه: فارس، صفاشهر، بولوار وحدت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر. کد پستی: ۷۳۹۶۱۶۶۵۶۱

تلفن: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۶ دورنگار: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۹ درگاه الکترونیکی نشریه: <https://sanad.iau.ir/Journal/aft>

این نشریه بر اساس مصوبه چهل و نهمین جلسه کمیسیون تعیین اعتبار نشریات حوزه علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ مجوز انتشار دارد.

## فصلنامه حسابداری و شفافیت مالی

---

### داوران این شماره:

- دکتر فهیمه ابراهیمی
- دکتر بهاره بنی طالبی دهکردی
- دکتر مهدی ساریخانی
- دکتر شهرزاد سراج
- حسین عسگری آلود
- مسعود فولادی
- مهدی فیل سرائی
- دکتر هاشم کاویانی فرد
- دکتر ملک تاج ملکی اسکوئی
- محمد نوروزی

## راهنمای تدوین مقاله

مقاله نتیجه‌ی تلاش و پژوهش‌های علمی نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله قبلاً در هیچ یک از مجلات و همایش‌ها چاپ و ارائه نشده باشد و هم‌زمان برای سایر مجلات و همایش‌ها نیز ارسال نشده باشد.

در تدوین مقاله، رعایت نکات زیر برای نویسنده (نویسندگان) گرامی الزامی است (برای دریافت الگوی نشریه [اینجا](#) کلیک کنید):

۱. عنوان: عنوان مقاله باید مختصر و متناسب با محتوای مقاله تنظیم گردد.
  ۲. اسامی نویسندگان: در خصوص درج اسامی نویسندگان در فایل مقاله به نکات زیر توجه نمایید:
    - ضروری است در ثبت نام اولیه، اطلاعات دقیق نویسنده (نویسندگان) ذکر شود. پس از ارسال مقاله، هر گونه تغییر در نام، پست الکترونیکی، ترتیب و تعداد نویسندگان امکان‌پذیر نمی‌باشد.
  ۳. در هنگام ارسال فایل مقاله، نام، وابستگی سازمانی و ایمیل نویسندگان (نویسنده مسئول باید ایمیل دانشگاهی داشته باشد) را در قالب فایلی با عنوان "مشخصات نویسندگان" ارسال نمایید.
  ۴. چکیده فارسی: حداقل ۲۰۰ کلمه و حداکثر ۲۵۰ کلمه شامل هدف، روش‌شناسی، یافته‌ها و دانش افزایی.
  ۵. چکیده انگلیسی: حداقل ۳۰۰ کلمه و حداکثر ۳۵۰ کلمه با رعایت مطابقت متن فارسی و انگلیسی.
  ۶. کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه که با کاما (،) از هم جدا شده و در یک خط و به ترتیب حروف الفبا باشند.
  ۷. طبقه‌بندی موضوعی: برای تهیه طبقه‌بندی موضوعی کافی است کلمات کلیدی مهم را به انگلیسی و به صورت تخصصی در [اینجا](#) جستجو کنید تا معادل و اختصار آن را پیدا کنید.
  ۸. متن مقاله: در تنظیم متن مقاله، مطالب بر اساس تیرهای زیر تنظیم می‌گردد:
    - مقدمه: ارائه زمینه و دیدگاه درباره موضوع، اهمیت و بیان هدف و مساله پژوهش.
    - مبانی نظری و پیشینه پژوهش: تعاریف مفهومی، نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط به گونه‌ای که پشتیبانی‌کننده فرضیه‌ها و مدل مفهومی باشد.
    - فرضیه‌های پژوهش: این بخش شامل فرضیه‌سازی بر اساس مبانی نظری و خلاصه پژوهش‌ها می‌باشد.
    - روش‌شناسی پژوهش: طرح پژوهش، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، جامعه، نمونه، مدل و متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آنها به‌طور مفصل ارائه شود.
    - یافته‌های پژوهش: گزارش اطلاعات جمعیت‌شناسی، نتایج تحلیل‌های آماری مدل و فرضیه‌های پژوهش.
    - بحث و نتیجه‌گیری: ارائه یافته‌های پژوهش و مقابله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، پیشنهادها کاربردی و پژوهش‌های آتی و محدودیت‌های پژوهش آورده شود.
  ۹. فهرست منابع: منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده شده است، مطابق ضوابط APA به شرح زیر تنظیم شوند:
    - روش منبع‌نویسی بر حسب الفبایی و مطابق با الگوی APA باشد.
    - منابعی که به زبان فارسی منتشر شده است، در قسمت انگلیسی نیز ترجمه و از عبارت [In Persian] در انتهای منبع استفاده شود.
    - ضروری است شناسه منحصر به فرد مقالات (DOI یا DOR) در انتهای مقالات درج گردد.
- ارسال فایل‌های تکمیلی از جمله پرسشنامه، داده‌ها و خروجی آماری ضروری است.

---

فهرست مطالب

---

۱-۲۵		<input type="checkbox"/> تأثیر اجرای مدل گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام و اجتناب از مالیات سارا مکوندی، بهاره بنی طالبی دهکردی و حمیدرضا جعفری
۲۶-۴۵		<input type="checkbox"/> ویژگی‌های کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر حسابرس کاظم شمس‌الدینی، احمدصادق سلطانی نژاد و حمزه زاده ده بالائی
۴۶-۶۹		<input type="checkbox"/> تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان مدیریت و حسابداری شهرستان مشهد) مهدی فیل سرائی و بهزاد شفیعی مقدم
۷۰-۸۵		<input type="checkbox"/> تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها محمود حسن زاده کوچو
۸۶-۱۰۸		<input type="checkbox"/> بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش میانجی فناوری‌های مالی سعید عمورضایی، حسین اسلامی مفیدآبادی و مرضیه ابراهیمی شقاقی
۱۰۹-۱۳۲		<input type="checkbox"/> افشای آینده‌نگرانه و شهرت شرکت به عنوان مکانیزم‌هایی برای کاهش نوسانات بازده سهام محمد کیامهر، احسان کرمانی و علی نوروزی

---

## The effect of implementing web-based financial reporting model on stock market and tax avoidance

Sara Makvandi<sup>1</sup>, Bahareh Banitalebi Dehkordi<sup>2</sup>, Hamid Reza Jafari<sup>3</sup>

Received: January 11, 2024

Accepted: February 13, 2024

### Abstract

**Purpose:** The purpose of this research is to first provide a comprehensive index to measure the implementation of financial reporting on the web and then to examine the effect of the present model.

**Methodology:** This research is developmental-applicative in terms of results and on the stock market and tax avoidance among 167 companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2009 to 2020. The components of the web-based financial reporting implementation model were determined through interviews and distribution of questionnaires among experts, and the weights and importance of the criteria were determined using Shannon's entropy multi-criteria decision-making method. The relationship between the implementation of online financial reporting as a hidden variable and its measurement items was also measured through confirmatory factor analysis.

**Findings:** Based on the findings of the research, the components of the presented model include 8 indicators of organizational factors, financial, economic, social, political, human, technology and finally the cultural factor along with 67 sub-factors. Also, the findings of the quantitative section based on structural equations show web-based financial reporting improves stock market efficiency and reduces tax avoidance.

**Originality:** A web-based financial reporting system is one of the new approaches whose implementation and implementation plays an influential role in the growth and development of financial markets and consequently tax avoidance, because through the reduction of information processing costs, the possibility of better tax supervision and by increasing the quality of information, it leads to stronger corporate governance and less information asymmetry.

**Keywords:** Stock market, tax avoidance, web financial reporting

**JEL Classification:** M41, H26, D53

1. Ph.D student in Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2. Associate Professor of Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author). (banitalebi57@yahoo.com)

3. Assistant Professor of Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

**Cite this paper:** Makvandi, S., Banitalebi Dehkordi, B., Jafari, H. R. (2024). The effect of implementing web-based financial reporting model on stock market and tax avoidance. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(2), 1-25. [In Persian]

## تأثیر اجرای مدل گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام و اجتناب از مالیات

سارا مکوندی<sup>۱</sup>، بهاره بنی طالبی دهکردی<sup>۲</sup>، حمیدرضا جعفری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

## چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش در ابتدا ارائه شاخصی جامع برای سنجش اجرای گزارشگری مالی تحت وب و سپس بررسی تأثیر مدل حاضر بر بازار سهام و اجتناب از مالیات است.

**روش‌شناسی:** این پژوهش از لحاظ نتیجه، توسعه‌ای-کاربردی است و در بین ۱۶۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ انجام شده است. اجرای مدل اجرای گزارشگری مالی تحت وب، از طریق مصاحبه و توزیع پرسشنامه بین خبرگان تعیین و با استفاده از روش تصمیم‌گیری چند معیاره آنتروپی شانون، وزن و اهمیت معیارها مشخص شد. روابط اجرای گزارشگری مالی تحت وب به عنوان متغیر پنهان با گویه‌های سنجش آن، نیز از طریق تحلیل عاملی تأییدی سنجیده شد.

**یافته‌ها:** بر اساس یافته‌های پژوهش اجزای مدل ارائه شده شامل ۸ شاخص عامل سازمانی، مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، انسانی، تکنولوژی و در نهایت عامل فرهنگی به همراه ۶۷ زیر عامل هستند. همچنین یافته‌های بخش کمی که بر اساس معادلات ساختاری انجام شده، نشان می‌دهد گزارشگری مالی تحت وب کارایی بازار سهام را افزایش و اجتناب از مالیات را کاهش می‌دهد.

**دانش افزایی:** سیستم گزارشگری مالی تحت وب، از جمله رویکردهای نوینی است که پیاده سازی و اجرای آن نقش تاثیرگذاری در زمینه رشد و توسعه بازارهای مالی و به تبع آن اجتناب از مالیات ایفا می‌کند، چرا که از طریق کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعات، امکان نظارت بهتر مالیاتی را فراهم می‌آورد و با افزایش کیفیت اطلاعات، منجر به حاکمیت شرکتی قوی‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی کمتر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اجتناب از مالیات، اجرای گزارشگری مالی تحت وب، بازار سهام

طبقه‌بندی موضوعی: M41, H26, D53

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول). (banitalebi57@yahoo.com)

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

## مقدمه

در عصر جدید، زبان گزارشگری مالی تحت وب<sup>۱</sup>، به عنوان زبان نوین گزارشگری مالی، ابزاری قدرتمند می‌باشد که منجر به تسهیل اثربخشی و کارایی فرآیند گزارشگری مالی گردیده و ارتقای فرآیند تحصیل و شفافیت در افشای اطلاعات را در پی داشته است. در این مسیر، سرمایه‌گذاران و سهامداران عموماً با توجه ویژه به کیفیت و ساختار اطلاعات حسابداری، در تلاشند تا در شکل‌دهی انتظارات خود، واقع بین بوده و کمتر اشتباه کنند چرا که هر چقدر کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده توسط واحدهای اقتصادی ارتقاء یابد، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران واقعی و مؤثرتر خواهد بود (عاطفی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین ظهور و پیاده‌سازی نوآوری‌های عرصه تکنولوژی اطلاعات، با استفاده از روش‌هایی مانند گزارشگری مالی تحت وب، منجر به تحولات گسترده از جمله افزایش شفاف‌سازی و اتکاپذیری اطلاعات در حوزه حسابداری گردیده است (کارمیر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). چرا که استانداردهای حسابداری توسط استانداردگذاران حسابداری و گزارشگری مالی بین‌المللی در قالب گزارشگری مالی تحت وب هر ساله به روز خواهند شد (رحیمی کاکلکی و همکاران، ۱۳۹۶). به طور نمونه در مارس ۲۰۱۷ استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی قانون استفاده از گزارشگری مالی تحت وب را برای شرکت‌هایی که از این استاندارد استفاده می‌کنند الزامی دانست.

علاوه بر این، از آنجا که به کمک این زبان، استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی دیگر نیازی به تبدیل اطلاعات مالی از شکلی به شکل دیگر ندارند، سرعت گزارشگری افزایش خواهد یافت (جانسون<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰؛ لی و نیوایز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). لذا گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سرمایه تأثیرگذار است. به طورمثال، ساسی<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند که پذیرش اجباری گزارشگری مالی تحت وب باعث بهبود نقدینگی بازار سهام می‌شود. شان و تروشانی<sup>۶</sup> (۲۰۲۰) بر این باورند که پذیرش گزارشگری مالی تحت وب، باعث افزایش قابلیت اطمینان بین معیارهای حسابداری همچنین افزایش قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی و دسترسی سریع به انواع اطلاعات موجود در طبقه‌بندی‌های تعریف شده می‌گردد (ون دی ویجور و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، بکارگیری این تکنیک گزارشگری، در حوزه پرداخت مالیات نیز منجر به آشکار نمودن سوء استفاده‌ها و اشتباهات پرداخت‌کنندگان مالیات و جلوگیری از اجتناب و فرار مالیاتی می‌شود (گو و همکاران، ۲۰۱۶). با این وجود، یافته‌های پژوهشگران نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت، تأثیر منفی می‌گذارد و در نهایت باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود. همچنین محققان نشان دادند که پیاده‌سازی و اجرای سیستم گزارشگری مالی نه تنها باعث کاهش اجتناب مالیاتی نگردیده، بلکه منجر به ایجاد خدشه در شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی شده است (سراقیح و همکاران، ۲۰۲۲).

<sup>1</sup>. Financial reporting web language

<sup>2</sup>. Cormier

<sup>3</sup>. Johnson

<sup>4</sup>. Li & Nwaeze

<sup>5</sup>. Sassi

<sup>6</sup>. Shan & Troshani



بنابراین می‌توان ادعا نمود که اجتناب از پرداخت مالیات همچنان که می‌تواند ارزش شرکت را افزایش دهد، اما از سوی دیگر، به دلیل تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران، می‌تواند در فعالیت‌های شرکت همچنین پیاده‌سازی و اجرای گزارشگری مالی نوین، ابهام ایجاد و زمینه را برای انحراف منافع توسط مدیران فراهم نماید (ون و همکاران، ۲۰۲۰). ضمن اینکه همواره این احتمال وجود دارد که به سبب برنامه ریزی های جسورانه مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق و به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی انجام می‌شود، ابهام فعالیت‌های مالی شرکت همچنین تضاد منافع افزایش یابد (گنانگنون<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه‌ی با حکمرانی ضعیف مالیاتی (ریکسن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱)، اجتناب از مالیات به رویکرد مداوم و پایدار شرکت‌ها تبدیل شده (لوپز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷) و باعث افزایش تضاد منافع می‌شود، لذا تداوم این رویکرد قطعاً بر اهداف گوناگون گزارشگری مالی تاثیرگذار است و مانع دستیابی کامل و ایجاد خدشه به رسالت سیستم گزارشگری مالی می‌شود (طالب نیا و همکاران، ۲۰۱۲).

در همین راستا برخی از پژوهشگران معتقدند که مزایای مختلف سیستم گزارشگری مالی تحت وب که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات و افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات شرکت‌ها می‌شود و به بهبود به موقع بودن گزارشگری مالی کمک شایانی می‌کند (دو و وو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸)، می‌تواند منجر به کاهش اجتناب مالیاتی گردد؛ چرا که اجرای گزارشگری مالی تحت وب، هزینه و زمان پردازش اطلاعات را کاهش می‌دهد و در نتیجه امکان نظارت بهتر مالیاتی را برای مدیران فراهم می‌کند (والتون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). به‌طورنمونه، در شرکت‌های پذیرفته شده ایالات متحده، پذیرش اجباری گزارشگری مالی تحت وب منجر به کاهش شیوه‌های اجتناب از مالیات شده است (چن<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۱ و والتون و همکاران، ۲۰۲۱).

با این حال در عمده پژوهش‌های داخلی انجام شده، توجه و پرداختن به این موضوع که ابتدا یک الگوی گزارشگری مالی تحت وب در ایران چگونه و شامل چه شاخص‌ها و زیر شاخص‌هایی است؟ انجام نشده ضمن اینکه در صورت پیاده‌سازی و اجرای گزارشگری مالی تحت وب، آیا این سیستم می‌تواند بر اجتناب مالیاتی و بازار سهام تاثیر گذار باشد یا خیر؟ مغفول مانده و این در حالی است که در دنیای فناورانه امروز، رویکرد گزارشگری مالی در حال تغییر به سوی گزارشگری مالی مبتنی بر وب است و شناسایی ابعاد و دامنه تاثیرگذاری این سیستم بر متغیرهای گوناگون از جمله متغیرهای حوزه مالیات و بازده سهام از ضروریات مهم در عرصه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیران است. علاوه بر این، خلاء موجود در فضای ادبیات حسابداری و گزارشگری مالی نیز زمینه و انگیزه مناسبی برای انجام پژوهش در این حوزه را فراهم نموده است.

ازاین‌رو، در پژوهش حاضر تلاش می‌گردد تا به منظور بسط ادبیات نظری مرتبط با اجرای گزارشگری مالی تحت وب شرکت گام‌های مؤثری برداشته شود. بر این اساس در ابتدا مدل پیشنهادی اجرای گزارشگری مالی تحت وب ارائه گردید. سپس با توجه به مدل ارائه شده، تأثیر گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام و اجتناب از مالیات

1. Gnanon

2. Rixen

3. Lopez

4. Du & Wu

5. Walton

6. Chen

سنجیده شد. از این رو این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است که مدل سنجش اجرای گزارشگری مالی تحت وب در ایران چگونه است؟ و آیا اجرای مدل گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام و اجتناب از مالیات تأثیرگذار است؟ ساختار این مقاله در ادامه شامل مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش، روش شناسی، یافته‌ها و نتیجه‌گیری و بحث می‌باشد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### گزارشگری مالی تحت وب

در سال‌های پایانی قرن بیستم و با وقوع سوءاستفاده‌های غیرقانونی فراوان در بازارهای مالی دنیا، یک عزم بی‌سابقه و بین‌المللی در جهت شفافیت بیشتر در گزارش‌های مالی پدید آمد و منجر به تحولات بسیاری در این عرصه گردید (خدمتی و همکاران، ۲۰۲۰). هرچند امروزه این نوع گزارشگری تجاری با وجود همه جذابیت‌ها، با انبوهی از مشکلات مانند تجزیه و تحلیل نامناسب و انتشار نامناسب اطلاعات مالی در بین استفاده‌کنندگان روبرو است (مکوندی و همکاران، ۱۴۰۲). از جمله عواملی که منجر به بروز بحران در صورت‌های مالی می‌شود، نامناسب بودن اطلاعات در فرم‌های کاغذی و یا الکترونیکی است که فاقد ویژگی‌های لازم جهت انتقال مؤثر اطلاعات مالی پیچیده به استفاده‌کنندگانی نظیر سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران و سایر ذی‌نفعان هستند. یافته‌های یون و همکاران (۲۰۱۱)، حاکی از آن است با حجم باور نکردنی اطلاعات در گزارش‌های سالانه، تجزیه و تحلیل همه اطلاعات برای کاربران دشوار است. بنابراین دستیابی به یک سامانه گزارشگری تجاری مناسب برای حل ناکارایی‌ها بسیار مهم است. در این زمینه، از آنجا که گزارشگری مالی تحت وب، به عنوان مجموعه‌ای تحت فناوری اطلاعات، به دنبال ایجاد راهکار ساده جهت شناسایی و مقایسه عملکرد تجاری یک شرکت با شرکت‌های هم‌تایان خود در زمینه مالی است (خدمتی و همکاران، ۲۰۲۰)، لذا این فناوری به عنوان راهی برای سهولت تجزیه و تحلیل داده‌ها، بهبود کارایی، به موقع بودن و بازنمایی صادقانه اطلاعات مالی معرفی شده و بر همین اساس، گرایش داوطلبانه افشای گزارشگری مالی مبتنی بر وب برای شرکت‌های مختلف در جهان در حال گسترش است (یون و همکاران، ۲۰۱۱). امروزه گزارشگری تحت وب به عنوان بهترین بستر برای انجام وظیفه مباشرت مدیریت سازمان همچنین افشای اطلاعات مالی و غیرمالی شناخته شده است. شرکت‌ها برای انتقال اطلاعات از طریق اینترنت می‌توانند از ابزارهای مختلف نظیر زبان برنامه‌نویسی تحت وب، فایل‌های مستند قابل حمل، فایل‌های صفحه گسترده مانند صفحات اکسل، فایل‌های ویدئویی از جلسات مدیران با تحلیل‌گران مالی، زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، هایپرلینک و غیره که دارای ویژگی‌های مثبت و بعضاً ویژگی‌های محدودکننده‌ای هستند، استفاده کنند (مکوندی و همکاران، ۱۴۰۲). لذا زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، یک زبان رایانه‌ای است که برای انتقال اطلاعات مالی و بازرگانی از آن استفاده می‌شود. اطلاعات مالی، در زبان مزبور به گونه‌ای برجسب‌گذاری می‌شوند که ضمن قابل فهم بودن، قابل تشخیص به اجزای صورت‌های مالی مانند درآمد، هزینه، دارایی، بدهی و ... باشند (عرب مازار یزدی و همکاران، ۱۳۸۶). دولین و تروشانی<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) چهار گروه عوامل مربوط تکنولوژی و نوآوری، عوامل حاکمیت شرکتی، عوامل سازمانی و عوامل محیطی را بعنوان عوامل مؤثر در پذیرش زبان گزارشگری

<sup>1</sup>. Dolin & Troshani

مالی مبتنی بر وب در کشور استرالیا معرفی نموده‌اند. عوامل مربوط به نوآوری شامل هزینه‌های پیش‌بینی شده، مزایا و منافع ادراک شده، قابلیت سازگاری، مشاهده و آزمون پذیری می‌باشد. عوامل سازمانی شامل ویژگی‌های مدیران، آموزش کارکنان سرمایه انسانی و منابع موجود بوده‌اند. مواردی مانند فرهنگ، موضوعات قانونی، فشارهای خارجی، انجمن‌ها، اصناف صنعت و دولت همچنین پذیرش موفقیت‌آمیز در سایر شرکت‌ها در گروه عوامل محیطی قرار دارد. دولین و تروشانی (۲۰۰۷) مواردی مانند فشارهای خارجی، فرهنگ، دولت، موضوعات قانونی، انجمن‌ها و اصناف صنعت و پذیرش‌های موفقیت‌آمیز در سایر شرکت‌ها را جزو گروه عوامل محیطی تلقی می‌نمایند. عوامل مربوط به تکنولوژی نیز شامل وجود زیرساخت‌های مورد نیاز و ویژگی‌های تکنولوژی‌های موجود جزو عوامل مؤثر در پذیرش است. عوامل مربوط به چگونگی اداره شرکت نیز جزو عوامل حاکمیت شرکتی دسته‌بندی می‌شوند. در این خصوص سطح مهارت و دانش مدیران همچنین ریسک‌پذیری آن‌ها در پذیرش این نوع از گزارشگری مؤثر است (سمرقندی و همکاران، ۲۰۲۳). بررسی‌ها حاکی از آن است که مدیران ریسک‌گریز چندان مایل به تصویب طرح‌های نوآورانه نیستند و در صورت تصویب نیز منابع چندانانی را به این امر اختصاص نمی‌دهند (تروشانی و همکاران، ۲۰۰۷).

### گزارشگری مالی تحت وب و بازار سهام

شواهد موجود در بازار سهام حاکی از این است که در سایه نبود هرگونه سازوکار بیرونی، سرمایه‌گذاران از ارزش‌گذاری میانگین برای قیمت‌گذاری تمام سهام منتشر شده در بازار استفاده می‌کنند (مکوندی و همکاران، ۱۴۰۲). این امر خود برای منتشر کنندگان سهام بی کیفیت این فرصت را فراهم می‌سازد تا به هزینه منتشر کنندگان سهام با کیفیت، اوراقی با قیمت بالاتر از ارزش ذاتی خود به بازار عرضه کنند (واتس و بوون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲). در این میان حسابداری برای پاسخ به نیازهای مالی شرکت‌ها و استفاده‌کنندگان برای اطلاعات مالی مربوط و اتکاپذیر برای تصمیم‌گیری‌های روزمره توسعه یافته است. بسیاری از شرکت‌ها اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان را به وسیله اینترنت، صفحه گسترده جهانی فراهم می‌کنند (داروغه حضرتی و همکاران، ۱۴۰۰).

گزارشگری مالی تحت وب، به عنوان تحولی بزرگ و انقلابی جدید در عرصه گزارشگری مالی جهانی، منجر به خلق عمده مزایایی در زمینه تهیه، تحلیل و مبادله اطلاعات مالی گردیده و پیامدهایی همچون شفاف‌سازی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، دسترسی سریع و ارزاتر به اطلاعات، افزایش کارایی، کاهش درصد خطا و افزایش مربوط بودن اطلاعات را برای تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی در پی داشته است (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۴). زبان گزارشگری مالی تحت وب زیرمجموعه XML است که برای توصیف اطلاعات گزارشگری مالی ایجاد شده و در زمینه تهیه، انتشار و تحصیل همچنین تبادل و تجزیه و تحلیل داده‌های حسابداری و اقتصادی سودمند می‌باشد. ضمن اینکه شیوه‌ای استاندارد را به منظور تبادل اطلاعات گزارشگری مالی بین نرم‌افزارهای کاربردی فراهم می‌کند (کارمیر و همکاران، ۲۰۲۲). گزارشگری مالی اینترنتی با استفاده از وب سایت شرکت‌ها، باعث ایجاد تنوع و عدم یکنواختی در زمینه افشا اطلاعات شرکت‌ها گردیده است. بر این اساس با استفاده شرکت‌ها از گزارشگری مالی تحت وب، وب سایت شرکت، مجموعه‌ای جامع و متنوع از صورت‌های مالی شامل یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی همچنین گزارش حساب‌برسان را در وب سایت شرکت قرار داده و از طریق اینترنت، پیوندی بین

<sup>۱</sup>. Watson and Boone

گزارش‌های مالی سالانه شرکت‌ها ایجاد شده است. محتوای گزارش‌های مالی تحت وب نیز متنوع است و می‌تواند شامل گزارش‌های سه ماهه همچنین گزارش‌های سالانه اطلاعات قیمت سهام، مباحث مدیریتی عملیات و گزارش‌های سهامداران باشد و می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر تصمیم‌گیری منطقی استفاده‌کنندگان داشته باشد (بیرت و همکاران، ۲۰۱۷).

مطابق با ادبیات نظری، افشای داوطلبانه به تحلیل‌گران مالی این امکان را فراهم می‌آورد که اطلاعات جدید ارزشمندی را مانند پیش‌بینی‌های دقیق‌تر افزایش دهند (ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین برخی پژوهشگران معتقدند که شرکت‌هایی با افشای اطلاعات بیشتر، باعث دقیق‌تر شدن پیش‌بینی‌های سود تحلیل‌گران و پراکندگی کمتر در پیش‌بینی‌های خود دارند و سطح نقدینگی بازار سرمایه‌گذاران نیز افزایش خواهد یافت (چاریتو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ و شان و تروشانی، ۲۰۲۰). با اطمینان دادن به سرمایه‌گذاران شرکت در مورد جنبه‌های مختلف عملیات یا عملکرد شرکت، افشای گسترده منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران و در نهایت به کاهش هزینه‌های نظارتی که سرمایه‌گذاران متحمل می‌شوند، می‌شود (کارمیر، ۲۰۲۰). بنابراین افشای داوطلبانه اطلاعات برای شرکت‌ها بسیار مفید است چراکه هزینه سرمایه را کاهش داده و ارزشگذاری سهام شرکت را چندین برابر می‌کند و در نهایت باعث نقدینگی سهام شرکت می‌شود و علاقه سرمایه‌گذاران را برای جذب سرمایه‌گذاری در شرکت نیز افزایش می‌دهد که این امر باعث کارایی بازار سهام می‌شود (جانسون، ۲۰۲۰). لذا گزارشگری مالی تحت وب به عنوان یک افشای داوطلبانه می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک شایانی نماید و از طریق کاهش تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعات منجر به کارایی بازار سهام شود (مکوندی و همکاران، ۱۴۰۲).

### گزارشگری مالی تحت وب و اجتناب مالیاتی

با پیاده‌سازی گزارشگری مالی تحت وب، تمام داده‌های مالی با استفاده از چندین تگ یا عنصر بیان می‌شوند. همچنین به اطلاعات مالی برچسب‌هایی نصب می‌شود تا نرم‌افزار بتواند به کمک آنها داده‌ها را درک و گزارش‌های مورد نظر کاربران را تولید کند. بنابراین، ذی‌نفعان از طریق کشف، استخراج، تبدیل و تجزیه و تحلیل داده‌ها یا اطلاعات برچسب‌گذاری شده با استفاده از برنامه‌های کاربردی تحلیلی متوجه محتوای گزارش شده می‌شوند (جانورین و نوو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). اطلاعات مالی برچسب‌گذاری شده ارائه شده توسط گزارشگری مالی تحت وب سودمندی گزارشگری مالی را با اجازه دادن به کاربران برای استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای تصمیم‌گیری بهبود می‌بخشد (واسارهلی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

بر اساس ادبیات نظری تحقیق، مطالعات کمتری به تأثیر گزارشگری مالی تحت وب بر اجتناب از مالیات پرداخته‌اند، لذا بر اساس سه دیدگاه زیر پژوهش حاضر به این جنبه از تأثیر خواهد پرداخت. اول، هرچه پیچیدگی حساب‌ها خاص باشد، احتمال تحریف و ضعف در سیستم حساب‌های مالیاتی نیز بیشتر خواهد بود (هویتاش و

<sup>۱</sup>. Charitou

<sup>۲</sup>. از آنجایی که افشای گزارشگری مالی تحت وب در استانداردهای حسابداری ایران به عنوان یک استاندارد الزامی نشده و سازمان بورس اوراق بهادار نیز قوانینی برای ناشران بورس الزام نکرده؛ لذا افشای آن توسط شرکت‌ها به صورت داوطلبانه است.

<sup>۳</sup>. Janvrin & No W.G

<sup>۴</sup>. Vasarhelyi

هویتاش<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). دوم، والتون و همکاران (۲۰۲۱) استنباط می‌کنند که استفاده از پسوندهای برچسب‌گذاری شده گزارشگری مالی تحت وب مرتبط با مالیات، شفافیت گزارش‌های مالیاتی را افزایش می‌دهد. سوم؛ پذیرش اجباری گزارشگری مالی تحت وب باعث کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعات شده و در نتیجه بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت تأثیرگذار است (چن و همکاران، ۲۰۲۱).

تحقیقات بر این فرض استوار است که صورت‌های مالی منبع حیاتی اطلاعاتی است که بازرسان سازمان مالیاتی از آن برای تشخیص رفتار اجتناب از مالیات استفاده می‌کنند. آن‌ها به عنوان منابع اولیه اطلاعات عمومی در مورد عملکرد شرکت عمل می‌کنند. اگر صورت‌های مالی شرکت‌ها نقش اساسی در شیوه‌های نظارت مالیاتی سازمان امور مالیاتی نداشته باشد، معرفی قالب گزارش‌دهی گزارشگری مالی تحت وب برای صورت‌های مالی نیز بی‌ربط محسوب می‌شود (کیم<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ ساراقی و علی، ۲۰۲۲). اطلاعات مالی عمومی به‌عنوان یک داده اضافی برای بازرسان سازمان امور مالیاتی در جهت استفاده در طول فرآیند اجرای مالیات عمل می‌کند و اطلاعات خصوصی جمع‌آوری شده از پرونده‌های مالیاتی شرکت‌ها را تکمیل می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، مقامات مالیاتی ممکن است از اطلاعات یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی و اظهارنامه‌های مالیاتی برای تشخیص رفتار مالیاتی شرکت استفاده نمایند (احمدی لویه و همکاران، ۱۴۰۰).

گزارشگری مالی تحت وب مزایایی را از نظر کاهش عدم تقارن اطلاعات (چونگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ لیو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) و تشویق شفافیت و دسترسی به اطلاعات تجاری ارائه می‌دهد. علاوه بر این، به موقع بودن گزارشگری مالی را افزایش داده (دو و وو، ۲۰۱۸) و قابلیت درک و مقایسه گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد (بیرت<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ والتون و همکاران، ۲۰۲۱). فعالیت‌های اجتناب از مالیات با افزایش پیچیدگی‌های مالی و سازمانی، عدم قطعیت اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی مرتبط است که باعث کاهش شفافیت اطلاعات در شرکت می‌شود (بالاکریشنان<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). در همین راستا، چن و همکاران (۲۰۲۱) بر این باورند که گزارشگری مالی تحت وب می‌تواند هزینه‌های پردازش اطلاعات را با تسهیل شناسایی، نظارت و بررسی حساب‌های مالیاتی و اطلاعات مالیاتی شرکت‌ها برای بازرسان سازمان امور مالیاتی کاهش دهد که به نوبه خود، انگیزه‌های مدیران را برای اجرای اجتناب مالیاتی در شرکت تضعیف می‌کند (موسا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶).

کویین و همکاران (۲۰۲۳) در بررسی تأثیر دستیابی به عملکرد آرمانی و تجربه مدیر عامل بر اجتناب از مالیات شرکتی، به مطالعه شرکت‌های چینی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ پرداختند. یافته‌ها نشان داد دستیابی به عملکرد آرمانی، به عنوان یک مقدمه مهم اجتناب مالیاتی شرکتی است. همچنین تجربه مدیر عامل بر نحوه عملکرد آرمانی شرکت و اجرای تصمیمات اجتناب از مالیات تأثیر گذار است. یافته‌های پژوهش نشان داد که با بالا رفتن عملکرد برای دستیابی به آرمانها، شرکت‌ها در ابتدا اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهند، اما از نقطه‌ای به بعد، چنین فعالیت‌هایی را کاهش

1. Hoitash & Hoitash

2. Kim

3. Chong

4. Liu

5. Birt

6. Balakrishnan

7. Mousa

می‌دهند. همچنین این رابطه U شکل معکوس، با تصدی مدیرعاملی تضعیف و با تجربه مالی مدیر عامل تقویت می‌شود.

ساراقی و علی (۲۰۲۲) به تأثیر گزارشگری مالی تحت وب بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های اندونزی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که اجرای گزارشگری مالی تحت وب، اجتناب مالیاتی شرکت را کاهش داده است. همچنین بهبود شفافیت شرکتی از طریق گزارشگری مالی تحت وب می‌تواند یک ابزار بازدارنده برای اجتناب از مالیات شرکت‌ها باشد.

کارمیر و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به ارتباط افشای داوطلبانه زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر<sup>۱</sup> بر اساس استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با کارایی بازار سهام در ۲۳۹ شرکت کانادایی و ۱۲۰ شرکت فرانسوی در بازه زمانی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۲ پرداختند. داده‌های پژوهش از طریق گزارش‌های سالانه، گزارش‌های پایداری، بیانیه‌های مطبوعاتی، ارتباط مستقیم با شرکت‌ها، از جمله جلسات، مصاحبه‌های تلفنی، ایمیل و نظرسنجی گردآوری شده است. نتایج یافته‌های آن‌ها نشان داد که پس از یک سطح مشخص از افشای برچسب‌های گزارشگری مالی توسعه‌پذیر تأثیر آن بر قیمت‌گذاری سهام منفی است. همچنین گزارشگری مالی توسعه‌پذیر بر ارزش بازار سهام شرکت‌هایی با سود مثبت رابطه مثبت و معناداری دارد.

والتون و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از برچسب‌های گزارشگری مالی تحت وب بر اجتناب مالیاتی، پرداختند. در حالی که ادبیات قبلی نشان داده که با افزایش پیچیدگی گزارشگری مالی، ممکن است پیامدهای ناخواسته و سودمندی برای گزارشگری مالیاتی همچنین اجتناب مالیاتی وجود داشته باشد، اما یافته‌های آنها نشان داد استفاده نسبی از برچسب‌های گزارشگری مالی تحت وب می‌تواند ویژگی‌های منحصربه‌فرد فعالیت مالیاتی را برجسته کند، به نوبه خود کیفیت اقلام تعهدی مالیاتی را افزایش و شفافیت گزارش مالیاتی را بهبود بخشد و کاهش اجتناب از مالیات را در پی خواهد داشت.

چن و همکاران (۲۰۲۱) طی پژوهش خود با عنوان "هزینه‌های پردازش اطلاعات و اجتناب از مالیات شرکت (شواهدی از نقش گزارشگری مالی تحت وب)"، به این نتیجه دست یافتند که شرکتها پس از پذیرش اجباری گزارشگری مالی تحت وب، با کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعات مواجه خواهند بود. ضمن اینکه گزارشگری مالی تحت وب، باعث کاهش هزینه‌های نظارت بر پردازش اطلاعات شده و انگیزه‌های مدیریتی برای مشارکت در رفتار اجتناب از مالیات را نیز کاهش می‌دهد.

داروغه حضرتی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی، اقدام به واکاوی شاخص‌های تأثیرگذار بر اقلام محتوایی گزارشگری یکپارچه مبتنی بر وب با رویکرد شهروند شرکتی نمودند. رویکرد پژوهش، از نوع کیفی و از طریق ابزار فراترکیب (متاستز) طی هفت‌گام انجام و طی آن ۲۸۲ مورد از یافته‌های پژوهش‌های پیشین، ارزیابی و بصورت نظام‌مند تحلیل گردید. علاوه‌براین به کمک پرسشنامه، نظرات ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید، جمع‌آوری و بر اساس رویکرد تحلیل محتوا و با استفاده از روش کمی آنتروپی شانون، ضرایب تأثیر عوامل شناسایی‌شده، تعیین گردید. در پایان، عوامل دارای بالاترین تأثیر بر روی اقلام گزارشگری یکپارچه مبتنی بر وب، شناسایی شدند. یافته‌های این

<sup>۱</sup>. eXtensible Business Reporting Language (XBRL)

پژوهش نقش مهمی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت ارائه اقلام محتوایی گزارشگری یکپارچه مبتنی بر وب به مدیران مالی مؤسسات و حسابرسان شاغل در حرفه می‌نماید.

اردکانی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر گزارشگری مالی اینترنتی بر ارزش شرکت بر اساس یک نمونه متشکل از ۱۱۲ شرکت در سال ۱۳۹۴ پرداختند. بر اساس نتایج پژوهش، درصد گزارشگری مالی اینترنتی و درصد اقلام محتوایی گزارشگری مالی اینترنتی بر ارزش شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد ولی درصد اقلام نحوه ارائه گزارشگری مالی اینترنتی بر ارزش شرکت تأثیری ندارد.

محمدزاده سالطه و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اجتناب مالیاتی در ایران پرداختند. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از آزمون رگرسیونی خطی چند متغیره استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد معیارهای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. همچنین، اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین معیارهای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد.

فخاری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات با استفاده از سیستم معادلات همزمان (3SLS)، پرداختند. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۹ انتخاب شده و با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان (3SLS) ارتباط متقابل بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های آنها نشان داد که اجتناب مالیاتی می‌تواند بر درجه شفافیت اطلاعات شرکت اثر گذاشته و در مقابل درجه شفافیت اطلاعات شرکت نیز می‌تواند بر اجتناب مالیاتی واحد تجاری اثر بگذارد. بر این اساس تبیین ارتباط متقابل بین این رفتارها و چگونگی ارتباط بین این دو می‌تواند قابل بررسی باشد. این یافته‌ها می‌تواند برای سیاست‌گذاران مالیاتی از جهت تبیین چگونگی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و میزان کیفیت افشا مفید باشد.

مستانه و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی نقش سهامداران نهادی در رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی در ۱۰۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۸۵ پرداختند. در این تحقیق به پیروی از کار پلسکو (۲۰۰۴) و دسا و دارماپالا (۲۰۰۶، ۲۰۰۹) از تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات و از اطلاعات صورت سود و زیان برای تخمین سود مشمول مالیات استفاده شده است. روش پژوهش از نوع همبستگی و علی پس رویدادی و روش آزمون فرضیه‌ها، آزمون همبستگی و رگرسیون خطی چند متغیره و آزمون تفاوت میانگین‌های دو جامعه مستقل است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های با اجتناب مالیاتی، کیفیت افشاء کمتر از سایر شرکتها می‌باشد و سهامداران نهادی بر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی تأثیر آماری معناداری ندارد. همچنین، در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی بالا بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و به لحاظ آماری معناداری وجود دارد و در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی پایین بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه آماری معناداری مشاهده نمی‌شود.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: گزارشگری مالی تحت وب بر اجتناب از مالیات تأثیرگذار است.  
فرضیه دوم: گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام تأثیرگذار است.

### روش‌شناسی پژوهش

#### روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری

پژوهش حاضر از لحاظ نتیجه اجرا، توسعه‌ای-کاربردی است و به لحاظ ماهیت داده‌ها و روش‌های تحلیل، از نوع ترکیبی-راهبرد اکتشافی متوالی است و از میان رویکردهای موجود در روش‌شناسی، رویکرد تفسیری مناسب تشخیص داده شده است. راهبرد (طرح) اکتشافی متوالی، شامل گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی در مرحله اول و به دنبال آن، گردآوری و تحلیل داده‌های کمی در مرحله دوم است. گفتنی است که داده‌های کمی مرحله دوم، بر اساس نتایج کیفی مرحله اول مشخص شده است. در این پژوهش، با بهره‌گیری از راهبرد (طرح) اکتشافی متوالی، به منظور ارائه مدل مناسب گزارشگری مالی مبتنی بر مفهوم الگوی کسب و کار، سه گام کلی طی شده است:

**گام اول:** استخراج ابعاد و مؤلفه (تم)‌های مؤثر بر گزارشگری مالی تحت وب بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و نظرخواهی از خبرگان، از طریق توزیع پرسشنامه و مصاحبه نیمه ساختار یافته و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل استقرایی (روش کیفی). پس از شناسایی شاخص‌ها، با استفاده از روش تصمیم‌گیری چند معیاره آنتروپی شانون، وزن و اهمیت معیارها مشخص شد. روابط اجرای گزارشگری مالی تحت وب به عنوان متغیر پنهان با گویه‌های سنجش آن، نیز از طریق تحلیل عاملی تائیدی سنجیده شد. معیارهای انتخاب خبرگان در پژوهش حاضر، از طریق شاخص‌های زیر بوده است:

(۱) داشتن مدرک تحصیلات تکمیلی در رشته‌های حسابداری، مالی، فناوری؛ (۲) داشتن تجربه مشارکت در طراحی و اجرای بیش از سه پروژه مالی؛ (۳) داشتن بیش از ۵ سال سابقه تدریس در حوزه مالی و فناوری؛ (۴) داشتن تجربه مشارکت در طراحی سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری؛ (۵) دارای تجربه فعالیت بیش از ۵ سال در حوزه‌های مدیریت مالی، گزارشگری و فناوری اطلاعات (۶) در دسترس بودن (چراکه توزیع پرسشنامه و انجام مصاحبه به صورت حضوری انجام شده است). برای رسیدن به این لیست خبرگان، نمونه‌یابی هدفمند انجام و در مجموع ۳۲ نفر شناسایی شدند که بعد از فیلتر کردن و اعمال شاخصه‌های مورد نظر، در نهایت لیست ۲۰ نفری خبرگان به دست آمد.

**گام دوم:** طراحی و تدوین مدل اولیه گزارشگری مالی تحت وب، تعیین شاخص‌های گزارشگری، غربالگری و بررسی میزان اهمیت آن‌ها.

**گام سوم:** در مرحله سوم یا گام نهایی، شاخص‌های کلیدی و مؤثری که به اجماع خبرگان رسید، معرفی و مدل پیشنهادی نهایی ارائه شده است. سپس از طریق معادلات ساختاری به بررسی تأثیر اجرای مدل گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام و اجتناب مالیاتی پرداخته شده است.



در این پژوهش، جامعه آماری بخش کمی شامل کلیه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش نیز ۱۲ ساله و طی دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۹ می‌باشد. نمونه‌های آماری پژوهش نیز بر اساس شرایط زیر انتخاب شده‌اند:

- ۱- شرکت‌ها تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۸، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند.
  - ۲- به علت افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها، منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دوره‌های موردنظر، تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
  - ۳- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.
  - ۴- اطلاعات موردنظر شرکت‌ها در دسترس باشد.
- نمونه نهایی پژوهش پس از اعمال محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۱۶۷ شرکت و ۲۰۰۴ مشاهده (سال-شرکت) به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

### متغیرهای پژوهش

#### متغیر مستقل: مدل پیشنهادی جهت سنجش گزارشگری مالی تحت وب

مطابق با پژوهش‌های لیو و همکاران (۲۰۱۷)، ونگ و همکاران (۲۰۱۴)، چینگ لایی و همکاران (۲۰۱۵)، مکوندی و همکاران (۱۴۰۲)، جهت سنجش گزارشگری مالی تحت وب از چک لیستی حاوی ۸ شاخص اصلی و ۶۲ عامل محتوا استفاده شده که شاخص سازمانی شامل ۱۴ عامل، شاخص مالی شامل ۴ عامل، شاخص اقتصادی شامل ۳ عامل، شاخص اجتماعی شامل ۶ عامل، شاخص سیاسی شامل ۷ عامل، شاخص انسانی شامل ۷ عامل، شاخص تکنولوژی شامل ۱۶ عامل و شاخص فرهنگی شامل ۵ عامل است. این چک لیست با توجه به بررسی ادبیات موجود و با بهره‌گیری از تحقیقات پینتو و پیکاتو (۲۰۱۶)، علی و همکاران (۲۰۱۰)، کلتون و یانگ (۲۰۰۸)، مارستون و پولی (۲۰۰۴) و پیرچیگر و واگن هوفر (۱۹۹۹)، توسط محقق طراحی شده است. برای بررسی نظرات خبرگان نسبت به معیارهای شناسایی شده، ابتدا مقادیر فازی مثلثی نظرات خبرگان نسبت به یک معیار اندازه‌گیری و سپس میانگین فازی نظرات پاسخ دهندگان با کمک رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$\tilde{W}_j = (\min_i I_{ij}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n m_{ij}, \max_i u_{ij}) \quad \text{رابطه (۱)}$$

در این رابطه نظر هر فرد نسبت به هر گزینه به صورت یک عدد فازی بیان شده که در آن  $i$  تعداد خبرگان و  $j$  تعداد گزینه‌های مورد بررسی می‌باشد. همچنین با استفاده از رابطه زیر مقدار میانگین فازی زدایی شده هر گزینه محاسبه می‌گردد.

$$w = \frac{1+4m+u}{6} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در نهایت مقدار ارزش اکتسابی هر گزینه با مقدار آستانه مقایسه می‌گردد. مقدار آستانه در این مطالعه برابر ۷ در نظر گرفته می‌شود (هسو و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین اگر مقدار دی‌فازی شده مجموع نظر خبرگان برای گزینه‌ای برابر ۷ و یا بیشتر باشد به عنوان گزینه قابل قبول شناخته شده و در غیر این صورت مورد تایید قرار نمی‌گیرد. بنابراین جهت پیاده‌سازی ارائه گزارشگری مالی تحت وب در شرکت‌ها از مدل پیشنهادی که از طریق شاخص ترکیبی موزون ارائه شده، استفاده گردید. از جمله تفاوت مدل ارائه شده در این پژوهش استفاده از نظر خبرگان در رتبه‌بندی و

وزن دهی شاخص‌های موثر بر گزارشگری مالی تحت وب است؛ درحالی‌که در سایر پژوهش‌های انجام شده تاکنون، تنها از طریق بررسی داده‌ها و کدگذاری صفر و یک، بدون بهره‌گیری از نظر خبرگان است. این در حالی است که در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته از کد صفر و یک به صورت یک متغیر مجازی در صورت وجود گزارش‌گری مالی تحت وب استفاده شده است.

### متغیر وابسته

در این پژوهش دو متغیر اجتناب از مالیات و کارایی بازار سهام جزء متغیرهای وابسته هستند که به شرح زیر محاسبه می‌شوند:

اولین متغیر وابسته پژوهش اجتناب از مالیات است که در اکثر پژوهش‌ها از طریق نرخ مؤثر مالیات نقدی اندازه‌گیری می‌شود، اما از آنجا که این نرخ، به صورت همزمان، افزایش دو اثر متمایز اجتناب مالیاتی و مدیریت سود را منعکس می‌کند، نمی‌تواند معیار مناسبی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی باشد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نوبخت، ۱۳۹۹). علاوه بر این به اعتقاد لو و نیسیم (۲۰۰۴) معمولاً شرکت‌هایی که سود قبل از مالیات خود را مدیریت می‌کنند، نرخ مؤثر مالیات نقدی شان پایین است و این مسئله اشتباه‌ها نشانه‌ای از اجتناب مالیاتی تلقی می‌گردد؛ چرا که تصور بر آن است که چون سود قبل از مالیات در مخرج کسر این نرخ وجود دارد لذا می‌تواند از فعالیت‌های مربوط به مدیریت سود تاثیر پذیرد. از این رو در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، از معیاری جایگزین با عنوان "نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی" استفاده گردیده که در مخرج کسر آن جریان نقد عملیاتی قرار گرفته است. به همین دلیل، این نرخ کمتر تحت تأثیر مدیریت سود و انتخاب‌های حسابداری قرار می‌گیرد و می‌تواند از حصول نتایج اشتباه جلوگیری نماید و منجر به انعکاس درست اجتناب مالیاتی با قابلیت اتکای بالا گردد. نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی (COF ETR<sub>i,t</sub>) نشان دهنده اجتناب از پرداخت مالیات است، بالا بودن نرخ مؤثر مالیاتی نشان دهنده اجتناب مالیاتی کمتر و پایین بودن این نسبت نشان از افزایش اجتناب مالیاتی دارد، که برابر است با؛ نسبت مجموع مالیات‌های نقدی پرداختی در طول یک دوره زمانی ۵ ساله بر مجموع جریان‌های نقد عملیاتی قبل از مالیات همان دوره که به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{COF ETR}_{i,t} = \frac{\sum_{t-4}^t \text{Cash Taxes Paid}_i}{\sum_{t-4}^t \text{Pretax operating Cash flows}_i} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن COF ETR<sub>i,t</sub> نشان نرخ مؤثر مالیاتی که نشان دهنده اجتناب مالیاتی است؛ Pretax operating Cash flows<sub>i,t</sub>؛ مالیات‌های پرداختی Cash Taxes Paid<sub>i,t</sub> جریان‌های نقد عملیاتی قبل از مالیات.

مالیات‌های نقدی پرداخت شده با مراجعه مستقیم به صورت جریان وجوه نقد بدست می‌آید و به دلیل فاصله یک ساله اعلام مالیات‌های پرداختی برای هر دوره، مالیات پرداختی آن سال، مالیات پرداختی مندرج در صورت جریان وجوه نقد یک سال بعد آن خواهد بود.

دومین متغیر وابسته پژوهش حاضر، کارایی بازار سهام است که طبق روش بولتو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵) و بر اساس مدل زیر، مدلی تصادفی، خود همبسته و وابسته به زمان است و در آن مدل، بازده سهام بر اساس روند خود همبسته است.

<sup>۱</sup>. Bulut

از جمله ویژگی های خودهمبسته بودن، داشتن رابطه منفی آن با زمان است که در بلندمدت گرایش آن به سمت یک مقدار کوچک و نه لزوماً صفر می باشد، زیرا زمان به بی نهایت می رود (خانتاویت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

$$r_t = \beta_0 + \beta_1 r_{t-1} + v_t \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$\beta_{1,t} = \bar{\beta} + \theta t + \rho \beta_{1,t-1} + u_t \quad \text{رابطه (۵)}$$

$r_t$ : بازده روزانه در زمان  $t$ ;  $\beta_0$ : بازده مورد انتظار در بلندمدت؛  $v_t$ : خطای مستقل بوده که معمولاً با صفر توزیع و بیان می گردد؛  $\bar{\beta}$ : سطح کارایی در زمان  $t=0$ ؛  $\theta$ : سرعت همگرایی قیمت سهام؛  $\beta_{1,t}$ : ضریب تصادفی خود همبسته است. طبق گفته آمونتزیاس<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)،  $\rho = 1$  و  $\bar{\beta} = \theta = 0.0$ ، زیرا میزان کارایی بازار را می توان به وسیله  $\beta_{1,t}$  تحلیل کرد. در حقیقت  $\theta < 0$  نشانگر بهبود کارایی است، زیرا با بزرگتر شدن زمان  $\beta_{1,t}$  کوچک تر می شود. همچنین ضرایب کارایی در زمان  $t=0$  به وسیله  $\bar{\beta}$  و در زمان  $t=1$  به وسیله  $\bar{\beta} + \theta$  اندازه گیری می شود.

### متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: این انتظار می رود که اندازه شرکت تاثیر مثبتی در افشای اطلاعات از طریق اینترنت داشته باشد. در واقع هرچه اندازه شرکت بزرگتر باشد، افشای اطلاعات مالی از طریق وب نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین در پژوهش حاضر بر اساس لگاریتم طبیعی فروش شرکت بدست می آید (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۹).

اهرم مالی: بر اساس نظریه نمایندگی با افزایش افشای اطلاعات، می توان تمایلات دارندگان بدهی را کاهش داد و هزینه ها را حفظ کرد. مدیریت می تواند داوطلبانه در اینترنت افشاگری کند تا طلبکاران بتوانند دائماً بر امور شرکت نظارت داشته و به آن ها کمک کند تا به موقع به پرداخت تعهدات خود بپردازند. بنابراین، در این پژوهش از حاصل نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها محاسبه شده است (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۰).

فرصت های رشد: مطابق با پژوهش حبیب<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) و نوبخت و نوبخت (۱۳۹۹) نحوه اندازه گیری فرصت های رشد شرکت برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت در هر دوره می باشد. این انتظار وجود دارد که شرکت هایی با فرصت های رشد بالاتر، از منظر نظریه نمایندگی، مدیران شرکت ها انگیزه بیشتری برای افشای اطلاعات بیشتر به منظور پیشرفت داشته باشند.

### یافته های پژوهش

#### شناسایی و غربال شاخص های مدل با تکنیک دلفی فازی مبتنی بر نظر خبرگان

بر مبنای مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش و مدنظر قرار دادن شرایط محیطی ایران، در این مطالعه مدلی جامع برای سنجش گزارشگری مالی تحت وب در سطح شرکت پیشنهاد شد و سپس اعتبار این مدل از دیدگاه خبرگان حرفه ای و دانشگاهی بررسی گردید. بدین صورت که از خبرگان در قالب پرسشنامه نین نظرخواهی شد که آیا به نظر شما این مؤلفه جزء شاخص های سنجش گزارشگری مالی مبتنی بر وب است یا خیر؟ پس از گردآوری نظرات خبرگان و

<sup>۱</sup>. Khanthavit

<sup>۲</sup>. Amountzias

<sup>۳</sup>. Habib

رتبه‌بندی مؤلفه‌ها اعم از مثبت و منفی از طریق روش تاپسیس، وزن شاخص‌ها به کمک نرم‌افزار اکسپرت چویس تعیین شد.

پس از تجزیه و تحلیل و ارزیابی پاسخ‌های بدست آمده از مرحله اول و ادغام شاخص‌هایی که از نظر مفهوم با هم مشابهت و هم پوشانی داشتند، مجدداً چک لیست جدید مبتنی بر شاخص‌های استخراج شده از مصاحبه و پرسشنامه به خبرگان در قالب پرسشنامه مقایسات زوجی ارائه گردید. در ادامه نظرات نهایی خبرگان در خصوص شاخص‌ها، غربال و از تکنیک دلفی فازی برای تایید شاخص‌ها مقادیر فازی مثلثی نسبت به یک معیار و نیز مقدار میانگین فازی زدایی شده هر گزینه محاسبه و سپس ارزش اکتسابی هر گزینه با مقدار آستانه (مقدار آستانه در این مطالعه برابر ۷ در نظر گرفته شده است) مقایسه گردید. اگر مقدار دی فازی شده مجموع نظر خبرگان برای گزینه‌ای برابر ۷ و یا بیشتر باشد، به‌عنوان گزینه قابل قبول شناخته شده و در غیر این صورت مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

بر این اساس در این پژوهش برای سنجش مدل پیشنهادی گزارشگری مالی تحت وب از شاخص ترکیبی موزون استفاده شده و پس از محاسبه میانگین‌های فازی نمرات افراد، سپس توسط یک مقدار قطعی که نشانگر بهترین مقدار می‌باشد، میانگین اعداد فازی مثلثی و ذوزنقه‌ای تجمیع و از بین آنها شاخص‌های بزرگتر از ۰/۷ انتخاب شده است. بر این اساس، چک لیستی حاوی شصت و دو شاخص افشای اینترنتی شامل ۸ شاخص اصلی و ۶۲ عامل محتوا تهیه شده است. شاخص سازمانی شامل ۱۴ عامل، شاخص مالی شامل ۴ عامل، شاخص اقتصادی شامل ۳ عامل، شاخص اجتماعی شامل ۶ عامل، شاخص سیاسی شامل ۷ عامل، شاخص انسانی شامل ۷ عامل، شاخص تکنولوژی شامل ۱۶ عامل و شاخص فرهنگی شامل ۵ عامل است.

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های الگو گزارشگری مالی تحت وب

مقدار فازی زدایی شده	$X_{3max}$	$X_{2max}$	$X_{1max}$	میانگین فازی	ابزار	عامل
۰/۸۳۰	۰/۸۳۰	۰/۸۲۰	۰/۸۱۱	(۰/۹۸، ۰/۸۵، ۰/۶)	شفافیت اطلاعات مالی	عامل سازمانی
۰/۷۷۵	۰/۷۷۵	۰/۷۶۵	۰/۷۵۸	(۰/۹۵، ۰/۷۹، ۰/۵۴)	بهبود ساختار مالی و گزارشگری	
۰/۷۸۵	۰/۷۸۵	۰/۷۶۸	۰/۷۶۸	(۰/۹۶، ۰/۸۲، ۰/۵۵)	بهبود قراردادهای حسابداری و پیمانکاری	
۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۴۸	(۰/۹۵، ۰/۷۷، ۰/۵۲)	سرعت انتقال اطلاعات	
۰/۷۵۱	۰/۷۵۱	۰/۷۴۳	۰/۷۳۹	(۰/۹۵، ۰/۷۴، ۰/۵۰)	مدیریت ریسک اطلاعات و فرصت‌ها	
۰/۷۵۹	۰/۷۵۹	۰/۷۵۶	۰/۷۴۱	(۰/۹۶، ۰/۸۰، ۰/۵۵)	چشم‌اندازها (سازمان، تکنولوژی، عمومی، استفاده کننده)	
۰/۷۷۹	۰/۷۷۹	۰/۷۶۳	۰/۷۵۵	(۰/۹۵، ۰/۷۱، ۰/۴۸)	افشای معاملات با اشخاص وابسته	
۰/۷۸۱	۰/۷۸۱	۰/۷۹۴	۰/۷۸۳	(۰/۹۷، ۰/۸۱، ۰/۵۶)	گزارش‌های هیئت‌مدیره با پیوند مستقیم	
۰/۷۶۸	۰/۷۶۸	۰/۷۶۲	۰/۷۵۵	(۰/۸۵، ۰/۶۴، ۰/۳۸)	تدوین رویه‌های سیستم کنترل داخلی	
۰/۷۹۷	۰/۷۹۷	۰/۸۱۸	۰/۷۹۷	(۰/۹۵، ۰/۷۹، ۰/۵۴)	تدوین برنامه نظارت بر تأمین‌کنندگان مواد اولیه	
۰/۷۷۴	۰/۷۷۴	۰/۸۳۴	۰/۸۰۲	(۰/۹۶، ۰/۸، ۰/۵۵)	نامه تفسیر مدیریت با لینک مستقیم در وب سایت	
۰/۷۰۵	۰/۷۰۵	۰/۷۵۷	۰/۷۶۹	(۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۶۱)	تشکیل کمیته تحقق و توسعه و نوآوری	
۰/۶۹۸	۰/۶۹۸	۰/۷۱۷	۰/۷۵۵	(۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۵۴)	تدوین رویه‌های حاکمیت شرکتی	
۰/۸۱۹	۰/۸۱۹	۰/۸۲۷	۰/۸۴۵	(۰/۷۵، ۰/۸۴، ۰/۹۳)	تدوین منشور اخلاقی (بیان اصول و ارزش‌های اخلاقی)	
۰/۸۶۸	۰/۸۶۸	۰/۷۴۸	۰/۷۹۴	(۰/۸۲، ۰/۷۴، ۰/۶۳)	افزایش ثروت سهامداران از طریق افشای اطلاعات	عامل مالی
۰/۸۱۴	۰/۸۱۴	۰/۷۱۴	۰/۷۵۲	(۰/۸۸، ۰/۸۵، ۰/۷۰)	کاهش هزینه‌های تأمین مالی داخلی از طریق سهامداران	
۰/۸۳۶	۰/۸۳۶	۰/۸۰۴	۰/۸۶۸	(۰/۹۵، ۰/۷۹، ۰/۵۴)	گزارش‌های حسابرسی با پیوند مستقیم	
۰/۷۵۲	۰/۷۵۲	۰/۷۹۶	۰/۸۷۴	(۰/۸۱، ۰/۷۰، ۰/۶۱)	گزارش‌های سالانه شرکت‌ها با رویکرد پایداری/مقایسه‌ای با پیوند مستقیم	

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های الگو گزارشگری مالی تحت وب

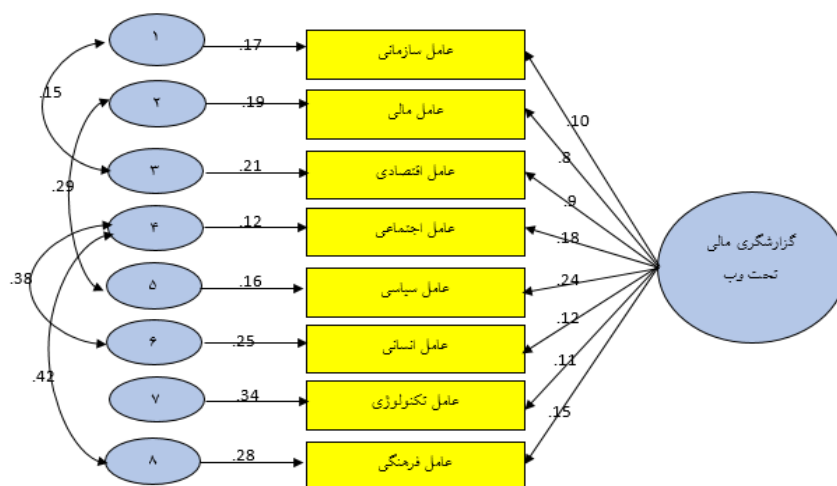
مقدار فازی زدایی شده	$X_{3max}$	$X_{2max}$	$X_{1max}$	میانگین فازی	ابزار	عامل
۰/۷۴۰	۰/۷۴۰	۰/۸۶۶	۰/۶۹۴	(۰/۷۷, ۰/۸۱, ۰/۶۹)	اطلاعات مربوط به اعتبارسنجی مشتریان	عامل اقتصادی
۰/۷۴۶	۰/۷۴۶	۰/۸۰۹	۰/۸۵۷	(۰/۹۱, ۰/۸۸, ۰/۷۳)	گزارش‌های مالی سالانه و دوره‌ای با قابلیت تغییرات لحظه‌ای با پیوند مستقیم	
۰/۸۰۹	۰/۸۰۹	۰/۸۵۵	۰/۶۷۸	(۰/۸۴, ۰/۷۲, ۰/۶۳)	کاهش هزینه‌های تأمین مالی خارجی	
۰/۷۷۷	۰/۷۷۷	۰/۸۶۱	۰/۶۹۴	(۰/۶۸, ۰/۷۹, ۰/۸۲)	کاهش هزینه‌های اطلاعاتی ذی‌نفعان	عامل اجتماعی
۰/۷۴۱	۰/۷۴۱	۰/۸۰۷	۰/۷۳۸	(۰/۹۱, ۰/۸۲, ۰/۷۵)	کمک به ذی‌نفعان از افشای اطلاعات زیست محیطی	
۰/۸۸۹	۰/۸۸۹	۰/۸۵۲	۰/۶۸۲	(۰/۸۴, ۰/۷۶, ۰/۶۸)	افزایش کارایی اطلاعات	
۰/۸۵۹	۰/۸۵۹	۰/۶۹۴	۰/۷۴۳	(۰/۶۶, ۰/۸۰, ۰/۶۸)	شفافیت بازار سرمایه	
۰/۸۶۹	۰/۸۶۹	۰/۸۳۵	۰/۷۳۰	(۰/۹۱, ۰/۸۹, ۰/۷۴)	کاهش عدم اطمینان و ریسک موجود در سرمایه‌گذاری‌ها	
۰/۹۶۳	۰/۹۶۳	۰/۹۱۵	۰/۷۱۴	(۰/۹۶, ۰/۹۰, ۰/۸۴)	اطلاعات سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی با لینک مستقیم	
۰/۶۸۱	۰/۶۸۱	۰/۸۱۳	۰/۷۲۱	(۰/۸۰, ۰/۷۷, ۰/۶۳)	کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات توسط سهامداران	عامل سیاسی
۰/۶۹۱	۰/۶۹۱	۰/۸۱۵	۰/۷۹۸	(۰/۹۵, ۰/۷۴, ۰/۸۳)	کاهش تضاد منافع	
۰/۷۶۲	۰/۷۶۲	۰/۶۹۸	۰/۷۳۱	(۰/۹۹, ۰/۸۱, ۰/۹۴)	فعالیت‌های حقوق بشر	
۰/۸۳۸	۰/۸۳۸	۰/۷۱۵	۰/۷۹۹	(۰/۹۸, ۰/۸۹, ۰/۶۸)	هدایا و خدمات به خیریه	
۰/۶۶۴	۰/۶۶۴	۰/۷۲۹	۰/۶۳۲	(۰/۸۹, ۰/۷۶, ۰/۷۳)	عضویت در نهادهای اجتماعی و فرهنگی و مذهبی	
۰/۶۹۵	۰/۶۹۵	۰/۵۷۸	۰/۶۱۰	(۰/۸۷, ۰/۷۴, ۰/۹۵)	آزادی بیان از طریق استقرار سیستم گزارش تخلفات، انتقادات و نظام پیشنهادها	
۰/۵۹۶	۰/۵۹۶	۰/۵۵۲	۰/۷۱۴	(۰/۷۸, ۰/۸۸, ۰/۸۳)	اقدامات صورت گرفته در راستای توسعه اقتصادی و خودکفایی کشور	
۰/۷۰۷	۰/۷۰۷	۰/۶۱۴	۰/۷۷۱	(۰/۸۰, ۰/۸۱, ۰/۷۶)	بهبود ارتباطات از طریق سرمایه فکری	
۰/۵۶۶	۰/۵۶۶	۰/۵۳۳	۰/۵۴۱	(۰/۸۷, ۰/۸۰, ۰/۶۹)	کار و کارکنان/ اشتغال و رویه‌های کار، اطلاعات استخدامی کارکنان	
۰/۶۴۳	۰/۶۴۳	۰/۷۳۳	۰/۵۷۵	(۰/۹۵, ۰/۶۸, ۰/۷۸)	ایجاد فرصت‌های برابر یا عدم تبعیض در انتخاب و گزینش کارکنان	
۰/۵۶۱	۰/۵۶۱	۰/۵۷۷	۰/۵۴۶	(۰/۷۸, ۰/۶۸, ۰/۸۲)	افزایش روحیه وفاداری، انگیزشی و ارتباطات کارکنان	
۰/۹۶۸	۰/۹۶۸	۰/۵۶۱	۰/۵۹۹	(۰/۸۰, ۰/۸۸, ۰/۷۵)	بازنشستگی و مزایای پایان خدمت کارکنان	
۰/۷۰۸	۰/۷۰۸	۰/۶۰۸	۰/۵۲۶	(۰/۹۰, ۰/۸۱, ۰/۸۸)	ارائه کمک برای حوادث طبیعی	
۰/۶۸۵	۰/۶۸۵	۰/۷۱۴	۰/۵۱۵	(۰/۷۵, ۰/۹۳, ۰/۶۸)	حمایت از کارکنان در جهت فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و ...	
۰/۷۴۱	۰/۷۴۱	۰/۵۴۲	۰/۶۹۴	(۰/۷۰, ۰/۷۴, ۰/۸۶)	کاهش هزینه‌های تهیه و توزیع گزارش‌های کاغذی	عامل فناوری
۰/۶۹۱	۰/۶۹۱	۰/۷۳۴	۰/۵۱۶	(۰/۹۶, ۰/۹۲, ۰/۸۵)	فایل‌های مستند قابل حمل	
۰/۸۴۳	۰/۸۴۳	۰/۵۳۱	۰/۶۰۱	(۰/۷۹, ۰/۸۷, ۰/۸۹)	زبان برنامه‌نویسی تحت وب	
۰/۶۸۲	۰/۶۸۲	۰/۵۹۶	۰/۵۸۸	(۰/۸۴, ۰/۹۱, ۰/۸۰)	فایل‌های صفحات گسترده مانند صفحات اکسل	
۰/۷۱۱	۰/۷۱۱	۰/۶۹۷	۰/۵۹۹	(۰/۸۱, ۰/۹۵, ۰/۸۳)	زبان گزارشگری مالی توسعه پذیر	
۰/۶۶۷	۰/۶۶۷	۰/۷۴۳	۰/۶۷۲	(۰/۷۹, ۰/۶۸, ۰/۸۸)	ابر پیوند	
۰/۵۲۶	۰/۵۲۶	۰/۷۳۳	۰/۵۶۶	(۰/۸۲, ۰/۹۷, ۰/۹۳)	خصوصیات کیفی مرتبط با کارایی و اثربخشی اطلاعات	
۰/۵۴۸	۰/۵۴۸	۰/۷۳۹	۰/۷۱۷	(۰/۹۱, ۰/۸۱, ۰/۸۸)	خصوصیات کیفی اطلاعات مرتبط با ارائه اطلاعات	
۰/۵۱۹	۰/۵۱۹	۰/۵۸۵	۰/۶۰۴	(۰/۹۱, ۰/۸۴, ۰/۶۸)	خصوصیات کیفی مرتبط با پاسخگویی	
۰/۹۱۴	۰/۹۱۴	۰/۶۲۰	۰/۶۲۸	(۰/۹۱, ۰/۸۵, ۰/۸۸)	سامانه اطلاعاتی با قابلیت Filling	
۰/۷۲۱	۰/۷۲۱	۰/۶۴۱	۰/۵۸۴	(۰/۸۴, ۰/۷۵, ۰/۷۸)	امکان پردازش ابری	
۰/۷۰۴	۰/۷۰۴	۰/۵۲۳	۰/۶۶۷	(۰/۶۹, ۰/۸۳, ۰/۹۲)	قابلیت گزارش چندگانه	
۰/۷۳۶	۰/۷۳۶	۰/۷۷۱	۰/۶۸۸	(۰/۹۳, ۰/۸۷, ۰/۹۰)	ویژگی‌های فنی و استقرار نظام یکپارچه	
۰/۵۴۷	۰/۵۴۷	۰/۶۹۸	۰/۶۴۷	(۰/۹۸, ۰/۸۲, ۰/۹۷)	قابلیت کاربری و پشتیبانی	
۰/۷۷۹	۰/۷۷۹	۰/۶۱۴	۰/۵۲۵	(۰/۹۱, ۰/۹۴, ۰/۸۱)	به‌کارگیری نرم افزارهای تحت وب (هوشمند)	
۰/۷۱۵	۰/۷۱۵	۰/۶۱۱	۰/۴۱۸	(۰/۷۰, ۰/۸۹, ۰/۸۶)	قابلیت ابر پیوند	

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های الگو گزارشگری مالی تحت وب

مقدار فازی زدایی شده	$X_{3max}$	$X_{2max}$	$X_{1max}$	میانگین فازی	ابزار	عامل
۰/۶۳۱	۰/۶۳۱	۰/۵۱۲	۰/۴۴۱	(۰/۷۸، ۰/۹۶، ۰/۹۴)	ارتقا فرهنگ دوستی با محیط زیست	فرهنگ انسانی سیاسی
۰/۴۷۱	۰/۴۷۱	۰/۸۸۶	۰/۹۱۴	(۰/۹۷، ۰/۷۲، ۰/۸۰)	فعالیت‌های آموزشی، سلامت و بهداشت جامعه	
۰/۶۷۵	۰/۶۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۶۳	(۰/۸۶، ۰/۷۴، ۰/۶۹)	فعالیت‌های فرهنگی آموزشی و پژوهشی و برنامه‌ریزی محیط زیست	
۰/۸۰۵	۰/۸۰۵	۰/۹۶۴	۰/۷۱۴	(۰/۸۵، ۰/۷۴، ۰/۷۱)	اهم اقدامات انجام شده در راستای تحقق شعارهای ملی	
۰/۹۱۴	۰/۹۱۴	۰/۵۱۲	۰/۶۳۳	(۰/۷۰، ۰/۹۵، ۰/۷۴)	همکاری با سازمان‌ها در راستای تدوین استانداردهای محیط زیستی	

### اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری

پس از تعیین الگوی مفهومی و گردآوری داده‌های پژوهش، مهم‌ترین مرحله مدل‌سازی، اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری می‌باشد. بررسی اعتبار مدل نیز با استفاده از معیارهای نیکویی برازش انجام می‌گردد. شکل ۱ مدل اصلاح‌شده برای اندازه‌گیری شاخص گزارشگری مالی تحت وب را نشان می‌دهند.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری اصلاح‌شده گزارشگری مالی تحت وب

### مدل نهایی اندازه‌گیری شاخص گزارشگری مالی تحت وب

در نهایت مدل نهایی اندازه‌گیری شاخص گزارشگری مالی تحت وب به شرح زیر می‌باشد:

$$FRWL - Index_{it} = 0.031 P_1 + 0.046 P_2 + 0.208 P_3 + 0.127 P_4 + 0.012 P_5 + 0.059 P_6 + 0.178 P_7 + 0.425 P_8 \quad \text{مدل (۱)}$$

که در این مدل  $P_i$  عامل استاندارد شده شاخص‌های محاسبه گزارشگری مالی تحت وب می‌باشد.  $FRWL - Index$ : شاخص گزارشگری مالی تحت وب؛  $P_1$ : شاخص سازمانی؛  $P_2$ : شاخص مالی؛  $P_3$ : شاخص اقتصادی؛  $P_4$ : شاخص اجتماعی؛  $P_5$ : شاخص سیاسی؛  $P_6$ : شاخص انسانی؛  $P_7$ : شاخص تکنولوژی؛  $P_8$ : شاخص فرهنگی

## آمار توصیفی متغیرها

جدول ۲، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
بازده شرکت	۰/۲۴۲	۰/۲۳۱	۰/۳۵۰	-۰/۷۸۲	۲/۷۱۱
اجتناب مالیاتی	۰/۱۵۰	۰/۱۱۸	۰/۱۶۱	-۰/۱۳۳	۰/۷۳۰
اندازه شرکت	۱۲/۹۱۵	۱۲/۷۱۳	۰/۶۶۸	۱۰/۳۲۸	۱۴/۹۷۴
اهرم مالی	۰/۶۴۳	۰/۶۱۳	۰/۱۶۱	۰/۳۳۸	۱/۸۵۱
فرصت‌های رشد	۰/۵۹۲	۰/۵۹۷	۰/۲۰۴	۰/۰۵۴	۰/۹۶۴

جدول فوق آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین متغیر اجتناب مالیاتی (۰/۱۵۰) است که حاکی از آن است که به طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. این موضوع را می‌توان از اختلاف بیشینه و کمینه معیار اجتناب مالیاتی نیز ملاحظه نمود. همچنین میانه متغیر بازده سهام در شرکت حاکی از آن است که نیمی از شرکت‌ها بیشتر از مقدار (۰/۲۳۱) بازدهی حاصل کرده‌اند و نیمی دیگر کمتر از این میزان بازده کسب نموده‌اند.

## آزمون تأثیر مدل بومی گزارشگری مالی تحت وب بر اجتناب مالیاتی

از آنجایی که یکی از عمده‌ترین مشکلات که در رگرسیون سری‌های زمانی ممکن است رخ دهد، پدیده رگرسیون ساختگی می‌باشد لذا برای رفع این مشکل از آزمون مانایی لوین، لین و چو (LLC) و آیم، پسران و شین (IPS) برای متغیرهای پژوهش شده است. نتایج این آزمون حاکی از آن است که مقدار این آماره برای هر یک از متغیرها معنادار بوده، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرها رد می‌شود. به بیان دیگر، مانایی داده‌ها تأیید می‌گردد. همچنین قبل از تخمین مدل لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص شود. برای این منظور از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به اینکه احتمال F لیمر مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین برای تخمین تمام مدل‌ها از روش تابلویی استفاده می‌شود. از سویی، نتایج آزمون هاسمن برای مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا جهت تخمین مدل از روش اثرهای ثابت استفاده شده است.

با توجه به بخش آماره‌های موزون برآورد مدل در جدول ۳ مشخص می‌شود که آماره F و سطح معناداری آن بیانگر معنادار بودن رگرسیون است (مقدار آماره F بزرگ‌تر از مقدار بحرانی و معناداری آن زیر سطح خطای ۰/۰۵ است). همچنین آماره دوربین و اتسون حاکی از عدم خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش است. بر اساس نتایج بدست آمده از متغیر شاخص گزارشگری مالی تحت وب باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود که منجر به شفافیت گزارشگری مالی نیز خواهد شد. سایر متغیرهای کنترلی پژوهش نیز با اجتناب از مالیات شرکت رابطه معناداری دارند.

جدول ۳. آزمون فرضیه اول پژوهش

$$ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 WFR - Index_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 GROWTH_{i,t} + Firm\ Fixed\ Effects + Year\ Fixed\ Effects + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی				متغیر
احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۰۰	۱۴/۸۶۰	۰/۰۱۲	۰/۱۹۳	ضریب ثابت
۰/۰۰۱	-۳/۳۹۰	۰/۱۳۱	-۰/۴۴۵	شاخص گزارشگری مالی تحت وب
۰/۰۰۲	۳/۱۷۱	۰/۰۵۳	۰/۱۷۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۱	۳/۲۸۴	۰/۰۰۸	۰/۰۲۷	اهرم مالی
۰/۰۰۰۸	۲/۶۷۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	فرصت‌های رشد
	کنترل شد			اثر سال- شرکت
	کنترل شد			اثر سال- صنعت
	۰/۶۱۲			ضریب تعیین
	۰/۵۹۳			ضریب تعیین تعدیل‌شده
	۲/۲۴۱			دوربین- واتسون
	۱۶/۷۱۵			آماره F
	۰/۰۰۰			احتمال (آماره F)

با توجه به بخش آماره‌های موزون برآورد مدل در جدول ۴ مشخص می‌شود که آماره F و سطح معناداری آن بیانگر معنادار بودن رگرسیون است (مقدار آماره F بزرگ‌تر از مقدار بحرانی و معناداری آن زیر سطح خطای ۰/۰۵ است). همچنین آماره دوربین واتسون حاکی از عدم خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش است.

جدول ۴. آزمون فرضیه دوم پژوهش

$$SM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 WFR - Index_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 GROWTH_{i,t} + Firm\ Fixed\ Effects + Year\ Fixed\ Effects + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته: کارایی بازار سهام				متغیر
احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۰۰۰	۵/۲۲۰	۰/۱۶۶	۰/۸۶۹	ضریب ثابت
۰/۰۲۷۵	۲/۱۵۳	۰/۳۱۹	۰/۶۸۷	شاخص گزارشگری مالی تحت وب
۰/۰۰۱	۲/۹۸۱	۰/۰۸۲۰	۰/۲۴۵	اندازه شرکت
۰/۰۰۱	۳/۱۸۸	۱/۶۲۲	۵/۱۷۲	اهرم مالی
۰/۰۰۱	۳/۱۰۷	۰/۱۳۶	۰/۴۲۲	فرصت‌های رشد
	کنترل شد			اثر سال- شرکت
	کنترل شد			اثر سال- صنعت
	۰/۵۴۳			ضریب تعیین
	۰/۵۲۸			ضریب تعیین تعدیل‌شده
	۲/۱۱۲			دوربین- واتسون
	۱۸/۳۲۹			آماره F
	۰/۰۰۰			احتمال (آماره F)



بر اساس نتایج بدست آمده از متغیر شاخص گزارشگری مالی تحت وب باعث افزایش کارایی بازار سهام می‌شود که از طریق گزارشگری مالی تحت وب، شفافیت اطلاعات بیشتر و عدم تقارن اطلاعات کاهش یافته و از این طریق سرمایه‌گذاران نیز با تصمیمات درست و منطقی در سهام شرکت‌ها سرمایه‌گذاری خواهند کرد. سایر متغیرهای کنترلی پژوهش نیز با اجتناب از مالیات شرکت رابطه معناداری دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

روند پر سرعت و شتابنده تحولات رخ داده در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به ویژه اینترنت، تمامی ابعاد زندگی جوامع بشری را تحت تأثیر قرار داده به گونه‌ای که این موضوع در حوزه حسابداری، منجر به خلق عنوان گزارشگری مالی تحت وب گردیده و گزارشگری مالی و غیرمالی را وارد مرحله نوینی نموده است و آثار و پیامدهای اجرای آن موضوعات مختلف این حوزه از جمله بازده و اجتناب مالیاتی را نیز در بر می‌گیرد.

در پژوهش حاضر ابتدا در مرحله اول با مروری بر ادبیات نظری تحقیق و انجام مصاحبه با خبرگان مالی، با استفاده از روش دلفی فازی، به شناسایی شاخص‌ها و ارائه مدل بومی گزارشگری مالی تحت وب در ایران پرداخته شد. بر اساس یافته‌ها، مدل ارائه شده مشتمل بر هشت شاخص سازمانی، مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، انسانی، تکنولوژی و فرهنگی و ۶۲ عامل محتوا است و توسط خبرگان تایید شده است. همچنین در مدل پیشنهادی، شاخص‌های سازمانی، مالی، اقتصادی و انسانی در سطح شرکت، شاخص‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه و شاخص تکنولوژی در سطح تولیدکنندگان نرم‌افزاری تقسیم‌بندی شده است. بکارگیری این شاخص‌ها در سطح سازمان می‌تواند منجر به بهبود وضعیت گزارشگری مالی برای استفاده‌کنندگان از این صورت‌های مالی گردد.

در مرحله دوم پژوهش، پس از ارائه مدل بومی شاخص گزارشگری مالی تحت وب به ارائه تأثیر این مدل بر دو متغیر اجتناب مالیاتی بر اساس فرضیه اول پژوهش و بازار سهام بر اساس فرضیه دوم در بین ۱۶۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۹ پرداخته شد.

نتایج بدست آمده از فرضیه اول، حاکی از آن است که مدل بومی ارائه شده گزارشگری مالی تحت وب منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌گردد که می‌توان نتیجه را این گونه مورد استدلال قرار داد که گزارشگری مالی تحت وب از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعات بین دو طرف مالیات دهندگان شرکت و سازمان امور مالیاتی، باعث کاهش اجتناب از مالیات شرکت توسط مدیران خواهد شد و مهمتر از همه گزارشگری مالی تحت وب، درک و مقایسه گزارشگری مالی را ارتقا می‌دهد. بنابراین، گزارشگری مالی تحت وب باعث کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعات شده و امکان نظارت بهتر مالیاتی و در نتیجه کاهش اجتناب مالیاتی را فراهم می‌آورد. نتیجه حاصله با یافته‌های پژوهش ساراقی و علی (۲۰۲۲) والتون و همکاران (۲۰۲۱) همسو است.

یافته‌های بدست آمده بر اساس فرضیه دوم پژوهش، نیز نشان داد که گزارشگری مالی تحت وب بر بازار سهام تأثیرگذار است. چرا که به موقع بودن و میزان افشای دوطلبانه، دو سازوکار اساسی شفافیت اطلاعاتی هستند و افشای داوطلبانه اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات و تعارض نمایندگی شده و مدیران را از رفتارهای فرصت‌طلبانه باز می‌دارد. ضمن اینکه افشای قابل اعتماد و شفافیت اطلاعات شرکت منجر به اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران شده و

عدم اطمینان و ریسک سرمایه‌گذاران را با توجه به عملکرد آتی شرکت کاهش می‌دهد که به نوبه خود باعث افزایش تقاضا برای سهام شرکت می‌شود و نقدینگی بازار را نیز افزایش خواهد داد. لذا بر همین اساس گزارشگری مالی تحت وب، کیفیت اطلاعات افشا شده را تضمین می‌کند و به کاربران اجازه می‌دهد به اطلاعات ارسال شده اعتماد کنند. هرچه کیفیت اطلاعات بالاتر باشد، حاکمیت شرکتی قوی‌تر و عدم تقارن اطلاعات کمتری در شرکت وجود دارد و مدیران انگیزه کمتری برای پنهان‌سازی اطلاعات خواهند داشت که در نتیجه این امر باعث افزایش کارایی بازار سهام نیز شرکت می‌شود. یافته‌های بدست آمده با پژوهش‌های ساسی و همکاران (۲۰۲۱)، کارمیر و همکاران (۲۰۲۲) همسو است.

در همین راستا پژوهش حاضر نیز پیشنهاد می‌کند که به منظور کاهش زمینه بروز اجتناب مالیاتی در شرکتها و جلوگیری از آثار آن در گزارشگری مالی، قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری با رویکرد تطابق بیشتر بازنگری شوند؛ چرا که عدم تطابق بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی به شرکتها اجازه می‌دهد در یک دوره گزارشگری، درآمدها را برای مقاصد گزارشگری مالی رو به بالا و برای مقاصد مالیاتی رو به پایین گزارش کنند و همین مسئله باعث ایجاد مشکلات شفافیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در پژوهشی مجزا آثار مدل ارائه شده بر بازدهی سهام، را با درنظر گرفتن دوران تورم و رکود مورد بررسی قرار دهند. همچنین در پژوهش‌های آتی به بررسی تاثیر نوسانات نرخ تورم و متغیرهای کلان اقتصادی بر رابطه بین مدل با بازدهی سهام و اجتناب از مالیات مورد بررسی قرار دهند.

در استفاده و تفسیر یافته‌های این پژوهش با توجه به اینکه حجم نمونه نسبتاً کوچک و در بازه زمانی محدود مورد بررسی قرار گرفته، در تعمیم نتایج به دوره‌های دیگر و سایر شرکتها باید احتیاط کرد. ضمن اینکه نتایج حاصل از این پژوهش به پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شده و به مطالعات انجام شده در زمینه بورس اوراق بهادار تهران محدود است.

### فهرست منابع

احمدی لویه، افشین، نیکومرام، هاشم، و بنی مهد، بهمن. (۱۴۰۰). حق انتخاب حسابرس و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۰(۳۸)، ۱-۱۶.

[https://www.jmaak.ir/article\\_17543.html](https://www.jmaak.ir/article_17543.html)

حصاری، جواد، و سعیدی، هادی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین افشای داوطلبانه زبان گزارشگری مالی توسعه پذیر و ارزش‌گذاری بازار سهام و نقش حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ۱(۱)، ۵۴-۳۷. doi: 10.30495/afi.2021.1921144.1008

رحیمی کاکلکی مینا، بنی طالبی دهکردی، بهاره، و پیک فلک، جمشید. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر رعایت اخلاق حرفه‌ای

حسابداران. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۲(۱)، ۷۵-۸۷. <https://ethicsjournal.ir/article-1-537-fa.html>

رهنمای رودپشتی، دیانتی دیلمی، و فخاری، فاطمه السادات. (۲۰۱۸). نرخ مؤثر مالیاتی نقدی معیار سنجش اجتناب مالیاتی یا مدیریت سود افزایشی؟. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷(۴)، ۹۳-۱۱۶. doi: 10.22051/jera.2017.2802.

داروغه حضرتی، فاطمه، تفتیان، اکرم و معین الدین، محمود. (۱۴۰۰). واکاوی عوامل مؤثر بر اقلام محتوایی گزارشگری یکپارچه مبتنی بر وب با رویکرد شهروند شرکتی. *حسابداری مدیریت*، ۱۴(۵۰)، ۸۳-۱۰۰. doi: 10.30495/JMA.2021.19290

عاطفی، مرجان، و برزگر، الهه. (۱۳۹۶). رابطه اخلاق پولی و ادراک اخلاقی دانشجویان حسابداری با درک اقدامات تردید آمیز. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۲(۱۲)، ۱۱۷-۱۲۶. <http://ethicsjournal.ir/article-1-618-fa.html>

عزیزخانی، مسعود، ایمانی برندق، محمد و مردانی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر زبان گزارشگری مالی گسترش پذیر (XBRL) بر حسابرسی: فرصت یا چالش. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱(۵)، ۳۷-۲۳. doi: 10.22051/jera.2015.2001

فخاری حسین، و طهماسبی خورنه، سعید. (۱۳۹۵). بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات با استفاده از سیستم معادلات همزمان (3SLS). *پژوهشنامه مالیات*، ۳۲(۲۴)، ۱۲۵-۱۴۴. <http://taxjournal.ir/article-1-1041-fa.html>

محمدزاده سالطه، حیدر، و آزادپور، محمد. (۲۰۱۷). تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اجتناب مالیاتی. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۵(۲۵)، ۱۸۰-۲۰۱. <http://taxjournal.ir/article-1-922-fa.html>

مستانه اکبر، و پاک مرام، عسگر. (۱۳۹۵). نقش سهامداران نهادی در رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۱(۲۴)، ۱۴۵-۱۷۴. <http://taxjournal.ir/article-1-985-fa.html>

مکوندی، سارا، بنی طالبی دهکردی، بهاره، و جعفری، حمیدرضا. (۱۴۰۲). ارائه الگویی برای سنجش اجرای گزارشگری مالی تحت وب. *فصلنامه مهندسی مدیریت نوین*، ۹(۴)، ۷۸-۵۲. doi: 10.30495/jmemiau.2024.708482

مکوندی، سارا، بنی طالبی دهکردی، بهاره، جعفری، حمیدرضا. (۱۴۰۲). تأثیر اجرای گزارشگری مالی تحت وب بر مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده هزینه نمایندگی. *توسعه و سرمایه*، ۸(۲)، ۱۱۳-۱۲۹. doi: 10.22103/jdc.2022.19955.1279

ناظمی اردکانی، مهدی، عارف منش، زهره و دهقان دهنوی، سمیه. (۱۳۹۸). تأثیر گزارشگری مالی اینترنتی بر ارزش شرکت. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۲)، ۳۲۳-۳۵۰. doi: 10.22051/jera.2018.18280.1877

نوبخت، مریم و نوبخت، یونس. (۱۳۹۹). تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری ارزش شرکت: جریان نقد آزاد برای واحد تجاری و جریان نقد آزاد ناشی از کسب و کار. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۸)، ۹۷-۱۱۹. doi: 10.22054/qjma.2021.52938.2159

نوروزی، محمد؛ آذین فر، کاوه؛ عباسی، ابراهیم و داداشی، ایمان. (۱۳۹۹). طراحی مدل و ارزیابی نقش تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی. *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۲(۱)، ۱-۱۸. doi: 10.22108/FAR.2019.116175.1433

- Ahmadi louyeh, A., Nikoomaram, H., & Banimahd, B. (2021). The Right of Auditor's Choice and Tax Avoidance Based on Glaser's Choice Theory. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 10(38), 1-16. [https://www.jmaak.ir/article\\_17543.html](https://www.jmaak.ir/article_17543.html) [In Persian]
- Atefi, M., Barzegar, E. (2017). Relationship between Money Ethics & Ethical Perception of Accounting Students with Understanding the Questionable Actions. *Ethics in Science and Technology*, 12(2), 117-126. <http://ethicsjournal.ir/article-1-618-fa.html> [In Persian]
- Azizkhani, M., Imani Barandagh, M., & Mardani, H. (2015). The Impact of XBRL on Auditing: A Treat of Challenge or Opportunity. *Empirical Research in Accounting*, 5(1), 23-37. doi: 10.22051/jera.2015.2001 [In Persian]
- Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. *The Accounting Review*, 94(1), 45-69. doi: 10.2308/accr-52130
- Birt, J. L., Muthusamy, K., & Bir, P. (2017). XBRL and the qualitative characteristics of useful financial information. *Accounting Research Journal*, 30(01), 107-126. doi: 10.1108/ARJ-11-2014-0105
- Charitou, A., Floropoulos, N., Karamanou, I., & Loizides, G. (2018). Non-GAAP earnings disclosures on the face of the income statement by UK firms: the effect on market liquidity. *The International Journal of Accounting*, 53(3), 183-202. doi: 10.1016/j.intacc.2018.07.003
- Chen, J. Z., Hong, H. A., Kim, J. B., & Ryou, J. W. (2021). Information processing costs and corporate tax avoidance: Evidence from the SEC's XBRL mandate. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40(2), 106822. doi:10.1016/j.jaccpubpol.2021.106822
- Chong, D., Shi, H., Fu, L., Ji, H., & Yan, G. (2017). The impact of XBRL on information asymmetry: evidence from loan contracting. *Journal of Management Analytics*, 4(2), 145-158. doi: 10.1080/23270012.2017.1299047
- Cormier, D., Gutierrez, L. G., & Magnan, M. (2020). Market enforcement under different legal regimes: a comparison of France and Canada. *Journal of Management and Governance*, 24, 37-61. doi: 10.1007/s10997-019-09464-2
- Darogheh Hazrati, F., Taftiyan, A., & Moeinadin, M. (2021). An exploration of factors affecting content elements of the web-based integrated reporting with a corporate citizen approach. *Management Accounting*, 14(50), 83-100. doi: 10.30495/jma.2021.19290 [In Persian]
- Doolin, B., & Troshani, I. (2007). Organizational adoption of XBRL. *Electronic Markets*, 17(3), 199-209. doi: 10.1080/10196780701503195
- Du, H., & Wu, K. (2018). XBRL mandate and timeliness of financial reporting: do XBRL filings take longer?. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 15(1), 57-75. doi:10.2308/jeta-52094
- Fakhari, H., & Tahmasebi Khome, S. (2017). An Investigation of the Correlation between Tax Avoidance and Disclosure Quality in the Listed Companies of Tehran Stock Exchange (TSE) by the Simultaneous Equation Method (3SLS). *Journal of Tax Research*, 24(32), 125-144. <http://taxjournal.ir/article-1-1041-fa.html> [In Persian]
- Gnangnon, S. K. (2020). Internet and tax reform in developing countries. *Information Economics and Policy*, 51, 100850. doi: 10.1016 /j.infoecopol. 2020. 100850
- Goh, B. W., Lee, J., Lim, C. Y., & Shevlin, T. (2016). The effect of corporate tax avoidance on the cost of equity. *The Accounting Review*, 91(6), 1647-1670. doi: 10.2308/accr-51432
- Hesari, J., & Saeidi, H. (2020). Investigating The Relationship between XBRL Voluntary Disclosure and Stock Market Valuation and The Role of Corporate Governance of listed companies in Tehran Stock Exchange (TSE). *Advances in Finance and Investment*, 1(1), 54-37. doi: 10.30495/afi.2021.1921144.1008 [In Persian]

- Hoitash, R., & Hoitash, U. (2018). Measuring accounting reporting complexity with XBRL. *The Accounting Review*, 93(1), 259-287. doi: 10.2308/accr-51762
- Janvrin, D. J., & No, W. G. (2012). XBRL implementation: A field investigation to identify research opportunities. *Journal of Information Systems*, 26(1), 169-197. doi: 10.2308/isys-10252
- Johnston, J. (2020). Extended XBRL tags and financial analysts' forecast error and dispersion. *Journal of Information Systems*, 34(3), 105-131. doi: 10.2308/ISYS-16-013
- Kim, J. B., Li, B., & Liu, Z. (2019). Information-processing costs and breadth of ownership. *Contemporary Accounting Research*, 36(4), 2408-2436. doi: 10.1111/1911-3846.12451
- Li, S., & Nwaeze, E. T. (2018). Impact of extensions in XBRL disclosure on analysts' forecast behavior. *Accounting Horizons*, 32(2), 57-79. doi: 10.2308/acch-52034
- Liu, C., Luo, X. R., & Wang, F. L. (2017). An empirical investigation on the impact of XBRL adoption on information asymmetry: Evidence from Europe. *Decision Support Systems*, 93, 42-50. doi: 10.1016/j.dss.2016.09.004
- Makvandi, S., Banitalebi Dehkordi, B., & Jaafari, H. R. (2024). A model for measuring the performance of web financial reporting. *Journal of Modern Management Engineering*, 9(4), 52-78. doi: 10.30495/jmemiau.2024.708482 [In Persian]
- Makvandi, S., Banitalebi Dehkordi, B., & Jafari, H. R. (2023). The effect of implementing web-based financial reporting model on earnings management emphasizing the moderating role of agency costs. *Journal of Development and Capital*, 8(2), 113-129. doi: 10.22103/jdc.2022.19955.1279 [In Persian]
- Mastaneh, A., & Pakmaram, A., (2016). The Role of Organizational Shareholders in Relationship between Disclose Quality and Tax. *Journal of Tax Research*, 24(31), 145-174. <http://taxjournal.ir/article-1-985-fa.html>. [In Persian]
- Mohammadzadeh Salteh, H., Azadi, M., (2017). The impact of factors related to the confidentiality costs on the quality of financial reporting with an emphasis on tax avoidance. *Journal of Tax Research*, 25(35), 180-201. <http://taxjournal.ir/article-1-922-fa.html>. [In Persian]
- Mousa, R. (2016). The evolution of electronic filing process at the UK's HM Revenue and Customs: The case of XBRL adoption. *eJournal of Tax Research*, 14(1), 206-234.
- Nazemi Ardakani, M., aref manesh, Z., & Dehghan Dehnavi, S. (2019). Internet Financial Reporting and Firm Value. *Empirical Research in Accounting*, 9(2), 323-350. doi: 10.22051/jera.2018.18280.1877 [In Persian]
- Nobakht, M., & Nobakht, Y. (2020). The impact of tax avoidance on accounting criteria of firm value: free cash flow to the firm and free cash flow from the business. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 17(68), 97-119. doi: 10.22054/qjma.2021.52938.2159. [In Persian]
- Norouzi, M., Azinfar, K., Abbasi, E., & Dadashi, I. (2020). Modeling the Moderating Role of Management Ability in the Relationship between Financial Reporting Readability and Agency Cost. *Financial Accounting Research*, 12(1), 1-18.1-18. doi: 10.22108/far.2019.116175.1433 [In Persian]
- Qin, J., Lin, J., & Xin, Y. (2023). Corporate tax avoidance: The impact of performance above aspiration and CEO experience. *Asia Pacific Journal of Management*, 1-31. doi: 10.1007/s10490-023-09912-6
- Rahimi Kakolaki M, Banitalebi Dehkordi B, & Peikfalak J. (2017). Effective Factors on Performing Professional Ethics by Accounts. *Ethics in science and Technology*, 12(1), 75-87. <https://ethicsjournal.ir/article-1-537-fa.html>
- Rahnamay Roodposhti, F., Dianati Deilami, Z., & Fakhari, F. S. (2018). Cash Effective Tax Rate as a Criterion of Tax avoidance or Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 7(4), 93-116. doi: 10.22051/jera.2017.2802. [In Persian]

- Rixen, T. (2011) Tax Competition and Inequality: The Case for Global Tax Governance. *Global governance*, 4(17), 447-467.
- Samarghandi, H., Askarany, D., & Dehkordi, B. B. (2023). A Hybrid Method to Predict Human Action Actors in Accounting Information System. *Journal of Risk and Financial Management*, 16(1), 37. doi: 10.3390/jrfm16010037
- Saragih, A. H., & Ali, S. (2022). The effect of XBRL adoption on corporate tax avoidance: empirical evidence from an emerging country. *Journal of Financial Reporting and Accounting*. doi:10.1108/JFRA-09-2021-0281
- Sassi, W., Othman, H. B., & Hussainey, K. (2021). The impact of mandatory adoption of XBRL on firm's stock liquidity: a cross-country study. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 19(2), 299-324. doi: 10.1108/JFRA-07-2020-0207
- Shan, Y. G., & Troshani, I. (2021). Digital corporate reporting and value relevance: evidence from the US and Japan. *International Journal of Managerial Finance*, 17(2), 256-281. doi: 10.1108/IJMF-01-2020-0018
- Talebna, G., & Dehkordi, B. B. (2012). Study of relation between effectiveness audit and management audit. *GSTF Business Review (GBR)*, 2(1), 92. doi: 10.5176/2010-4804\_2.3.224
- Vasarhelyi, M. A., Chan, D. Y., & Krahel, J. P. (2012). Consequences of XBRL standardization on financial statement data. *Journal of Information Systems*, 26(1), 155-167. doi: 10.2308/isys-10258
- Walton, S., Yang, L., & Zhang, Y. (2021). XBRL tag extensions and tax accrual quality. *Journal of Information Systems*, 35(2), 91-114. doi: 10.2308/ISYS-19-054
- Wen, W., Cui, H., & Ke, Y. (2020). Directors with foreign experience and corporate tax avoidance. *Journal of Corporate Finance*, 62, 101624. doi: 10.1016/j.jcorpfin.2020.101624
- Yoon, H., Zo, H., & Ciganek, A. P. (2011). Does XBRL adoption reduce information asymmetry?. *Journal of Business Research*, 64(2), 157-163. doi: 10.1016/j.jbusres.2010.01.008

## Characteristics of the audit committee and auditor opinion shopping

Kazem Shamsadini<sup>1</sup>, Ahmadsadegh Soltaninejad<sup>2</sup>, Hamze Zade Deh Balaei<sup>2</sup>

Received: January 11, 2024

Accepted: February 12, 2024

### Abstract

**Purpose:** Agency theory emphasizes the role of the audit committee in assuring shareholders and reducing agency problems. The audit committee is a corporate governance mechanism that, if effective, minimizes suspicious audit changes that signal the purchase of the auditor's opinion. The purpose of this research is to investigate the relationship between the existence of audit committee in companies and its characteristics (independence, expertise and size) and the purchase of auditor's opinion.

**Methodology:** In order to test the hypotheses, the data of 135 companies for the period 2005 to 2021 and 2013 to 2021 have been used for different hypotheses. To test the first hypothesis, the t-test was used, and the second, third, and fourth hypotheses were using the logistic model.

**Findings:** The results of the first hypothesis test showed that the purchase of comments has decreased during the period when the audit committee was formed in the companies. Also, there is a negative and significant relationship between the independence and expertise of the members and the purchase of the auditor's opinion, but there is no significant relationship between the size of the committee and the purchase of the opinion.

**Originality:** This research opened a new window of audit related discussions to the researchers and was conducted for the first time in Iran.

**Keywords:** Audit committee, auditor opinion shopping, characteristics of the audit committee, suspicious change of auditor

**JEL Classification:** M42

---

1. Associate Professor of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. (Corresponding Author). (kshams@uk.ac.ir)

2. MSc of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

**Cite this paper:** Shamsadini, K., Soltaninejad, A., & Zade Deh Balaei, H., (2024). Characteristics of the audit committee and auditor opinion shopping. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(2), 26-45. [In Persian]

## ویژگی‌های کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر حسابرس

کاظم شمس‌الدینی<sup>۱</sup>، احمدصادق سلطانی نژاد<sup>۲</sup>، حمزه زاده ده‌بالائی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

## چکیده

**هدف:** تئوری نمایندگی بر نقش کمیته حسابرسی در اطمینان دادن به سهامداران و کاهش مشکلات نمایندگی تاکید دارد. کمیته حسابرسی یک ساز و کار حاکمیت شرکتی است که در صورت کارا بودن، تغییرهای حسابرسی مشکوک را که نشانه خرید اظهارنظر حسابرس هستند، به حداقل می‌رساند. هدف این پژوهش بررسی رابطه میان وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌ها و ویژگی‌های آن (استقلال، تخصص و اندازه) و خرید اظهارنظر حسابرس می‌باشد.

**روش‌شناسی:** به منظور آزمون فرضیه‌ها، داده‌های ۱۳۵ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ و ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ برای فرضیه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** برای بررسی فرضیه اول از آزمون تی و فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم از مدل لجستیک استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد خرید اظهارنظر در دوره‌ای که کمیته حسابرسی در شرکت‌ها تشکیل شده با کاهش مواجه بوده است. هم‌چنین، میان استقلال و تخصص اعضاء و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اما بین اندازه کمیته و خرید اظهارنظر رابطه معنی دار وجود ندارد.

**دانش‌افزایی:** این پژوهش دریچه جدیدی از بحث‌های مربوط به حسابرسی به سوی پژوهشگران باز کرد و برای اولین بار در ایران انجام شد.

**کلیدواژه‌ها:** تغییر حسابرس، خرید اظهارنظر حسابرس، کمیته حسابرسی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

۱. دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول). (kshams@uk.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

استناد: شمس‌الدینی، کاظم، سلطانی نژاد، احمدصادق، و زاده ده‌بالائی، حمزه. (۱۴۰۲). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر حسابرس. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۲)، ۴۵-۲۶.



## مقدمه

گزارش حسابرس منصفانه بودن ارائه صورت‌های مالی را تایید می‌کند و شرکت‌ها نیز تمایل به دریافت نظر حسابرسی مطلوب دارند، زیرا نظرات تعدیل شده حسابرسی می‌تواند عواقب نامطلوبی مانند کاهش ارزش سهام شرکت، کاهش مزایای مدیران شرکت مانند پاداش، برکناری مدیر، افزایش هزینه سرمایه و غیره داشته باشد (فلیک و ویلسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). بنابراین یک فرضیه بالقوه این است که مدیران شرکت‌ها برای به دست آوردن نظرات مطلوب، اقداماتی از جمله خرید اظهار نظر حسابرس را در پیش گیرند. خرید نظر حسابرسی زمانی اتفاق می‌افتد که یک شرکت با تأثیرگذاری بر حسابرس خود، نظر حسابرسی بهتری را از آنچه که کیفیت اطلاعات مالی آن را توجیه می‌کند، به دست آورد (روئیز-باربادیلو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). این‌گونه رفتار از سوی شرکت‌ها منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود و اثرات حمایتی حسابرس در جهت حمایت از منافع سرمایه‌گذاران ضعیف می‌شود (ژی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش‌های متعددی (کریشنان<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۶؛ چو و رایس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲؛ ناگل<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶؛ سیترون و تافلر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۲؛ شوارتز و منون<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲؛ مک‌کانل<sup>۹</sup>، ۱۹۸۴) اثبات کردند که تغییر مشکوک حسابرسان با خرید اظهار نظر حسابرس مطابقت دارد، زیرا در صورتی که حسابرس آن‌چه مورد نظر مدیر است را انجام ندهد و اظهار نظری مخالف خواسته مدیر نسبت به صورت‌های مالی ارائه دهد، مدیران اقدام به تغییر حسابرس خواهند کرد. کمیسیون معاملات و اوراق بهادار آمریکا (۱۹۸۸) خرید اظهار نظر حسابرس را به عنوان عملی جهت جست و جوی حسابرسی که تمایل دارد دیدگاه مطلوبی از وضعیت شرکت ارائه دهد، تعریف می‌کند. خرید اظهار نظر، شرکت را در دست‌یابی به اهداف گزارشگری خود کمک می‌کند حتی اگر موجب سلب اعتماد نسبت به گزارش‌گری مالی شود.

نقش کمیته حسابرسی در نظام راهبری شرکت، یکی از موضوعاتی است که نهادهای نظارتی بیش از پیش به آن توجه دارند. در سال‌های اخیر، نهادهای مختلفی هم‌چون کمیسیون بورس و اوراق بهادار، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام و انجمن ملی مدیران سازمان‌ها و به تبع آن‌ها، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، بر نقش کمیته حسابرسی در نظارت فعالانه بر فرآیند گزارشگری مالی و پایش ارتباط بین مدیریت واحد تجاری و حسابرس مستقل آن تأکید داشته‌اند. این دغدغه‌ها در گزارش کمیته بلوریون با عنوان افزایش اثربخشی کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها نیز عنوان شده است (گزارش کمیته بلوریون<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹).

بر اساس منشور منتشره از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۱) کمیته حسابرسی در انتخاب، تغییر یا چرخش حسابرس می‌تواند تاثیر داشته باشد و عملکرد حسابرس مستقل را ارزیابی کند. برخی پژوهش‌ها نیز تاثیر کمیته حسابرسی بر انتخاب یا تغییر حسابرس و ارزیابی عملکرد حسابرس را تایید کرده‌اند. در این راستا ابوت و پارکر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۰) نشان دادند که کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها به احتمال زیاد در هنگام انتخاب حسابرسان، یکی از

<sup>1</sup>. Fleak & Wilson

<sup>2</sup>. Ruiz-Barbadillo

<sup>3</sup>. Xie

<sup>4</sup>. Krishnan

<sup>5</sup>. Chow & Rice

<sup>6</sup>. Nagle

<sup>7</sup>. Citron & Taffler

<sup>8</sup>. Schwartz & Menon

<sup>9</sup>. McConnell

<sup>10</sup>. Blue Ribbon Committee

<sup>11</sup>. Abbott & Parker

مؤسسات بزرگ حسابرسی را انتخاب می‌کنند. کمیته حسابرسی تهدید مدیران به تغییر حسابرس را کاهش می‌دهد (ناپ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵). کارسلو و نیل<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) نشان دادند که کمیته‌های حسابرسی، تهدید مدیران به برکناری حسابرس را در شرایط پرتنش بین مدیران و حسابرس کاهش می‌دهند. کمیته حسابرسی نظارت دقیق و موثری بر تعیین و عزل حسابرس دارند و خرید اظهار نظر حسابرس را کاهش می‌دهند (آرچامبول و دی‌زورت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله اندازه، استقلال، تعداد جلسات و تخصص برای اثربخش بودن کمیته جهت انجام وظایفش ضروری است (کامیابی و بوژمهرانی، ۱۳۹۴).

آن‌گونه که به نظر می‌آید کمیته حسابرسی نقش موثری بر کنترل تغییر مشکوک حسابرسان دارد و بایستی نظارت دقیقی داشته باشد تا اطمینان حاصل کند که تغییر حسابرس منافع سهامداران را به خطر نمی‌اندازد. اگرچه تغییر حسابرس قانونی است و شرکت‌ها در عزل و نصب حسابرسان اختیار دارند اما به دلایل مختلفی از جمله خرید نظر حسابرس نگران کننده می‌باشد. تغییر حسابرسی که جهت خرید اظهار نظر حسابرس باشد ممکن است منافع سهامداران را به خطر اندازد و هزینه‌های نظارت را افزایش دهد و در نهایت واکنش منفی ارزش بازار سهام شرکت را در پی داشته باشد. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و فراهم ساختن اطمینان نسبت به صورت‌های مالی، آیا می‌تواند از خرید اظهار نظر حسابرس جلوگیری کند؟ آیا کمیته حسابرسی که کارا باشد، می‌تواند در برابر خواسته مدیر مخالفت کند؟

بررسی رابطه میان وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌ها و ویژگی‌های آن و خرید اظهار نظر حسابرس برای سهامداران اهمیت فراوانی دارد. یکی از راه‌های اعتماد سهامداران به صورت‌های مالی اظهار نظر حسابرس می‌باشد. حال اگر حسابرس گزارشی مطابق با خواسته مدیر ارائه کند، برای شرکت پیامدهای منفی دارد و سهامداران ضرر خواهند کرد. در این بین کمیته حسابرسی اثربخش به عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، احتمالاً می‌تواند از خرید اظهار نظر حسابرس و تغییر مشکوک حسابرس جلوگیری کند. انجام این پژوهش این اطمینان را به سهامداران و ذینفعان می‌دهد که اگر مدیر قصد خرید نظر حسابرس را داشته باشد، کمیته حسابرسی اثربخش، این توانایی را دارد که از اقدام فرصت طلبانه مدیر جلوگیری کند.

این پژوهش نقش کمیته حسابرسی به عنوان یک سازوکار مهم نظارت را برجسته می‌کند که می‌تواند بر خرید نظر حسابرس به واسطه تغییرهای مشکوک حسابرس تاثیر بگذارد (آرچامبول و دی‌زورت، ۲۰۰۱). هم‌چنین با ارائه یک پیوند تجربی بین خرید اظهار نظر و کمیته حسابرسی، به ادبیات حاکمیت شرکتی و حسابرسی کمک می‌کند و تحقیقات قبلی را که صرفاً در ارزیابی ارتباط بین نظرات حسابرسی و تغییرهای حسابرس با استفاده از یک رویکرد جامع برای شناسایی و ارزیابی مشکوک متمرکز بوده است، گسترش می‌دهد. نوآوری این پژوهش، بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر خرید اظهار نظر حسابرس می‌باشد. هم‌چنین این موضوع تاکنون در ایران انجام نشده است.

<sup>1</sup>. Knapp

<sup>2</sup>. Carcello & Neal

<sup>3</sup>. Archambeault & DeZoort

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس تئوری نمایندگی، حسابرسی مالی نوعی نظارت است که از جانب سهامداران جهت بررسی صحت صورت‌های مالی انجام می‌شود (چو، ۱۹۸۲). در برخی موارد تغییر حسابرسان موجه و به نفع شرکت و سهامداران می‌باشد، اما همیشه این‌گونه نیست و مواردی وجود دارد که نه تنها به نفع سهامداران نبوده، بلکه به هزینه آن‌ها است. در این‌گونه موارد مدیران اقدام به خرید اظهارنظر حسابرس خواهند کرد (آرچامبول و دی‌زورت، ۲۰۰۱). خرید نظر حسابرسی ناشی از تمایل مدیر به منظور دستیابی به اظهارنظر موردنظر می‌باشد. این تمایل ناشی از نگرانی‌هایی از جمله: اهداف گزارشگری مالی (هندریکسن و اسپابادی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱)، بازار سهام شرکت و پاداش مدیر (چو و رایس، ۱۹۸۲) می‌باشد که به مدیر این انگیزه را می‌دهد که اقدام به خرید اظهارنظر حسابرس کنند. بر اساس تئوری نمایندگی، ویلیامز<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) خاطر نشان می‌کند که مدیر حسابرسی را انتخاب می‌کند که تصویر مطلوبی از عملکرد مدیر ارائه دهد.

نقش کمیته حسابرسی در حاکمیت شرکتی طی سال‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. ولنایزر<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) نقش کمیته حسابرسی را در سه حوزه، نظارت بر حسابداری، حسابرسی و گزارشگری مالی می‌داند. به اعتقاد ولنایزر (۱۹۹۵) از کمیته حسابرسی انتظار می‌رود حسابرس را عزل یا نصب کند، بر عملکرد وی نظارت کند، محدودیت‌های حسابرس را شناسایی و هر گونه اختلاف بین حسابرس و مدیر را برطرف کند. در گزارش کمیته بلوریون (۱۹۹۹) وظیفه اصلی کمیته حسابرسی استخدام و اخراج حسابرس مستقل ذکر شده است. ماده ۳۰۴ مقررات کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (۱۹۷۸) کمیته حسابرسی شرکت‌ها را ملزم می‌کند در تغییر حسابرس نقش پیشنهاد دهنده یا تصویب کننده داشته باشند. آرچامبول و دی‌زورت (۲۰۰۱) اعتقاد داشتند، کمیته حسابرسی در مواردی که هدف از تغییر حسابرس خرید اظهارنظر باشد، مخالفت خواهند کرد و هرچه کمیته حسابرسی بزرگ‌تر، مستقل‌تر و متخصص‌تر باشد، موارد خرید اظهارنظر در شرکت‌ها کاهش می‌یابد. انتظار می‌رود کمیته حسابرسی در جهت حفظ یک‌پارچگی فرایند حسابرسی اقدام کند و به مدیر این اجازه انتخاب حسابرس مورد نظر خود و تامین منافع خود را ندهد (لنوکس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). کالبرز<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) اعتقاد داشت اعضای کمیته حسابرسی در انتخاب حسابرس تاثیر مهمی دارند. ابوت و پارکر (۲۰۰۰) این‌گونه ادعا داشتند، شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی مستقل و متخصص هستند، به احتمال زیاد حسابداری را استخدام می‌کنند که مستقل و متخصص در صنعت هستند. وجود کمیته حسابرسی از رفتار فرصت طلبانه مدیریت جلوگیری کرده و خرید اظهارنظر حسابرس را کاهش می‌دهند زیرا این اقدامات به نفع سهامداران نیست (آرچامبول و دی‌زورت، ۲۰۰۱؛ لنوکس، ۲۰۰۰). به اعتقاد دفاند و جیامبالو<sup>۶</sup> (۱۹۹۱) وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌ها سوء استفاده‌های مدیریت را کاهش می‌دهد و این اجازه را نمی‌دهند که حسابرس نظری مطابق با خواسته مدیر ارائه دهند و انتظار می‌رود رفتار مدیران را کنترل کرده و از منافع سهامداران محافظت کنند (بیسلی، ۱۹۹۶).

<sup>1</sup>. Hendrickson & Espahbodi

<sup>2</sup>. Williams

<sup>3</sup>. Wolnizer

<sup>4</sup>. Lennox

<sup>5</sup>. Kalbers

<sup>6</sup>. DeFond & Jiambalvo

وجود کمیته حسابرسی به تنهایی اثربخشی نظارت را تضمین نمی‌کند. کمیسیون ترودوی (۱۹۸۷) نیز این مسئله را یادآوری کرد. کمیته حسابرسی جهت انجام وظایفش باید آگاهی و دقت لازم را داشته باشد، بنابراین کمیسیون ترودوی (۱۹۸۷) بر اثربخشی کمیته حسابرسی تمرکز داشت و معتقد بود یک کمیته حسابرسی اثربخش می‌تواند بر خرید نظر حسابرس توسط مدیر نظارت و کنترل داشته باشد. اعضای مستقل کمیته حسابرسی از موقعیت بهتری جهت حل اختلافات بین مدیر و حسابرس برخوردارند (دی‌زورت و سالتریو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). بیسلی<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) به وجود افراد مستقل و فاقد هر گونه منافع، در شرکت‌هایی که مدیر قصد سواستفاده از منابع شرکت جهت تامین منافع خود و خرید اظهار نظر حسابرس را دارد، اعتقاد داشت. به اعتقاد او زمانی که اعضای کمیته حسابرسی به طور کامل مستقل باشند، به طور حتم در برابر خرید نظر و تغییر مشکوک حسابرس ایستادگی خواهد کرد. اما اگر اعضای کمیته مستقل نباشند، خواسته مدیر را قبول خواهند کرد. به اعتقاد دی‌زورت (۱۹۹۸) تخصص اعضا تاثیر مثبتی بر عملکرد کمیته دارد. شرکت‌هایی که در گزارشگری مالی مشکلی ندارند، اعضای کمیته حسابرسی آن‌ها از تخصص کافی برخوردار هستند (مک‌مولن و راغی‌نندان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). گزارش کمیته بلوریون (۱۹۹۶) این توصیه را برای شرکت‌ها دارد که اعضای کمیته باید همگی دارای تخصص مالی، حسابداری و حسابرسی باشند. این استدلال حاکی از آن است که اعضای متخصص کمیته درک بهتری از مسائل مربوط به تغییر حسابرس و خرید نظر حسابرس دارند. این مسئله را نیز باید در نظر داشت که تعداد اعضای کمیته بر احتمال تغییر مشکوک حسابرس توسط مدیر تاثیر دارد. کیگر و شاینر<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) با بررسی ادبیات حسابرسی و تقلب به این نتیجه رسیدند که هر چه تعداد افرادی که مسئولیت فعالیت نظارت را برعهده دارند بیشتر باشد، فرصت تقلب کاهش می‌یابد. کمیته بلوریون (۱۹۹۶) این مطلب را بیان کرد که هر چه تعداد اعضای کمیته بیشتر باشند، تغییر مشکوک حسابرس و خرید نظر حسابرس دشوارتر می‌گردد.

### پیشینه پژوهش

قدس مفیدی (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر کاهش تحریفات مالی با تاکید بر تخصص حسابرس در صنعت پرداخت. او به این نتیجه رسید که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل استقلال کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و تجربه کمیته حسابرسی) و تحریفات مالی ارتباط معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد، همچنین تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل استقلال کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و تجربه کمیته حسابرسی) و تحریفات مالی تاثیر معناداری ندارد. صفرزاده و محمدی (۱۳۹۸) اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین پیچیدگی حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی، ارتباط میان پیچیدگی حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی را تضعیف نمی‌کنند.

<sup>1</sup>. DeZoort & Salterio

<sup>2</sup>. Beasley

<sup>3</sup>. McMullen & Raghunandan

<sup>4</sup>. Kiger & Scheiner

برزرگر و همکاران (۱۳۹۷) اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای مسئولیت‌های اجتماعی را در دوره پنج ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل استقلال، اندازه، تخصص مالی و تنوع جنسیتی اعضای کمیته حسابرسی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارند. به عبارت دیگر، کمیته حسابرسی اثربخش از طریق نظارت بر فرایند گزارشگری، می‌تواند سطح افشای داوطلبانه اطلاعات مانند افشای مسئولیت اجتماعی را بهبود بخشد.

هدف پژوهش لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۶) بررسی ارتباط میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی با ارائه به موقع گزارش حسابرسی در میان ۲۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اندازه و سابقه تشکیل کمیته حسابرسی و وجود اعضای دارای تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی با کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی همراه است؛ ولی استقلال کمیته حسابرسی و تجربه اعضای کمیته حسابرسی موجب افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌گردند.

در پژوهشی عباس زاده و همکاران (۱۳۹۶) رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی را در میان ۱۳۴ شرکت، در دوره زمانی بین ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ را بررسی کردند. نتایج این پژوهش بیانگر این مطلب است که سابقه تشکیل کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد؛ ولی رابطه معناداری میان استقلال کمیته حسابرسی و خبرگی و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با حق‌الزحمه حسابرسی مشاهده نشد. کامیابی و بوژمهرانی (۱۳۹۴) در پاسخ به این سوال که آیا نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، تجربه، مدت تصدی اعضای کمیته و اندازه کمیته) و کیفیت افشا موثر می‌باشد، این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که تجربه و تصدی اعضای کمیته بر کیفیت افشا تأثیر مثبت و معناداری دارد اما بین تخصص و اندازه کمیته حسابرسی رابطه‌ای مشاهده نشد. در نهایت، نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین تجربه اعضای کمیته و کیفیت افشا تأثیر مثبتی دارد اما بر رابطه میان سایر ویژگی‌ها و کیفیت افشا تأثیری ندارد.

حاجیها و فتحی مقدم (۱۳۹۲) با بررسی رابطه میان تغییر در نوع اظهارنظر حسابرسی و تأخیر در گزارشگری مالی به این نتیجه رسیدند که تغییر (بهبود یا پیشرفت) در اظهارنظر حسابرسی با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری دارد و در حالی که متغیرهای کنترلی پژوهش شامل هزینه دعاوی حقوقی، تغییر حسابرس، تجدیدنظر یا تدوین استانداردهای حسابرسی، تصدی همزمان ریاست هیئت مدیره توسط مدیرعامل و اهرم مالی با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری دارد.

هدف از پژوهش مباشر و همکاران (۲۰۲۰) بررسی رابطه بین عناصر حاکمیت شرکتی شامل مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت، اندازه هیات مدیره و استقلال هیئت مدیره و خرید اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. به این منظور ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ انتخاب شدند و با استفاده از رگرسیون لجستیک مورد آزمایش قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین تمرکز مالکیت و خرید نظر حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین سایر متغیرهای مستقل و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

چن و ژو<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) با استفاده از نمونه‌ای از ۸۲۱ شرکت، که آرتور اندرسن را از ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ تا ۳۱ آگوست ۲۰۰۲ به عنوان حسابرس خود عزل کرده بودند، نقش کمیته حسابرسی و هیات مدیره را بر تصمیم تغییر حسابرس توسط مشتریان اندرسن بررسی کردند. آن‌ها تأثیر اندازه کمیته حسابرسی، استقلال، فعالیت، تخصص مالی، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره در زمان اخراج و انتخاب حسابرسان جانشین توسط مشتریان اندرسن را در پژوهش خود بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی مستقل‌تر، تخصص مالی بیشتر و هیات مدیره بزرگتر و مستقل، اندرسن را زودتر برکنار کردند. آن‌ها همچنین دریافتند شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی بزرگتر و فعال‌تر و همچنین هیات مدیره مستقل‌تر، بیشتر احتمال دارد که حسابرس دیگری را انتخاب کنند. آچامبول و دی‌زورت (۲۰۰۱) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا ویژگی اثربخشی کمیته حسابرسی منجر به کاهش تغییر مشکوک حسابرس (خرید اظهار نظر) می‌شود یا خیر. این محققین، فرضیه‌ها را با مدل لجستیک مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که حسابرس را به طرز مشکوکی تغییر می‌دهند: کمیته حسابرسی ندارند، اعضای کمیته استقلال و تخصص مالی کمتری دارند و اندازه کمیته حسابرسی آن‌ها کوچک است. لینوکس (۲۰۰۲) نقش کمیته حسابرسی در خرید اظهار نظر حسابرس را بررسی کرد. به اعتقاد او کمیته حسابرسی در مواجهه با رفتار خرید اظهار نظر حسابرس با قاطعیت مخالفت می‌کند. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر این مطلب است که کمیته حسابرسی در مواردی که هدف از تغییر حسابرس خرید اظهار نظر باشد، با تغییر حسابرس مخالفت خواهد کرد.

کریشنان و همکاران (۱۹۹۶) فرضیه هم‌زمانی تغییر حسابرس و نظر حسابرسی را در پژوهشی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که صدور اظهار نظر تعدیل شده، تغییر حسابرس از سوی صاحب‌کار را به دنبال دارد. شوارتز و سو<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) رابطه بین تغییر حسابرس و تاخیر گزارش حسابرس را در کشور آمریکا مورد پژوهش قرار داد و نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر می‌دهند گزارش حسابرس آن‌ها با تاخیر منتشر می‌شود.

کریشنان و استیونز<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) با بررسی این سوال که آیا بعد از تغییر حسابرس، گزارش محافظه‌کارانه‌ای از سوی حسابرس جانشین ارائه می‌شود، به این نتیجه رسید حسابرسان جانشین رفتار محافظه‌کارانه‌ای دارند که نشان دهنده موفقیت‌آمیز بودن خرید اظهار نظر حسابرس می‌باشد.

### فرضیه‌های پژوهش

بر اساس آنچه گفته شد فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول- خرید اظهار نظر حسابرس در دوره‌ای که کمیته حسابرسی تشکیل شده است نسبت به دوره‌ای که تشکیل نشده است، کاهش می‌یابد.

فرضیه دوم- بین تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی و خرید اظهار نظر حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

<sup>1</sup>. Chen & Zhou

<sup>2</sup>. Schwartz & Soo

<sup>3</sup>. Krishnan & Stephens

فرضیه سوم- بین تعداد اعضای متخصص (تخصص مالی، حسابداری و حسابرسی) کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه چهارم- بین اندازه کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ روش‌شناسی، از نوع شبه تجربی و پس رویدادی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، لذا نوعی تحقیق کاربردی است.

در این پژوهش ابتدا از روش کتابخانه ای برای گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق استفاده شده است. سپس اطلاعات مربوط به مباحث نظری از پایگاه‌های علمی، نشریات و مقالات خارجی و داخلی و پایان نامه‌ها جمع‌آوری گردیده و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر جهت آزمون فرضیه‌ها از سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال)، استفاده شده است. جهت مقایسه شرکت‌ها (شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی آن‌ها تشکیل شده است و شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی آن‌ها تشکیل نشده است) در فرضیه اول، از دو بازه زمانی استفاده شده است. دوره زمانی اول، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ که کمیته حسابرسی در شرکت‌ها هنوز تشکیل نشده است و دوره زمانی دوم، سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ که کمیته حسابرسی در شرکت‌ها تشکیل شده است، می‌باشد و برای فرضیه دوم، سوم و چهارم از دوره زمانی ۹ ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ استفاده گردیده است.

نمونه این پژوهش شامل داده‌های ۱۳۵ شرکت می‌باشد، که در فرضیه اول متشکل از ۹۴۵ سال-شرکت و ۱۲۱۵ سال-شرکت و در فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم نیز شامل ۱۲۱۵ سال-شرکت می‌باشد. جهت آزمون فرضیه اول از آزمون تی و فرضیه دوم، سوم و چهارم از مدل لجستیک استفاده خواهد شد. برای انتخاب نمونه پژوهش، شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌های مالی و سرمایه‌گذاری و ... بودند، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نبود و یا این‌که اطلاعات آن‌ها در دسترس نبود، از جامعه پژوهش حذف شده‌اند و در نهایت اطلاعات ۱۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### مدل پژوهش و اندازه‌گیری متغیرها

برای آزمون فرضیه اول از مدل ۱ و فرضیه دوم، سوم و چهارم از مدل ۲ به شرح زیر استفاده شد که مطابق با پژوهش انجام شده توسط آرچامبول و دی‌زورت (۲۰۰۱) می‌باشد.

رابطه (۱)

$$OPINION SHOPP = \beta_0 + \beta_1 ACEX + \beta_2 FS + \beta_3 AS + \beta_4 Exp + \beta_5 AUDTEN + \beta_6 Fee + \beta_7 ROS + \beta_8 LEV + \beta_9 MS + \varepsilon$$

رابطه (۲)

#### OPINION SHOPP

$$= \beta_0 + \beta_1 ACIND + \beta_2 ACEXP + \beta_3 ACS + \beta_4 FS + \beta_5 AS + \beta_6 Exp + \beta_7 AUDTEN + \beta_8 Fee + \beta_9 ROS + \beta_{10} LEV + \beta_{11} MS + \varepsilon$$

## متغیر وابسته

خرید اظهار نظر حسابرس (OPINION SHOPP): برای اندازه گیری خرید اظهار نظر حسابرس از شاخص ترکیبی امیری و فخاری (۱۳۹۹) به شرح زیر استفاده شد:

رابطه (۳)

*OP Shopping – Index*

$$= 0.071 OPI\text{mprovement} + 0.504 QU - \text{Remarks} - 0.357 \text{Audit Change} \\ + 0.458 \text{Tenure} + 1.032 \text{Partner Change} + 0.178 \text{AbnAuditFee} \\ \pm 0.053 \text{Aud Report Lag}$$

OP Shopping-Index شاخص ترکیبی خرید اظهار نظر حسابرس؛ OPIImprovement بهبود اظهار نظر حسابرس؛ QU-Remarks کاهش تعداد بندهای مشروط گزارش حسابرسی نسبت به سال قبل؛ Audit Change تغییر مؤسسه حسابرسی؛ Tenure دوره تصدی مؤسسه حسابرسی؛ Partner Change تغییر شریک مؤسسه حسابرسی؛ Abn Audit Fee حق الزحمه غیرعادی حسابرسی؛ Aud Report Lag تأخیر غیرمنتظره گزارش حسابرسی است. (امیری و فخاری، ۱۳۹۹).

به این صورت که ابتدا با وارد کردن داده‌ها در رابطه بالا مقدار حاصل از رابطه برای هر سال-شرکت به دست می‌آید سپس برای طبقه بندی شرکت‌ها از لحاظ خرید اظهار نظر، مشاهداتی که مقدار رابطه بالا برای آن‌ها بیش‌تر از ۰/۱۳۵ باشد، در آن‌ها خرید اظهار نظر صورت گرفته و به این مشاهدات عدد ۱ تخصیص می‌یابد و برای مشاهداتی که مقدار رابطه برای آن‌ها کمتر از ۰/۱۳۵ باشد، این گونه فرض می‌شود که خرید اظهار نظر در آن‌ها صورت نگرفته و عدد صفر به آن‌ها تخصیص می‌یابد.

## متغیرهای مستقل

وجود کمیته حسابرسی (ACExi): اگر شرکت‌ها کمیته حسابرسی داشته باشند عدد یک و اگر نداشته باشند عدد صفر. استقلال کمیته حسابرسی (ACInd): نسبت تعداد اعضای غیرموظف بر تعداد کل اعضای شرکت. تخصص کمیته حسابرسی (ACExp): نسبت تعداد افرادی که رشته تحصیلی آن‌ها حسابداری، حسابرسی و مالی باشد بر تعداد کل اعضای کمیته. اندازه کمیته حسابرسی (ACS): تعداد اعضای کمیته.

## متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (FS): لگاریتم دارایی‌های شرکت. اندازه حسابرس (AS): سازمان حسابرسی عدد یک و موسسه‌های حسابرسی عدد صفر (پزشک و پور زمانی، ۱۳۹۸)، تخصص حسابرس (Exp): برای اندازه گیری تخصص حسابرس از معیار نسبت سهم بازار مطابق با رابطه (۴) استفاده می‌شود (پالم رز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶):

مجموع دارایی‌های کل صاحبکاران موسسه حسابرسی مشخص در یک صنعت خاص

مجموع دارایی‌های صاحبکاران در آن صنعت

<sup>۱</sup>. Palmrose



و موسسه‌هایی که سهم بازارشان بیشتر از رابطه زیر باشد عدد یک و اگر کمتر باشد عدد صفر:

$$\frac{۱}{* / ۵} \text{ تعداد شرکت‌های موجود در صنعت}$$

حق‌الزحمه حسابرس (Fee): لگاریتم حق‌الزحمه حسابرس

سهم بازار شرکت (MS): فروش شرکت تقسیم بر جمع فروش صنعت.

بازده فروش (ROS): سودخالص به فروش.

تصدی حسابرس (AudTen): لگاریتم تعداد سال‌های همکاری حسابرس با صاحب‌کار.

اهرم مالی (Lev): نسبت بدهی به دارایی

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی

همان طور که در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده است، میانگین اندازه شرکت نمونه اول ۱۴/۰۸ و نمونه دوم ۱۱/۴۴۷ می‌باشد. بیشترین مدت زمان تصدی حسابرس در نمونه اول و نمونه دوم ۴ سال است. میانه حق‌الزحمه حسابرس نمونه اول نسبت به نمونه دوم افزایش یافته است. کمترین مقدار بازده فروش در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی ۰/۱۸۷- و در تمام شرکت‌های نمونه پژوهش، مقدار ۰/۱۴۴- دارد. میانگین اهرم مالی در نمونه اول با مقدار ۰/۵۹۵ و نمونه دوم با مقدار ۰/۵۵۳ نشان می‌دهد به طور میانگین ۶۰ درصد منابع مالی شرکت‌های نمونه اول و ۵۵ درصد منابع مالی شرکت‌های نمونه دوم از طریق بدهی تأمین مالی شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین
خرید اظهارنظر حسابرس	Opinion Shopp	۰/۴۳۶	۰/۴۰۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
وجود کمیته حسابرسی	ACEX	-	-	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	ACInd	۰/۴۰۸	۰/۳۳۳	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
تخصص کمیته حسابرسی	ACEXP	۰/۷۶۹	۰/۶۶۷	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه کمیته حسابرسی	ACS	۳/۰۸۱	۳/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳/۰۰۰
اندازه حسابرس	AS	-	-	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	FS	۱۴/۰۸۰	۱۳/۹۱۰	۱۶/۵۶	۱۲/۵۲
تخصص حسابرس	Exp	-	-	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	AudTen	۳/۴۲۰	۳/۰۰۰	۵/۰۰۰	۱/۰۰۰
حق‌الزحمه حسابرس	Fee	۶/۸۲۳	۶/۸۰۰	۸/۹۵	۴/۵۷۶
سهم بازار شرکت	MS	۰/۱۰۳	۰/۰۲۸	۰/۰۲۱	۰/۳۵۷
بازده فروش	ROS	۰/۱۳۷	۰/۱۱۵	۰/۵۷۱	-۰/۱۴۴
نسبت اهرم مالی	Lev	۰/۵۹۵	۰/۶۰۷	۰/۸۹۲	۰/۰۱۵

به طور میانگین در شرکت‌های نمونه انتخاب شده بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، ۴۳ درصد خرید اظهار نظر حسابرس رخ داده و در شرکت‌های نمونه انتخاب شده بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، ۳۹ درصد اظهار نظر حسابرس توسط شرکت‌ها خریداری شده و مطابق خواسته مدیران، حسابرس گزارش خود را صادر کرده است. نزدیک بودن مقادیر میانه و میانگین نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین
خرید اظهار نظر حسابرس	Opinion Shopp	۰/۳۹۷	۰/۳۷۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	FS	۱۱/۴۴۷	۱۱/۶۳۹	۱۲/۷۲۴	۹/۴۷۱
اندازه حسابرس	AS	-	-	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
تخصص حسابرس	Exp	-	-	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	AudTen	۳/۶۸۰	۳/۰۳۱	۵/۰۰۰	۱/۰۰۰
حق‌الزحمه حسابرس	Fee	۶/۰۱۵	۶/۱۱۸	۸/۶۷۳	۴/۳۴
سهم بازار شرکت	MS	۰/۱۵۲	۰/۰۳۲	۰/۳۵۱	۰/۰۱۶
بازده فروش	ROS	۰/۱۷۱	۰/۱۳۶	۰/۴۹۷	-۰/۱۸۷
نسبت اهرم مالی	Lev	۰/۵۵۳	۰/۵۵۴	۰/۶۲۷	۰/۰۱۳

### آزمون معناداری مدل‌ها

در جدول ۴ آزمون معناداری مدل فرضیه‌ها جهت بررسی مطلوبیت و قابل قبول بودن مدل رگرسیون برازش شده آورده شده است. از آزمون هاسمر - لمشو برای بررسی قدرت توضیح دهندگی مدل استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول، مقدار احتمال آماره هاسمر - لمشو در تمامی مدل‌های پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین، فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و مدل‌ها توان تبیین مطلوبی دارند. همچنین ضریب تعیین مدل‌های پژوهش که در واقع همان آماره مک فادن می‌باشد نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توان توضیح دهندگی مناسبی دارند. به علاوه، سطح معناداری آماره کای دو در تمامی مدل‌ها صفر می‌باشد که بیان‌کننده معناداری مدل‌ها و مناسب بودن مدل می‌باشد.

جدول ۳. آزمون معناداری مدل‌های پژوهش

مدل	آماره کای دو	سطح معناداری کای اسکوار	ضریب تعیین	آماره هاسمر - لمشو	سطح معناداری هاسمر - لمشو
دوم	۷۲/۷۳۰	۰/۰۰۰	۰/۵۴۰	۱۳/۹۲۱	۰/۱۷۹
سوم	۷۶/۵۱۰	۰/۰۰۰	۰/۶۴۰	۱۱/۹۰۹	۰/۱۴۵
چهارم	۷۴/۱۵۰	۰/۰۰۰	۰/۵۸۰	۱۲/۹۷۸	۰/۱۵۶

## آزمون فرضیه‌ها

## فرضیه اول

برای مقایسه شرکت‌هایی که بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ کمیته حسابرسی تشکیل نداده بودند با شرکت‌هایی که بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ کمیته حسابرسی تشکیل دادند، از آزمون  $t$  دو نمونه مستقل استفاده شد. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۳۹) در جدول ۴ می‌توان گفت تفاوت معناداری بین اختلاف میانگین شرکت‌های دوران قبل از تشکیل کمیته حسابرسی و بعد از تشکیل کمیته حسابرسی وجود دارد.

جدول ۴. یافته‌های فرضیه اول پژوهش

متغیر	نمونه ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰	نمونه ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱	اختلاف میانگین‌ها	درصد تغییرات	سطح معناداری
نمونه ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱	۴۳/۶۷۰	۴۹/۰۸۰	۵/۴۱۰	۱۱/۰۲۰	۰/۰۳۹
خرید اظهارنظر حسابرس	(۱۰/۷۶۰)	(۱۲/۴۵۰)			
نمونه ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰					

جدول ۵ یافته‌های حاصل از فرضیه دوم، سوم و چهارم را نشان می‌دهد.

جدول ۵. یافته‌های فرضیه دوم، سوم و چهارم پژوهش

## OPINION SHOPP

$$= \beta_0 + \beta_1 ACInd + \beta_2 ACExp + \beta_3 ACS + \beta_4 FS + \beta_5 AS + \beta_6 Exp + \beta_7 AudTen + \beta_8 Fee + \beta_9 ROS + \beta_{10} Lev + \beta_{11} MS + \varepsilon$$

سطح معناداری والد	آماره والد	ضریب	نماد	متغیر
۰/۰۰۰	۳/۱۷۱	۲/۰۳۴	$\beta_0$	ضریب ثابت
۰/۰۰۶	۰/۱۸۶	-۱/۶۱۹	ACIND	استقلال کمیته حسابرس
۰/۰۲۳	۰/۵۲۳	-۰/۷۴۳	ACEXP	تخصص کمیته حسابرس
۰/۳۷۶	۲/۹۳۱	۰/۶۴۷	ACS	اندازه کمیته حسابرس
۰/۳۴۱	۵/۰۱۱	۰/۸۷۰	FS	اندازه شرکت
۰/۳۳۹	۱/۷۱۱	۰/۵۸۳	AS	اندازه حسابرس
۰/۰۲۷	۱/۰۱۵	-۰/۶۶۹	AudTen	دوره تصدی حسابرس
۰/۰۳۸	۰/۲۳۱	۰/۶۵۷	Exp	تخصص حسابرس
۰/۰۰۴	۷/۳۴۵	-۰/۵۶۳	Fee	حق الزحمه حسابرس
۰/۰۰۶	۰/۵۱۴	۰/۷۴۳	MS	سهم بازار شرکت
۰/۱۲۷	۱/۸۶۱	۰/۶۳۳	ROS	بازده فروش
۰/۶۹۸	۱/۲۸۹	۳/۸۵۷	LEV	اهرم مالی

همان طور که در جدول ۶ آورده شده است، نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از این است که یک رابطه معنادار میان استقلال کمیته حسابرسی و خرید اظهار نظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی وجود رابطه منفی بین استقلال کمیته و خرید اظهار نظر حسابرس را تایید می‌کند و در نتیجه فرضیه دوم تایید می‌شود. هم‌چنین سطح معناداری (۰/۰۲۳) متغیر تخصص کمیته حسابرسی بیانگر این است که میان تخصص کمیته حسابرسی و خرید اظهار نظر حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد و علامت ضریب این متغیر نیز منفی است که حاکی از وجود یک رابطه منفی میان این دو متغیر است. بنابراین، می‌توان گفت که با افزایش تخصص کمیته حسابرسی میزان خرید اظهار نظر حسابرسی کاهش می‌یابد و فرضیه سوم تایید می‌گردد.

جدول ۶. یافته‌های فرضیه دوم، سوم و چهارم طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸

<b>OPINION SHOPP</b>							
$= \beta_0 + \beta_1 ACInd + \beta_2 ACExp + \beta_3 ACS + \beta_4 FS + \beta_5 AS + \beta_6 Exp + \beta_7 AudTen + \beta_8 Fee + \beta_9 ROS + \beta_{10} Lev + \beta_{11} MS + \varepsilon$							
متغیر	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
ضریب ثابت	۰/۲۵۰	۱/۰۵۰	۰/۴۴۰	۱/۷۶۰	۰/۹۸۰	۰/۵۷۰	-۰/۷۱۰
استقلال کمیته حسابرسی	(۰/۸۶۰)***	(۰/۹۳۰)***	(۱/۰۱۰)***	(۰/۳۷۰)***	(۰/۳۴۰)***	(۰/۱۸۰)***	(-۰/۹۵۰)***
تخصص کمیته حسابرسی	-۰/۳۹۰	-۰/۴۷۰	-۰/۴۱۰	-۰/۵۹۰	-۰/۹۵۰	-۲/۰۷۰	-۱/۲۷۰
اندازه کمیته حسابرسی	(-۳/۹۵۰)***	(-۴/۵۸۰)***	(-۴/۲۱۰)**	(-۴/۷۰۰)**	(-۰/۲۵۰)***	(-۰/۷۳۰)**	(-۰/۸۰۰)**
اندازه شرکت	-۰/۹۵۰	-۰/۹۸۰	-۰/۷۱۰	-۱/۰۶۰	-۱/۰۳۰	-۰/۹۳۰	-۰/۳۶۰
دوره تصدی حسابرس	(-۰/۷۴۰)**	(-۰/۸۶۰)**	(-۰/۶۳۰)***	(-۰/۵۸۰)***	(-۰/۶۹۰)**	(-۰/۵۱۰)**	(-۰/۵۹۰)***
حقوق الزامه حسابرس	۰/۴۱۰	-۰/۳۶۰	۱/۰۴۰	-۱/۰۶۰	۱/۰۳۰	-۱/۵۹۰	-۱/۶۱۰
سهم بازار	(۰/۹۴۰)	(-۰/۶۶۰)	(۱/۹۱۰)	(-۳/۷۹۰)	(۳/۸۵۰)	(-۰/۴۴۰)	(-۰/۹۹۰)
بازده فروش	-۰/۳۶۰	۰/۳۱۰	-۰/۳۴۰	۰/۳۰۰	۰/۳۴۰	۰/۳۱۰	۰/۳۸۰
اهرم مالی	(-۰/۹۰۰)	(-۰/۰۶۰)	(-۰/۷۱۰)	(۰/۸۸۰)	(۰/۰۵۰)	(۰/۹۴۰)	(۰/۶۱۰)
حقوق الزامه	-۰/۳۲۰	-۰/۰۴۰	-۰/۲۹۰	-۰/۸۳۰	-۰/۸۵۰	-۰/۱۷۰	-۰/۸۱۰
حسابرس	(-۰/۳۳۰)	(-۰/۶۹۰)	(-۰/۵۹۰)	(-۰/۶۱۰)	(-۰/۳۲۰)	(-۱/۹۶۰)	(-۱/۸۵۰)
تخصص حسابرس	-۰/۹۸۲	-۰/۱۱۱	-۰/۰۹۳	-۰/۲۱۴	-۰/۱۱۵	-۰/۱۱۸	-۰/۰۳۰
حق الزحمه	(-۲/۷۳۰)**	(-۴/۶۸۸)***	(-۰/۶۶۷)**	(-۰/۴۶۷)***	(-۰/۹۵۸)**	(-۱/۳۶۷)**	(-۰/۵۴۶)***
حسابرس	۰/۵۸۰	۰/۳۳۰	۲/۱۸۰	۴/۲۲۰	۱/۰۱۰	۰/۲۶۰	۱/۱۷۰
سهم بازار	(۰/۶۶۰)***	(۱/۷۷۰)***	(۲/۶۱۰)**	(۲/۶۵۰)***	(۲/۲۶۰)**	(۳/۳۲۰)**	(۰/۳۴۰)***
بازده فروش	-۰/۸۵۰	-۰/۰۷۰	-۰/۳۰۰	-۰/۵۳۰	-۰/۲۴	۰/۱۳	-۰/۳۴۰
حسابرس	(-۲/۳۲)**	(-۰/۱۷۰)**	(-۰/۸۴۰)***	(-۱/۶۰۰)**	(-۰/۲۸۰)**	(۰/۳۳۰)**	(-۱/۳۷۰)***
سهم بازار	۰/۲۹۰	۰/۳۴۰	۰/۰۱۰	۰/۱۰۰	۰/۳۴۰	۱/۱۸۰	۱/۲۰۰
بازده فروش	(۲/۷۱۰)	(-۲/۹۷۰)	(-۲/۹۲۰)	(-۱/۷۶۰)	(۰/۴۴۰)	(۰/۶۳۰)	(-۲/۸۴۰)
اهرم مالی	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	۰/۰۷۰	۰/۰۵۰	۱/۱۱۰	-۰/۵۹۰	۱/۰۲۰
اهرم مالی	(-۰/۱۶۰)	(۰/۰۶۰)	(۰/۷۷۰)	(۰/۸۴۰)	(۳/۱۷)	(-۱/۵۲۰)	(۴/۶۳۰)

\*\*\* سطح خطا ۱ درصد، \*\* سطح خطا ۵ درصد، \* سطح خطا ۱۰ درصد

در نهایت سطح معنی داری آزمون والد برای متغیر اندازه کمیته حسابرسی برابر با ۰/۳۷۶ می باشد و بیانگر این مطلب است که میان کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر ارتباط معناداری وجود ندارد و فرضیه چهارم رد می شود. از میان متغیرهای کنترلی، تصدی حسابرس اثری منفی و معنادار و تخصص حسابرس، حق الزحمه حسابرس و سهم بازار شرکت تاثیر مثبت و معناداری دارند.

### آزمون های اضافی

برای پشتیبانی از یافته های فرضیه دوم، سوم و چهارم، به صورت جداگانه و سالانه هر فرضیه مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آن در جدول ۶ آورده شده است. نتایج بیانگر این موضوع هستند که فرضیات در هر کدام از سال ها نیز مورد تایید قرار می گیرند.

### بحث و نتیجه گیری

مدیران شرکت ها با خرید اظهارنظر حسابرس، از صدور گزارش تعدیل شده توسط حسابرس جلوگیری می کند. با این اقدام وضعیت نامطلوب شرکت و اقدامات متقلبانه مدیر کتمان خواهد شد که نتیجه آن کاهش نیافتن ارزش شرکت و اعتماد سرمایه گذاران خواهد بود. اما کمیته حسابرسی به عنوان یکی از راه های نظارت بر اقدامات مدیر و حسابرس می تواند از خرید اظهارنظر جلوگیری کند. کمیته حسابرسی زمانی می تواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد که مستقل باشد، دارای تخصص باشد و تعداد اعضای حداکثری داشته باشد. هدف ما در این پژوهش بررسی رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و خرید اظهارنظر می باشد. بدین منظور از داده های ۱۳۵ شرکت طی دوره زمانی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ برای فرضیه اول و دوره زمانی بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ برای فرضیه دوم، سوم و چهارم استفاده گردید. از آنجا که متغیر وابسته به صورت مجازی اندازه گیری می شود، مدل مورد استفاده جهت آزمون فرضیه های دوم، سوم و چهارم، لجستیک می باشد و جهت آزمون فرضیه اول از آزمون تی استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان می دهد خرید اظهارنظر حسابرس از زمانی که شرکت ها بنا به الزام سازمان بورس اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی کردند کاهش یافته است. این بدین معناست که وجود کمیته حسابرسی در شرکت ها می تواند از خرید اظهارنظر حسابرس جلوگیری کند. بنابر مبانی نظری گفته شده، کمیته حسابرسی یکی از راه های کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش اعتماد سهامداران می باشد. یکی از وظایف کمیته حسابرسی بر اساس منشور سازمان بورس، نظارت بر اقدامات حسابرس می باشد و هم چنین توانایی عزل و نصب حسابرس را دارد که حاکی از توانایی کمیته در جلوگیری از خرید اظهارنظر حسابرس می باشد. وجود کمیته حسابرسی در شرکت ها سوء استفاده های مدیر را کاهش می دهد و این اجازه را نمی دهند که حسابرس نظری مطابق با خواسته مدیر نسبت به صورت های مالی ارائه دهند. آرچامبول و دی زورت (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که وجود کمیته حسابرسی از اقدامات فرصت طلبانه مدیر از جمله خرید اظهارنظر جلوگیری می کند.

اما آیا وجود کمیته حسابرسی که ذینفع شرکت می باشد به تنهایی کافی است؟ در فرضیه دوم، سوم و چهارم به بررسی این سوال پرداخته شد.

نتایج آزمون فرضیه دوم بیانگر رابطه معنادار و منفی بین استقلال کمیته حسابرسی و خرید اظهار نظر حسابرس می‌باشد. کمیته حسابرسی که اعضای آن غیرموظف باشند در مواجهه با خرید اظهار نظر و اقدامات متقلبانه مدیر عملکرد موثری خواهند داشت و خواسته فرصت طلبانه مدیر را نمی‌پذیرند. زمانی که اعضای کمیته به طور کامل مستقل باشند، در برابر خرید اظهار نظر حسابرس مقابله می‌کنند و این اجازه را نمی‌دهند که مدیر به خواسته خود دست یابد. آرچامبول و دی‌زورت (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که کمیته حسابرسی مستقل باعث کاهش خرید اظهار نظر حسابرس می‌شوند.

نتایج آزمون فرضیه سوم بیانگر وجود رابطه منفی بین تخصص اعضای کمیته و خرید اظهار نظر حسابرس است. از دیگر ویژگی‌های کمیته حسابرسی که باعث نظارت بهتر و اثربخشی عملکرد کمیته در مقابله با اقدامات متقلبانه مدیر می‌شود، تخصص اعضای کمیته می‌باشد. اعضای متخصص کمیته درک بهتری از مسائل مربوط به تغییر حسابرس و خرید نظر حسابرس دارند و از تغییر حسابرس و ارائه گزارشی که سهامداران را گمراه کند ممانعت خواهند کرد. آرچامبول و دی‌زورت (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که تخصص کمیته حسابرسی مانع از خرید اظهار نظر حسابرس خواهد شد.

مطابق با نتایج آزمون فرضیه چهارم، رابطه معناداری میان اندازه کمیته و خرید اظهار نظر حسابرس یافت نشد. تعداد اعضای کمیته مشخصه مناسبی جهت مقابله با اقدام فرصت طلبانه مدیر نخواهد بود بلکه آنچه می‌تواند در مقابل خواسته مدیر مقابله کند وجود کمیته حسابرسی، استقلال اعضا و تخصص اعضا می‌باشد. تعداد حداکثری اعضای کمیته در صورتی که مستقل و متخصص نباشند، کارایی لازم را نخواهد داشت.

با توجه به فرضیه اول پیشنهاد می‌شود که تشکیل کمیته حسابرسی از سوی نهادهای قانون‌گذار برای شرکت‌هایی که تاکنون اقدام به ایجاد و تشکیل کمیته حسابرسی نکرده‌اند، اجباری شود. چرا که وجود کمیته حسابرسی از سوء استفاده‌های مدیر جلوگیری می‌کند و به سهامداران اطمینان خاطر خواهد داد. بر اساس فرضیه دوم استقلال اعضای کمیته خرید اظهار نظر حسابرس را کاهش می‌دهد. به شرکت‌ها توصیه می‌شود افراد مستقل را به عضویت کمیته حسابرسی در آورند که از خرید اظهار نظر جلوگیری خواهند کرد. هم‌چنین فرضیه سوم نشان داد، تخصص اعضا خرید اظهار نظر را کاهش می‌دهد. شرکت‌ها از افرادی در کمیته حسابرسی استفاده کنند که دارای تخصص حسابداری، مالی و حسابرسی باشند. به پژوهش‌گران توصیه می‌شود تاثیر سایر عوامل هم‌چون ویژگی‌های هیات مدیره بر خرید اظهار نظر را بررسی کنند. رابطه بین مالکیت کمیته حسابرسی و خرید اظهار نظر حسابرس را مورد پژوهش قرار دهند. تنها محدودیت این پژوهش، کم بودن تعداد شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی در آن‌ها تشکیل شده است. این موضوع باعث شد تا تعداد نمونه کاهش یابد.

### فهرست منابع

برزگر، قدرت الله، حسن نتاج کردی، محسن، و ملکی، دنیا. (۱۳۹۷). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۲۶(۱). ۱۹-۳۸. doi:

10.22059/acctgrev.2019.264270.1007968

- پزشک، یاسمن، و پور زمانی، زهرا. (۱۳۹۸). فصلی بودن حسابرسی، کیفیت افشاء اطلاعات و کیفیت حسابرسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۲۹)، ۷۰-۵۷. [https://www.jmaak.ir/article\\_13825.html](https://www.jmaak.ir/article_13825.html)
- حاجیه، زهرا، و فتحی مقدم، مجتبی. (۱۳۹۲). رابطه تغییر در اظهارنظر حسابرسی با تأخیر در گزارشگری مالی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱(۴۱)، ۱۵۶-۱۳۱. doi: 20.1001.1.28210166.1392.11.41.6.2
- صفرزاده، محمدحسین، و محمدی، عرفان. (۱۳۹۸). اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر رابطه بین پیچیدگی حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۶(۶۲)، ۷۶-۴۵. doi: 10.22054/qjma.2019.10413
- عباس زاده، محمدرضا، فکور، حسین، و قناد، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه خدمات حسابرسی. *دانش حسابداری مالی*، ۴(۳)، ۶۲-۴۵. [https://jfak.journals.ikiu.ac.ir/article\\_1282.html?lang=fa](https://jfak.journals.ikiu.ac.ir/article_1282.html?lang=fa)
- قدس مفیدی، اقبال. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر کاهش تحریفات مالی با تاکید بر تخصص حسابرس در صنعت. *چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۸(۲)، ۸۴-۶۸. [https://www.jamv.ir/article\\_89745.html?lang=fa](https://www.jamv.ir/article_89745.html?lang=fa)
- کامیابی، یحیی، و بوژمهرانی، احسان. (۱۳۹۴). ویژگی های کمیته حسابرسی، کیفیت افشاء و نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۶(۴)، ۲۱۸-۱۹۱. doi: 10.22051/jera.2017.2631
- لاری دشت بیاض، محمود، قناد، مصطفی، و فکور، حسین. (۱۳۹۷). ویژگی های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۷)، ۲۴۱-۲۱۵. doi: 20.1001.1.23830379.1397.10.37.9.9
- منشور کمیته حسابرسی. (۱۳۹۱). سازمان بورس و اوراق بهادار.

Abbas Zadeh, M. R., Fakour, H., & Ghannad, M. (2017). The Relationship between the audit committee features and Audit services Fees. *Financial Accounting Knowledge*, 4(3), 47-64. [https://jfak.journals.ikiu.ac.ir/article\\_1282.html?lang=fa](https://jfak.journals.ikiu.ac.ir/article_1282.html?lang=fa) [In Persian]

Abbott, L. J., & Parker, S. (2000). Auditor selection and audit committee characteristics. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 19(2), 47-66. doi:10.2308/aud.2000.19.2.47

Archambeault, D., & DeZoort, T. F. (2001). Auditor Opinion Shopping and the Audit Committee: An Analysis of Suspicious Auditor Switches. *International Journal of Auditing*, 5(1), 33-52. doi: 10.1111/1099-1123.00324

Barzegar, G., Hasannataj kordi, M., & Malaki, D. (2019). An Investigation of the Audit Committee Characteristics Effects on Corporate Social Responsibility Disclosure. *Accounting and Auditing Review*, 26(1), 19-38. doi: 10.22059/acctgrev.2019.264270.1007968 [In Persian]

Beasley, M. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, 71(4), 443-465. <https://www.jstor.org/stable/248566>

Blue Ribbon Committee. (1999). Audit committee characteristics and restatements: A study of the efficacy of certain blue ribbon committee recommendations. *New York Stock Exchange and National Association of Securities Dealers, New York, NY*.

Carcello, J. V., & Neal, T. L. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following "new" going-concern reports. *The Accounting Review*, 78(1), 95-117. doi: 10.2308/accr.2003.78.1.95

- Charter of the Audit Committee. (2012). Stock Exchange and Securities Organization. [In Persian]
- Chen, K. Y., & Zhou, J. (2010). Audit Committee, Board Characteristics and Auditor Switch Decisions by Andersen's Clients. *Contemporary Accounting Research*, 24(4), 1085-1117. doi: 10.1506/car.24.4.2
- Chow, C. (1982). The demand for external auditing: Size, debt and ownership influences. *The Accounting Review*, 57(2), 272-291. <https://www.jstor.org/stable/247014>
- Chow, C., & Rice, S. (1982). Qualified audit opinions and auditor switching. *The Accounting Review*, 57(2), 326-335. <https://www.jstor.org/stable/247018>
- Citron, D., & Taffler, R.J. (1992). The audit report under going concern uncertainties: An empirical analysis. *Accounting and Business Research*, 22(88), 337-345. doi: 10.1080/00014788.1992.9729449
- DeFond, M., & Jiambalvo, J. (1991). Incidence and circumstances of accounting errors. *The Accounting Review*, 66(3), 643-655. <https://www.jstor.org/stable/247814>
- DeZoort, F. (1997). An investigation of audit committees' oversight responsibilities. *A Journal of Accounting, finance and Business Studies*, 33(2), 208-227. doi: 10.1111/1467-6281.00012
- DeZoort, F. T., & Salterio, S. (2001). The effects of corporate governance experience and financial and audit knowledge on audit committee members' judgments. *Forthcoming in Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20(2), 31-52. doi: 10.2308/aud.2001.20.2.31
- DeZoort, F.T. (1998). An analysis of experience effects on audit committee members' oversight judgments. *Accounting, Organizations and Society*, 23(1), 1-21. doi: 10.1016/S0361-3682(97)00029-9
- Fleak, S. K., & Wilson, E. R. (1994). The incremental information content of the going concern audit opinion. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 9(1), 149-66. doi: 10.1177/0148558X940090010
- Ghodsmofidi, E. (2019). Investigating the impact of the audit committee on reducing financial distortions with emphasis on the specialty of the auditor in the industry. *Accounting and Management Vision*, 2(8), 68-84. [https://www.jamv.ir/article\\_89745.html?lang=fa](https://www.jamv.ir/article_89745.html?lang=fa) [In Persian]
- Hajiha, Z., & Fathi Moghadam, M. (2014). The Relation between Changes in Audit Opinion and Financial Reporting Delay. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 11(41), 131-156. doi: 20.1001.1.28210166.1392.11.41.6.2 [In Persian]
- Hendrickson, H., & Espahbodi, R. (1991). Second opinion, opinion shopping and independence. *CPA Journal*, 61(3), 26-29. <http://archives.cpajournal.com/old/10504998.htm>
- Kalbers, L. P. (1992) An examination of the relationship between audit committees and external auditors. *The Ohio CPA Journal*, 14(4), 19-27. doi:10.1111/j.1467-629X.2006.00174.x
- Kamyabi, Y., & Boozhmehrani, E. (2017). Audit Committee Characteristics, Quality of Disclosure and Proportion of Non-Executive Directors. *Empirical Research in Accounting*, 6(4), 191-218. doi: 10.22051/jera.2017.2631 [In Persian]
- Kiger, J. E., & Scheiner, J. H. (1997). *Auditing: Second edition*. Boston, MA: Houghton Mifflin Company.
- Knapp, M. C. (1985). Audit conflict: An empirical study of the perceived ability of auditors to resist management pressure, *The Accounting Review*, 60(4), 202-211. <http://www.jstor.org/stable/246786>



- Krishnan, J., & Stephens, R. G. (1994). Evidence on opinion shopping from audit opinion conservatism. *Journal of Accounting and Public Policy*, 14(3), 179-201. doi: 10.1016/0278-4254(95)00020-F
- Krishnan, J., Krishnan, J., & Stephens, R. (1996). The simultaneous relation between auditor switching and audit opinion: Empirical analysis. *Accounting and Business Research*, 26(3), 224-236. doi: 10.1080/00014788.1996.9729513
- Lari Dasht Bayaz, L., Fakour, H., & Ghannad, M. (2018). Characteristics of the audit committee and the delay in the audit report. *Financial accounting and auditing research*, 10(37), 215-241. doi: 20.1001.1.23830379.1397.10.37.9.9 [In Persian]
- Lennox, C. (2002). Opinion shopping and audit committees. *Journal of Practice and Theory*, 19, 47-66. <http://www.dl.handle.net/10086/13893>
- McConnell, D.K. (1984). Auditor changes and related disagreements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 3(2), 44-56.
- McMullen, D., & Raghunandan, K. (1996). Enhancing audit committee effectiveness. *Journal of Accountancy*, 182(2), 79-81.
- Mobasser, K. S., & Vatanparast, M., Azadi, K., Meshki Miavaghi, M. (2020). Corporate Governance and Audit Opinion Shopping: Evidence from Iran. *International Journal of Finance and Managerial Accounting*, 6(21), 13-23. [http://www.ijfma.ir/article\\_17230.html](http://www.ijfma.ir/article_17230.html)
- Nagle, B. (1996). Audit report modifications and auditor switches. *Accounting Enquiries*, 5(2), 171-202.
- Palmrose, Z. V. (1986). Audit fees and auditor size: Further evidence. *Journal of Accounting Research*, 24(1), 97-110. doi: 10.2307/2490806
- Ruiz-Barbadillo, E., Gomez-Aguilar, N., & BiedmaLopez, E. (2006). Long-term audit engagements and opinion shopping: Spanish evidence. *Accounting Fourm*, 30(1), 61-79. doi: 10.1016/j.accfor.2005.03.007
- Safarzadeh, M.H., & Mohammadi, E. (2019). The Effect of Audit Committee Characteristics on the Relationship between Audit Report Timeliness and Auditor Task Complexity. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 16(62), 45-76. doi: 10.22054/qjma.2019.10413 [In Persian]
- Schwartz, K. B., & Soo, B. S. (1996). the Association Between Auditor Changes and Reporting Lags. *The Accounting Review*, 13(1), 353-370. doi: 10.1111/j.1911-3846.1996.tb00505.x
- Schwartz, K., & Menon, K. (1985). Auditor switches by failing firms. *The Accounting Review*, 60(2), 248-261. doi: [www.jstor.org/stable/246789](http://www.jstor.org/stable/246789)
- Securities and Exchange Commission. (1988). Disclosure Amendments to Regulation SK, Form 8-K and Schedule 14A regarding changes in accountants and potential opinion shopping situations. *SEC Financial Reporting Release*, 31.
- Simamora, R. A., & Hendarjatno, H. (2019). The effects of audit client tenure, audit lag, opinion shopping, liquidity ratio, and leverage to the going concern audit opinion. *Asian Journal of Accounting Research*, 4(1), 145-156. doi: 10.1108/AJAR-05-2019-0038
- Williams, D. (1988). The potential determinants of auditor change. *Journal of Business Finance & Accounting*, 15(2), 243-261. doi: 10.1111/j.1468-5957.1988.tb00133.x

Wolnizer, P. W. (1995). Are audit committees red herrings?. *Abacus*, 31(1), 45-66. doi: 10.1111/j.1467-6281.1995.tb00354.x

Xie, z., Cai, C., & Ye, J. (2010). Abnormal Audit Fees and Audit Opinion– Further Evidence from China’s Capital Market, *China journal of accounting research*, 3(1), 51-70. doi: 10.1016/S1755-3091(13)60019-2

## The effect of CEO narcissism on debt maturity structure

Mahmood Hasanzade Kuchou<sup>1</sup>

Received: November 26, 2023

Accepted: January 10, 2024

### Abstract

**Purpose:** The results of previous research have shown that the use of short-term debts can ultimately cause unfavorable financial performance of the company in the long term. Behavioral finance theories also state that in the decision-making of managers and investors, in addition to information, a series of viewpoints and psychological factors also influence their decisions. The purpose of this research is to investigate the effect of CEO narcissism on the maturity structure of debts.

**Methodology:** Using the data of 85 companies listed in the Tehran Stock Exchange, in the period of 2018 to 2022, the hypotheses were tested using multiple regression.

**Findings** After statistical analysis, the results of the research hypotheses indicate that CEO narcissism has a positive and significant effect on the maturity structure of debts. In this research, two indicators of managers' bonus ratio and the size of CEO signatures were used to measure CEO narcissism.

**Originality:** The results of research hypotheses indicate that CEO narcissism has a positive and significant effect on debt maturity structure. This means that with the increase of narcissism of managers, the use of short-term debt increases. Narcissistic managers try to match the asset structure and the debt maturity structure in order to pay the debts. Hence, in the period under their management, the maturity period of the debt structure is reduced when the company can increase its profits.


**Keywords:** Behavioral finance, CEO narcissism, debt maturity structure

**JEL Classification:** L2, H32, F34

---

1. MSc, Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, Qom University, Qom, Iran. (Corresponding Author). (m.hassanzadeh93@gmail.com)

**Cite this paper:** Hasanzade Kuchou, M. (2024). The effect of CEO narcissism on debt maturity structure. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(2), 70-85. [In Persian]

 <https://doi.org/00.00000/aft.0000.0000000.0000>



## تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها

محمود حسن زاده کوچو<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

## چکیده

**هدف:** نتایج تحقیقات پیشین نشان داده است که استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت در نهایت می‌تواند موجب عملکرد مالی نامطلوب شرکت در بلندمدت گردد. نظریه‌های مالی رفتاری نیز بیان می‌دارد که در تصمیم‌گیری مدیران و سرمایه‌گذاران، علاوه بر اطلاعات، یکسری دیدگاه‌ها و فاکتورهای روان‌شناختی نیز تصمیم آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها می‌باشد.

**روش‌شناسی:** با استفاده از داده‌های ۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱، آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** پس از تجزیه و تحلیل‌های آماری، نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. در این پژوهش از دو شاخص نسبت پاداش مدیران و اندازه امضای مدیران برای سنجش خودشیفتگی مدیران استفاده شده است.

**دانش افزایی:** نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. بدین معنی که با افزایش خودشیفتگی مدیران، استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت افزایش می‌یابد. مدیران خودشیفته سعی می‌کنند ساختار دارایی‌ها و ساختار سررسید بدهی را به منظور پرداخت بدهی‌ها مطابقت دهند. از این‌رو، در دوره تحت مدیریت آن‌ها، دوره سررسید ساختار بدهی زمانی کاهش می‌یابد که شرکت بتواند سود خود را افزایش دهد.

**کلیدواژه‌ها:** خودشیفتگی مدیران، ساختار سررسید بدهی‌ها، مالی رفتاری.

طبقه‌بندی موضوعی: H32, F34, L2

۱. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول). (m.hassanzadeh93@gmail.com)

استناد: حسن زاده کوچو، محمود. (۱۴۰۲). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۲)، ۸۵-۷۰.

## مقدمه

ساختار بدهی از شاخص‌های مهم تعیین‌کننده موفقیت شرکت بوده و باعث رشد پایدار شرکت می‌شود. از این رو تصمیمات معطوف به ساختار بدهی برای بقای تجاری شرکت حیاتی است. با این حال انتخاب ساختار بدهی ساده نیست و تصمیم‌گیری اشتباه منجر به هدایت شرکت به بحران و ورشکستگی می‌گردد (فان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه نقشی که سررسید بدهی‌ها در محیط‌های دارای اطلاعات نامتقارن بازی می‌کنند، استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت دارای ساز و کاری است که می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی بین سهامداران، اعتباردهندگان و مدیران را کاهش دهد. از دیدگاه قرض‌گیرنده پیش‌بینی می‌شود که تحت شرایط اطلاعات نامتقارن، شرکت‌هایی که پروژه‌های خوبی دارند از بدهی‌هایی با سررسید کوتاه‌مدت استفاده کنند و بدین وسیله علایمی را به بازار منتقل کنند تا مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند (گوماریز و بالستا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). مولینا و پناس<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که کوتاه بودن سررسید بدهی‌ها اجازه کنترل‌های بهتر را برای مدیر فراهم می‌کند، زیرا سررسید کوتاه‌تر، انگیزه مذاکرات مجدد برای تمدید بدهی را افزایش داده و قرض‌دهندگان هم قرارداد بسته‌تر و دقیق‌تری را با قرض‌گیرنده منعقد کرده و آنها می‌توانند با مشخص شدن عملکرد شرکت در طی اولین دوره، برای تصمیم‌گیری در خصوص تمدید قرارداد یا تغییر شرایط قرارداد اقدام کنند.

امروزه مدیریت واحدهای تجاری نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری و بازدهی آنها دارد. پیچیدگی فزاینده جوامع، پیشرفت علم و تکنولوژی و به تبع آنها، افزایش نیازها و گسترش سازمان‌ها و شرکت‌ها، ایجاب می‌کند که از مدیران کارآمد در اداره امور سازمان‌ها استفاده شود. بسیاری از صاحب‌نظران تصمیم‌گیری را جوهره مدیریت دانسته‌اند و موفقیت و شکست سازمان‌ها را در گرو تصمیمات مدیران آنها قلمداد کرده‌اند (دفت<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹). پر واضح است که اخذ تصمیمات مناسب از سوی مدیران، تابعی از عوامل رفتاری و شخصیتی آنها است. یکی از این عوامل وجود پدیده خودشیفتگی در مدیران است.

به لحاظ نظری، در علم روانشناسی، خودشیفتگی نوعی اختلال شخصیتی است که علائمی همچون حق‌بیش از حد قائل شدن برای خود، تمایل به استفاده از افراد در جهت نیازهای شخصی، تسلط بر فرایندهای تصمیم‌گیری، عدم توجه به نظر دیگران و پاداش طلبی افراطی را به همراه دارد (تامبورسکی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). با این وصف، اگر در سازمانی افراد خودشیفته وجود داشته باشد، به دلیل حاکم بودن رابطه سلطه و آزار دیگران و همچنین به دلیل اینکه تصمیم‌گیری‌ها در چنین سازمانی مبتنی بر هیجان است، فعالیت و عملکرد سازمان دچار اختلال خواهد شد (خلد شرفی، ۱۳۹۴). به همین منظور بررسی تأثیری که مدیران خودشیفته به دلیل نگرش کوتاه‌مدتی که جهت جذب شهرت، تحسین و بزرگ جلوه دادن خود در نظر دیگران دارند بر ساختار سررسید بدهی‌ها که از شاخص‌های مهم تعیین‌کننده موفقیت شرکت است حائز اهمیت است.

<sup>۱</sup>. Fan

<sup>۲</sup>. Gomariz & Ballesta

<sup>۳</sup>. Molina & Penas

<sup>۴</sup>. Daft

<sup>۵</sup>. Tamborski

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در جهان پرتلاطم امروزی که سازمان‌ها و جوامع با تحولات شگرف محیطی و تکنولوژی و به تبع آن تجارت جهانی و جهانی شدن روبرو هستند، توان دستیابی به سطح مطلوب و مورد انتظاری از عملکرد در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. در این رهگذر آنچه می‌تواند حیات بالنده رو به رشد سازمان‌ها را تضمین کند، وجود نظام مدیریتی مقتدر و کارآمد است. به عبارت دیگر در صورت اقتدار و توانمندی رکن مدیریت سازمان است که می‌توان حسن عملکرد سازمان‌ها را در شرایط فعلی انتظار داشت (فرهی بوزنجانی، ۱۳۸۴). از این رو برخی از عوامل رفتاری در شخصیت مدیران باعث جهت‌دهی به تصمیم‌گیری آنان خواهد شد که یکی از این عوامل شناسایی شده، پدیده خودشیفتگی در بین مدیران است (خواجهی و همکاران، ۱۳۹۵).

پژوهشگران دریافته‌اند که افراد درباره توانایی‌های خود از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود اغراق می‌کنند؛ به بیان دیگر، به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند؛ البته آنان ممکن است این احساس درونی را اظهار نکنند یا حتی خود نیز از آن غافل باشند (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳). خودشیفتگی به عنوان اعتقاد بر اساس توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد خلاصه می‌شود. مفهوم خودشیفتگی، در مجموعه وسیعی از بررسی‌ها و آزمایش‌های روان‌شناسانه از نوع شناختی، بررسی شده است و نشان می‌دهد افراد هم درباره توانایی‌های خود در پیش‌بینی و هم درباره دقت اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد، برآورد بیش از اندازه‌ای دارند. از طرفی، در برآورد احتمال‌ها، عملکرد ضعیفی دارند و رویدادهایی را حتمی می‌دانند که اغلب احتمال وقوع بسیار کمتر از صددرصد دارد (پمپیان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). مدیران خودشیفته، بازده‌های آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیش برآورد می‌کنند. بنابراین، ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر بیندازند و برآوردهای خوش‌بینانه در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلندمدت داشته باشند و بر اثر انتخاب پروژه نامناسب و ناکارایی، منابع موجود را در زمینه اشتباه مصرف کنند و آن را هدر دهند که در این صورت، شرکت به سمت سرمایه‌گذاری بیش از حد در پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص منفی (یا سرمایه‌گذاری کمتر از حد) بر اثر از دست دادن منابع به دلیل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نامناسب و ناکارا و از دست دادن فرصت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مناسب با ارزش فعلی خالص مثبت، سوق داده می‌شود (چن و لین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

نظریه درباره ساختار سررسید بدهی، هزینه‌های نمایندگی را شاخص مهمی در تعیین ساختار بدهی می‌داند. مشکل نمایندگی از موضوعات عمده بازار است و از تضاد منافع مدیران و مالکان منتج می‌شود. ممکن است مدیران شرکت - های سهامی عام، اهداف شخصی خود را دنبال کنند که این امر لزوماً با اهداف سهامداران خارج از شرکت همسو نیست. مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران، به سرمایه‌گذاری افراطی منجر می‌شود و ممکن است در قالب میل افراطی مدیران به اداره شرکت‌های بزرگ تجلی کند. مدیرانی که نگران شهرت خود در بازار کار هستند، ممکن است انگیزه‌هایی برای اتخاذ اقداماتی داشته باشند که به بهبود عملکرد کوتاه مدت آنان و به هزینه عملکرد بلندمدت منجر شود (قمی و همکاران، ۱۴۰۲).

<sup>۱</sup>. Pompian

<sup>۲</sup>. Chen & Lin

مدیران خودشیفته احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را در جریان‌های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می‌زنند و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنند (مالمندیر و تیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). این امر ممکن است باعث ایجاد سردرگمی مدیران در انتخاب روش‌های تأمین مالی شود؛ به گونه‌ای که مدیران همواره تصور می‌کنند شرکت‌های آنها کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده‌اند (ایشیکاوا و تاکاشی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). مدیران خودشیفته به اشتباه معتقدند با انتخاب بدهی با سررسید کوتاه‌تر، ثروت سهامداران را می‌توانند افزایش دهند. این مسئله به این دلیل است که این مدیران، احتمال این موضوع را بیش از حد می‌دانند که در زمان دریافت (رسیدن) خبرهای خوب و مساعد در آینده با استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت و با هزینه‌های کمتر، منابع مالی جدیدی را می‌توانند تأمین کنند (هوانگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، خبرهای خوب را که به جریان نقدی مثبت منجر می‌شود، بیش از حد باور می‌کنند و اینگونه جریان نقدی ورودی را بیش از واقع ارزیابی می‌کنند و می‌اندیشند بدهی‌های کوتاه‌مدت را می‌توانند بازپرداخت کنند؛ بنابراین از این نوع بدهی برای کاهش هزینه سرمایه استفاده می‌کنند.

حسن‌زاده کوچو و مهدی نیا اسبویی (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که خودشیفتگی مدیران بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بدین معنی که هر چه میزان خودشیفتگی مدیران افزایش یابد اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. سلیمانی امیری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. خصوصیات شخصیتی افراد (مانند مغز و هورمون‌ها) حاکی از آن است که رفتار افراد به منشأها و خصوصیات شخصیتی آنان بستگی دارد. ویژگی‌های شخصیتی افراد، زمینه‌ساز رفتارهای آنان است. رهبری سازمانی یکی از موضوع‌هایی است که به نحوی گسترده در روانشناسی سازمانی مورد بحث قرار گرفته است. لذا پس از تجزیه و تحلیل‌های آماری، نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که خودشیفتگی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

حسن‌زاده کوچو و مهدی نیا اسبویی (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ارزش شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که خودشیفتگی مدیران بر ارزش شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. اگر در سازمانی افراد خودشیفته وجود داشته باشند، به دلیل حاکم بودن رابطه سلطه و آزار دیگران و همچنین به دلیل اینکه تصمیم‌گیری‌ها در چنین سازمانی مبتنی بر هیجان است، فعالیت و عملکرد سازمان دچار اختلال خواهد شد. با توجه به اینکه مسئولیت تهیه گزارش‌های مالی با مدیریت شرکت‌هاست، بنابراین امکان ارائه اطلاعات نادرست در صورت‌های مالی وجود دارد که در نتیجه موجب خدشه‌دار شدن ارزش و اعتبار آن شرکت خواهد شد. قدرتی زوارم و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی سطح هورمون تستوسترون مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نمونه‌ای متشکل از ۸۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ انتخاب گردیده است و با بهره‌گیری از الگوی رگرسیون لجستیک مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که میزان بالای هورمون تستوسترون مدیرعامل، باعث افزایش گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت می‌شود.

<sup>۱</sup>. Malmendier & Tate

<sup>۲</sup>. Ishikawa & Takahashi

<sup>۳</sup>. Huang

مشایخ و همکاران (۱۳۹۹) به تأثیر خودشیفتگی مدیران بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت‌ها پرداختند. بر اساس نتایج پژوهش؛ مدیران خودشیفته، ممکن است آگاهانه، اطلاعات ارسالی برای متقاعدکردن سرمایه‌گذاران را که پروژه‌های در حال اجرا و با آینده امیدوارکننده‌ای دارند، تحریف کنند. بروز این پدیده در بین مدیران، باعث خواهد شد که با استفاده از روش‌های مختلف، تلاش کنند تا افشای اطلاعات اختیاری به سرمایه‌گذاران و سایر سهام‌داران را کاهش دهند.

خواجوی و رحمانی (۱۳۹۷) به بررسی اثر خودشیفتگی مدیران بر خطر سقوط قیمت سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که دو شاخص هورمون تستوسترون مدیران و پاداش نقدی اختصاص یافته به مدیران تأثیر مثبتی بر نوسان پایین به بالا (به عنوان معیار خطر سقوط قیمت سهام) دارند. همچنین دو شاخص هورمون تستوسترون مدیران و پاداش نقدی اختصاص یافته به مدیران تأثیر منفی بر دوره سقوط قیمت سهام (به عنوان معیار خطر سقوط قیمت سهام) دارند.

نمازی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها پرداختند. نتایج آماری آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که در بین گروه‌های دارای استراتژی تجاری مختلف (استراتژی تدافعی، تحلیل‌گرایانه و تهاجمی)، خودشیفتگی مدیران اختلاف معناداری با یکدیگر دارند که در این راستا، بیشترین تأثیر خودشیفتگی مدیران روی استراتژی تدافعی و کمترین تأثیر آن روی استراتژی تحلیل‌گرایانه است.

کاو و ژو<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده سهام پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که خودشیفتگی مدیران تأثیر مثبت و معناداری بر بازده سهام دارد.

بوزویتینا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران، خودشیفتگی مدیران و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد خودشیفتگی مدیران و اعتماد بیش از حد مدیران بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معنادار دارد.

سوشا و دژی<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) به بررسی خودشیفتگی مدیران و نوآوری پرداختند. ادبیات قبلی در مورد نوآوری سازمانی عمدتاً بر تأثیر محدودیت‌های بیرونی مدیران یا تجارب شخصی آنها از دیدگاه تئوری نمایندگی و تئوری برند متمرکز است، اما تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی مدیرعامل که توسط ناخودآگاه خود او بر تصمیمات نوآوری سازمانی شکل می‌گیرد نادیده می‌گیرد. ویژگی‌های خودشیفتگی مدیرعامل تأثیر قوی‌تری بر سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه شرکت در شرکت‌های خصوصی نسبت به شرکت‌های دولتی دارد.

رزاک<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی نقش خودشیفتگی مدیران در ایجاد ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که خودشیفتگی مدیران تأثیر منفی و معناداری (۰/۰۳۸) بر ایجاد ارزش شرکت‌ها دارد. بدین معنی که با افزایش میزان خودشیفتگی مدیران سطح ارزش شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

<sup>1</sup>. Cao & Zhou

<sup>2</sup>. Bouzouitina

<sup>3</sup>. Suxia & Dezhi

<sup>4</sup>. Razak



کونتسا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی خودشیفتگی مدیران و مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدیر عامل خودشیفته ارتباط مثبتی با مدیریت سود دارد. این بدان معناست که یک مدیرعامل خودشیفته تمایل به مدیریت سود شرکت برای تحقق منافع خود دارد، که می‌تواند دیدگاه جدیدی در نظریه نمایندگی ایجاد کند. بویل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و ریسک‌پذیری در بانک‌های آمریکا پرداختند. در این مطالعه، پژوهشگران بررسی می‌کنند که چگونه خودشیفتگی مدیر عامل، در ترکیب با شیوه‌های حاکمیت شرکتی، بر ریسک‌پذیری سازمانی تأثیر می‌گذارد و چگونه این به نوبه خود بر انعطاف‌پذیری سازمان‌ها در برابر شرایط محیطی تأثیر می‌گذارد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که خودشیفتگی مدیر عامل بر ریسک‌پذیری بانک‌ها تأثیر مثبت داشته است.

مارکز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و افشای اطلاعات پرداختند. نتایج تجربی نشان می‌دهد که مدیران خودشیفته تمایل بیشتری دارند تا افشای بیشتری ارائه دهند تا چهره بزرگ خود را بیشتر تقویت کنند اما این تمایل با افزایش سن مدیرعامل کاهش می‌یابد.

### فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش به تبعیت از اولسن و استکلبرگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۶)، سلیمانی امیری و همکاران (۱۴۰۱)، مشایخ و همکاران (۱۳۹۹) از دو معیار امضای مدیران و شاخص پاداش نقدی مدیران جهت سنجش خودشیفتگی مدیران استفاده شده است. بنابراین با توجه به مبانی پژوهش، فرضیه‌ها به صورت زیر طراحی می‌گردند:

فرضیه اول: معیار پاداش نقدی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: معیار امضای مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها تأثیر معناداری دارد.

به طور معمول، در سازمان‌ها، مدیران اجرایی خودشیفته پاداش‌های بیشتری برای خود قائل شده و از این طریق موقعیت خود را در سازمان مستحکم می‌کنند (آریلی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴)، بنابراین از شاخص پاداش نقدی مدیران برای سنجش خودشیفتگی مدیران استفاده شده است (سلیمانی امیری و همکاران، ۱۴۰۱).

از طرفی دیگر، به لحاظ تجربی، در ادبیات روان‌شناسی ارتباط بین خودشیفتگی و اندازه امضاء، سابقه طولانی‌ای دارد (زیگنهافت<sup>۶</sup>، ۱۹۷۷). اندازه امضای افراد، نشان دهنده میزان غرور و خودشیفتگی آنهاست تا جایی که مشخص می‌کند که امضا می‌تواند نشانه‌ای از ویژگی‌های ناپسند در انسان یا نشانه‌ای از خوی تسلط و استثمارگری فرد باشد. در نخستین تحقیقات مربوط به ارتباط بین اندازه امضاء و خودشیفتگی، محققانی همچون زیگنهافت (۱۹۷۷)، بیان کردند، افرادی که امضاهای بزرگ تری دارند، دارای خودپنداری و حس درک بیشتری از خویشان و سایر نگرش‌های فکری افراد خودشیفته، هستند. اسنایدر و فرامکین<sup>۷</sup> (۱۹۷۷) دریافتند افرادی که امضاهای بزرگ تری دارند،

1. Kontesa

2. Buyl

3. Marquez

4. Olsen & Stekelberg

5. O'Reilly

6. Zweigenhaft

7. Snyder & Fromkin

نسبت به دیگران احساس برتری می‌کنند (سلیمانی امیری و همکاران، ۱۴۰۱؛ مشایخ و همکاران، ۱۳۹۹؛ رزاک و همکاران، ۲۰۲۰).

### روش‌شناسی پژوهش

بر اساس مبانی نظری مطرح شده، پژوهش حاضر از بعد هدف، از نوع توصیفی و تحلیلی است، یعنی به دنبال تعریف و به دست آوردن اطلاعات از یک مشکل یا موضوع مشخص است. از بعد فرآیند نوع پژوهش، کمی است، یعنی با یک نگرش عینی به گردآوری و تحلیل داده‌های کمی می‌پردازد. از بعد منطق، یک پژوهش استقرایی است، یعنی درصدد طراحی یک مدل اقتصادسنجی بر اساس مشاهدات تجربی و گردآوری داده‌های کمی است و از بعد نتیجه پژوهش، یک پژوهش کاربردی است، یعنی در پی حل یک مشکل خاص است.

جامعه آماری مورد آزمون پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای بازه زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ است، اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری مد نظر قرار گرفته است: ۱. شرکت‌های نمونه جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها و بیمه‌ها نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آنها به دلیل ماهیت غیرتولیدی بودن متفاوت است؛ ۲. پایان سال مالی شرکت‌ها به دلیل افزایش قابلیت مقایسه و ختنی‌سازی شرایط حاکم بر ارزش شرکت‌ها در پایان سال شمسی، منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛ ۳. شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش به بورس وارد نشده باشند؛ و ۴. شرکت‌هایی که در دوره زمانی پژوهش در بورس فعال باشند و حذف نماد نشده باشند. ۵. امضای مدیران شرکت‌ها قابل دسترسی باشد. در سرانجام، با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۸۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ (۴۲۵ سال- شرکت) حائز شرایط فوق بوده و برای نمونه آماری انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده‌اند. در نهایت آزمون‌های آماری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزارهای Image J و Eviews نسخه ۱۰ انجام شد.

### مدل‌های رگرسیونی و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش برای آزمون مدل پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$Debt = \beta_0 + \beta_1 \frac{Bouns}{Salary} + \beta_2 Size + \beta_3 Lev + \beta_4 Loss + \beta_5 RE + \beta_6 Cash + \varepsilon \quad (1) \text{ مدل}$$

$$Debt = \beta_0 + \beta_1 SingnatureSize + \beta_2 Size + \beta_3 Lev + \beta_4 Loss + \beta_5 RE + \beta_6 Cash + \varepsilon \quad (2) \text{ مدل}$$

Debt در پژوهش حاضر از نسبت بدهی کوتاه‌مدت (بدهی که در طی یک سال تسویه می‌شود) به کل بدهی برای اندازه‌گیری سررسید بدهی استفاده شده است. دلیل استفاده از این نسبت به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری سررسید بدهی این است که هر چه میزان استفاده از بدهی کوتاه‌مدت بیشتر باشد، در واقع سررسید بدهی‌های یک شرکت کوتاه‌تر است (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

SignatureSize اندازه امضای مدیران است. اندازه امضاها از صفحه اول صورت‌های مالی که در آن اعضای هیئت‌مدیره با امضای خود صورت‌های مالی را تأیید می‌کنند، استخراج شدند. در اطراف هر امضاء مستطیلی کشیده

شد تا در هر طرف نقطه انتهایی امضا مشخص شود (زیگنهافت، ۱۹۷۷؛ رزاک و همکاران، ۲۰۲۰). سپس به کمک نرم افزار Imaje J مساحت امضا اندازه گیری و وارد نرم افزار Excel شد. مساحت ها چارک بندی شدند و برحسب سه گروه کوچک (چارک اول)، متوسط (چارک دوم و سوم) و بزرگ (چارک چهارم) کدی تعیین گردید. برای اندازه امضای کوچک کد ۱ (یک) امضای متوسط کد ۲ (دو) و امضای بزرگ کد ۳ (سه) لحاظ شد. برای هر سال مالی، تعداد اعضای امضاکننده در هر چارک در کد مربوط به چارک ضرب شده، سپس این اعداد با هم جمع شدند. بدین ترتیب برای هر سال مالی امتیاز مربوط به امضای اعضای هیئت مدیره محاسبه و بر تعداد اعضای دارای امضای همان سال تقسیم شد و عدد حاصل به عنوان اندازه امضا هیئت مدیره در آن سال مدنظر قرار گرفت.

$$\frac{Bouns}{Salary} : \text{نسبت پاداش مدیران بر حقوق و دستمزد کارکنان است.}$$

Size اندازه شرکت را نشان می دهد که بر اساس لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها محاسبه می شود. Lev اهرم مالی شرکت است که از نسبت مجموع بدهی ها به مجموع دارایی ها بدست می آید. Loss زیان دهی است که اگر شرکت در سال مدنظر زیان ده باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود. RE سود انباشته شرکت است که از نسبت سود انباشته به مجموع حقوق صاحبان سهام حاصل می گردد. Cash موجودی نقد شرکت است که از نسبت موجودی نقد به کل دارایی ها بدست می آید.

### یافته های پژوهش

#### آماره های توصیفی

آماره های توصیفی پژوهش در جدول (۱) ارائه شده اند. میانگین اندازه امضای مدیران ۱/۸۷۵ است که نشان دهنده آن است که حدود امضای مدیران تقریباً در سطح متوسط قرار دارد. میانگین نسبت پاداش مدیران بر حقوق و دستمزد حدود ۰/۰۱۴ است که این امر بازگو کننده آن است که میزان پاداش نقدی مشخص شده برای مدیران در طی یک سال مالی در حدود ۱/۴ درصد از کل حقوق و دستمزد پرداختی شرکت به تمامی کارکنان است. همچنین میزان اندازه امضای مدیران ۱/۸۶۵ که نشانگر آن است که اندازه امضای مدیران بزرگتر از متوسط می باشد. میانگین ساختار سررسید بدهی ها نیز ۰/۴۱۵ می باشد که بیانگر آن است که ۴۱/۵ درصد از مجموع بدهی ها شامل بدهی های کوتاه مدت تشکیل شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
نسبت پاداش مدیران	۰/۰۱۴	۰/۰۲۳	۰/۰۸۵	۰/۰۸۴	۰/۰۰۰
اندازه امضای مدیران	۱/۸۶۵	۱/۰۰۰	۰/۶۲۲	۳/۰۰۰	۱/۰۰۰
ساختار سررسید بدهی ها	۰/۴۱۵	۰/۳۸۰	۰/۰۵۵	۰/۸۵۵	۰/۱۲۰
اندازه شرکت	۱۳/۹۵۴	۱۳/۸۲۱	۰/۵۲۴	۱۹/۲۳۷	۹/۹۸۰
اهرم مالی	۰/۶۳۲	۰/۶۴۱	۰/۱۸۵	۰/۹۸۲	۰/۱۴۷
زیان دهی	۰/۱۳۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
سود انباشته	۰/۱۴۳	۰/۱۵۳	۰/۱۸۲	۰/۷۲۱	-۰/۶۴۷
موجودی نقد	۰/۰۳۹	۰/۰۴۱	۰/۰۷۸	۰/۲۸۲	۰/۰۰۰

## آزمون فرضیه‌های پژوهش

## بررسی فروض کلاسیک رگرسیون

رگرسیون برای اینکه نتایج مورد انتظار ما را بدست دهد و به عبارت دیگر تخمین زننده پارامترهای مدل، دارای حداقل واریانس بوده و بدون تورش باشند، یک سری فروض بر رگرسیون اعمال می شود که به فروض رگرسیون یا فروض کلاسیک رگرسیون شهرت دارند. نتایج حاصل از بررسی فروض کلاسیک رگرسیون (شامل سه فرض نرمال بودن، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی) در جدول (۲) ذیل نتایج حاصل از آزمون‌ها ارائه می شود:

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون فرض‌های کلاسیک

فرضیه‌ها	آزمون نرمال بودن	آزمون ناهمسانی واریانس	آزمون خودهمبستگی
فرضیه اول	۰/۰۰۰	۰/۱۷۲	۰/۰۷۵
فرضیه دوم	۰/۰۰۰	۰/۱۳۵	۰/۰۶۵

همانطور که جدول (۲) نشان داده شده است، نتایج آزمون نرمال بودن حاکی از عدم برقراری فرض نرمال بودن توزیع خطای مدل است. افلاطونی (۱۳۹۲) معتقد است که برقراری تمام فروض کلاسیک در شرایط واقعی چندان قابل دستیابی نیست. هر چند که برقراری فروض کلاسیک همواره مطلوب است، ولی عدم برقراری برخی از آنها نتایج مدل برآورد شده را به ویژه در نمونه‌های بزرگ خدشه‌دار نمی کند. زمانی که اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ باشد و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار باشند، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در چنین شرایطی، با توجه به قضیه حد مرکزی، می توان دریافت که اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون بطور مجانبی از توزیع‌های مناسب پیروی می کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند (افلاطونی، ۱۳۹۲). از آنجایی که سطح معناداری آزمون خودهمبستگی بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین بیانگر آن است که ضرایب مربوط به هر متغیر معنادار است و همچنین ناهمسانی واریانس در جملات اخلال وجود ندارد. همچنین جدول (۲) نشان دهنده سطح معناداری برای آزمون خودهمبستگی بالاتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض عدم وجود خودهمبستگی در مدل پذیرفته و فرض مقابل رد می شود.

## آزمون فرضیه اول

مطابق با جدول (۳)، با توجه به محاسبات حاصل از آزمون اف لیمر، سطح معنی داری به دست آمده بیانگر این است که مقاطع بررسی شده همگن نبوده و وجود تفاوت‌های فردی احراز شده است. به عبارتی برای الگوی فرضیه اول پژوهش استفاده از روش داده‌های تابلویی مناسب است؛ همچنین با توجه به نتایج حاصل شده از آزمون هاسمن در خصوص سطح معنی داری، تفاوت در ضرایب سیستماتیک است؛ بنابراین استفاده از روش مدل اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. همچنین آماره VIF گزارش شده نشان از عدم وجود همخطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است. سطح معنی داری برای هر کدام از متغیرها و در عین حال برای الگوی جامع در آستانه اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. ضریب تعیین محاسبه شده نشان می دهد توضیح دهندگی تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل

و کنترلی در حدود ۵۹/۱ درصد است. عدم وجود خودهمبستگی و استقلال باقیمانده‌های اجزای خطا که از طریق آماره دوربین واتسون محاسبه شده (۲/۱۸۳) بین ۲/۵ - ۱/۵ است؛ در نتیجه تأیید می‌شود.

سطح معنی‌داری گزارش شده در جدول (۳) از طریق آماره آزمون برای متغیر نسبت پاداش مدیران از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین تأثیر معنی‌داری بر ساختار سررسید بدهی‌ها تأیید می‌شود و منتهی به پذیرش فرضیه اول پژوهش می‌شود؛ هر چه نسبت پاداش مدیران افزایش یابد، تمایل مدیران به استفاده بیشتر از بدهی‌های کوتاه‌مدت‌تر افزایش می‌یابد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، زیان‌دهی، سود انباشته و موجودی نقد ارتباطی مثبت و معنی‌دار با ساختار سررسید بدهی‌ها دارند؛ ولی اهرم مالی ارتباطی معکوس و معنی‌دار با ساختار سررسید بدهی‌ها دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول به شرح جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره VIF
نسبت پاداش مدیران	۰/۱۳۱	۴/۴۳۱	۰/۰۰۰	۱/۶۶۵
اندازه شرکت	۰/۰۵۷	۴/۱۱۰	۰/۱۸۹	۱/۷۵۲
اهرم مالی	-۰/۱۷۲	-۵/۳۴۰	۰/۰۰۰	۱/۱۳۵
زیان‌دهی	۰/۱۰۴	۴/۴۴۰	۰/۰۰۰	۱/۱۴۸
سود انباشته	۰/۱۴۱	۷/۵۷۰	۰/۰۰۰	۱/۲۱۵
موجودی نقد	۰/۲۸۱	۲/۰۵۱	۰/۰۳۱	۱/۴۳۴
مقدار ثابت	۰/۱۳۳	۳/۱۰۲	۰/۰۰۱	۱/۷۲۲
ضریب تعیین	آماره F	آماره دوربین واتسون	آماره F لیمر	آماره هاسمن
۰/۵۹۱	۲۹/۵۱۵	۲/۱۸۳	۲۰/۲۹۱	۲۷/۱۲۰
	(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۱)

### آزمون فرضیه دوم

مطابق با جدول (۴) و با توجه به محاسبات حاصل از آزمون اف لیمر، سطح معنی‌داری به دست آمده بیانگر این است که مقاطع بررسی شده همگن نبوده و وجود تفاوت‌های فردی احراز شده است. به عبارتی برای الگوی فرضیه دوم پژوهش استفاده از روش داده‌های تصادفی مناسب است؛ همچنین با توجه به نتایج حاصل شده از آزمون هاسمن در خصوص سطح معنی‌داری، تفاوت در ضرایب سیستماتیک است؛ بنابراین استفاده از روش مدل اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. همچنین آماره VIF گزارش شده نشان از عدم وجود همخطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است. سطح معنی‌داری برای هر کدام از متغیرها و در عین حال برای الگوی جامع در آستانه اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. ضریب تعیین محاسبه شده نشان می‌دهد توضیح دهندگی تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی در حدود ۶۱/۵ درصد است. عدم وجود خودهمبستگی و استقلال باقیمانده‌های اجزای خطا که از طریق آماره دوربین واتسون محاسبه شده (۱/۷۸۰) بین ۲/۵ - ۱/۵ است؛ در نتیجه تأیید می‌شود.

سطح معنی‌داری گزارش شده در جدول (۴) از طریق آماره آزمون برای متغیر اندازه امضای مدیران از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین تأثیر معنی‌داری بر ساختار سررسید بدهی‌ها تأیید می‌شود و منتهی به پذیرش فرضیه دوم پژوهش می‌شود؛ هر چه امضای مدیران بزرگتر باشد، تمایل مدیران به استفاده بیشتر از بدهی‌های کوتاه-مدت‌تر افزایش می‌یابد. متغیرهای کنترلی زیان‌دهی، سود انباشته و موجودی نقد ارتباطی مثبت و معنی‌دار با ساختار سررسید بدهی‌ها دارند؛ ولی اندازه شرکت و اهرم مالی ارتباطی معکوس و معنی‌دار با ساختار سررسید بدهی‌ها دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم به شرح جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره VIF
اندازه امضای مدیران	۰/۱۷۵	۵/۹۰۴	۰/۰۰۰	۲/۴۲۵
اندازه شرکت	-۰/۰۲۱	-۳/۱۰۰	۰/۰۰۱	۱/۵۳۸
اهرم مالی	-۰/۴۹۹	-۴/۶۳	۰/۰۰۰	۱/۳۲۲
زیان‌دهی	۰/۰۵۵	۲/۲۹۱	۰/۰۳۳	۰/۴۲۶
سود انباشته	۰/۱۴۲	۲/۸۰۱	۰/۰۰۰	۱/۴۱۰
موجودی نقد	۰/۴۸۳	۴/۶۲۰	۰/۰۰۰	۱/۷۴۴
مقدار ثابت	۰/۳۶۲	۷/۷۱۲	۰/۰۲۷	۱/۵۴۹
ضریب تعیین	آماره F	آماره دوربین و واتسون	آماره F لیمر	آماره هاسمن
	۳۰/۷۴۲	۱/۷۸۰	۲۰/۴۰۱	۳۲/۶۱۵
	(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)	(۰/۲۱۴)

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش مطالعه و بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ساختار سررسید بدهی‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ بود. در این پژوهش از دو معیار نسبت پاداش مدیران بر حقوق و دستمزد و اندازه امضای مدیران برای سنجش خودشیفتگی مدیران استفاده گردیده است. با توجه به نتایج بدست‌آمده دو معیار نسبت پاداش مدیران بر حقوق و دستمزد و اندازه امضای مدیران تأثیر معناداری بر ساختار سررسید بدهی‌ها دارند؛ در نتیجه بررسی فرضیه‌های پژوهش، نسبت پاداش مدیران بر حقوق و دستمزد و اندازه امضای مدیران تأثیر مثبت و معناداری بر ساختار سررسید بدهی‌ها دارد.

در مبانی پژوهش نشان داده شده است که خودشیفتگی تأثیر قابل توجهی بر روی تصمیم‌گیری شرکت‌های بزرگ دارد. مدیران خودشیفته احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیشتر از واقعیت تخمین می‌زنند و آن را برای رویدادهای منفی کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند. بنابراین، در هنگام تصمیم‌گیری در پرداخت بدهی‌های شرکت، بدهی کوتاه‌مدت را انتخاب می‌کنند. برخورداری از ویژگی خودشیفتگی در مدیران، بر نحوه شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیر می‌گذارد. مدیران خودشیفته، بازده آتی پروژه‌های

سرمایه‌گذاری شرکت را بیشتر برآورد می‌کنند. بنابراین، ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر بیندازند و برآوردهای خوش بینانه‌ای در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلندمدت داشته باشند. پیش‌بینی، فرآیندی است که مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی را که منجر به پیشگویی درباره رویدادهای آتی، با میزانی از ابهام در وقوع آن‌ها می‌شود، در بر می‌گیرد. پیش‌بینی در واقع جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند تصمیم‌گیری است که در نهایت این امور کاهش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال خواهد داشت. پرواضح است که کاهش کیفیت گزارشگری مالی پیامدها و تبعات نامطلوبی را بر استفاده-کنندگان صورت‌های مالی را بر جا می‌گذارد.

یافته‌های بدست آمده مطابق با نظریه‌های مالی رفتاری است که بیان می‌دارد در تصمیم‌گیری مدیران و سرمایه-گذاران، علاوه بر اطلاعات، یکسری دیدگاه‌ها و فاکتورهای روان‌شناختی نیز تصمیم آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند دستاوردها و ارزش افزوده علمی زیر را به همراه داشته باشد: اول اینکه نتایج پژوهش می‌تواند موجب بسط نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط تصمیم‌گیری مالی رفتاری شود. دوم اینکه، شواهد پژوهش نشان خواهد داد که تا چه اندازه، متغیرهای روان‌شناختی مدیران می‌تواند اطلاعات سودمندی برای تصمیم-گیرندگان و سرمایه‌گذاران قرار دهد.

در نتیجه؛ از آنجایی که سوگیری‌های رفتاری مدیران منجر به استفاده آنان از فعالیت‌های خارج از اصول و مبانی حسابداری برای نمایش عملکرد مالی مطلوب در کوتاه‌مدت می‌شود؛ به دلیل عدم ثبات این عملکرد مالی مطلوب در بلندمدت، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری به تحلیل عملکرد بلندمدت شرکت توجه داشته باشند.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، به پژوهشگران در جهت ارتقای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود؛ تأثیر سایر سویه‌های رفتاری نظیر انعطاف پذیری، ماکیاولیستی، تاب‌آوری و ... را بر سررسید ساختار سرمایه مورد بررسی قرار دهند. همواره پژوهشگران در پژوهش‌های خود با محدودیت‌هایی مواجه هستند که بخشی از آنها حتی در ابتدای کار نیز خود را نشان می‌دهند. از عمده ترین ارکان تحقیق و پژوهش دسترسی به آمار و اطلاعات است. در این زمینه مشکلاتی وجود دارد که موجب شده خدمات تحقیقاتی از قبیل دسترسی به کتب، مجلات، آمار، بانک‌های اطلاعاتی و ... به راحتی ممکن نباشد. همچنین در دسترس نبودن داده‌های مورد نیاز و قابل اتکا برای محاسبه خودشیفتگی مدیران در مورد برخی از شرکت‌ها، موجب حذف آن‌ها از نمونه آماری شد که این امر بر قابلیت تعمیم نتایج به جامعه آماری تأثیر می‌گذارد. اگر این محدودیت وجود نداشت امکان بررسی شرکت‌های بیشتری میسر می‌شد.

## فهرست منابع

- حسن زاده کوچو، محمود، و مهدی‌نیا اسبویی، امین. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ارزش شرکت‌ها. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۸۵)، ۱۷۶۲-۱۷۷۶.
- حسن‌زاده کوچو، محمود و مهدی‌نیا اسبویی. امین. (۱۴۰۲). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر اجتناب مالیاتی. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۶(۸۴)، ۱-۱۴.

خلد شرفی، صبریه. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و رفتارهای مناقضانه با نقش میانجی رفتار ماکیاویول‌گری مدیران در سازمان‌های دولتی شهر کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت منابع انسانی، دانشگاه ایلام.

خواجوی، شکرالله، دهقانی سعدی، علی‌اصغر، و گرامی شیرازی، فرزاد. (۱۳۹۵). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی. *مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۸(۲)، ۱۲۳-۱۴۹. doi: 10.22099/JAA.2017.4052

خواجوی، شکراله و رحمانی، محسن. (۱۳۹۷). بررسی اثر خودشیفتگی مدیران بر خطر سقوط قیمت سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۱(۳۷)، ۱-۱۵. دفت، ریچارد ال. (۱۹۸۹). *تئوری سازمان*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی (۱۳۷۷). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سلیمانی امیری، غلامرضا، حسن‌زاده کوچو، محمود، و حبیب‌زاده، ملیحه. (۱۴۰۱). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲(۲)، ۶۰-۴۱. doi: 10.22051/JERA.2022.34836.2799

فرهی بوزنجانی، برزو. (۱۳۸۴). معرفی الگوی توسعه توانایی‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران (نظام اداری کشور). *فصلنامه دانش مدیریت*، ۱(۱۸)، ۷۳-۹۲.

قدرتی زوارم، عباس، آذین‌فر، کاوه، نبوی چاشمی، سید علی، و داداشی، ایمان. (۱۴۰۰). سطح هورمون تستوسترون مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبانه. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۳)، ۲۷-۴۶. doi: 10.22051/JERA.2019.24570.2346

قمی، نفیسه، حاجیها، زهره، صفا، مژگان، و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۲). تبیین نظری و ویژگی رفتاری بیش‌اطمینانی مدیران در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی*، ۳(۳)، ۳۵-۵۶. doi: 10.22034/sebaa.2023.705644. [In Persian]

مشایخ، شهناز، و بهزادپور، سمیرا. (۱۳۹۳). تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴)، ۴۸۵-۵۰۴. doi: 10.22059/acctgrev.2021.80477

مشایخ، شهناز، حبیب‌زاده، ملیحه، و حسن‌زاده کوچو، محمود. (۱۳۹۹). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۴)، ۶۴۹-۶۷۱. doi: 10.22059/acctgrev.2014.52905

نمازی، محمد، دهقانی، سعدی، و قوهستانی، سمانه. (۱۳۹۶). خودشیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶(۲۲)، ۳۷-۵۲.

Bouzoutina, A., Khairiddine, M., & Jarbou, A. (2021). Do CEO overconfidence and narcissism affect corporate social responsibility in the UK listed companies? The moderating role of corporate governance. *Society and Business Review*, 16(2), 156-183. doi: 10.1108/SBR-07-2020-0091



- Buyl, T., Boone, C., & Wade, J. B. (2019). CEO narcissism, risk-taking, and resilience: An empirical analysis in US commercial banks. *Journal of Management*, 45(4), 1372-1400. doi: 10.1177/0149206317699521
- Cao, X., & Zhou, Y. (2022). Comprehensive Carrying Capacity of the Inland Node Cities Along the Belt and Road. *Environmental Engineering Science*, 39(1), 39-47. doi: 10.1089/ees.2020.0455
- Chen, I. J., & Lin, S. H. (2012). Will managerial optimism affect the investment efficiency of a firm?. *Procedia Economics and Finance*, 2, 73-80. doi: 10.1016/S2212-5671(12)00066-4
- Fan, J. P., Titman, S., & Twite, G. (2012). An international comparison of capital structure and debt maturity choices. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 47(1), 23-56. doi: 10.1017/S0022109011000597
- Gomariz, M. F. C., & Ballesta, J. P. S. (2014). Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency. *Journal of banking & finance*, 40, 494-506. doi: 10.1016/j.jbankfin.2013.07.013
- Ghodrati Zoeram, A., Azinfar, K., Nabavi Chashmi, S. A., & Dadashi, I. (2021). Chief Executive Officer's (CEO) Testosterone Level and Fraudulent Financial Reporting. *Empirical Research in Accounting*, 11(3), 27-46. doi: 10.22051/jera.2019.24570.2346 [In Persian]
- Ghomi, N., Safa, M., Hajiha, Z., & Gholami Jamkarani, R. (2023). A Theoretical Study of Managers' Behavioral Trait of Overconfidence in Managerial Decision Makings. *Studies of ethics and behavior in accounting and auditing*, 3(3), 35-56. doi: 10.22034/sebaa.2023.705644. [In Persian]
- Hasanzade Kuchou, M. & Mehdinia Osboei, A. (2021). The effect of CEO Narcissism on Firm Value, *Journal of New research approaches in management and accounting*, 6(85), 1762-1776. [In Persian]
- Hasanzade Kuchou, M., & Mahdinia Osboei, A. (2023). The effect of CEO narcissism on tax avoidance. *Journal of Accounting and Management Vision*, 6(84), 1-14. [In Persian]
- Huang, R., Tan, K. J. K., & Faff, R. W. (2016). CEO overconfidence and corporate debt maturity. *Journal of Corporate Finance*, 36, 93-110. doi: 10.1016/j.jcorpfin.2015.10.009
- Ishikawa, M., & Takahashi, H. (2010). Overconfident managers and external financing choice. *Review of Behavioural Finance*, 2(1), 37-58. doi: 10.1108/19405979201000003
- Khajavi, S., Dehghani Sa'di, A., & Gerami Shirazi, F. (2017). CEO narcissism impacts on earnings management and financial performance. *Journal of accounting advances*, 8(2), 123-149. 10.22099/JAA.2017.4052 [In Persian]
- Khajavi, S., & Rahmani, M. (2018). Investigating the effect of managers' narcissism on the risk of falling stock prices: Evidence from the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11(37), 1-15. [In Persian]
- Khold Sharafi, S. (2015). *Examining the Relationship between Managers' Narcissism and Hypocrisy Behaviors with the Moderator Role of Managers' Machiavellian Behavior in Governmental Organizations of Kermanshah City*. M.Sc. Thesis in Human Resources Management, Ilam University. [In Persian]
- Kontesa, M., Brahmana, R., & Tong, A. H. H. (2021). Narcissistic CEOs and their earnings management. *Journal of Management and Governance*, 25, 223-249. doi: 10.1007/s10997-020-09506-0
- Malmendier, U., & Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *The journal of finance*, 60(6), 2661-2700. doi: 10.1111/j.1540-6261.2005.00813.x
- Marquez, J., Conley, A., Karayanidis, F., Lagopoulos, J., & Parsons, M. (2015). Anodal direct current stimulation in the healthy aged: Effects determined by the hemisphere stimulated. *Restorative neurology and neuroscience*, 33(4), 509. doi: 10.3233/RNN-140490

- Mashayekh, S., & Behzadpur, S. (2014). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. *Accounting and Auditing Review*, 21(4), 485-504. doi: 10.22059/acctgrev.2014.52905 [In Persian]
- Mashayekh, S., Habibzade, M., & Hasanzade Kucho, M. (2021). The Effect of CEO Narcissism on Voluntary Disclosure. *Accounting and Auditing Review*, 27(4), 649-671. doi: 10.22059/acctgrev.2021.80477 [In Persian]
- Ortiz-Molina, H., & Penas, M. F. (2008). Lending to small businesses: The role of loan maturity in addressing information problems. *Small Business Economics*, 30, 361-383. doi: 10.1007/s11187-007-9053-2
- Namazi, M., Dehghani Saadi, A. A., & Ghohestani, S. (2016). The narcissism of managers and business strategy of companies. *Journal of Scientific and Research Knowledge Management Accounting and Auditing*, 6(22), 37-51.
- Olsen, K. J., & Stekelberg, J. (2016). CEO narcissism and corporate tax sheltering. *The journal of the American taxation association*, 38(1), 1-22. doi: 10.2308/atax-51251
- O'Reilly III, C. A., Doerr, B., Caldwell, D. F., & Chatman, J. A. (2014). Narcissistic CEOs and executive compensation. *The leadership quarterly*, 25(2), 218-231. doi: 10.1016/j.leaqua.2013.08.002
- Pompian, M.M. (2006). Behavioral Finance and Wealth Management. John Wiley & Sons.
- Razak, L. A., & Badollahi, I. (2020). The Role of CEO Narcissism in Creating Firm Value. *International Journal of Innovative Science and Research Technology*, 5(11), 221-225.
- Snyder, C. R., & Fromkin, H. L. (1977). Abnormality as a positive characteristic: The development and validation of a scale measuring need for uniqueness. *Journal of Abnormal Psychology*, 86(5), 518. doi: 10.1037/0021-843X.86.5.518
- Soleimani Amiri, Gh. Hasanzadeh Kuchou, M. & Habibzadeh, M. (2021). The effect of managers' narcissism on audit fees. *Empirical research in accounting*. 12(2). 41-60. doi: 10.22051/JERA.2022.34836.2799 [In Persian]
- Suxia, A., & Dezhi, Z. (2020). CEO signature and investment in innovation: From the perspective of manager narcissism. *Foreign Economics & Management*, 42(09), 121-135.
- Tamborski, M., Brown, R. P., & Chowning, K. (2012). Self-serving bias or simply serving the self? Evidence for a dimensional approach to narcissism. *Personality and individual differences*, 52(8), 942-946. doi: 10.1016/j.paid.2012.01.030
- Zweigenhaft, R.L. (1977). The empirical study of signature size. *Social Behavior and Personality*, 5(1), 177-185. doi: 10.2224/sbp.1977.5.1.177

## The effect of financial education on financial knowledge, financial attitude and financial behavior of students (case study: management and accounting students of Mashhad)

Mahdi Filsaraei<sup>1</sup>, Behzad Shafiei Moghaddam<sup>2</sup>

Received: February 07, 2024

Accepted: March 02, 2024

### Abstract

**Purpose:** The purpose of this research was the effect of financial education on financial knowledge, financial attitude and financial behavior of management and accounting students of Mashhad.

**Methodology:** The statistical population of the research was management and accounting students of Mashhad city in Razavi Khorasan province. 400 questionnaires were collected and structural equation modeling method was used. The method of data collection is library and field method with questionnaire distribution. This research is an applied and descriptive survey, and the data collection was a questionnaire prepared from several standard questionnaires that were integrated by the researcher. To test the hypotheses, correlation test method, structural equation model and regression (path analysis) were used in SmartPLS.

**Findings:** The results showed that the effect of financial education on financial attitude, knowledge and behavior was confirmed. The effect of financial attitude variable on financial behavior was positive and significant, and the effect of financial knowledge on financial behavior was positive and significant.

**Originality:** Many studies have been conducted on the factors affecting financial education. The present study has been conducted by examining the impact of financial education on components such as financial knowledge, financial attitude and financial behavior in a certain group of people (students) who are responsible for the future of the society. Therefore, in this sense, it adds to the existing literature.


**Keywords:** Financial attitude, financial behavior, financial education, financial knowledge

**JEL Classification:** G21, D03, G39, G31, I22

---

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Hakim Toos Higher Education Institute, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). (filsaraei@yahoo.com)  
2. Department of Accounting, Hakim Toos Higher Education Institute, Mashhad, Iran.

**Cite this paper:** Filsaraei, M., & Shafiei Moghaddam, B. (2024). The effect of financial education on financial knowledge, financial attitude and financial behavior of students (case study: management and accounting students of Mashhad). *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(2), 46-69. [In Persian]

 <https://doi.org/00.00000/aft.0000.0000000.0000>



## تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان مدیریت و حسابداری شهرستان مشهد)

مهدی فیل سرائی<sup>۱</sup>، بهزاد شفیعی مقدم<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی دانشجویان مدیریت و حسابداری شهرستان مشهد بوده است.

**روش‌شناسی:** جامعه آماری پژوهش دانشجویان مدیریت و حسابداری شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی بودند. تعداد ۴۰۰ پرسشنامه گردآوری و از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها بصورت میدانی با توزیع پرسشنامه است. این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی پیمایشی است و جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای تهیه شده از چند پرسشنامه استاندارد بود که توسط محقق یکپارچه‌سازی شد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش آزمون همبستگی، مدل معادلات ساختاری و رگرسیون (تحلیل مسیر) در نرم‌افزار اسمارت‌پی‌ال‌اس انجام شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش مالی بر نگرش، دانش و رفتار مالی اثر معنی‌دار دارد. تأثیر متغیر نگرش مالی بر رفتار مالی مثبت و معنادار بوده، همچنین تأثیر دانش مالی بر رفتار مالی مثبت و معنادار بوده است.

**دانش افزایی:** مطالعات بسیاری در خصوص عوامل متأثر از آموزش مالی انجام شده است. مطالعه حاضر با بررسی تأثیر آموزش مالی بر مؤلفه‌هایی از جمله دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی در قشری خاص از افراد جامعه (دانشجویان) که مقدرات آینده جامعه به دست آنان است، انجام شده است. لذا از این حیث، به ادبیات موجود اضافه می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش مالی، دانش مالی، رفتار مالی، نگرش مالی

طبقه‌بندی موضوعی: G21, D03, G39, G31, I22

۱. استادیار حسابداری موسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). (filsaraei@yahoo.com)

۲. موسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران.

استناد: فیل سرائی، مهدی، و شفیعی مقدم، بهزاد. (۱۴۰۲). تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان مدیریت و حسابداری شهرستان مشهد). *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۲). ۶۹-۶۶.

## مقدمه

تعداد فزاینده‌ای از بزرگسالان از نظر مالی دچار مشکل هستند که با رفاه در بسیاری از زمینه‌های زندگی ارتباط منفی دارد. در واقع، یک دلیل کلیدی برای ایجاد مرحله رشد "بزرگسالی در حال ظهور" این بود که سه مورد از شرایط اصلی برای رسیدن به بزرگسالی (پذیرفتن مسئولیت خود، تصمیم‌گیری مستقل و مستقل شدن از نظر مالی) هستند. این نشانه‌ها دیگر توسط اکثر افراد ۱۸ ساله مانند نسل‌های گذشته نیست (لبورن و کلی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). از نظر مشکلات مالی، تقریباً یک سوم بزرگسالان از نظر مالی به والدین خود وابسته هستند و بسیاری از آن‌ها به دلیل نیاز مالی با والدین خود زندگی می‌کنند (اداره سرشماری ایالات متحده، ۲۰۱۳). علاوه بر این، بسیاری از بزرگسالان در حال ظهور فاقد دانش و مهارت‌های مالی اولیه هستند (به‌عنوان مثال مفاهیم بهره مرکب، تورم، تنوع ریسک). امور مالی برای بسیاری از بزرگسالان نوظهور با استرس استثنایی همراه است. این استرس مالی با خطرات سلامت روانی بالاتر، خطرات سلامت جسمانی، خطرات سلامت تحصیلی و خطرات رابطه‌ای همراه است؛ بنابراین، ضروری است که رفاه مالی جوانان بهبود یابد (لبورن و کلی، ۲۰۲۱).

رفاه مالی در برخی موارد مستقیماً با سواد مالی مرتبط است. در حالی که این تنها عامل در تصمیم‌گیری مالی نیست، مطالعاتی در مورد اثرات تعدیل روش‌شناختی، فرهنگی، اقتصادی و نظری بین سواد مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری وجود دارد (لوپز مندیا و همکاران، ۲۰۲۱). این کمبود سواد مالی اغلب توسط مشاوران مالی جبران می‌شود که به اطمینان از بازگشت بهتر سرمایه‌گذاری‌ها و گرفتن وام کمک می‌کنند (فان<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). از سوی دیگر با توجه به اهمیت و چالش‌های پیش روی دولت‌ها در بهبود تعادل پایداری زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، شناخت تولیدات علمی در مورد رفتار آموزش مالی، پس‌انداز و مصرف ضروری است (لوپز مندیا و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات در مورد آموزش مالی، انواع افراد را از کودکان مدرسه تا بزرگسالان درگیر کرده است. با این حال، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۲) کودکان و افراد جوان را در نظر گرفته است. شواهد نشان می‌دهد که برنامه‌های مدرسه آموزش مالی می‌تواند دانش مالی کودکان و نوجوانان را بهبود بخشد (رودریگز راگا و مارتینز کاملو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). ون کامپنهورت<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نتایجی را نشان می‌دهد که دانش و مهارت در آموزش مالی در سنین جوانی منجر به ثروت بیشتر در آینده، برنامه‌بازنشستگی بهتر و مدیریت بهتر بدهی می‌شود. علاوه بر این، مواجهه مثبت دانشجویان با آموزش مالی می‌تواند منجر به نگرش مثبت آینده نسبت به امور مالی شخصی و پس‌انداز شود (باتی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). همچنین سانتینی و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۹) عواملی که بر سواد مالی تأثیر می‌گذارند را آموزش، دانش مالی، نگرش و رفتار، درآمد و سرمایه‌گذاری بیان کردند. با توجه به این امر که تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط دانشجویان در دوره دانشجویی تأثیر بسیاری بر وضعیت مالی آن‌ها پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه دارد و همچنین موقعیت مالی دانشجویان در دانشگاه که می‌تواند عملکرد دانشگاهی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و بر توانایی آن‌ها برای تکمیل دوره دانشگاهی اثرگذار باشد، این پژوهش در پی بررسی تأثیر آموزش مالی شخصی بر دانش مالی، نگرش‌ها و رفتار

<sup>1</sup>. LeBaron & Kelley

<sup>2</sup>. Fan

<sup>3</sup>. Rodriguez-Raga & Martinez-Camelo

<sup>4</sup>. Van Campenhout

<sup>5</sup>. Batty *et al.*

<sup>6</sup>. Santini, Ladeira, Mette & Ponchio

دانشجویان بود. پیشرفت‌های سریع فناوری اطلاعات در سراسر جهان، بخش مالی پیچیده‌تر و پویاتری را هم از نظر محصولات و هم از نظر سیستم‌ها ایجاد کرده است. افراد در کشورهای کم درآمد، متوسط و بالا به طور فزاینده‌ای با این دنیای مالی درگیر می‌شوند و این امر مدیریت پول را به طور کلی پیچیده‌تر کرده است و در عین حال مردم را در برابر آسیب‌پذیری‌های جدید مانند تراکنش‌های مالی پرخطر، اطلاعات گمراه‌کننده، کلاه‌برداری و غیره آسیب‌پذیرتر می‌کند (جوهان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱).

نسل‌های جوان امروز در شرایط چالش‌برانگیزی قرار دارند (جوهان و همکاران، ۲۰۲۱). جیانگ و دان<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) نشان دادند جوانانی که سطوح بالاتری از بدهی داشتند، پول بیشتری را برای کارت‌های اعتباری خرج می‌کردند و در مقایسه با نسل قبلی در همان مرحله از زندگی به دلایلی رکود دستمزدها، درآمد کم، نسبتاً با تأخیر قبوض و هزینه تحصیل را پرداخت می‌کردند، علاوه بر این، جیانگ و دان (۲۰۱۳) به دسترسی آسان‌تر به اعتبار و نگرش‌های آسان‌تر نسبت به بدهی اشاره می‌کنند که بالقوه به مشکلات مالی جوانان کمک می‌کند. دانشجویان گروه جالبی برای مطالعه در رابطه با مسائل توانایی مالی هستند. با شروع زندگی مستقل، دانشجویان با مسئولیت‌های جدیدی برای مدیریت امور مالی خود از جمله بودجه‌بندی، مدیریت درآمد و هزینه‌ها و پرداخت قبوض روبرو هستند. علاوه بر این، در برخی از کشورها، مانند ایالات متحده، دانشجویان همچنین به وام‌های دانشجویی برای پوشش هزینه‌های تحصیل خود دسترسی دارند (جوهان و همکاران، ۲۰۲۱). ناتوانی در برنامه‌ریزی در زمان گذشته ممکن است دانش‌آموزان را پس از فارغ‌التحصیلی تحت فشار قرار دهد که ممکن است تحت فشار بدهی قرار گیرند که ناشی از ناتوانی آن‌ها در مدیریت وام‌های دانشجویی و کارت‌های اعتباری است (الیوت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ هولوب<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ بوشی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). مطالعه‌ای توسط بوشی (۲۰۰۵) نشان داد که بدهی‌های زیادی با ورود دانش‌آموزان به زندگی دانشگاهی انباشته می‌شود و برای کسانی که درآمد پایین‌تری دارند بالاتر است. با توجه به چالش‌هایی که به‌ویژه جوانان با آن روبرو هستند، به وضوح نیاز روزافزونی به حمایت برای کمک به آن‌ها برای درک و هدایت دنیای مالی پیچیده‌تر وجود دارد. دانشجویان، ممکن است از حمایت برای مدیریت وجه نقد در دوران تحصیل بهره‌مند شوند، اما باید از نظر درک محصولات و خدمات مالی و افزایش آگاهی از خطرات مالی، برای زندگی پس از دانشگاه آماده‌تر باشند (جوهان و همکاران، ۲۰۲۱). چندین مطالعه نظیر جوهان و همکاران (۲۰۲۱)؛ ژیاو و اونیل<sup>۶</sup> (۲۰۱۶)؛ کلپر و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۱)؛ سکیتا<sup>۸</sup> (۲۰۱۱)؛ شیم و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۰۹)؛ کمپسون و کولارد<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۶) و اتکینسون و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۶) نشان دادند که حمایت برای افزایش دانش مالی، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار (که در مجموع به عنوان «قابلیت مالی» نامیده می‌شود) می‌تواند از طریق آموزش ارائه شود. علاوه بر این، یک بررسی عمده که از طرف وزارت خزانه‌داری ایالات متحده<sup>۱۲</sup>

<sup>1</sup>. Johan *et al.*

<sup>2</sup>. Jiang & Dunn

<sup>3</sup>. Elliott

<sup>4</sup>. Holub

<sup>5</sup>. Boushey

<sup>6</sup>. Xiao & O'Neill

<sup>7</sup>. Klapper, Lusardi & Panos

<sup>8</sup>. Sekita

<sup>9</sup>. Shim, Serido & Xiao

<sup>10</sup>. Kempson & Collard

<sup>11</sup>. Atkinson, McKay & Collard

<sup>12</sup>. U.S. Department of Treasury

(۲۰۱۵) از طرف کمیسیون سواد مالی و آموزش ایالات متحده انجام شد، به این نتیجه رسید که برنامه‌های آموزش مالی در ایجاد تغییرات مثبت در دانش مالی و رفتار مالی مورد انتظار مؤثر هستند. با این حال، توصیه شد که مشاهدات بیشتری برای حمایت از درک عمیق‌تر در مورد برنامه‌های مناسب مورد نیاز است (وزارت خزانهداری ایالات متحده ۲۰۱۵). مطالعه‌ای توسط پنگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) نشان داد که آموزش مالی ارائه شده در دوران کالج به طور مثبت و قابل توجهی به دانش مالی در مورد الگوهای سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. با این حال، نتایج مخالفی توسط ماندل و کلین<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) ثبت شد که هیچ تفاوتی از نظر سواد مالی و رفتار بین کسانی که کلاس‌های مالی شخصی شرکت کرده بودند و کسانی که کلاس‌های مالی عمومی را گذرانده بودند، پیدا نکردند. همچنین کول و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) دریافتند که آموزش مالی تأثیر معناداری در افزایش استفاده از حساب بانکی/پس‌انداز ندارد. این مطالعه نشان داد که خصوصاً مالی فقط در بین افراد با سطح تحصیلات پایین تأثیر متوسطی دارد، در حالی که تأثیری در سایر گروه‌ها / جمعیت عمومی ندارد.

توانایی مالی را می‌توان از طریق عوامل اجتماعی‌سازی مالی غیررسمی<sup>۴</sup>، برای مثال والدین و گروه‌های همسالان، افزایش داد (گرانس و هینی،<sup>۵</sup> ۲۰۱۶؛ فن و چاترجهی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). برای مثال، شیم و همکاران (۲۰۱۰) استدلال کردند که مدارس، محل کار و والدین نه تنها در توسعه دانش مالی؛ بلکه نگرش‌ها و رفتار نیز نقش دارند. اهمیت اجتماعی شدن مالی<sup>۷</sup> توسط والدین توسط جانسون و شرادن<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) تقویت شد که والدین را تشویق کردند تا زمانی را برای بحث در مورد نحوه خرج کردن پول اختصاص دهند و به فرزندان خود بیاموزند که چگونه آن را عاقلانه مدیریت کنند. همان‌طور که توسط جورگنسون<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) نشان داده شد، کسانی که تحت حمایت مالی والدین خود قرار داشتند، به احتمال بیشتری به میزان بهتری از دانش، نگرش و رفتار مالی دست یافتند. واضح است که تعدادی از مطالعات تأثیر آموزش مالی بر جنبه‌های مختلف دانش، نگرش و رفتار مالی را بررسی کرده‌اند و برخی از این مطالعات بر روی دانشجویان کالج ایالات متحده متمرکز شده است. تا جایی که مطالعات سیستماتیک محدودی روی دانشجویان دانشگاه در کشور ایران، انجام شده است؛ بنابراین هدف از این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا آموزش مالی بر دانش مالی، نگرش‌ها و رفتار دانشجویان تأثیر دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### نگرش مالی و سواد مالی

نگرش مالی را می‌توان به عنوان تمایل شخصی به مسائل مالی تعریف کرد. این توانایی برنامه‌ریزی از قبل و حفظ یک حساب پس‌انداز است که مهم است. به منظور افزایش سواد مالی در بین نسل‌ها، تمرکز باید بر روی ایجاد نگرش‌های

<sup>1</sup>. Peng, Bartholomae & Fox

<sup>2</sup>. Mandell & Klein

<sup>3</sup>. Cole, Sampson & Zia

<sup>4</sup>. Nonformal financial socialis

<sup>5</sup>. Gerrans & Heaney

<sup>6</sup>. Fan & Chatterjee

<sup>7</sup>. Financial socialisation

<sup>8</sup>. Johnson & Sherraden

<sup>9</sup>. Jorgensen

مالی مطلوب در بین مردم کشور باشد. تنها در این صورت می‌توان به مزایای واقعی هر برنامه آموزشی مالی دست یافت. نگرش‌های مالی نتیجه رفتار معین یک تصمیم‌گیرنده است و این نگرش می‌تواند از طریق باورهای اقتصادی و غیراقتصادی آن‌ها تثبیت شود. آموزش می‌تواند نگرش مالی شخصی را بهبود بخشد و در نتیجه وابستگی به کارت‌های اعتباری را کاهش دهد. نگرش‌های مالی همراه با رفتار مالی نیز می‌تواند بر رفاه مالی تأثیر بگذارد (رای و همکاران، ۲۰۱۹). تحقیقات گذشته نظیر پژوهش‌های گربل و لیتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) و کاسمن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که بین نگرش‌های مالی و سواد مالی در میان جوانان ارتباط وجود دارد. تحقیقات دیگری نظیر؛ شیم و همکاران (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که نگرش نسبت به پول ممکن است سواد مالی را در بین جوانان شکل دهد. نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به امور مالی و پول می‌تواند بر رفتار آن‌ها برای دستیابی به سواد مالی و افزایش دانش مالی تأثیر بگذارد؛ اما نگرش منفی قدرت تصمیم‌گیری مالی آن‌ها را تضعیف می‌کند (رای و همکاران، ۲۰۱۹).

هاک و ذوالفقار<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) مطالعه‌ای را بر روی ۳۰۰ زن شاغل پاکستانی که به بخش غیرمالی تعلق دارند، انجام دادند تا ارتباط بین نگرش مالی، سواد مالی و رفتار مالی در بین زنان شاغل را تعیین کنند. این مطالعه به این نتیجه رسید که رابطه قوی و مثبتی بین پارامترهای فوق‌الذکر سواد مالی وجود دارد. دوویدی، پورویت و مهتا<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) گزارش NCFE در مورد سواد مالی و شمول مالی در هند را تحلیل کردند. این مطالعه نشان داد که سطح سواد مالی برای مردان و زنان متفاوت است. مردان درک مالی بیشتری نسبت به زنان دارند. این مطالعه همچنین به این نتیجه رسید که زنان در نگرش مالی نسبت به رفتار مالی و دانش مالی امتیاز بیشتری دارند، اما مردان در نگرش مالی کمتر از زنان امتیاز می‌گیرند (رای و همکاران، ۲۰۱۹). بررسی ادبیات فوق حاکی از آن است که نگرش مالی یک عامل تعیین‌کننده ضروری برای شناسایی سواد مالی افراد است و همچنین بر سطح سواد مالی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، بر اساس تحقیقاتی که قبلاً در این مقاله ذکر شد، محققان فرضیه‌ها را برای بیان ارتباط نگرش مالی و سطح سواد مالی تدوین و آزمایش کرده‌اند.

### رفتار مالی و سواد مالی

بسیاری از محققان نظیر بوشان و مدوری<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) و کالکه و ممبا<sup>۷</sup> (۲۰۱۵) در مورد رفتار برنامه‌ریزی مالی، رفتار سرمایه‌گذاری، رفتار پرداخت قبوض، رفتار پس‌انداز، رفتار کارت‌های اعتباری و رفتار بودجه‌نظرسنجی انجام داده‌اند تا سطح سواد مالی زنان را دریابند. رفتار انسانی که مربوط به تصمیم‌گیری مالی و مدیریت پول است، مانند ایجاد برنامه بودجه مناسب و کنترل آن، پرداخت سریع صورت‌حساب‌ها و طبیعت پس‌انداز منظم، رفتار مالی نامیده می‌شود. بر اساس سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۸</sup> (۲۰۱۳)، رفتار مالی بسیار مهم و جزء اساسی سواد مالی است. برای اتکینسون و مسی (۲۰۱۲)، یک رفتار مالی مثبت افراد مانند برنامه‌ریزی مناسب برای مخارج و مراقبت از ثبات مالی، سطح سواد مالی آن‌ها را افزایش می‌دهد، در حالی که رفتار مالی منفی که عمدتاً به اعتبارات و وام بستگی دارد، رفاه

<sup>۱</sup>. Grable & Lytton

<sup>۲</sup>. Kasman *et al.*

<sup>۳</sup>. Rai *et al.*

<sup>۴</sup>. Haque & Zulfqar

<sup>۵</sup>. Dwivedi, Purohit, and Mehta

<sup>۶</sup>. Bhushan & Medury

<sup>۷</sup>. Kalekye & Memba

<sup>۸</sup>. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)



مالی آن‌ها را تضعیف می‌کند. بانرجی، کومار و فیلیپ<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که رفتار شمول مالی با تأثیر مثبت سواد مالی بر آگاهی مالی افزایش می‌یابد. ساج و گاربل<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه خود شواهدی را ارائه کردند مبنی بر اینکه افراد با سطح تحمل ریسک مالی پایین‌تر در تصمیم‌گیری مالی با مشکل مواجه می‌شوند و از شایستگی مدیریت مالی خود ناراضی هستند. این بدان معناست که نگرش مالی و رفتار مالی با هم مرتبط هستند. تفاوت جنسیتی در رفتارهای مالی زن و مرد وجود دارد. با این حال، زنان برای تهیه بودجه و پیگیری امور مالی خود خاص‌تر هستند، اما آن‌ها فاقد دانش مالی هستند که بر برخی از جنبه‌های رفتار مالی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. به گفته لوساردی (۲۰۰۶)، زنان با سطح سواد مالی پایین‌تر کمتر به برنامه‌های بازنشستگی می‌پردازند و برای پس‌انداز و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری خود بیشتر به خانواده و دوستان خود وابسته هستند. ماتاواتانی و والومانی<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) مطالعه‌ای را در مورد سواد مالی در میان زنان روستایی در تاملیل نادو انجام دادند. این مطالعه تنها بر سه جنبه سواد مالی - یعنی دانش مالی، رفتار و نگرش - متمرکز بود و نشان داد که سواد مالی در میان زنان روستایی بسیار پایین است. بونگا و ملامبو<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) بر نگرانی در مورد بهبود سواد مالی در میان زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید کردند. این مطالعه نشان داد که ابتکار بهبود سواد مالی می‌تواند تغییر رفتاری بلندمدت زنان را ایجاد کند. بوشان و مدوری (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که به منظور افزایش سطح سواد مالی افراد، دولت باید روی ایجاد رفتار و نگرش مالی مثبت همراه با آموزش مالی تمرکز کند (رای و همکاران، ۲۰۱۹).

#### آموزش مالی، دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی

دانش مالی ارتباط قابل توجهی با سواد مالی دارد که از طریق آموزش امکان‌پذیر می‌گردد. ساندرسون<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) سواد مالی را به عنوان توانایی فرد برای استفاده از دانش و مهارت‌های خود برای تصمیم‌گیری مالی مناسب برای مدیریت مؤثر منابع مالی تعریف کرده است. افزایش سطح دانش مالی می‌تواند در ادراک ریسک برای راه‌های سرمایه‌گذاری تفاوت ایجاد کند. دیاکون<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه خود در مورد سواد مالی به این نتیجه رسید که دانش مالی و ظرفیت ریسک‌پذیری کارشناسان مالی بیش از افراد عادی است. هاسلر و لوساردی<sup>۷</sup> (۲۰۱۷) سواد مالی را با پرسیدن سؤالات اساسی مرتبط با دانش در مورد اعداد (بهره)، بهره مرکب، تورم و تنوع ریسک اندازه‌گیری کردند. هاولت و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۰۸) مشاهده کردند که افراد دارای دانش مالی سواد مالی بیشتری دارند و می‌توانند پول را به طور کارآمد اداره کنند. دار و ژو<sup>۹</sup> (۲۰۰۶) ارتباط بین سواد مالی سرمایه‌گذاران را با اثر تمایل یافتند. مشخص شد که افراد با دانش مالی بالاتر و افراد حرفه‌ای که کار می‌کنند، اثرات تمایل کمتری نشان می‌دهند. دانش مالی تأثیر قانع‌کننده‌ای بر نگرش و رفتار مالی دارد، خواه عینی یا ذهنی باشد. این مطالعه همچنین مشخص کرد که دانش مالی یک عامل اساسی برای تعیین سواد مالی و مهارت‌های تصمیم‌گیری مالی یک فرد است. ون رویج، لوساردی و آلسی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱) شناسایی

1. Banerjee, Kumar, & Philip

2. Sages & Grable

3. Mathavathani & Velumani

4. Bonga & Mlambo

5. Sanderson

6. Diacon

7. Hasler & Lusardi

8. Howlett *et al.*

9. Dhar & Zhu

10. Van Rooij, Lusardi, & Alessie

کردند که دانش مالی با برنامه‌ریزی بازنشستگی ارتباط مثبت دارد و افراد دارای دانش مالی سواد مالی بیشتری دارند. این بدان معناست که افراد با دانش مالی بیشتر می‌توانند برای دوره‌های بازنشستگی خود برنامه‌ریزی بهتری داشته باشند. دسیلوا و همکاران (۲۰۱۲) مشاهده کردند که زنان فاقد دانش مالی هستند و به شدت ریسک‌گریز هستند. سطح سواد مالی آن‌ها پایین است و نمی‌خواهند از خدمات آنلاین برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری استفاده کنند. آن‌ها همچنین در استفاده از کارت‌های بدهی و اعتباری بسیار خاص هستند. شارما و جوشی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) تأثیر سواد مالی را بر تصمیم انتخاب سرمایه‌گذاری زنان شناسایی کردند. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که برای افزایش دانش مالی زنان، برنامه‌های سواد مالی اجرا شود. روی و جین<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) مطالعه کرده‌اند که دانش مالی زنان در مورد ابزارهایی مانند کارت نقدی، کارت اعتباری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، سهام و سایر راه‌های سرمایه‌گذاری بسیار پایین است (رای و همکاران، ۲۰۱۹). در واکنش به سطح ضعیف سواد مالی در بین جوانان، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه پیشنهاد شده است که مقامات ملی، آموزش مالی را در برنامه درسی مدرسه‌ها بگنجانند. آموزش مالی می‌تواند نقشی در رشد و توسعه سواد مالی ایفا نماید چرا که همیشه برای مصرف‌کنندگان در کمک به آن‌ها در بودجه و مدیریت درآمد خود، صرفه‌جویی و سرمایه‌گذاری کارآمد و در پیشگیری از ریسک کلاه‌برداری مهم بوده است (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۵). سواد مالی چارچوبی برای پژوهش و مطالعه آموزش مالی و مؤلفه‌های اثرگذار بر تصمیمات مالی فراهم می‌نماید و آن را می‌توان راهی برای ارزیابی تأثیرات آموزش مالی بر رفتارهای اقتصادی توصیف نمود (لوزاردی و میشل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴).

آگاهی داشتن از اهمیت آموزش مالی، سبب افزایش تعداد استراتژی‌های ملی جهت آموزش مالی بسیاری از کشورها شده است. این استراتژی‌ها نشان دهنده یک رویکرد سیستماتیک به منظور تقویت سواد مالی شهروندان خود هستند. آنان بیشتر در اقتصادهای توسعه‌یافته مانند آمریکا، بریتانیا، ژاپن، استرالیا، هلند، نیوزلند و سنگاپور راه افتادند. با این حال، از زمان آغاز بحران اقتصادی، ابتکارات مشابهی به دیگر کشورها با زمینه‌های مالی، اقتصادی توسعه‌یافته است (گرافونی و مسی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). آموزش مالی با پیشرفت سواد مالی به وسیله سیاست‌گذاری، خانواده‌ها و مدرسين پذیرفته شده است. به صورتی که با وجود سواد مالی اشخاص و خانواده‌ها از مهارت‌ها و آموزش لازم به منظور درک بهتر مدیریت امور مالی فردی برخوردار می‌گردند.

#### پیشینه پژوهش

بیگی (۱۴۰۲) در پژوهشی تأثیر عوامل تحمل ریسک مالی، سواد مالی و نگرش مالی بر رفتارهای مالی افراد مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که تحمل ریسک مالی، سواد مالی و نگرش مالی تأثیر معناداری بر رفتار مالی دارند و به نوعی افراد در تصمیمات مالی خود تحت تأثیر عوامل روانشناختی قرار می‌گیرند.

نوروزی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان تحلیل تأثیر نگرش مالی بر عملکرد سرمایه‌گذاری با میانجیگری رفتار مالی - رویکرد تحلیل معادلات ساختاری انجام دادند. این پژوهش با به کارگیری مدل مفهومی برگرفته از ادبیات تحقیق تلاش دارد تأثیر نگرش مالی بر عملکرد سرمایه‌گذاری و تأثیر متغیر میانجی رفتار مالی بر این رابطه را در میان

1. Sharma & Joshi

2. Roy & Jain

3. Lusardi & Mitchell

4. Grifoni & Messy

جامعه جوان و دانشگاهی مورد تحقیق قرار دهد. برای این منظور تحقیقی پیمایشی با استفاده از پرسشنامه آنلاین در سطح دانشجویان دانشگاه اراک صورت پذیرفته و داده‌های مرتبط با ۳۰۶ دانشجوی جمع‌آوری گردیده است. در این تحلیل از رویکرد معادلات ساختاری برای تحلیل مدل مفهومی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل بیانگر آن است که نگرش مالی اثری مستقیم و مثبت بر عملکرد سرمایه‌گذاری فرد دارد و در عین حال رفتار مالی به عنوان میانجی در رابطه بین نگرش مالی و عملکرد سرمایه‌گذاری عمل کرده و این رابطه را تقویت می‌کند.

دری سده و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان بررسی و ارزیابی سواد مالی کارآفرینان روستایی شهرستان سمیرم استان اصفهان انجام دادند. این پژوهش با هدف اثربخشی آموزش مهارت‌های مالی بر سواد مالی (دانش، رفتار و نگرش) کارآفرینان شهرستان سمیرم اجرا شد. نمونه پژوهش را ۳۲ نفر به صورت در دسترس و به روش گلوله برفی انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه الف (گروه آموزش‌دیده) و ب (آموزش ندیده) گمارده شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با آلفا کرونباخ ۰/۷۸ بود. نتایج تحلیل نشان داد آموزش بر ابعاد مختلف سواد مالی مؤثر واقع می‌شود و میانگین‌های نمرات کارآفرینان گروه الف نسبت به کارآفرینان گروه ب به طور معناداری بیشتر بود. در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آموزش مهارت‌های مالی بر سواد مالی و ابعاد آن در کارآفرینان تأثیرگذار است. محقق کیا و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان تعیین سطح سواد مالی و رابطه آن با رفتار مالی و نگرش مالی (مطالعه موردی دانشجویان مؤسسه آموزش عالی پرندک) انجام دادند. این تحقیق با هدف بررسی سواد مالی و رابطه آن با رفتار مالی و نگرش مالی انجام گرفت. روش این پژوهش توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان مؤسسه آموزش عالی پرندک بودند. نمونه آماری شامل ۲۰۰ نفر از این دانشجویان بودند. داده‌ها از روش پرسشنامه‌ای جمع‌آوری و با نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که دانشجویان مؤسسه آموزش عالی پرندک از سطح سواد مالی نسبتاً خوبی برخوردار هستند و ارتباط معناداری بین سواد مالی با رفتار و نگرش مالی وجود دارد.

نتمیر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) در پژوهشی به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که چگونه آموزش مالی منجر به بهبود رفتار مالی و رفاه مالی بالاتر می‌شود؟ یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که تلاش‌های آموزش مالی باید برای تقویت دانش ذهنی و بهبود رفتار متمرکز شود.

واگنر و والستاد<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای تفاوت‌های جنسیتی در رفتار مالی خانوار را در یک نظرسنجی بزرگ و نماینده ملی درباره رفتار، دانش و نگرش‌های مالی بزرگسالان بررسی نمودند. این رفتارها شامل پرداخت کامل کارت اعتباری در هر ماه، داشتن صندوق اضطراری ۳ ماهه، سرمایه‌گذاری غیربازنشستگی و داشتن حساب بازنشستگی غیرکارفرمایی است. نتایج نشان داد که زنان مجرد به طور قابل توجهی کمتر درگیر هر یک از رفتارهای مالی در مقایسه با مردان بودند. علاوه بر این، زنان در خانواده‌های مشترک نیز به طور قابل توجهی کمتر در مقایسه با مردان درگیر این رفتارها بودند.

رودریگز راگا و مارتینز کاملو (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان بازی، راهنما یا وب‌سایت برای بهبود آموزش مالی: شواهدی از یک آزمایش در مدارس کلمبیا انجام دادند. این پژوهش تأثیر یک برنامه آموزش مالی متشکل از سه ابزار

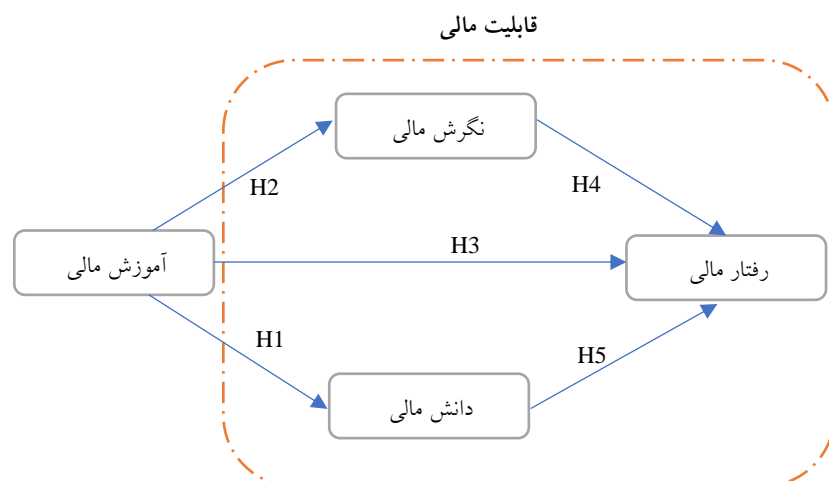
<sup>۱</sup>. Netemeyer et al.

<sup>۲</sup>. Wagner & Walstad

یادگیری مختلف را برای کودکان ۶ تا ۱۸ ساله در بوگوتا، کلمبیا، در سال ۲۰۱۸ ارزیابی می‌کند. این آزمایش تصادفی فرصتی را برای بررسی تأثیر آن سه ابزار یادگیری (بازی، راهنمای، وب‌سایت) در مورد دانش مالی و سواد دانش‌آموزان در نمونه‌ای متشکل از ۱۳۳۷ دانش‌آموز از چهار مدرسه کلمبیا و چهارپایه تحصیلی داشت. آنها دریافتند که آموزش متمایز در فرایند یادگیری می‌تواند مؤثر باشد حتی اگر تفاوت‌های قابل توجهی از قبل وجود داشته باشد.

ژیائو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان قابلیت مالی: بررسی مفهومی سیستماتیک، گسترش و ترکیب انجام دادند. به دنبال یک رویکرد سیستماتیک، بررسی بر اساس ۲۱۵ مقاله منتشر شده در طول ژانویه ۲۰۰۷ و مارس ۲۰۲۲، بازیابی شده از Scopus است. بر اساس بحث، در این بررسی، توانایی مالی به عنوان توانایی فردی برای به کارگیری دانش مالی مناسب، انجام رفتارهای مالی مطلوب و استفاده از فرصت‌های مالی موجود برای دستیابی به رفاه مالی تعریف شده است. یک چارچوب مفهومی، ادبیات ترکیب شده و گزاره‌های مبتنی بر این چارچوب را ترسیم می‌کند و تحقیقات مربوطه پیشنهاد می‌شود. در نهایت، دستورالعمل‌هایی برای تحقیقات آتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

فان و هناگر<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) چارچوب عوامل تعیین‌کننده ساختاری برای رفاه مالی انجام دادند. این مطالعه یک چارچوب مفهومی ایجاد می‌کند که درک گسترده‌ای از رفاه مالی ارائه می‌دهد. این مطالعه با استفاده از مطالعه قابلیت مالی ملی ۲۰۱۸ و روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری، شواهد تجربی را برای چارچوب پیشنهادی با شناسایی عوامل تعیین‌کننده مستقیم و غیرمستقیم مهم رفاه مالی ارائه می‌کند. سلامت مالی شخصی و تحقیقات مرتبط با رضایت مالی قبلی، یک منطق نظری برای ساخت چارچوب مفهومی در مطالعه حاضر ارائه می‌کند. نتایج، روابط بین این عوامل، شامل ادراک مالی و عوامل دانش، استرس مالی، رفتار مالی مثبت کوتاه‌مدت و بلندمدت و رضایت مالی را گزارش کردند. پس از بررسی مبانی نظری، ادبیات و پیشینه پژوهش، لازم است مدل مفهومی طراحی شود. هر مدل مفهومی به‌عنوان مبنایی برای انجام دادن پژوهش‌ها است، به‌گونه‌ای که متغیرهای مورد نظر پژوهش و روابط میان آنها را مشخص می‌کند. بر همین اساس، مدل مفهومی مورد نظر را می‌توان در شکل ۱ مشاهده کرد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش، منبع پژوهشگر

<sup>۱</sup>. Xiao et al.

<sup>۲</sup>. Fan & Henager

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تعریف می‌شوند.

- فرضیه اول: آموزش مالی بر دانش مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه دوم: آموزش مالی بر نگرش مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه سوم: آموزش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه چهارم: نگرش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه پنجم: دانش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است، به این دلیل که یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای حل مسائل اجرایی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین این پژوهش از نظر ماهیت و رویکرد تحقیقاتی علی معلولی است، زیرا به دنبال بررسی ارتباط بین متغیرها است. از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات نیز جزء تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی است و از نظر نوع داده‌ها نیز کمی است. به‌طور خلاصه می‌توان بیان نمود که پژوهش حاضر، از نظر زمان انجام پژوهش، مقطعی؛ از نظر نتایج پژوهش، کاربردی؛ از نظر فرایند اجرای پژوهش، ترکیبی؛ از نظر هدف پژوهش، توصیفی (و از نوع مطالعه موردی) و از نظر منطق اجرای پژوهش، استقرایی است.

در این پژوهش، متغیر آموزش مالی شخصی متغیر مستقل می‌باشد، برای اندازه‌گیری این متغیر از ۱۳ گویه پرسشنامه جوهان و همکاران (۲۰۲۱) استفاده شد. متغیرهای نگرش مالی، دانش مالی و رفتار مالی، متغیرهای وابسته بودند. برای سنجش متغیر نگرش مالی از پنج بعد مدیریت پول با ۴ گویه؛ مدیریت ریسک با ۶ گویه؛ برنامه‌ریزی با ۷ گویه؛ انتخاب محصولات با ۳ گویه و به روز بودن با یک گویه؛ سنجش دانش مالی با استفاده از ۸ گویه؛ سنجش رفتار مالی با استفاده از ۱۴ گویه و از پرسشنامه جوهان و همکاران (۲۰۲۱) استفاده شده است. جهت پرسشنامه‌ها از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای استفاده شده است.

جدول ۱. متغیرها و گونه‌شناسی آنها

متغیر	بُعد	نقش متغیر	نوع متغیر	نوع متغیر در مدل ساختاری	واحد اندازه‌گیری
آموزش مالی	-	مستقل	کمی	مکنون برونزا	لیکرت پنج گزینه‌ای
نگرش مالی	مدیریت پول مدیریت ریسک برنامه‌ریزی انتخاب محصولات به روز بودن	وابسته	کمی	مکنون درونزا	لیکرت پنج گزینه‌ای
دانش مالی	---	وابسته	کمی	مکنون درونزا	لیکرت پنج گزینه‌ای
رفتار مالی	---	وابسته	کمی	مکنون درونزا	لیکرت پنج گزینه‌ای

در این پژوهش از آنجا که روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده نمود. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی شهرستان مشهد می‌باشد و برای نمونه‌گیری از روش نمونه در دسترس استفاده شده است. بدین معنی که در مراجعه به هر یک از دانشگاه‌های آزاد، فردوسی، غیر انتفاعی و موسسات آموزش عالی، برای رسیدن به حداقل نمونه لازم (۳۸۴ پرسشنامه) حداقل تعداد ۳۰ پرسشنامه توزیع گردیده است؛ که در مجموع ۴۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. مؤلفه‌های پرسشنامه

متغیر	بُعد	تعداد گویه‌ها	منبع
آموزش مالی	---	۱۳	
	مدیریت پول	۴	
	مدیریت ریسک	۶	
نگرش مالی	برنامه‌ریزی	۷	جوهان و همکاران (۲۰۲۱)
	انتخاب محصولات	۳	
	به روز بودن	۱	
دانش مالی	---	۸	
رفتار مالی	---	۱۴	

برای بررسی روایی صوری در پرسشنامه، گویه‌ها با توجه به مؤلفه‌های استخراج شده از تحقیق‌های معتبر گذشته، مشخص گردید و از اساتید و نیز تعدادی از خبرگان استفاده گردید. پس از بررسی و ارزشیابی پرسشنامه توسط اساتید و صاحب‌نظران مورد نظر، اصلاحات مربوطه در پرسشنامه اعمال گردید و روایی ظاهری آن تأیید شد و میزان انطباق آن با هنجارهای اجتماعی، محیط سازمانی مورد نظر و اهداف تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین پس از جمع‌آوری اطلاعات برای بررسی روایی محتوایی از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس نیز به منظور تحلیل عاملی، استفاده شده است. برای پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ابتدا باید انحراف معیار نمرات هر زیرمجموعه از سوالات پرسشنامه و انحراف معیار کل سوالات (زیر مجموعه‌ها) را محاسبه کرده، سپس با استفاده از رابطه زیر ضریب آلفای هر زیرمجموعه از سوالات را بدست آورد:

$$r_{\alpha} = \frac{j}{j-1} \left[ 1 - \frac{\sum_{i=1}^j s_i^2}{\sigma^2} \right]$$

که در آن:

$$r_{\alpha} = \text{ضریب آلفای کرونباخ}$$

$$s_i = \text{انحراف معیار زیر مجموعه } i \text{ ام}$$

$$\sigma = \text{انحراف معیار کل}$$

$$j = \text{تعداد سوالات پرسشنامه}$$

## یافته‌های پژوهش

جدول ۳ فراوانی مربوط به رشته تحصیلی و جنسیت پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۳. فراوانی تحصیلات پاسخگویان

درصد فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	رشته تحصیلی و جنسیت
۳۶/۲۵	۳۶/۲۵	۱۴۵	مدیریت بازرگانی
۴۴	۷/۷۵	۳۱	مدیریت دولتی
۸۱/۲۵	۳۷/۲۵	۱۴۹	حسابداری
۱۰۰	۱۸/۷۵	۷۵	مدیریت مالی
—	۱۰۰	۴۰۰	جمع
۶۱/۵	۶۱/۵	۲۴۶	آقا
۱۰۰	۳۸/۵	۱۵۴	خانم
—	۱۰۰	۴۰۰	جمع

مقادیر بار عاملی و عدد معناداری: یکی دیگر از تحلیل‌های مورد نیاز، تحلیل بار عاملی و عدد معناداری است، سؤالات دارای بار عاملی مناسب و بیش از مقدار استاندارد (۰/۴) هستند و همچنین همه سؤالات دارای مقادیر عدد معناداری بیش از ۱/۹۶ هستند و مقدار معناداری آن‌ها در سطح ۰/۰۰۰ مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۴. مقادیر بار عاملی و عدد معناداری سؤالات پژوهش

سطح معناداری	بار عاملی	انحراف معیار	عدد معناداری	نگرش مالی
۰/۰۰۰	۰/۶۸۴	۰/۰۳۱	۲۲/۴۰۷	نگرش مالی <- AP1
۰/۰۰۰	۰/۷۰۱	۰/۰۲۸	۲۴/۹۶۴	نگرش مالی <- AP10
۰/۰۰۰	۰/۷۳۹	۰/۰۲۵	۲۹/۹۷۰	نگرش مالی <- AP11
۰/۰۰۰	۰/۷۷۵	۰/۰۲۴	۳۲/۱۸۴	نگرش مالی <- AP12
۰/۰۰۰	۰/۷۱۲	۰/۰۳۳	۲۱/۸۵۵	نگرش مالی <- AP13
۰/۰۰۰	۰/۷۱۶	۰/۰۳۰	۲۳/۵۰۲	نگرش مالی <- AP14
۰/۰۰۰	۰/۶۹۷	۰/۰۳۱	۲۲/۳۲۶	نگرش مالی <- AP15
۰/۰۰۰	۰/۷۴۵	۰/۰۲۶	۲۸/۲۱۹	نگرش مالی <- AP16
۰/۰۰۰	۰/۷۱۷	۰/۰۳۱	۲۲/۹۴۳	نگرش مالی <- AP17
۰/۰۰۰	۰/۷۲۸	۰/۰۲۸	۲۵/۷۵۷	نگرش مالی <- AP18
۰/۰۰۰	۰/۷۴۳	۰/۰۲۷	۲۷/۴۸۱	نگرش مالی <- AP19
۰/۰۰۰	۰/۷۲۹	۰/۰۲۶	۲۷/۸۲۴	نگرش مالی <- AP2
۰/۰۰۰	۰/۷۲۰	۰/۰۳۱	۲۳/۳۴۲	نگرش مالی <- AP20
۰/۰۰۰	۰/۷۶۰	۰/۰۲۶	۲۹/۳۰۲	نگرش مالی <- AP21
۰/۰۰۰	۰/۷۱۲	۰/۰۲۵	۲۸/۵۰۶	نگرش مالی <- AP3
۰/۰۰۰	۰/۶۶۴	۰/۰۳۵	۱۹/۰۴۳	نگرش مالی <- AP4
۰/۰۰۰	۰/۶۶۷	۰/۰۳۴	۱۹/۸۲۹	نگرش مالی <- AP5
۰/۰۰۰	۰/۶۸۲	۰/۰۲۹	۲۳/۶۱۹	نگرش مالی <- AP6
۰/۰۰۰	۰/۷۲۸	۰/۰۲۷	۲۶/۸۴۷	نگرش مالی <- AP7
۰/۰۰۰	۰/۶۸۳	۰/۰۲۹	۲۳/۴۲۱	نگرش مالی <- AP8
۰/۰۰۰	۰/۷۰۵	۰/۰۲۷	۲۶/۳۸۳	نگرش مالی <- AP9
۰/۰۰۰	۰/۷۴۶	۰/۰۲۴	۳۰/۵۷۱	رفتار مالی <- BE1

۰/۰۰۰	۰/۷۴۱	۰/۰۲۵	۲۹/۷۰۶	رفتار مالی <- BE10
۰/۰۰۰	۰/۷۷۲	۰/۰۲۲	۳۵/۶۷۸	رفتار مالی <- BE11
۰/۰۰۰	۰/۸۰۶	۰/۰۱۸	۴۴/۴۹۵	رفتار مالی <- BE12
۰/۰۰۰	۰/۷۱۷	۰/۰۳۳	۲۱/۹۶۰	رفتار مالی <- BE13
۰/۰۰۰	۰/۶۵۹	۰/۰۳۴	۱۹/۵۶۷	رفتار مالی <- BE14
۰/۰۰۰	۰/۷۵۶	۰/۰۲۵	۳۰/۳۲۸	رفتار مالی <- BE2
۰/۰۰۰	۰/۷۵۷	۰/۰۲۴	۳۱/۲۲۶	رفتار مالی <- BE3
۰/۰۰۰	۰/۷۰۷	۰/۰۲۶	۲۷/۲۶۰	رفتار مالی <- BE4
۰/۰۰۰	۰/۶۴۷	۰/۰۳۳	۱۹/۴۰۱	رفتار مالی <- BE5
۰/۰۰۰	۰/۷۳۵	۰/۰۲۷	۲۷/۶۶۹	رفتار مالی <- BE6
۰/۰۰۰	۰/۷۷۰	۰/۰۲۴	۳۲/۶۰۶	رفتار مالی <- BE7
۰/۰۰۰	۰/۷۵۱	۰/۰۲۶	۲۸/۹۷۱	رفتار مالی <- BE8
۰/۰۰۰	۰/۷۳۴	۰/۰۲۵	۲۹/۷۸۱	رفتار مالی <- BE9
۰/۰۰۰	۰/۷۳۱	۰/۰۳۰	۲۴/۵۹۵	دانش مالی <- KN1
۰/۰۰۰	۰/۷۹۵	۰/۰۲۳	۳۳/۹۸۱	دانش مالی <- KN2
۰/۰۰۰	۰/۸۲۳	۰/۰۲۱	۴۰/۱۵۲	دانش مالی <- KN3
۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۰/۰۱۹	۴۳/۰۱۴	دانش مالی <- KN4
۰/۰۰۰	۰/۷۹۵	۰/۰۲۴	۳۳/۸۳۲	دانش مالی <- KN5
۰/۰۰۰	۰/۷۴۵	۰/۰۲۷	۲۷/۶۸۴	دانش مالی <- KN6
۰/۰۰۰	۰/۸۳۷	۰/۰۱۷	۴۹/۳۶۲	دانش مالی <- KN7
۰/۰۰۰	۰/۸۵۴	۰/۰۱۵	۵۶/۱۵۸	دانش مالی <- KN8
۰/۰۰۰	۰/۷۵۱	۰/۰۲۹	۲۵/۶۳۹	آموزش مالی <- TR1
۰/۰۰۰	۰/۸۱۴	۰/۰۲۱	۳۸/۶۹۶	آموزش مالی <- TR10
۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۰/۰۲۲	۳۶/۴۱۲	آموزش مالی <- TR11
۰/۰۰۰	۰/۷۵۳	۰/۰۲۸	۲۶/۷۰۶	آموزش مالی <- TR12
۰/۰۰۰	۰/۷۴۳	۰/۰۲۸	۲۶/۶۳۷	آموزش مالی <- TR13
۰/۰۰۰	۰/۷۵۰	۰/۰۲۷	۲۷/۶۴۵	آموزش مالی <- TR2
۰/۰۰۰	۰/۸۰۹	۰/۰۲۰	۴۱/۲۵۱	آموزش مالی <- TR3
۰/۰۰۰	۰/۷۳۴	۰/۰۲۸	۲۵/۹۷۳	آموزش مالی <- TR4
۰/۰۰۰	۰/۷۹۰	۰/۰۲۱	۳۷/۸۷۴	آموزش مالی <- TR5
۰/۰۰۰	۰/۸۱۹	۰/۰۱۸	۴۶/۶۸۲	آموزش مالی <- TR6
۰/۰۰۰	۰/۷۸۴	۰/۰۲۲	۳۶/۰۶۸	آموزش مالی <- TR7
۰/۰۰۰	۰/۸۱۹	۰/۰۱۹	۴۲/۹۶۰	آموزش مالی <- TR8
۰/۰۰۰	۰/۷۹۴	۰/۰۲۲	۳۶/۳۷۶	آموزش مالی <- TR9

پایایی متغیرها: به منظور بررسی پایایی از آلفای کرونباخ، پایایی همگون و پایایی مرکب استفاده شده است که در جدول زیر این مقادیر ارائه شده است.

جدول ۵. پایایی متغیرها و روایی همگرا

پایایی مرکب	پایایی همگون	آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده
۰/۹۵۳	۰/۹۴۹	۰/۹۴۷	۰/۶۱۲
۰/۹۳۴	۰/۹۲۳	۰/۹۱۹	۰/۶۳۸
۰/۹۴۳	۰/۹۳۸	۰/۹۳۵	۰/۵۴۳
۰/۹۵۶	۰/۹۵۴	۰/۹۵۲	۰/۵۱۱



**روایی همگرا:** روایی همگرا به این معناست که مجموعه معرف‌ها، سازه اصلی را تبیین می‌کند. فورنل و لاکر (۱۹۸۱) استفاده از متوسط واریانس استخراج شده را به عنوان معیاری برای اعتبار هم‌گرا پیشنهاد کردند. حداقل میانگین واریانس استخراج شده معادل ۰/۵ بیانگر اعتبار همگرایی کافی است. به این معنی که یک متغیر مکنون می‌تواند به طور متوسط بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌هایش را تبیین کند. مقادیر متوسط واریانس استخراج شده در جدول ۵ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای متغیر مکنون با مدل انعکاسی بالاتر از ۰/۵ است. از طرف دیگر اینکه همه متغیرهای دارای پایایی مرکب بیش از ۰/۷ هستند و این مقادیر برای هر یک از متغیرها بیش از مقدار واریانس استخراج شده آنان است. بنابراین می‌توان بیان نمود که روایی هم‌گرای مدل‌های اندازه‌گیری تقریباً مطلوب می‌باشد.

**روایی افتراقی:** روایی افتراقی یک مفهوم تکمیل‌کننده است و در مدل‌سازی مسیری دو معیار برای آن مطرح شده است: معیار فورنل - لارکر و نسبت هتروتریت - مونوتریت.

معیار فورنل و لاکر بیان می‌کند که یک متغیر در مقایسه با معرف‌های سایر متغیرهای مکنون، باید پراکندگی بیشتری را در بین معرف‌های خودش داشته باشد. از نظر آماری متوسط واریانس استخراج شده هر متغیر مکنون باید بیشتر از بالاترین توان دوم همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای مکنون باشد. معیار فورنل و لاکر روایی افتراقی را در سطح سازه ارزیابی می‌کند (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). جدول ۶ مقدار همبستگی بین متغیرها و مقدار مجذور متوسط واریانس استخراج شده هر متغیر را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار جذر متوسط واریانس استخراج شده برای هر سازه بیشتر از همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های انعکاسی موجود در مدل است، بنابراین روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی تأیید می‌شود.

جدول ۶. ماتریس مقایسه همبستگی بین متغیرهای اصلی و مجذور واریانس استخراج شده

متغیر	آموزش مالی	دانش مالی	رفتار مالی	نگرش مالی
آموزش مالی	۰/۷۸۲			
دانش مالی	۰/۳۶۴	۰/۷۹۹		
رفتار مالی	۰/۴۵۴	۰/۴۸۰	۰/۷۳۷	
نگرش مالی	۰/۳۳۰	۰/۳۸۱	۰/۴۱۷	۰/۷۱۵

با توجه به این امر که مقدار هتروتریت - مونوتریت (HTMT) در متغیرها کمتر از ۰/۹ است، اعتبار افتراقی بین دو ساختار انعکاسی تأیید شده است (جدول ۷).

جدول ۷. شاخص HTMT

متغیر	آموزش مالی	دانش مالی	رفتار مالی	نگرش مالی
آموزش مالی				
دانش مالی	۰/۳۸۳			
رفتار مالی	۰/۴۷۵	۰/۵۰۶		
نگرش مالی	۰/۳۳۸	۰/۴۰۲	۰/۴۳۱	

## بررسی فرضیه های پژوهش

## مدل سازی معادلات ساختاری (مدل ساختاری تحقیق برای آزمون فرضیه ها)

برای ارزیابی مدل مورد مطالعه از نرم افزار اسمارت پی ال اس استفاده شده است. آزمون ناپارامتریک بوت استراپ (تننهاوس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) با ۵۰۰ تکرار برای برآورد خطاهای استاندارد و آزمون فرضیه ها نیز به کار رفته است. معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درونزا، ضریب تعیین  $R^2$  است. مقدار  $R^2$  (۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹) در مدل های مسیری پی ال اس به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف است (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). هر ضریب مسیر در مدل ساختاری پی ال اس را می توان معادل یک ضریب بتای استاندارد شده در رگرسیون های کمترین مربعات معمولی در نظر گرفت. مدل ساختاری روابط میان مکنون های برونزا و درونزا را بررسی می کند. در این بخش به بررسی و آزمون فرضیه ها پرداخته شده است.

## برازش مدل ساختاری

مدل ساختاری برخلاف مدل های اندازه گیری به سؤالات (متغیرهای مشهود) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان، همراه با روابط آن ها را مورد بررسی قرار می دهد. در بررسی مدل ساختاری، ضرایب معناداری Z (مقادیر T-VALUE)، معیار  $R^2$  و معیار  $Q^2$  مدل ساختاری بررسی می شود. ضریب تعیین برابر با توان دوم همبستگی میان مقادیر واقعی و پیش بین شده یک سازه درونزای مشخص شده است. ضریب تعیین نشان می دهد چند درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می شود. در واقع چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل مورد نظر است و مابقی تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل است. دقت پیش بینی مدل را نشان می دهد و از نظر چین (۱۹۹۹)، مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی برآورد می شوند. از نظر هیر و همکاران (۲۰۱۷)، مقادیر ۰/۲۵، ۰/۵۰ و ۰/۷۵ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی برآورد می شوند (اسکندری و همکاران، ۱۴۰۰). همان طور که در جدول ۸ مشاهده می نمایید مدل ارائه شده در این پژوهش توانایی متوسطی برای متغیرهای پژوهش وجود دارد. معیار  $Q^2$  که توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش بینی مدل در سازه های درونزا را مشخص می کند. به اعتقاد آن ها مدل هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش بینی متغیرهای درونزای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه ها به درستی تعریف شده باشند، سازه ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه ها به درستی تأیید شوند. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۲۰، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده اند (اسکندری و همکاران، ۱۴۰۰). این مقدار برای مؤلفه ها متوسط است.

جدول ۸. مقدار ضریب تعیین و مقدار  $Q^2$ 

متغیر	ضریب تعیین $R^2$	ضریب تعیین اصلاح شده	SSE	SSO	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
آموزش مالی			۵۲۰۰	۵۲۰۰	
دانش مالی	۰/۱۳۲	۰/۱۳۰	۲۹۵۳/۶۶۷	۳۲۰۰	۰/۰۷۷
رفتار مالی	۰/۳۵۲	۰/۳۵۲	۴۶۲۱/۴۱۴	۵۶۰۰	۰/۱۷۵
نگرش مالی	۰/۱۰۹	۰/۱۰۶	۷۹۸۴/۸۹۳	۸۴۰۰	۰/۰۴۹

<sup>۱</sup>. Tenenhaus et al.

## برازش مدل کلی

مطابق با جدول ۹، مقادیر حاصل از SRMR نشان می‌دهد که نتایج بین صفر تا ۱ هستند، بنابراین مدل از برازش مطلوبی برخوردار است و شاخص NFI هم چون عدد نزدیک به ۱ است، نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است.

جدول ۹. شاخص‌های برازش کلی مدل

مدل برآورد شده	مدل اشیاع	
۰/۰۷۸	۰/۰۶۰	شاخص SRMR
۹/۷۳۸	۵/۸۳۲	d_ULS
۲/۸۷۲	۲/۸۲۶	d_G
۵۴۹۹/۲۶۰	۵۴۷۶/۰۰۸	مربع کا (Chi-Square)
۰/۶۹۹	۰/۷۰۰	NFI

جهت پاسخ به فرضیه‌های پژوهش از آزمون ضریب مسیر استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۰ ارائه شده است. فرضیه اول: آموزش مالی بر دانش مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود. میزان تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی برابر با ۰/۳۶۴ است. به این معنا که میزان ۰/۳۶۴ از واریانس مربوط به دانش مالی را مؤلفه آموزش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۷/۰۹۸ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنی‌دار است.

فرضیه دوم: آموزش مالی بر نگرش مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود. میزان تأثیر آموزش مالی بر نگرش مالی برابر با ۰/۳۳۰ است. به این معنا که میزان ۰/۳۳۰ از واریانس مربوط به نگرش مالی را مؤلفه آموزش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۶/۷۹ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنی‌دار است.

فرضیه سوم: آموزش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. بر اساس اطلاعات جدول ۱۰، میزان تأثیر آموزش مالی بر رفتار مالی برابر با ۰/۲۷۵ است. به این معنا که میزان ۰/۲۷۵ از واریانس مربوط به رفتار مالی را مؤلفه آموزش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۴/۹۳۶ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنی‌دار است.

فرضیه چهارم: نگرش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود. میزان تأثیر نگرش مالی بر رفتار مالی برابر با ۰/۲۱۲ بود. به این معنا که میزان ۰/۲۱۲ از واریانس مربوط به رفتار مالی را مؤلفه نگرش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۵/۲۲۵ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنی‌دار است.

فرضیه پنجم: دانش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود. میزان تأثیر دانش مالی بر رفتار مالی برابر با ۰/۳۰۰ بود. به این معنا که میزان ۰/۳۰۰ از واریانس مربوط به

رفتار مالی را مؤلفه دانش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۵/۶۶۷ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنار است.

جدول ۱۰. تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی

نوع رابطه	مقدار ارتباط	انحراف معیار	عدد معناداری	سطح معناداری	فرضیه
آموزش مالی -> دانش مالی	۰/۳۶۴	۰/۰۵۱	۷/۰۹۸	۰/۰۰۰	تأیید
آموزش مالی -> نگرش مالی	۰/۳۳۰	۰/۰۴۹	۶/۷۹۰	۰/۰۰۰	تأیید
آموزش مالی -> رفتار مالی	۰/۲۷۵	۰/۰۵۶	۴/۹۳۶	۰/۰۰۰	تأیید
نگرش مالی -> رفتار مالی	۰/۲۱۲	۰/۰۴۱	۵/۲۲۵	۰/۰۰۰	تأیید
دانش مالی -> رفتار مالی	۰/۳۰۰	۰/۰۵۳	۵/۶۶۷	۰/۰۰۰	تأیید

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول اینگونه بیان شد که آموزش مالی بر دانش مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. جهت پاسخ به این فرضیه از آزمون ضریب مسیر استفاده شد. میزان تأثیر آموزش مالی بر دانش مالی برابر با ۰/۳۶۴ بود. به این معنا که میزان ۰/۳۶۴ از واریانس مربوط به دانش مالی را مؤلفه آموزش مالی تبیین می‌کند. با توجه به مقدار عدد معناداری ۷/۰۹۸ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، این رابطه معنار است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نوروژی و همکاران (۱۴۰۱)، محقق کیا و همکاران (۱۴۰۰) و فان و هانگر (۲۰۲۲) در یک راستا قرار دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که:

سطح آگاهی و جهت‌گیری دانشجویان نسبت به محیط پیرامون، عموماً در دو نهاد و تشکل خانواده و دانشگاه تکوین و رشد می‌یابد. همچنین دو نهاد دانشگاه و خانواده از نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری جهت‌گیری افراد، مهارت و دانش اشخاص نسبت به امور مالی نیز برخوردار می‌باشند. بر همین اساس خانواده به عنوان اولین نهادی است که مرحله‌های اجتماعی شدن را در افراد به وجود می‌آورد و سیستم دانشگاه به مثابه یکی از موسسات مهمی که شخص، خود را در اجتماع می‌یابد، نقش موثری در یادگیری سواد مالی اشخاص ایفا می‌کنند.

به منظور افزایش دانش مالی در دانشجویان، باید به آنان آموخت تا زمان تصمیم‌گیری مالی سعی کنند تنها یک تصویر مالی جامع در ذهن خودشان ترسیم نمایند. به عنوان مثال، به آنان باید آموخت که رفتن به سینما برای تفریح تنها شامل پرداخت بهای فیلم نیست، بلکه برای این موضوع شما هزینه‌های دیگری نظیر بنزین ماشین، نوشیدنی‌ها، خوراکی و تنقلات و از همه این موارد مهمتر انرژی و زمان نیز خواهید شد. این کار به دانشجویان کمک خواهد کرد که در زمان تصمیم‌گیری مالی به صورت آگاهانه‌تری عمل نمایند.

یکی از مهمترین تکنیک‌ها که در افزایش سواد مالی که باید به دقت مورد توجه دانشجویان قرار گیرد این است که موقعیت‌های غیرضروری و ضروری و مهم را در لیست بودجه‌بندی خودشان مدنظر داشته باشند. برای این کار بخشی از درآمد ماهانه‌ی خودشان را برای این صندوق اضطراری در نظر بگیرند. این کار به آنان کمک می‌کند تا در صورت مواجهه با شرایط غیرعادی و بروز حوادث مالی ناگزیر و دوران‌های سخت، به خوبی بر آن غلبه نموده و از مدار زندگی عادی خارج نشوند.

به مراکز آموزشی نظیر دانشگاه‌ها، موسسات آموزشی مخصوصاً مراکز آموزش تخصصی امور مالی توصیه می‌گردد که دوره‌های آموزشی و سمینارهای تشریح مبانی و مفاهیم مهم و ضروری مالی را برگزار کنند.

فرضیه دوم اینگونه بیان شد که آموزش مالی بر نگرش مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. جهت پاسخ به این فرضیه از آزمون ضریب مسیر استفاده شد. میزان تأثیر آموزش مالی بر نگرش مالی برابر با ۰/۳۳۰ بود. به این معنا که میزان ۰/۳۳۰ از واریانس مربوط به نگرش مالی را مؤلفه آموزش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۶/۷۹ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنار است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نوروزی و همکاران (۱۴۰۱)، محقق کیا و همکاران (۱۴۰۰) و فان و هناگر (۲۰۲۲) در یک راستا قرار دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که:

برای بهبود نگرش مالی در دانشجویان، دیدگاه‌های درست مالی را با مصداق‌های علمی، عملی و عینی به دانشجویان آموزش داده شود. برای مثال می‌توان به آنان آموخت که به ضرر و زیان‌های مالی باید به مانند تجربه‌هایی پندآموز برای رسیدن به موفقیت‌های بزرگ مالی و مانعی برای جلوگیری از زیان‌های بزرگتر در آینده نگر است.

باید تلاش شود تا نگرش مالی دانشجویان بهبود یابد و آنان به این باور برسند که کلاس‌های مالی و آموزش آنان در راستای کسب سواد مالی مفید است و این سواد مالی سبب بهبود رفاه مالی و بهبود اقتصادی در زندگی آنان و بهبود شرایط اقتصادی کشور خواهد شد.

فرضیه سوم اینگونه بیان شد که آموزش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. جهت پاسخ به این فرضیه از آزمون ضریب مسیر استفاده شد. میزان تأثیر آموزش مالی بر رفتار مالی برابر با ۰/۲۷۵ بود. به این معنا که میزان ۰/۲۷۵ از واریانس مربوط به رفتار مالی را مؤلفه آموزش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۴/۹۳۶ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنار است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نوروزی و همکاران (۱۴۰۱)، محقق کیا و همکاران (۱۴۰۰) و فان و هناگر (۲۰۲۲) در یک راستا قرار دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که:

به منظور افزایش رفتارهای مالی در دانشجویان، می‌توان روش‌های صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مخارج را به آنان آموزش داد تا به جای قرض گرفتن از مبالغی که صرفه‌جویی کرده‌اند برای تأمین مایحتاج و خرید آنان استفاده کنند. همچنین آنها را تشویق کرد تا در ایام و روزهای تعطیل و اوقات فراغتشان به فعالیت‌های پاره وقت برای کسب درآمد بپردازند.

داشتن یک دفترچه یا نرم افزار حسابداری شخصی به دانشجویان توصیه می‌شود تا بتوانند در طول روز کلیه درآمد و هزینه‌های خود را ثبت کنند. استفاده از نرم‌افزار حسابداری شخصی، آسان تر و سریع تر از حساب و کتاب به صورت دستی است.

با توجه به نقش مثبت آموزش مالی بر رفتار مالی پیشنهاد می‌شود تا آموزش سواد مالی به عنوان ارایه درسی در دانشگاه به منظور افزایش سواد مالی دانشجویان ارائه شود. همچنین در درس مالی با ارائه مطالب در این زمینه، زمینه آگاه سازی دانشجویان در این زمینه را فراهم کرد.

فرضیه چهارم اینگونه بیان شد که نگرش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. جهت پاسخ به این فرضیه از آزمون ضریب مسیر استفاده شد. میزان تأثیر نگرش مالی بر رفتار مالی برابر با ۰/۲۱۲ بود. به این معنا که میزان ۰/۲۱۲ از واریانس مربوط به رفتار مالی را مؤلفه نگرش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۰/۲۲۵ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنار است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نوروزی و همکاران (۱۴۰۱)، محقق کیا و همکاران (۱۴۰۰) و فان و هانگر (۲۰۲۲) در یک راستا قرار دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که:

به منظور افزایش میل و تمایلات مالی دانشجویان، می‌توان با ایجاد بعضی شرایط و موقعیت‌ها، تمایلات آنان را نسبت به امور و مسائل مالی برانگیخت. به عنوان مثال، می‌توان اوراق بهادار را به صورت نوعی هدیه به دانشجویان ارائه داد.

بایستی سیاستگذاران آموزشی از سیاست‌های آموزش و ترویج آموزش اقتصاد و کسب دانش مالی پشتیبانی کنند. نگرش مثبت به مسائل مالی سبب رفتار مدیریت مالی مسئولانه‌تری خواهد شد. دانش بیش‌تر، آگاهی دانشجویان از مسائل مالی را بهبود می‌بخشد و نگرش آنها به مسائل مالی و به تبع آن رفتارهای مالی در آنان را تقویت می‌کند. فرضیه پنجم اینگونه بیان شد که دانش مالی بر رفتار مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. جهت پاسخ به این فرضیه از آزمون ضریب مسیر استفاده شد. میزان تأثیر دانش مالی بر رفتار مالی برابر با ۰/۳۰۰ بود. به این معنا که میزان ۰/۳۰۰ از واریانس مربوط به رفتار مالی را مؤلفه دانش مالی تبیین می‌کند با توجه به مقدار عدد معناداری ۰/۶۶۷ که بزرگتر از ۱/۹۶ است و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنار است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نوروزی و همکاران (۱۴۰۱)، محقق کیا و همکاران (۱۴۰۰) و فان و هانگر (۲۰۲۲) در یک راستا قرار دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که:

می‌توان بیان نمود که با افزایش دانش مالی در دانشجویان، آنها خواهند توانست تصمیمات پولی و مالی خود را آگاهانه‌تر بگیرند و منابع مالی خودشان را کاراتر و بهتر مدیریت نمایند، بنابراین رفتارهای مالی بهتری از خودشان نشان خواهند داد.

به منظور آمادگی ورود به عرصه بزرگسالی و داشتن زندگی موفق مالی بایستی از دوران کودکی، آموزش‌های مرتبط با سواد مالی را به وسیله سازمان‌های مختلف و در راس آنها، سازمان آموزش و پرورش ارائه نمود تا از بروز برخی مسائل مالی و تأثیرات سو آن بر شخص و جامعه جلوگیری شود و اشخاص در مسیر صحیح مدیریت امور مالی شخصی خود قرار گیرند. از دیگر سو با تصمیم‌های درست در زمینه مالی در رشد و ثبات اقتصادی کشور نقشی مفید و موثر را ایفا نمایند.

در این برهه زمانی که رکود اقتصادی در همه جهان حاکم شده است، بایستی بیش از هر زمانی به فرزندان آموزش داده شود که با پولی که در دست دارند و کسب می‌کنند، به چه صورت و چگونه به شیوه‌ای درست پس‌انداز نمایند و مطالبی که در زمینه مدیریت مالی و بودجه‌بندی لازم است تا بدانند، به آنان آموزش داده شود و فرزندان با دانش پولی درست برای زندگی و آینده آماده شوند.

با توجه به نیاز دانشجویان با دانش مالی فردی، به موسسات مشاوره سرمایه‌گذاری توصیه می‌گردد تا فعالیت‌های خود را توسعه داده و اطلاعات در زمینه سایر ابعاد مالی شخصی نظیر بودجه‌بندی، پس‌انداز، برنامه‌ریزی و ... را به مراجعان خود انتقال دهند.

می‌توان بیان کرد که دانشجویان بایستی در آموختن سواد مالی سخت کوش باشند و بسیار مطالعه نمایند و از آزمون و خطا ترسی نداشته باشند. آنها باید درک کنند که خروجی پیاده سازی سواد مالی در زندگی، نتیجه‌ای بسیار سودمندتر از زحمتی دارد که برای آموختن آن کشیده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که سواد مالی اشخاص، یکی از مهمترین عناصر در زمینه پیشرفت و ثبات اقتصادی آنان است که سبب می‌شود تا افراد بتوانند تصمیمات مالی را در زمان‌های مهم اتخاذ نموده و اجرا کنند. در صورتی که دانشجویان دانش و سواد مالی را داشته باشند و بتوانند آن را اجرا کنند، سازه اقتصادی زندگی خودشان را ایمن و مستحکم خواهند کرد. به غیر این صورت، شاید با کمترین مشکل، ساختمان و سازه اقتصادی زندگی آنان فرو بریزد. هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که در این پژوهش ضمن محدودیت‌های ذاتی مترتب بر انجام پژوهش از طریق پرسشنامه، می‌توان گفت با توجه به اینکه این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است، نتیجه‌گیری درباره علیت را دشوار می‌سازد. همچنین ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده و پاسخ غیرواقعی داده باشند. نتایج پژوهش حاضر قابل تعمیم به کاربران و پژوهشگران حوزه مالی - روانشناسی (بین رشته‌ای) است و در صورت نیاز به تعمیم به سایر پژوهش‌ها با احتیاط و دانش کافی این کار صورت گیرد.

### فهرست منابع

آذر، عادل، غلامزاده، رسول، و قنواتی، مهدی. (۱۳۹۱). *مدل‌سازی مسیری - ساختاری در مدیریت*، انتشارات نگاه دانش.

بیگی، بهزاد. (۱۴۰۲). *تاثیر تحمل ریسک مالی، سواد مالی و نگرش مالی افراد بر رفتارهای مالی آنها، نهمین کنفرانس ملی یافته‌های نوین علوم و تکنولوژی با محوریت کامپیوتر، مدیریت و حسابداری*، تهران.

دری سده، سولماز، و توکلی، مرتضی. (۱۴۰۰). *بررسی و ارزیابی سواد مالی کارآفرینان روستایی شهرستان سمیرم استان اصفهان. روستا و توسعه پایدار فضا*، ۲(۱)، ۹۷-۱۱۲. doi: 10.22077/vssd.2021.4699.1037

محقق کیا، نرگس، برمکی، ناهید، و اقدامی، اکرم. (۱۴۰۰). *تعیین سطح سواد مالی و رابطه آن با رفتار مالی و نگرش مالی (مطالعه موردی دانشجویان مؤسسه آموزش عالی پرندک)*. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۳(۵۱)، ۱۸۷-۱۹۸. doi: 10.22034/iaar.2021.141684

نوروزی، اشرف، منصوری، احسان، و سمیعی اصفهانی، سروش. (۱۴۰۱). *تحلیل تأثیر نگرش مالی بر عملکرد سرمایه‌گذاری با میانجیگری رفتار مالی - رویکرد تحلیل معادلات ساختاری*. *فصلنامه علمی کارافن*، ۱۹(۲)، ۵۱۹-۴۹۵. doi: 10.48301/kssa.2022.312336.1806

- Abrantes-Braga, F. D. M., & Veludo-de-Oliveira, T. (2020). Help me, I can't afford it! Antecedents and consequence of risky indebtedness behaviour. *European Journal of Marketing*, 54(9), 2223-2244. doi: 10.1108/EJM-06-2019-0455.
- Atkinson, A., & Messy, F. A. (2013). Promoting financial inclusion through financial education: *OECD/INFE evidence, policies and practice. OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions*, No. 34, OECD Publishing, Paris. doi:10.1787/5k3xz6m88smp-en.
- Azar, A., Gholamzadeh, R & Qanawati, M. (2011). *Path-structural modeling in management*, Neghah Danesh Publications. [In Persian]
- Batty, M., Collins, J. M., & Odders-White, E. (2015). Experimental evidence on the effects of financial education on elementary school students' knowledge, behavior, and attitudes. *Journal of Consumer Affairs*, 49(1), 69-96. doi: 10.1111/joca.12058
- Beigi, B. (2023). The effect of financial risk tolerance, financial literacy and financial attitude of people on their financial behavior, *the 9th National Conference on New Science and Technology Findings focusing on Computer, Management and Accounting*, Tehran. [In Persian]
- Boushey, H. (2005). Student debt: Bigger and bigger. *Center for Economic and Policy Research (CEPR)*. (No. 2005-27)
- Cole, S. A., Sampson, T. A., & Zia, B. H. (2009). *Financial literacy, financial decisions, and the demand for financial services: evidence from India and Indonesia* (pp. 09-117). Cambridge, MA: Harvard Business School.
- Dorri Sedeh, S., & Tavakoli, M. (2021). Investigation and evaluation of financial literacy of rural entrepreneurs in Semrom city of Isfahan province. *Village and Space Sustainable Development*, 2(1), 97-112. doi: 10.22077/vssd.2021.4699.1037 [In Persian]
- Education Commission. (2015). Opportunities to improve the financial capability and financial well-being of postsecondary students. <http://hdl.handle.net/10919/90710>
- Elliott, J. (1997). Consumer Advocacy: Young and in Debt: A Focus on Prevention. *Credit World*, 85, 35-36.
- Fan, L. (2021). A conceptual framework of financial advice-seeking and short-and long-term financial behaviors: An age comparison. *Journal of Family and Economic Issues*, 42(1), 90-112. doi: 10.1007/s10834-020-09727-3
- Fan, L., & Chatterjee, S. (2019). Financial socialization, financial education, and student loan debt. *Journal of Family and Economic Issues*, 40(1), 74-85. doi: 10.1007/s10834-018-9589-0
- Fan, L., & Henager, R. (2022). A structural determinants framework for financial well-being. *Journal of Family and Economic Issues*, 43(2), 415-428. doi: 10.1007/s10834-021-09798-w
- Gerrans, P., & Heaney, R. (2019). The impact of undergraduate personal finance education on individual financial literacy, attitudes and intentions. *Accounting & Finance*, 59(1), 177-217. doi: 10.1111/acfi.12247
- Holub, T. (2002). *Credit card usage and debt among college and university students*. ERIC Clearinghouse on Higher Education.
- Jiang, S. S., & Dunn, L. F. (2013). New evidence on credit card borrowing and repayment patterns. *Economic Inquiry*, 51(1), 394-407. doi: 10.1111/j.1465-7295.2012.00456.x
- Johan, I., Rowlingson, K., & Appleyard, L. (2021). The effect of personal finance education on the financial knowledge, attitudes and behaviour of university students in Indonesia. *Journal of Family and Economic Issues*, 42, 351-367. doi: 10.1007/s10834-020-09721-9
- Johnson, E., & Sherraden, M.S. (2007). From financial literacy to financial capability among youth. *Journal of Sociology & Social Welfare*, 34(3), 119-145. doi: 10.7936/K77M07GS



- Jorgensen, B. L. (2007). *Financial literacy of college students: Parental and peer influences* (Doctoral dissertation, Virginia Tech).
- Kempson, E., & Poppe, C. (2018). Understanding financial well-being and capability—A revised model and comprehensive analysis. *Oslo: Consumption Research Norway (SIFO), Oslo Metropolitan University*.
- Klapper, L., Lusardi, A., & Panos, G. A. (2013). Financial literacy and its consequences: Evidence from Russia during the financial crisis. *Journal of Banking & Finance, 37*(10), 3904-3923. doi: 10.1016/j.jbankfin.2013.07.014
- LeBaron, A. B., & Kelley, H. H. (2021). Financial socialization: A decade in review. *Journal of family and economic issues, 42*(Suppl 1), 195-206. doi: 10.1007/s10834-020-09736-2
- Mandell, L., & Klein, L. S. (2009). The impact of financial literacy education on subsequent financial behavior. *Journal of Financial Counseling and planning, 20*(1).
- Mohaghegh Kia, N., barmaki, N., & Eghdami, A. (2021). Measurement of Students Financial Literacy and its Relationship with Financial Behavior & Financial Attitude (case study: students of Parandac Institute). *Accounting and Auditing Research, 13*(51), 187-198. doi: 10.22034/iaar.2021.141684 [In Persian]
- López-Medina, T., Mendoza-Ávila, I., Contreras-Barraza, N., Salazar-Sepúlveda, G., & Vega-Muñoz, A. (2021). Bibliometric mapping of research trends on financial behavior for sustainability. *Sustainability, 14*(1), 117. doi: 10.3390/su14010117
- Netemeyer, R. G., Lynch, J. G., Lichtenstein, D. R., & Dobolyi, D. (2024). EXPRESS: Financial Education Effects on Financial Behavior and Well-Being: the Mediating Roles of Improved Objective and Subjective Financial Knowledge and Parallels in Physical Health. *Journal of Public Policy & Marketing, 07439156241228197*. doi: 10.1177/07439156241228197
- Norouzi, A., mansouri, E., & Samiei Esfahani, S. (2022). Analyzing the Impact of Financial Attitude on Investment Performance with the Mediation of Financial Behavior - Structural Equation Analysis Approach. *Karafan Quarterly Scientific Journal, 19*(2), 495-519. doi: 10.48301/kssa.2022.312336.1806. [In Persian]
- Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD). (2013). *Financial literacy and inclusion: Results of OECD/INFE survey across countries and by gender*. Paris, France.
- Peng, T. C. M., Bartholomae, S., Fox, J. J., & Cravener, G. (2007). The impact of personal finance education delivered in high school and college courses. *Journal of family and economic issues, 28*, 265-284. doi: 10.1007/s10834-007-9058-7
- Rai, K., Dua, S., & Yadav, M. (2019). Association of financial attitude, financial behaviour and financial knowledge towards financial literacy: A structural equation modeling approach. *FIIB Business Review, 8*(1), 51-60. doi: 10.1177/2319714519826651
- Raut, R. K. (2020). Past behaviour, financial literacy and investment decision-making process of individual investors. *International Journal of Emerging Markets, 15*(6), 1243-1263. doi: 10.1108/IJOEM-07-2018-0379
- Rodriguez-Raga, S., & Martinez-Camelo, N. (2022). Game, guide or website for financial education improvement: Evidence from an experiment in Colombian schools. *Journal of Behavioral and Experimental Finance, 33*, 100606. doi: 10.1016/j.jbef.2021.100606
- Santini, F. D. O., Ladeira, W. J., Mette, F. M. B., & Ponchio, M. C. (2019). The antecedents and consequences of financial literacy: a meta-analysis. *International Journal of Bank Marketing, 37*(6), 1462-1479. doi: 10.1108/IJBM-10-2018-0281
- Sekita, S. (2011). Financial literacy and retirement planning in Japan. *Journal of Pension Economics & Finance, 10*(4), 637-656. doi: 10.1017/S1474747211000527

Shim, S., Serido, J., & Xiao, J. J. (2009). Arizona pathways to life success for university students: Cultivating positive financial attitudes and behaviors for healthy adulthood.

Wagner, J., & Walstad, W. B. (2023). Gender differences in financial decision-making and behaviors in single and joint households. *The American Economist*, 68(1), 5-23. doi: 10.1177/05694345221076004

Xiao, J. J., & O'Neill, B. (2016). Consumer financial education and financial capability. *International Journal of Consumer Studies*, 40(6), 712-721. doi: 10.1111/ijcs.12285

Xiao, J. J., Huang, J., Goyal, K., & Kumar, S. (2022). Financial capability: a systematic conceptual review, extension and synthesis. *International Journal of Bank Marketing*, 40(7), 1680-1717. doi: 10.1108/IJBM-05-2022-0185

## Examining the effect of psychological components and job requirements on the performance of financial managers with regard to the mediating role of financial technologies

Saeed Amourzaei<sup>1</sup>, Hossein Eslami Mofid Abadi<sup>2</sup>, Marzieh Ebrahimi Shaghghi<sup>3</sup>

Received: January 21, 2024

Accepted: March 10, 2024

### Abstract

**Purpose:** The purpose of this research is to investigate the effect of psychological components and job requirements on the performance of financial managers with regard to the mediating role of financial technologies.

**Methodology:** The statistical sample of the research is 144 financial managers of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. A simple random sampling method was used to calculate the statistical sample size. The field data collection method and the data collection tool is a standard questionnaire. This research is descriptive in terms of type and practical in terms of purpose. In this research, SPSS and SmartPLS software were used to check the research model.

**Findings:** The results of the research showed that the components of job requirements, psychological components and financial technologies have positive effects on the performance of financial managers. Also, it was found that financial technologies play a positive and significant mediating role in the relationship between psychological components and job requirements with the performance of financial managers.

**Originality:** It can be concluded that improving the level of each of the components of job requirements, psychological components and financial technologies can improve the performance of all financial managers.

**Keywords:** Financial technologies, job requirements, performance of financial managers, psychological components.

**JEL Classification:** G41, J28, P17, Q55

---

1. MSc. in Financial Management, Department of Accounting and Management, Shahriar Branch, Islamic Azad University, Shahriar, Iran..

2. Department of Accounting and Management, Shahryar Branch, Islamic Azad University, Shahriar, Iran. (Corresponding Author). (hosseineslami@shriau.ac.ir)

3. Department of Accounting and Management, Shahryar Branch, Islamic Azad University, Shahriar, Iran.

**Cite this paper:** Amourzaei, S., Eslami Mofid Abadi, H., & Ebrahimi Shaghghi, M. (2024). Examining the effect of psychological components and job requirements on the performance of financial managers with regard to the mediating role of financial technologies. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(2), 86-108. [In Persian]

## بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش میانجی فناوری‌های مالی

سعید عمورضایی<sup>۱</sup>، حسین اسلامی مفیدآبادی<sup>۲</sup>، مرضیه ابراهیمی شقاقی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

### چکیده

**هدف:** این پژوهش باهدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش میانجی فناوری‌های مالی انجام شده است.

**روش‌شناسی:** نمونه آماری پژوهش ۱۴۴ نفر از مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای محاسبه حجم نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. روش جمع‌آوری داده‌های تحقیق به صورت میدانی و گردآوری داده‌های تحقیق نیز از طریق پرسشنامه نیمه ساختاریافته انجام شده است. این پژوهش از نظر نوع توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. در این پژوهش به‌منظور بررسی مدل پژوهش از نرم‌افزارهای آماری SPSS و SmartPLS استفاده شده است.

**یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های الزامات شغلی، مؤلفه‌های روان‌شناختی و فناوری‌های مالی اثر مثبت و معناداری بر روی عملکرد مدیران مالی دارد. همچنین، نتایج نشان داد که فناوری‌های مالی نقش میانجی مثبت و معناداری را در رابطه بین مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی با عملکرد مدیران مالی ایفا می‌نماید.

**دانش‌افزایی:** می‌توان چنین نتیجه گرفت که بهبود سطح هر یک از مؤلفه‌های الزامات شغلی، مؤلفه‌های روان‌شناختی و فناوری‌های مالی می‌تواند موجب بهبود عملکرد تمامی مدیران مالی شود.

**کلیدواژه‌ها:** الزامات شغلی، عملکرد مدیران مالی، فناوری مالی، مؤلفه‌های روان‌شناختی.

**طبقه‌بندی موضوعی:** G41, J28, P17, Q55

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، گروه حسابداری و مدیریت، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران.

۲. گروه حسابداری و مدیریت، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران. (نویسنده مسئول). (hosseinslami@shriau.ac.ir)

۳. گروه حسابداری و مدیریت، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران.

استناد: عمورضایی، سعید، اسلامی مفیدآبادی، حسین، و ابراهیمی شقاقی، مرضیه. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش

میانجی فناوری‌های مالی. *حسابداری و شفافیت مالی*, ۱(۲), ۸۶-۱۰۸.

## مقدمه

سازمان‌ها متشکل از مجموعه‌ای از انسان‌ها هستند که این افراد هر یک دارای شخصیتی منحصر به فرد بوده که در تعاملات خود با سازمان و دیگران آن را بروز می‌دهند. به علاوه سرمایه‌های انسانی بخشی از ثروت ملل هستند و گردش امور در آینده در گرو استعداد و قریحه انسانی است (محسنی تکلو، ۱۴۰۰). بنابراین، توسعه اجتماعی و اقتصادی در آینده نصیب سازمان‌هایی می‌شود که بتوانند مدیرانی مشتمل بر بهترین و درخشان‌ترین استعدادهای انسانی را جذب کنند که ویژگی‌های فردی یکی از عوامل مهمی است که بر عمل و رفتار مدیران مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و این خصوصیات فردی در نهایت در تصمیمات مدیریتی و رفتار سازمانی آنان مؤثر خواهد بود. همچنین ویژگی‌های مدیران مالی، رفتار سازمانی، تصمیمات مدیریتی، سرمایه‌گذاری، کارایی و عملکرد مالی آینده و غیره را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، مدیران مالی برای آن که بتوانند در شغل خود کارا و موفق باشند می‌بایست از نظر ویژگی‌های فردی با شغل خود انطباق داشته باشند (پورا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). به همین جهت یک سری مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی اثرگذار است، که الزامات شغلی عبارت‌اند از جنبه‌های حرکتی، روان‌شناختی، اجتماعی و یا سازمانی شغل که نیازمند حدی از تلاش حرکتی و یا روان‌شناختی‌اند که به تبعات و هزینه‌های جسمی و روان‌شناختی منجر می‌شوند (محسنی تکلو، ۱۴۰۰). همچنین، یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی که به عنوان انگیزش شناخته می‌شود، تمایل فرد را برای انجام فعالیت‌های خاص به منظور دستیابی به هدف، تقویت می‌کند که این مشوق تأثیر قابل توجهی در نحوه رفتار کارکنان در کار دارد. فردی که انگیزش دارد احساس می‌کند که برای بهبود اثربخشی سازمانی، تمایل خاصی به اتمام کار دارد. کارکنان با انگیزش نیز قادر به انجام وظایف سریع و مؤثر خواهند بود و عملکرد خوبی خواهند داشت (سجادی و رحمانیان، ۲۰۲۱).

در این میان مجموعه‌ای از مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی اثرگذار می‌باشد که از جمله این موارد شایستگی، انگیزش، دانش و مشارکت عواملی هستند که بر عملکرد مدیران مالی تأثیر می‌گذارند. شایستگی، توانایی‌ها یا دانش مدیرانی را نشان می‌دهد که در یک زمینه خاص حرفه‌ای می‌باشند. یکی از مهم‌ترین شایستگی‌ها، انگیزش می‌باشد. ایجاد انگیزش باعث کار همراه با اشتیاق در فرد می‌شود. عملکرد مدیران مالی به طور قابل توجهی تحت تأثیر انگیزش می‌باشد و توجه مداوم به شغل و سازمان موجب وفاداری شغلی می‌گردد. از طرفی دانش و مهارت و تجربه یکی از ویژگی‌های شخصی است که در هنگام تصمیم‌گیری بر عملکرد فرد تأثیر می‌گذارد و عملکرد مدیران مالی تا حد زیادی تحت تأثیر دانش می‌باشد. مشارکت راهی برای افراد با اهداف مشابه می‌باشد و افراد در تصمیم‌گیری‌های زندگی خود، مشارکت دارند که طبق تحقیقات، مشارکت تأثیر مطلوبی در موفقیت مدیران مالی دارد (پرایتنو<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). در این میان هنگامی که فناوری اطلاعات در یک کسب‌وکار به اجرا درمی‌آید، مدیریت داده‌ها به منظور تصمیم‌گیری‌های مناسب، آسان‌تر، سریع‌تر و دقیق‌تر خواهد بود و پذیرش فناوری اطلاعات نیز به طور چشم‌گیری می‌تواند اثربخشی مدیران مالی را بهبود بخشد (رجب<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). بنابراین، با توجه به اهمیت و ضرورت بحث بر روی موضوع مالی رفتاری و به منظور پاسخ به این سؤال کلیدی که تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات

1. Pura

2. Prayitno

3. Rajab

شغلی بر عملکرد مدیران مالی با نقش میانجی بر فناوری‌های مالی چگونه است، هدف اصلی این پژوهش رابطه مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی با عملکرد مالی با نقش میانجی فناوری‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توسعه جوامع مختلف، جهانی‌سازی گسترده، بین‌المللی شدن شرکت‌ها و ادغام بازاریابی و توسعه سریع فناوری‌ها در عملکرد شرکت، باعث شده‌است محیط‌های تجاری به سرعت تغییر کنند. برای پاسخگویی مؤثر به تغییر موقعیت‌های داخلی و محیط‌های خارجی، شرکت می‌بایست از طریق قابلیت‌های متمایز خود در تعامل نزدیک با تغییرات باشد تا راهبرد رقابتی بسیار مستحکمی را تشکیل دهد (عباسی و حجازی، ۲۰۲۰). یکی از ویژگی‌های شرکت‌های موفق، برخورداری از قدرت رقابت‌پذیری و ایجاد عملکرد مطلوب مدیران است و درعین حال، ویژگی بارز شرکت‌های ناموفق برخوردار نبودن از این ویژگی است. مأموریت مدیریت و هدف اصلی تشکیل هر شرکتی کسب سود و افزایش ثروت سهامداران است. در راستای این مأموریت، توجه به عواملی که می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت تأثیرگذار باشد، حائز اهمیت است زیرا شرکت‌ها دارای منابع اطلاعاتی محدودی هستند. مهم‌تر از آن، موفقیت یا شکست سازمان است و آنچه بقای یک سازمان را تضمین می‌کند نحوه عملکرد آن است. عملکرد مالی درجه یا میزانی تعریف می‌شود که شرکت به هدف‌های مالی سهامداران در راستای افزایش سرمایه آن‌ها نائل می‌آید. اهداف عملیاتی که مدیر مالی شرکت در راستای دستیابی به هدف اصلی یعنی افزایش ثروت سهامداران دنبال می‌کند، دربرگیرنده شاخص‌ها و معیارهایی است که بر مبنای آن می‌توان عملکرد مالی یک شرکت تجاری را اندازه‌گیری نموده‌است. تمامی سازمان‌ها در تلاش‌اند تا بتوانند از طریق دستیابی به یک نظام ارزیابی مطلوب، عملکرد خود را بهبود بخشند. عملکرد، تصویری از سطح دستیابی به اجرای یک برنامه و فعالیت، به منظور تحقق چشم‌انداز، مأموریت و اهداف سازمان می‌باشد که در برنامه‌ریزی راهبردی بیان شده‌است (صفانیا، ۲۰۲۱). پس می‌توان گفت که در این پژوهش مؤلفه‌های روان‌شناختی عبارت‌اند از مجموعه‌ای از عوامل روانی و روحی که از طریق اثرات فردی و بین فردی بر عملکرد و اثربخشی سازمانی اثرگذار می‌باشد (پراییتنو و توباستووی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲) که در این پژوهش شامل انگیزش، مشارکت و تعهد می‌باشد. انگیزش، تمایل فرد را برای انجام فعالیت‌های خاص به منظور دستیابی به هدف، تقویت می‌کند که این تشویق تأثیر قابل توجهی در نحوه رفتار کارکنان در کار دارد. فردی که انگیزش دارد احساس می‌کند که وی برای بهبود اثربخشی سازمانی، تمایل خاصی به اتمام کار دارد. کارکنان با انگیزش نیز قادر به انجام وظایف سریع و مؤثر خواهند بود و عملکرد خوبی خواهند داشت (سجادی و رحمانیان، ۲۰۲۱). همکاری یا مشارکت شغلی، درونی شدن ارزش‌ها در خصوص فضیلت نیروی کار یا اهمیت کاربر اساس ارزش شخص، می‌باشد. سطحی که احساس ارزش شخص تحت تأثیر عملکرد شغلی آن‌ها قرار دارد، در مشارکت شغلی فرد منعکس می‌شود. میزان عملکرد کارمند ممکن است بر عزت نفس وی تأثیر بگذارد (پراییتنو، ۲۰۲۲). تعهد سازمانی یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی مؤثر بر عملکرد مدیران مالی است و انتظار می‌رود مدیران با تعهد بالا عملکرد بهینه را نشان دهند. تعهد

<sup>۱</sup>. Praithno & Tobastovi

سازمانی نگرشی است که وفاداری کارمندان را نشان می‌دهد و فرآیندی از ابراز توجه مداوم عضو سازمان به موفقیت و خوبی سازمان می‌باشد (کونانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). همچنین الزامات شغلی که عبارت‌اند از جنبه‌های فیزیکی، روان‌شناختی، اجتماعی و یا سازمانی شغل که نیازمند تلاش فیزیکی و شاخص‌های روان‌شناختی‌اند که به تبعات و هزینه‌های جسمی و روان‌شناختی منجر می‌شوند. الزامات شغلی عبارت‌اند از جنبه‌های جسمی، روانی، اجتماعی و یا سازمانی شغل هستند که مستلزم به تلاش و زحمت جسمی یا روانی شناختی و عاطفی دارد و بنابراین با عواقب جسمی یا روانی معین در ارتباط می‌باشند. الزامات شغلی به‌طورکلی شامل الزامات کمی (اضافه‌بار کاری) و الزامات کیفی (عاطفی) می‌شوند (محسنی تکلو، ۱۴۰۰). الزامات شغلی شامل شایستگی، دانش، مهارت و تجربه می‌باشد. شایستگی نشان‌دهنده مجموعه‌ای از دانش و توانایی‌هایی است که هر شخص برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود با موفقیت انجام می‌دهد و به آن نیاز دارد و ویژگی حرفه‌ای بودن را در کار خود بالا می‌برد. عملکرد خوب سازمانی، نشانه محکمی از شایستگی رهبری، شایستگی کارکنان و فرهنگ سازمانی می‌باشد و شایستگی برای موفقیت سازمان لازم است (پوتری، ۲۰۱۹). دانش فنی مدیران مالی به معنای آگاهی از قوانین می‌باشد. از لحاظ نظری و مفهومی، دانش می‌تواند به دانش اظهاری و رویه‌ای تقسیم شود. دانش اظهاری بر اساس مفاهیم پایه‌گذاری شده و مربوط به حقایق است. از آنجاکه دانش رویه‌ای با تفسیر اطلاعات اظهاری تولید می‌شود، دانش اظهاری به‌طورمعمول باید قبل از دانش رویه‌ای انجام شود. دانش متناسب با آیین‌نامه یا رویه‌های موردنیاز برای انجام یک کار ماهرانه به عنوان دانش رویه‌ای گفته می‌شود. دانش رویه‌ای به‌طورمعمول به تجربه بستگی دارد و عملکرد مدیران مالی تا حد زیادی تحت تأثیر دانش می‌باشد (اسدی، ۱۳۹۹). همچنین صلاحیت و کیفیت مدیران از نظر مهارت‌های مدیریتی، یکی از مهم‌ترین عوامل استمرار موفقیت در سازمان است و مدیران مالی برای داشتن کارایی لازم، نیازمند مهارت‌های اساسی هستند. این مهارت‌ها، توانایی‌ها و فعالیت‌های مدیران مالی را در شغل خود و در خارج از محیط شغلی، کارآمد می‌سازد و وجود آن‌ها برای نیل به بهره‌وری سازمان ضروری است (طاهریان، ۲۰۲۲). به‌علاوه تجربه شغلی که مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، خصوصیات شخصیتی، علائق، تجربه‌ها و توانمندی‌های مرتبط با شغل است که دارند، آن‌ها را قادر می‌سازد در سطحی بالاتر از حد متوسط به ایفای مسئولیت بپردازد. همچنین، تجربه شغلی از ویژگی‌ها و توانمندی‌های مختلف منابع انسانی سازمان‌ها می‌باشند که تأثیر فراوانی بر عملکرد کلی سازمان و دستیابی به اهداف سازمانی دارد. در واقع نشان‌دهنده این است که فرد با عملکرد برتر در شغل محوله است. همچنین تجربه شغلی، روشی است که مدیران مالی به‌وسیله آن، می‌توانند به نقاط قوت و ضعف یک شغل پی برده و تدابیر بهتری بیاندیشند (رجب، ۲۰۲۱). پدیده فناوری مالی، ارائه محصولات و خدمات مالی از طریق ادغام سکوها فناورانه و مدل‌های کسب‌وکار نوآورانه است. فناوری‌های مالی بر ایجاد ارزش جدید یا بهبود موارد موجود تأکید دارند. این فناوری کمک می‌کند قابلیت‌های جدیدی که باعث بهبود ارتباط با مشتری می‌شوند خلق شوند، هزینه‌ها از طریق ساده‌سازی و سامانه خودکارسازی فرآیندهای اداری و تشکیلات تقلیل یابند و پیروی از مقررات آسان گردد. آن‌ها امکان تقطیع زنجیره ارزش را به صورتی که امکان بیشتری برای استقرار در زنجیره تأمین داشته باشند، مهیا می‌سازند (احمدی، ۲۰۲۱). فناوری مالی به عنوان یک اصطلاح فنی در حال ظهور، طیف وسیعی از عملیات برای شرکت‌ها یا سازمان‌ها را شامل می‌شود که عمدتاً کیفیت

<sup>۱</sup>. Kaunang

خدمات را با استفاده از برنامه‌های فناوری اطلاعات بهبود می‌بخشند. رشد مداوم سرمایه‌گذاری باعث توسعه فناوری اطلاعات برای پیشرفت در حوزه‌های مختلف مانند شبکه‌های گوشی همراه، داده‌های بزرگ، مدیریت اعتبارات تجاری، نظام‌های جاسازی شده در گوشی همراه، محاسبات پردازش تصویر و فن‌های تحلیلی داده‌ها شده است (فیشانی، ۲۰۲۲). ویژگی‌های مدیران مالی می‌تواند رفتار سازمانی، تصمیمات مدیریتی، سرمایه‌گذاری، کارایی و عملکرد مالی آتی و غیره را تحت تأثیر قرار دهد لذا مدیران مالی برای آن‌که بتوانند در سمت خود کارا و موفق باشند می‌بایست از نظر ویژگی‌های فردی با شغل خود انطباق داشته باشند (پورا، ۲۰۱۹). طبق نظریه احتمالی لارنس و لورش (۱۹۶۷)، ظرفیت مدیریت برای تمرکز بر کارهای روزمره، عوامل اصلی در تعیین اثربخشی سازمانی در یک محیط پایدار است و اثربخشی سازمانی در یک محیط کار پویا به شدت تحت تأثیر سطح مهارت کارکنان و انعطاف‌پذیری سازمانی به منظور سازگاری با محیط در حال تغییر می‌باشد (پرایتنو، ۲۰۲۲). مطابق با پژوهش‌های پیشین (رجبی، ۱۴۰۰؛ پرایتنو، ۲۰۲۲)، مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی که بر عملکرد مدیران مالی اثرگذار می‌باشد، شامل انگیزش، مشارکت و تعهد و شایستگی، دانش، مهارت و تجربه می‌باشد. انگیزش، تمایل فرد را برای انجام فعالیت‌های خاص به منظور دستیابی به هدف، تقویت می‌کند و تأثیر قابل توجهی در نحوه رفتار کارکنان در کار دارد. کارکنان با انگیزش نیز قادر به انجام وظایف سریع و مؤثر خواهند بود و عملکرد خوبی خواهند داشت (سجادی و کوشکی، ۱۴۰۱). از طرفی همکاری یا مشارکت شغلی سطحی است که احساس ارزش شخص تحت تأثیر عملکرد شغلی وی قرار دارد و میزان کار (عملکرد) کارمند ممکن است بر عزت‌نفس وی تأثیر بگذارد. یکی از عوامل مهم در مدیریت سازمانی مشارکت کارکنان است (پرایتنو، ۲۰۲۲). یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی مؤثر بر عملکرد مدیران مالی، تعهد سازمانی است که مدیران با تعهد بالا عملکرد بهینه را نشان دهند. تعهد سازمانی به تعلق خاطر و پیوند عاطفی گفته می‌شود که کارکنان نسبت به سازمانی که در آن مشغول به کار هستند، احساس می‌کنند. به بیان دیگر احساس مسئولیت کارکنان در قبال تحقق اهداف و چشم‌انداز سازمان، به تعهد سازمانی تعبیر می‌شود (کونانگ، ۲۰۲۰). علاوه بر این، عملکرد خوب سازمانی، نشانه محکمی از شایستگی رهبری، شایستگی کارکنان و فرهنگ سازمانی بوده و شایستگی برای موفقیت سازمان لازم است (پوتری و همکاران، ۲۰۱۹). از طرفی دانش فنی مدیران مالی و آگاهی از قوانین بسیار مهم بوده و عملکرد مدیران مالی تا حد زیادی تحت تأثیر آن‌ها می‌باشد (اسدی، ۱۳۹۹). همچنین، اثربخشی و کارایی مدیران مالی، مستلزم داشتن مهارت‌های مدیریتی است و نقصان هر یک از مهارت‌ها احتمال موفقیت مدیران مالی و نهایت احتمال موفقیت سازمان را به عنوان یک کل کاهش می‌دهد. این مهارت‌ها، توانایی‌ها و فعالیت‌های مدیران مالی را در شغل خود و در خارج از محیط شغلی، کارآمد می‌سازد و وجود آن‌ها برای نیل به بهره‌وری سازمان ضروری است. اثربخشی با توجه به میزان همسو بودن فعالیت‌ها با هدف‌های تعیین شده سنجیده می‌شود. بنابراین افزایش اثربخشی به این معناست که فعالیت‌ها، بیش از گذشته با هدف‌ها همسو شده است (طاهریان، ۱۴۰۲). تجربه شغلی نیز نشان‌دهنده این است که فرد با عملکرد برتر در شغل محوله خود عمل می‌کند و روشی است که مدیران مالی به وسیله آن، می‌توانند به نقاط قوت و ضعف یک شغل پی برده و بر این اساس، تدابیر بهتری بیندیشند (رجبی، ۱۴۰۰). در ادامه نیز به مرور برخی از پیشینه پژوهش‌های تجربی انجام‌شده داخلی و خارجی در رابطه با موضوع بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش فناوری‌های مالی پرداخته



می‌شود. در جایی که کائونانگ (۲۰۲۰) نشان داد که شایستگی، انگیزش و تعهد سازمانی تأثیر معنادار مثبت جزئی در عملکرد مدیریت مالی دارد. رجب (۲۰۲۱) نشان داد که مهارت و تجربه بر برنامه‌ریزی و عملکرد شغلی تأثیر می‌گذارد. در این میان با اجرای فناوری اطلاعات در کسب‌وکار، مدیریت مالی، تصمیم‌گیری بهتر، آسان‌تر، سریع‌تر و دقیق‌تری خواهد داشت چراکه فناوری اطلاعات کارها را راحت‌تر می‌کند و روند انجام وظایف مدیران مالی را تسریع می‌نماید که خود باعث افزایش عملکرد مدیران مالی از طریق این روش‌ها می‌شود (منشاوی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که عملکرد مدیریت مالی، تحت تأثیر شایستگی، انگیزش، دانش و مشارکت نمی‌باشد اما با استفاده از فناوری اطلاعات به‌طور معناداری بهبود یافته است. منشاوی و همکاران (۲۰۲۲) اذعان داشت که مدیریت فناوری اطلاعات هیئت‌مدیره از طریق قابلیت‌های فناوری اطلاعات رابطه مثبت مستقیم و غیرمستقیم با عملکرد شرکت دارند. در ادامه نیز به برخی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌شود. پریتنو و توباستوی<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل تأثیر شایستگی، انگیزش، دانش، مشارکت و استفاده از فناوری اطلاعات بر عملکرد مدیریت مالی انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که عملکرد مدیریت مالی، تحت تأثیر شایستگی، انگیزش، دانش و مشارکت نمی‌باشد اما با استفاده از فناوری اطلاعات به‌طور معناداری بهبود یافته است. منشاوی و همکاران (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان سازوکارهای مدیریت فناوری اطلاعات هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت در بین شرکت‌های عراقی: نقش قابلیت‌های فناوری اطلاعات انجام داده‌اند. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که مدیریت فناوری اطلاعات هیئت‌مدیره از طریق قابلیت‌های فناوری اطلاعات رابطه مثبت مستقیم و غیرمستقیم با عملکرد شرکت دارند. برعکس، قابلیت‌های فناوری اطلاعات در رابطه بین سازوکارهای فرآیندهای حاکمیت هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت تداخل ندارند. رجب (۲۰۲۱) مطالعه‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر برنامه‌ریزی شغلی: مهارت و تجربه (مدیریت منابع انسانی) را انجام گرفته است. نتایج این پژوهش با بررسی مبانی نظری نشان داد که: مهارت بر برنامه‌ریزی شغلی تأثیر می‌گذارد، تجربه در برنامه‌ریزی شغلی تأثیر دارد. جدا از این دو متغیر که بر برنامه‌ریزی شغلی تأثیر می‌گذارد، عوامل دیگری از جمله متغیرهای رهبری، امور مالی شرکت، انگیزش و عملکرد کارمندان نیز وجود داشته است. کائونانگ (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر شایستگی، انگیزش و تعهد سازمانی بر عملکرد مدیریت مالی انجام داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که شایستگی، انگیزش و تعهد سازمانی تأثیر معنادار مثبت و جزئی در عملکرد مدیریت مالی دارد. سیامسیر<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با عنوان شایستگی، رضایت شغلی، انگیزش کار و عملکرد شغلی استادان مدیریت امور مالی گاری در استان سوماترا غربی انجام داده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داده است که شایستگی، رضایت شغلی و انگیزش کاربر عملکرد شغلی تأثیر معناداری وجود دارد. پوتری و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر خودکارآمدی، شایستگی و جبران در عملکرد مدیر مالی با نقش تعدیل‌گر انگیزش انجام داده‌اند. نتایج نشان داده است که متغیرهای خودکارآمدی، شایستگی و جبران تأثیر مثبتی بر عملکرد کارمندان مدیریت مالی بوده است. انگیزش، تأثیر خودکارآمدی و شایستگی بر عملکرد کارمندان مدیریت مالی را تعدیل نمی‌کند. انگیزش، تأثیر جبران بر عملکرد کارمندان مدیریت مالی را تقویت می‌کند. طاهریان و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان شناسایی و ارائه

1. Menshawey *et al.*

2. Prayitno & Tubastuvi

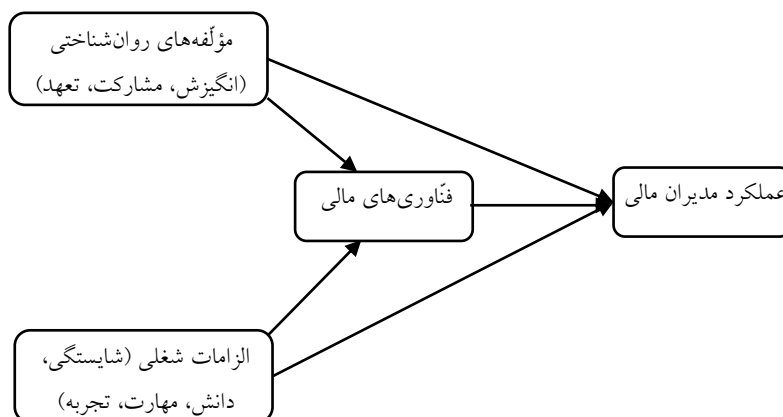
3. Syamsir

4. Putri *et al.*

مدل ارتقاء شایستگی و مدیریت عملکرد مدیران آموزش با تأکید بر رقابت‌پذیری سازمان در صنعت هوانوردی انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که ابعاد اصلی ۳ گانه ارتقای شایستگی مدیران (فنی، ادراکی، ارتباطی) و مؤلفه‌های مرتبط مورد تأیید بوده و در مدل عملیاتی و نهایی ارائه گردید و بررسی‌های نظری و کیفی خبرگان نیز نشان داد که مدل از برآزش مناسبی برخوردار می‌باشد. سجادی و رحمانیان کوشکی (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان بررسی تأثیر مدیریت دانش بر انگیزش و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی شهر شیراز انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد، متغیر درونی‌سازی دانش بیشترین میزان ضریب تأثیر را بر عملکرد شغلی و انگیزش شغلی را ایفا می‌کند و مدیریت دانش علاوه بر تأثیر مستقیم، دارای تأثیر غیرمستقیم بر عملکرد شغلی از طریق ایجاد انگیزه شغلی نیز است. صفایا و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان بررسی نقش متغیرهای اثرگذار بر عملکرد اخلاقی مدیران مالی و روسای حسابداری جهت نوآوری در بورس تهران انجام داده‌اند. نتایج آزمون همبستگی حاکی از آن بود که بین سن مدیران و سابقه کار ایشان با عملکرد اخلاقی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین رعایت اصول اخلاقی بر عملکرد اخلاقی مدیران تأثیر معنی‌داری داشته است. اسدی و کرمی (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با عنوان ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر دانش ضمنی و تجربه مدیران از طریق پیش‌بینی روابط علی میان اثر شخصیتی و فردی، تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی، تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، تجربه و دانش ضمنی حسابرسی، تجربه و دانش ضمنی سیاسی، تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تأمین اجتماعی و مدیریت سود انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد تجربه شخصیتی و فردی، تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، تجربه و دانش ضمنی حسابرسی و تجربه و دانش ضمنی سیاسی از عوامل‌هایی هستند که در الگوی رفتاری مدیریت سود مؤثر هستند. هرچند تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، سیاسی و حسابداری و مالی در الگوی فازی در ارائه الگوی رفتاری شناسایی شده‌اند. اما این عوامل‌ها در نظرسنجی کلی در طراحی الگوی رفتاری معنادار نبوده‌اند. نوری و همکاران (۱۳۹۶) مطالعه‌ای با عنوان بررسی تأثیر آموزش مدیریت مالی در محیط کاربر مدیریت مالی شخصی و عملکرد کارکنان در بانک مهر اقتصاد استان البرز انجام داده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق نشان داده‌است که آموزش باعث افزایش دانش مدیریت مالی شخصی و عملکرد کارکنان شده‌است. اخوان علوی و همکاران (۱۳۹۴) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر عوامل انگیزشی بر بهبود نظارت مالی ذی‌حسابان و مدیران مالی دستگاه‌های اجرایی استان قم را بررسی نموده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان‌دهنده ارتباط عوامل انگیزشی با کیفیت نظارت مالی با ضریب همبستگی ۰/۷۶ است و مؤلفه‌های عوامل شغلی (ضریب همبستگی ۰/۷۶۴)، عوامل سازمانی (ضریب همبستگی ۰/۸۲۸) و عوامل فردی (ضریب همبستگی ۰/۸۴۴) نیز با کیفیت نظارت مالی ارتباط داشته است.

### فرضیه‌های پژوهش

با عنایت به مبانی نظری مطرح‌شده و مرور پیشینه تجربی پژوهش‌های نظیر پژوهش‌های پریتنو و توباستووی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱) و سایر پژوهش‌های تجربی داخلی و خارجی، چارچوب مفهومی اصلی پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است و ابعاد و مؤلفه‌های اساسی آن نیز در شکل تشریح می‌گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش. منبع: پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱)

علاوه بر این، با توجه به مبانی نظری مطرح شده و مرور پیشینه پژوهش نظیر پژوهش‌های پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱) و سایر پژوهش‌های تجربی داخلی و خارجی، فرضیه‌های پژوهش نیز بدین گونه می‌باشند: فرضیه اول: مؤلفه‌های روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مدیران مالی دارد. فرضیه دوم: مؤلفه‌های الزامات شغلی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مدیران مالی دارد. فرضیه سوم: فناوری‌های مالی نقش میانجی در ارتباط بین مؤلفه‌های روان‌شناختی و عملکرد مدیران ایفا می‌کند. فرضیه چهارم: فناوری‌های مالی نقش میانجی در ارتباط بین الزامات شغلی و عملکرد مدیران ایفا می‌کند. جدول ۱ تعریف عملیاتی متغیرهای چارچوب مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای چارچوب مفهومی پژوهش

ردیف	نام متغیر	نوع متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری متغیرها		منبع و توضیحات
				پرسشنامه	طیف لیکرت	
۱	مؤلفه‌های روان‌شناختی	مستقل	Motivation	پرسشنامه	سؤال ۱ تا ۱۵	این متغیر از طریق پرسشنامه استاندارد و ترکیبی و بر اساس مقاله پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱) اندازه‌گیری شده است.
			Participation	نیمه ساختار یافته		
			Obligation			
۲	الزامات شغلی	مستقل	Merit	پرسشنامه	سؤال ۱۶ تا ۳۵	این متغیر از طریق پرسشنامه استاندارد و ترکیبی و بر اساس مقاله پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱) اندازه‌گیری شده است.
			Knowledge	نیمه ساختاریافته		
			Skill			
۳	عملکرد مدیران مالی	وابسته	Experience	پرسشنامه	سؤال ۳۶ تا ۴۰	این متغیر از طریق پرسشنامه استاندارد و ترکیبی و بر اساس مقاله پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱) اندازه‌گیری شده است.
			Performance of financial managers	نیمه ساختاریافته		
۴	فناوری‌های مالی	میانجی	Financial technologies	پرسشنامه ساختاریافته	سؤال ۴۱ تا ۴۵	این متغیر از طریق پرسشنامه استاندارد و ترکیبی و بر اساس مقاله پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲) و رجب (۲۰۲۱) اندازه‌گیری شده است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از دیدگاه تقسیم‌بندی بر مبنای هدف، تحقیق کاربردی می‌باشد. همچنین از لحاظ طبقه‌بندی برحسب روش، از نوع توصیفی است. این پژوهش همبستگی است که در این پژوهش رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش تحلیل می‌شود. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. تعداد ۱۴۴ مدیر مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش پیش رو، برای تعیین حجم نمونه از رابطه محاسباتی کوکران بر اساس جامعه آماری در خلال پژوهش استفاده شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتب، تحقیقات پایان‌نامه‌ای انجام شده و نیز از شبکه‌های جهانی اطلاعات (تارنما) و همچنین روش میدانی استفاده گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آمار توصیفی و آمار استنباطی به‌طور هم‌زمان استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های پژوهش نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات خام و پردازش شده به دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه شده است. استفاده از آمار توصیفی باهدف جمع‌آوری، تنظیم و ارائه اطلاعات به‌صورت روشن و با محاسبه پارامترهای جامعه و در صورت لزوم تعیین روابط موجود بین اطلاعات جمع‌آوری شده با جداول فراوانی، واریانس و میانگین و میانه صورت می‌گیرد. در سطح استنباطی به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف اسمیرنوف، از روش مدل معادلات ساختاری و تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۹ و SmartPLS استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون آمار توصیفی مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی پژوهش

مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
نوع جنسیت	زن	۷
	مرد	۹۳
سطح تحصیلات	کارشناسی	۶۲
	کارشناسی‌ارشد	۲۵
	دکتری	۱۳
	۳۵-۴۰ سال	۱۰
سن به تفکیک	۴۱-۴۵ سال	۱۳
	۴۶-۵۰ سال	۱۵
	۵۱-۵۵ سال	۳۳
	۵۶-۶۰ سال	۱۲
	۶۱-۶۵ سال	۱۰
	۶۶-۷۰ سال	۷
جمع کل	۱۴۴	۱۰۰

همچنین، در جدول ۳ نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش (میانگین و انحراف معیار) ارائه شده است. در همین راستا، میانگین و انحراف معیار سن ۱۴۴ نفر از مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به ترتیب ۴۹ و ۷/۹۵ است. همچنین، نتایج میانگین و انحراف معیار زیر مؤلفه‌های الزامات شغلی مانند شایستگی، دانش، مهارت و تجربه به ترتیب ۱۹/۷۹، ۱۹/۴۰، ۱۷/۵۲ و ۲۰/۳۳ با انحراف معیار ۲/۰۴، ۲/۶۱، ۳/۰۲ و ۲/۱۱ می‌باشد. در ادامه نتایج میانگین و انحراف معیار زیر مؤلفه‌های فناوری‌های مالی ضریب گویه اول برابر ۲/۶۹ و ضریب گویه دوم برابر ۳/۸۸، و ضریب گویه سوم برابر ۲/۷۸، و ضریب گویه چهارم برابر ۳/۳۱، و ضریب گویه پنجم برابر ۲/۹۲ با انحراف معیار ضریب گویه اول برابر ۰/۸۹۶، و ضریب گویه دوم برابر ۰/۹۱۶، و ضریب گویه سوم برابر ۹/۳۷، و ضریب گویه چهارم برابر ۱/۰۰، و ضریب گویه پنجم برابر ۰/۸۶۲ است. نتایج میانگین و انحراف معیار زیر مؤلفه‌های عملکرد مدیران مالی شامل ضریب گویه اول برابر ۲/۷۱، و ضریب گویه دوم برابر ۳/۴۴، و ضریب گویه سوم برابر ۳/۴۶، و ضریب گویه چهارم برابر ۳/۲۱، و ضریب گویه پنجم برابر ۳/۴۰ است. با انحراف معیار ضریب گویه اول برابر ۰/۹۷۱، و ضریب گویه دوم برابر ۰/۹۷۸، و ضریب گویه سوم برابر ۱/۰۲، و ضریب گویه چهارم برابر ۱/۴۱، و ضریب گویه پنجم برابر ۱/۱۴ است.

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر مکنون	الفای کرنباخ (پایایی)	pA (روایی)	متغیر نشانگر (گویه)	چولگی	کشیدگی
مؤلفه‌های روان‌شناختی	۰/۷۳	۰/۶۷	انگیزش	-۰/۶۱۶	۰/۰۰۵
			مشارکت	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۴
			تعهد	-۱/۷۷	۳/۲۷
الزامات شغلی	۰/۷۹	۰/۷۵	دانش	-۰/۳۵۸	-۰/۵۹۲
			مهارت	-۱/۱۲	۲/۱۲
			تجربه	-۰/۸۰۷	۰/۸۸۲
			۱	۰/۱۴۳	-۰/۳۸۹
فناوری‌های مالی	۰/۷۷	۰/۷۹	۲	-۱/۸۱	۱/۸۲
			۳	-۰/۳۱۹	-۰/۲۴۸
			۴	-۰/۶۸۵	۰/۱۷۴
			۵	-۰/۱۴۱	-۰/۳۶۶
			۱	-۰/۳۷۱	-۰/۷۷۵
عملکرد مدیران مالی	۰/۸۳	۰/۸۴	۲	-۰/۵۳۳	۰/۱۷۱
			۳	-۰/۲۸۱	-۰/۴۴۰
			۴	-۰/۱۴۱	-۱/۲۸
		۵	-۰/۳۱۱	-۰/۸۶۷	

نتایج جدول ۴ نشان داد که سطح معنادار متغیرهای انگیزش، مشارکت، تعهد، شایستگی، دانش، مهارت، تجربه، فناوری‌های مالی و عملکرد مدیران مالی به ترتیب ۰/۲۰۰، ۰/۰۸۲، ۰/۰۷۴، ۰/۰۸۷، ۰/۰۶۴، ۰/۰۹۵، ۰/۰۷۷، ۰/۰۶۹ و ۰/۰۶۳ است. از آنجایی که تمامی سطوح معنادار متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ هستند، توزیع داده‌ها نرمال است. بنابراین، از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌گردد.

جدول ۴. نتایج توزیع نرمال داده‌ها توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنف

متغیر	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری آزمون K-S
انگیزش	۱۶/۷۵۰	۳/۲۷۰	۰/۲۰۰
مشارکت	۱۹/۳۹۰	۲/۳۹۰	۰/۰۸۲
تعهد	۱۶/۹۱۰	۲/۵۳۰	۰/۰۷۴
شایستگی	۱۹/۷۹۰	۲/۰۴۰	۰/۰۸۷
دانش	۱۹/۴۰۰	۲/۶۱۰	۰/۰۶۴
مهارت	۱۷/۵۲۰	۳/۰۲۰	۰/۰۹۵
تجربه	۲۰/۳۳۰	۲/۱۱۰	۰/۰۷۷
فناوری‌های مالی	۱۵/۶۰۰	۳/۵۹۰	۰/۰۶۹
عملکرد مدیران مالی	۱۶/۲۴۰	۴/۰۷۰	۰/۰۶۳

همچنین، در جدول ۵ نتایج آزمون مدل در دو حالت استاندارد و معناداری در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون برآورد مدل اندازه‌گیری برای بارهای بیرونی و معناداری

متغیرهای مکنون	متغیرهای نشانگر	بارهای بیرونی	انحراف معیار (S.E)	سطح معناداری (p-value)
انگیزش	گویه (۱)	۰/۷۱۱	۰/۳۷۲	۰/۰۱۹
	گویه (۲)	۰/۴۸۹	۰/۴۷۲	۰/۰۳۳
	گویه (۳)	۰/۶۵۳	۰/۲۷۳	۰/۰۲
	گویه (۴)	۰/۷۰۰	۰/۳۸۰	۰/۰۴۱
	گویه (۵)	۰/۴۷۳	۰/۳۶۶	۰/۰۱۳
مشارکت	گویه (۱)	۰/۷۶۷	۰/۰۷۲	۰/۰۴۹
	گویه (۲)	۰/۵۷۱	۰/۱۸۲	۰/۰۳۵
	گویه (۳)	۰/۷۳۴	۰/۱۸۴	۰/۰۱۹
	گویه (۴)	۰/۷۵۶	۰/۰۴۹	۰/۰۳۷
	گویه (۵)	۰/۴۸۸	۰/۱۷۳	۰/۰۳۲
تعهد	گویه (۱)	۰/۶۲۳	۰/۲۶۴	۰/۰۷۱
	گویه (۲)	۰/۴۶۲	۰/۲۸۲	۰/۰۴۴
	گویه (۳)	۰/۷۷۹	۰/۱۱۵	۰/۰۳۷
	گویه (۴)	۰/۷۸۲	۰/۱۱۳	۰/۰۳۶
	گویه (۵)	۰/۷۹۵	۰/۰۷۹	۰/۰۴۱

جدول ۵. نتایج آزمون برآورد مدل اندازه‌گیری برای بارهای بیرونی و معناداری

			مؤلفه‌های الزامات شغلی	
۰/۰۴۲	۰/۱۸۹	۰/۴۳۶	گوپه (۱)	شایستگی
۰/۰۳۴	۰/۴۲۸	۰/۷۴۴	گوپه (۲)	
۰/۰۰۴	۰/۲۷۲	۰/۴۷۱	گوپه (۳)	
۰/۰۳۸	۰/۱۷۹	۰/۴۱۲	گوپه (۴)	
۰/۰۴۴	۰/۱۰۷	۰/۷۱۸	گوپه (۵)	
۰/۰۰۲	۰/۱۸۴	۰/۷۹۰	گوپه (۱)	مهارت
۰/۰۲۳	۰/۲۴۱	۰/۷۷۲	گوپه (۲)	
۰/۰۰۲	۰/۳۷۱	۰/۶۰۰	گوپه (۳)	
۰/۰۴۷	۰/۲۳۲	۰/۴۷۱	گوپه (۴)	
۰/۰۰۲	۰/۵۳۴	۰/۶۵۳	گوپه (۵)	
۰/۰۰۷	۰/۴۱۲	۰/۵۲۴	گوپه (۱)	دانش
۰/۰۳۶	۰/۱۳۵	۰/۷۶۳	گوپه (۲)	
۰/۰۸۲	۰/۱۱۲	۰/۷۵۹	گوپه (۳)	
۰/۰۳۹	۰/۱۵۶	۰/۷۶۵	گوپه (۴)	
۰/۰۴۳	۰/۲۴۴	۰/۷۴۵	گوپه (۵)	
۰/۰۳۱	۰/۱۲۹	۰/۷۸۶	گوپه (۱)	تجربه
۰/۰۶۸	۰/۱۷۵	۰/۷۵۱	گوپه (۲)	
۰/۰۳۴	۰/۲۷۳	۰/۴۶۶	گوپه (۳)	
۰/۰۷۷	۰/۲۴۶	۰/۷۷۷	گوپه (۴)	
۰/۰۳۲	۰/۳۴۸	۰/۵۱۱	گوپه (۵)	
۰/۰۳۶	۰/۲۹۱	۰/۵۷۳	گوپه (۱)	عملکرد مدیران مالی
۰/۰۰۵	۰/۵۷۲	۰/۸۲۳	گوپه (۲)	
۰/۰۰۲	۰/۵۴۴	۰/۸۰۴	گوپه (۳)	
۰/۰۰۱	۰/۴۱۹	۰/۸۱۸	گوپه (۴)	
۰/۰۰۳	۰/۴۹۸	۰/۷۱۰	گوپه (۵)	
۰/۰۰۵	۰/۴۷۲	۰/۷۶۲	گوپه (۱)	فناوری‌های مالی
۰/۰۰۲	۰/۲۹۳	۰/۷۵۱	گوپه (۲)	
۰/۰۰۵	۰/۴۹۲	۰/۸۲۳	گوپه (۳)	
۰/۰۰۱	۰/۵۴۸	۰/۸۳۴	گوپه (۴)	
۰/۰۰۲	۰/۶۳۱	۰/۷۷۲	گوپه (۵)	

جدول ۶ ضرایب مسیر، آماره  $t$  و سطح معناداری فرضیه‌ها را نشان می‌دهد. مطابق با جدول نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول با توجه به ضریب مسیر  $۰/۷۳۱$  بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین مطابق با جدول نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم با توجه به ضریب مسیر  $۰/۷۸۲$  بنابراین، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین مطابق با جدول نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم با توجه به ضریب مسیر  $۰/۵۷۸$  بنابراین، فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین

مطابق با جدول نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم با توجه به ضریب مسیر ۰/۴۸۱ بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود.

جدول ۶. ضرایب مسیر، آماره t و سطح معناداری فرضیه‌ها

فرضیه	مسیرها	ضریب استاندارد (β)	ضریب معناداری (t-value)	سطح معناداری (p-value)	نتایج آزمون
۱	مؤلفه روان‌شناختی -> عملکرد مدیران مالی	۰/۷۳۱	۳/۴۵۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۲	الزامات شغلی -> عملکرد مدیران مالی	۰/۷۸۲	۲/۴۶۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۳	مؤلفه روان‌شناختی -> فناوری‌های مالی -> عملکرد مدیران مالی	۰/۵۷۸	۴/۳۲۱	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۴	الزامات شغلی -> فناوری‌های مالی -> عملکرد مدیران مالی	۰/۴۸۱	۳/۷۴۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

نتایج برازش مدل پژوهش در جدول ۷ گنجانده شده است. از این‌رو، مطابق نتایج حاصل از برازش مدل که در جدول ارائه شده، می‌توان گفت که مؤلفه‌های شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد (SRMR)، معیار تناسب مدل راستین (D\_uls)، معیار تناسب مدل راستین (d\_g)، شاخص تناسب به هنجار (NFI، Chi-square)، نکوئی برازش (Gof)، به ترتیب ۰/۱۳۸، ۱۹/۷۴۸، ۷/۸۸۰، ۲/۰۹۷، ۰/۱۸۸ و ۰/۳۴۵ است که حاکی از برازش مدل دارد.

جدول ۷. نتایج برازش مدل پژوهش

مؤلفه‌های پژوهش	نماد	اشباعیت مدل	برازش مدل	نتیجه	سطح معناداری (p-value)
شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد	SRMR	۰/۱۳۸	۰/۱۳۸	تناسب مدل	۰/۰۴۳
معیار تناسب مدل راستین	D_uls	۱۹/۷۴۸	۱۹/۷۴۸	تناسب مدل	۰/۰۲۶
معیار تناسب مدل راستین	d_g	۷/۸۸۰	۷/۸۸۰	تناسب مدل	۰/۰۳۱
ضریب کای-مربع	Chi-square	۲/۰۹۷	۲/۰۹۷	تناسب مدل	۰/۰۴۶
شاخص تناسب به هنجار	NFI	۰/۱۸۸	۰/۱۸۸	تناسب مدل	۰/۰۳۳
نکوئی برازش	Gof	۰/۳۴۵	۰/۳۴۵	تناسب مدل	۰/۰۱۷

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی با توجه به نقش میانجی فناوری‌های مالی انجام شده است. در این راستا، نتایج مطالعه حاضر در بخش آزمون فرضیه اول نشان داد که مؤلفه‌های روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مدیران مالی دارد. در این رابطه، نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که انگیزش به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های روان‌شناختی بر عملکرد مدیران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در این رابطه، مطابق با مبانی نظری پژوهش در خصوص انگیزش می‌توان گفت مهارت‌های مدیریتی،



فنی و تخصصی مدیران مالی نقش بسیار مهمی در انجام وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها دارند. مهارت‌های مدیریتی شامل؛ توانایی برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، رهبری، ارتباطات، مدیریت زمان و منابع و مهارت‌های گروهی است. این مهارت‌ها باعث می‌شوند مدیران مالی بتوانند بهبود عملکرد گروه، اتخاذ تصمیمات بهینه، مدیریت منابع مالی و ایجاد روابط مؤثر با سایر اعضای سازمان پردازند (آساری و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، انگیزش نیز نقش بسیار مهمی در عملکرد مدیران مالی دارد. انگیزه تأثیرگذار بر درک، رفتار و عملکرد افراد است. مدیران مالی با داشتن انگیزه مناسب، تمایل بیشتری برای دستیابی به اهداف و انجام وظایف خود دارند. انگیزش می‌تواند از طریق عوامل مختلفی مانند پاداش‌ها، ترقی، توسعه شغلی، ارتباطات مثبت با همکاران و سایر روش‌های تشویقی ایجاد شود (پوتری و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه، برای داشتن عملکرد بهتر در نقش مدیریت مالی، مهارت‌های مناسب و انگیزه قوی برای انجام وظایف و تحقق اهداف بسیار ضروری است. همچنین، ارتقاء مهارت‌ها و ایجاد محیطی محرک برای افزایش انگیزه مدیران مالی می‌تواند بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کند. بنابراین، نتایج این مطالعه با نتایج پوتری و همکاران (۲۰۱۹)، کانونگ و همکاران (۲۰۲۰)، باسا و ایندروان (۲۰۲۳) هم‌سو می‌باشد. همچنین، نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نیز نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار مشارکت به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های روان‌شناختی بر عملکرد مدیران مالی است. در این مورد نتایج می‌دهند که مشارکت مدیران مالی باعث بهبود عملکرد آن‌ها می‌شود. البته، مطابق با مبانی نظری مشارکت به معنای همکاری و مشارکت فعال مدیران مالی در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سازمانی است. وجود مشارکت فعال مدیران مالی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد آن‌ها داشته باشد. با مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سازمانی، مدیران مالی می‌توانند دیدگاه‌ها و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند، فکرهای نوآورانه برای بهبود عملکرد ارائه دهند و به توسعه و پیشرفت سازمان کمک کنند (سندی و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین، مشارکت مدیران مالی می‌تواند بهبود مشارکت و همکاری گروهی را تسهیل کند. با مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سازمانی، مدیران مالی می‌توانند اعضای گروه خود را به همکاری و مشارکت فعال ترغیب کنند و از تجربیات و مهارت‌های همکاران خود بهره‌برداری کنند. این مشارکت و همکاری گروهی می‌تواند بهبود عملکرد کلی گروه و سازمان را تسهیل کند (سندی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، مشارکت فعال مدیران مالی می‌تواند بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کند و به تحقق اهداف سازمانی کمک کند. برای افزایش مشارکت مدیران مالی، می‌توان از روش‌های تشویقی مناسب، ایجاد محیطی محرک و توسعه مهارت‌های مدیران مالی استفاده کرد. همچنین، ایجاد فرهنگ سازمانی پشتیبانی‌کننده از مشارکت و همکاری می‌تواند بهبود عملکرد مدیران مالی را تسهیل نماید. از این رو، نتایج این مطالعه با نتایج سندی و همکاران (۲۰۲۱) هم‌سو می‌باشد. علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نیز حاکی از آن بوده که تعهد به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مدیران مالی دارد. در نتیجه با استناد به نتایج به دست آمده می‌توان چنین گفت که تعهد مدیران مالی به سازمان و وظایف خود باعث بهبود عملکرد آن‌ها می‌شود. البته، مطابق با مبانی نظری تعهد به معنای ارتباط عمیق و پایدار مدیران مالی با سازمان و وظایف خود است. وجود تعهد قوی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد آن‌ها داشته باشد. با داشتن تعهد قوی، مدیران مالی به تمرکز بیشتری در انجام وظایف خود می‌پردازند و تصمیمات بهتری می‌گیرند. همچنین، تعهد مدیران مالی به سازمان و وظایف خود می‌تواند به توسعه مهارت‌ها و تخصص‌های آن‌ها کمک کند و در نتیجه عملکرد آن‌ها را بهبود بخشد

(دسکی و همکاران، ۲۰۲۰). تعهد مدیران مالی همچنین می‌تواند تأثیر مستقیم بر رضایت شغلی آن‌ها داشته باشد. رضایت شغلی مدیران مالی نیز می‌تواند به عملکرد و عملکرد سازمانی کلی کمک کند. زیرا، مدیرانی که به سازمان و وظایف خود تعهد دارند و از شغل و محیط کار خود راضی هستند، به‌طور کلی بهترین تلاش خود را در انجام وظایف می‌کنند و توانایی‌های خود را بهبود می‌بخشند (ویندا و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، تعهد مناسب مدیران مالی می‌تواند بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کند و به تحقق اهداف سازمانی کمک کند. برای افزایش تعهد مدیران مالی، می‌توان از روش‌های تشویقی مناسب، ارتقاء مهارت‌ها و ایجاد محیطی محرک استفاده کرد. همچنین، ایجاد فرهنگ سازمانی پشتیبانی‌کننده از تعهد و ارزش‌های سازمانی می‌تواند بهبود عملکرد مدیران مالی را تسهیل کند (آستاتی و همکاران، ۲۰۲۲). نتایج این مطالعه با نتایج دسکی و همکاران (۲۰۲۰)، ویندا و همکاران (۲۰۲۲)، آستاتی و همکاران (۲۰۲۲) و احمد و همکاران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد. همچنین، نتایج مطالعه حاضر در بخش آزمون فرضیه دوم نشان داد که مؤلفه‌های الزامات شغلی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مدیران مالی دارد. در این رابطه، نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان داد که شایستگی به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های الزامات شغلی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مدیران مالی دارد. در این رابطه، مطابق با مبانی نظری، می‌توان گفت که شایستگی مدیران تأثیر بسزایی بر عملکرد تجاری اعم از عملکرد مالی و غیرمالی و عملکرد مشتری یک سازمان دارد. در این راستا وجود و کاربرد مدیران شایسته (دارای مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری، تشویق، نوآوری و خلاقیت، ارتباطات کاری، رهبری، حرفه‌ای، به‌کارگیری توانایی‌های مثبت، توسعه‌ی کار و مشارکت گروهی) در یک سازمان می‌تواند یکی از عوامل موفقیت و تأثیر آن بر عملکرد مناسب خود و سازمان دانست (ارویا و همکاران، ۲۰۲۰). عواملی مانند بازار بسیار پویا، تغییرات دائم تقاضاهای مشتریان، رقابت شدید، لزوم کنترل دقیق ر مدیریت خطر تنها برخی از ویژگی‌های بوم کسب‌وکاری است که سازمان‌ها به‌طور دائم با آن سروکار دارند. از این‌رو، مدیران با شایستگی خود می‌توانند بسیاری از چالش‌هایی که بخش‌های مختلف، سازمان‌ها با آن مواجه هستند را پوشش دهند (کاکامو همکاران، ۲۰۲۰). نتایج این مطالعه با نتایج اورویا و همکاران (۲۰۲۰)، کاکمن و همکاران (۲۰۲۰)، چهاردولی و همکاران (۲۰۲۱) و ایروان و همکاران (۲۰۱۷) هم‌سو می‌باشد. همچنین، با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم می‌توان گفت که دانش مدیران مالی به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های الزامات شغلی یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر عملکرد و موفقیت آن‌ها است. در این رابطه، مطابق با مبانی نظری دانش مدیران مالی شامل؛ دانش و فهم عمیق از مباحث مالی، حسابداری، مدیریت مالی، بازارهای مالی، خطر مالی و سایر مفاهیم مرتبط است (باتیستی و همکاران، ۲۰۲۲). دانش مدیران مالی شامل دانش و فهم عمیق از مباحث مالی، حسابداری، مدیریت مالی، بازارهای مالی، خطر مالی و سایر مفاهیم مرتبط است (باتیستی همکاران، ۲۰۲۲). داشتن دانش مناسب در این حوزه‌ها به مدیران مالی کمک می‌کند تا بهترین تصمیم‌های مالی را برای سازمان بگیرند. آن‌ها با داشتن دانش مالی مناسب قادر خواهند بود تا مسائل مالی را به‌طور دقیق تجزیه و تحلیل کنند، ریسک‌های مالی را مدیریت کنند و راهبردهای مالی مناسب برای سازمان تعیین کنند. همچنین، دانش مدیران مالی به آن‌ها کمک می‌کند تا قوانین و مقررات مالی را درک کنند و به‌طور مستمر با تغییرات و نوآوری‌های در حوزه مالی آشنا باشند (چایاتاناپات و همکاران، ۲۰۲۲). دانش مدیران مالی همچنین می‌تواند بهبود توانایی‌های تصمیم‌گیری آن‌ها را تسهیل کند. با داشتن دانش مالی مناسب، مدیران مالی می‌توانند تصمیماتی را بر اساس اطلاعات دقیق و تجزیه و تحلیل دقیق

بگیرند و تأثیر مستقیمی بر عملکرد و موفقیت سازمان داشته باشند (چایتانایات و همکاران، ۲۰۲۲). این نتایج با نتایج باتیستی و همکاران (۲۰۲۲)، کوکائو و همکاران (۲۰۲۲)، چایتانایات و همکاران (۲۰۲۲) و وانگ و همکاران (۲۰۲۲) هم‌سو می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم می‌توان گفت که مهارت به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی تأثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده چنین می‌توان گفت که داشتن مهارت‌های مناسب می‌تواند بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کند. در این رابطه، مطابق با مبانی نظری مهارت‌های مدیران مالی شامل؛ مهارت‌های تحلیلی، راهبردی، تصمیم‌گیری، ارتباطی و رهبری است. داشتن این مهارت‌ها به مدیران مالی کمک می‌کند تا بهترین تصمیمات مالی را بگیرند و بهبود عملکرد سازمانی را تسهیل کنند (کومار و همکاران، ۲۰۲۳). مهارت‌های تحلیلی مدیران مالی به آن‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات مالی را به‌درستی تحلیل کنند و تصمیمات مالی را بر اساس داده‌ها و اطلاعات دقیق بگیرند. با داشتن مهارت‌های راهبردی، مدیران مالی می‌توانند راهبردهای مالی مناسب را برای سازمان تعیین کنند و به تحقق اهداف سازمانی کمک کنند. مهارت‌های تصمیم‌گیری مدیران مالی نیز می‌تواند بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کند. آن‌ها با داشتن مهارت‌های تصمیم‌گیری مناسب، قادر خواهند بود تصمیمات مالی را به‌طور دقیق و منطقی بگیرند و از نتیجه‌گیری صحیح برای سازمان بهره‌برداری کنند (کومار و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، مهارت‌های ارتباطی و رهبری نیز بر عملکرد مدیران مالی تأثیرگذار هستند. ارتباط مؤثر با سایر اعضای سازمان، همکاران و سایر ذی‌نفعان می‌تواند به تسهیل روند انجام کارها و هماهنگی بین بخش‌های مختلف سازمان کمک کند (کومار و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، مهارت‌های رهبری مدیران مالی به آن‌ها کمک می‌کند تا گروه‌های مالی را به‌خوبی مدیریت کنند و بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کنند (کومار و همکاران، ۲۰۲۳). نتایج مطالعه فوق با نتایج اینگل و همکاران (۲۰۱۶)، روزیاده (۲۰۲۰) هم‌سو می‌باشد. در نهایت، با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم می‌توان گفت که تجربه به عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی تأثیر معناداری دارد. بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده چنین می‌توان گفت که تجربه می‌تواند بهبود عملکرد آن‌ها را تسهیل کند. در این رابطه، مطابق با مبانی نظری تجربه مدیران مالی شامل سابقه کاری، پروژه‌های قبلی، تجربیات مالی و مدیریتی است. داشتن تجربه مناسب در این حوزه‌ها به مدیران مالی کمک می‌کند تا بهترین تصمیمات مالی را بگیرند و بهبود عملکرد سازمانی را تسهیل کنند (تجهجادی و همکاران، ۲۰۲۳). تجربه مدیران مالی به آن‌ها کمک می‌کند تا مسائل مالی را به‌طور دقیق تجزیه و تحلیل کنند و خطرهای مالی را مدیریت کنند. با تجربه، آن‌ها قادر خواهند بود به اطلاعات و داده‌ها بهترین تفسیر را بدهند و تصمیمات مالی را بر اساس دانش و تجربه قبلی خود بگیرند (دار و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، تجربه مدیران مالی به آن‌ها کمک می‌کند تا بهبود توانایی‌های تصمیم‌گیری خود را تسهیل کنند و با موقعیت‌های مختلف و پیچیده روبرو شوند (دار و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، تجربه مدیران مالی می‌تواند به توسعه شبکه‌های حرفه‌ای و ارتباطات مفید منجر شود. با سابقه کار و تجربه در صنعت مالی، مدیران مالی می‌توانند به شبکه‌های حرفه‌ای قوی دسترسی داشته باشند و از تجربیات و دانش دیگران بهره‌برداری کنند (روزیاده، ۲۰۲۲). نتایج مطالعه فوق با نتایج تجهجادی و همکاران (۲۰۱۹)، دار و همکاران (۲۰۲۲)، روزیاده و همکاران (۲۰۲۲) هم‌سو می‌باشد. همچنین، براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم می‌توان گفت که فناوری‌های مالی بر ارتباط بین مؤلفه‌های روان‌شناختی (انگیزش، مشارکت، تعهد) و عملکرد مدیران مالی نقش میانجی

معناداری دارد. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر با نتایج این مطالعه با نتایج رجب (۲۰۲۱)، پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲)، دوی و همکاران (۲۰۲۰)، تارگان و همکاران (۲۰۲۱) هم‌سو می‌باشد. علاوه بر این، براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم می‌توان گفت که فناوری‌های مالی بر ارتباط بین مؤلفه‌های الزامات شغلی (شایستگی، دانش، مهارت، تجربه) و عملکرد مدیران مالی نقش میانجی معناداری دارد. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر با نتایج این مطالعه با نتایج کائونانگ (۲۰۲۰)، دوی و همکاران (۲۰۲۰)، تارگان و همکاران (۲۰۲۱)، رجب (۲۰۲۱)، پریتنو و توباستوی (۲۰۲۲)، منشاوی و همکاران (۲۰۲۲) هم‌سو می‌باشد. بنابراین، در این ادامه قسمت نیز بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهاد کاربردی بدین شرح بیان می‌گردد: به‌منظور توجه به نقش و جایگاه مؤلفه‌های روان‌شناختی و الزامات شغلی بر عملکرد مدیران مالی مبتنی بر برفناوری‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به مواردی نظیر؛ تشویق مدیران مالی برای یادگیری مداوم و به‌روزرسانی دانش افراد در سازمان، انتخاب و استخدام مدیران مالی با مهارت‌های مناسب در فرآیند استخدام مدیران مالی سازمان، دقت و توجه به مهارت‌های مورد نیاز سازمان، ارائه آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های مالی به مدیران مالی توسط سازمان در راستای تسهیل و بهبود رابطه بین مؤلفه‌های روان‌شناختی افراد و عملکرد سازمان، برگزاری دوره‌های آشنایی افراد سازمان با ابزارها و نرم‌افزارهای مالی، تحلیل داده‌ها، استفاده بهینه از فناوری‌های مالی، امنیت فضای مجازی و مدیریت خطر فناوری موردتوجه قرار گیرد. همچنین، برای توسعه مبانی نظری و تجربی پژوهش پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی تمامی مؤلفه‌ها به‌صورت یک‌به‌یک اثرگذاری آن‌ها بر روی عملکرد شغلی مورد بررسی قرار گیرد. در این بین پیشنهاد می‌شود مؤلفه‌های دیگری نظیر، الزامات دیگر شغلی و مؤلفه‌های دیگر روان‌شناختی نظیر؛ انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری و مدیریت دانش، هوش هیجانی و تأثیر آن بر عملکرد مدیران مالی مورد پژوهش قرار گیرد.

### فهرست منابع

- احمدیه، معصومه و مرادی، مجید و خوشکار، فرزین. (۱۴۰۱). تأثیر سواد مالی، فناوری مالی و سرمایه فکری بر عملکرد در شهرداری‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، (۵۶)، ۴، ۱۰۹-۱۲۱.  
<https://civilica.com/doc/1575140>
- اخوان علوی، رحمتی، و قنبری. (۲۰۱۴). بررسی تأثیر عوامل انگیزشی (شغلی، سازمانی، فردی) بر کیفیت نظارت مالی ذی‌حسابان و مدیران مالی دستگاه‌های اجرایی. *مجله علمی*، ۱۲(۴)، ۷۱۹-۷۳۹. doi: 10.22059/JOMC.2014.53097
- اسدی، نجمه، و کرمی، غلامرضا. (۱۳۹۹). الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر دانش ضمنی و تجربه مدیران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۹(۳۶)، ۸۷-۹۵. doi: 10.30495/JDAA.2023.698896
- بابایی فیشانی، محمدرضا، خوزین، علی، ضیاء، بابک، و اشرفی، مجید. (۱۳۹۹). طراحی الگوی اکوسیستم تامین مالی کارآفرینی فناورانه در کسب‌وکارهای دانش‌بنیان (مورد مطالعه: حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات). *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۸)، ۱۷۷-۱۹۲. doi: 10.22034/iaar.2020.128234

چهاردولی، منصوره، لبادی، زهرا، پرسته قمبروانی، فاطمه، و عبدالمهی، مژگان. (۱۴۰۰). واکاوی و شناسایی شایستگی‌های عمومی و تخصصی کارشناسان مالی با رویکرد توسعه‌ای (مطالعه موردی: بانک دی). فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۳۰(۸)، ۶۶-۲۴. doi: 10.1016/j.intman.2022.100938

سجادی، سید نصراله، و رحمانیان کوشککی، بهاره. (۱۴۰۰). تأثیر ابعاد مدیریت دانش بر انگیزش و عملکرد شغلی دبیران تربیت بدنی شهر شیراز. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۰(۳)، ۲۲۱-۲۴۴. [https://pma.cfu.ac.ir/article\\_1886.html](https://pma.cfu.ac.ir/article_1886.html)

صفانیا، خریدار، سینا، آزادی، کیهان، و دلاور. (۱۴۰۰). متغیرهای اثرگذار بر عملکرد اخلاقی مدیران مالی و رؤسای حسابداری جهت نوآوری در بورس تهران. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱۱(۲)، ۲۳۰-۲۵۰. [https://journals.iau.ir/article\\_687634.html](https://journals.iau.ir/article_687634.html)

طاهری، زاهد غروی، و آسایش. (۲۰۲۲). اولویت بندی معیارهای ناکارایی شعب بانک ملی در ایران. اقتصاد مالی، ۱۶(۶۰)، ۲۳۶-۲۱۳. doi: 10.30495/fed.2022.697612

عباسی، فهیمه، حجازی، الهه، و حکیم زاده، رضوان. (۱۳۹۹). تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد): یک مطالعه پدیدارشناسی. تدریس پژوهی، ۸(۳)، ۲۴-۱. [https://trj.uok.ac.ir/article\\_61636\\_en.html?lang=fa](https://trj.uok.ac.ir/article_61636_en.html?lang=fa)

محسنی تکلو، فرشته، سلاجقه، سنجر، جلال کمالی، محمد، و محسنی تکلو، محمدتقی. (۱۴۰۰). استفاده از مدل الزامات-منابع شغلی در پیش بینی تاب آوری کارکنان شعب بانک ملی شهر کرمان. مجله ارگونومی، ۹(۱)، ۴۸-۶۲. doi: 10.30699/jergon.9.1.48

نوری، علی، و اعتمادی زاده، هدایت الله. (۱۳۹۷). ارزشیابی سطح دانش و نگرش معلمان مدارس در ارتباط با پژوهش تربیتی. تدریس پژوهی، ۶(۴)، ۶۶-۶۵. [https://trj.uok.ac.ir/article\\_60998.html](https://trj.uok.ac.ir/article_60998.html)

Abad-Segura, E., González-Zamar, M. D., López-Meneses, E., & Vázquez-Cano, E. (2020). *Financial technology: review of trends, approaches and management. Mathematics*, 8(6), 951. doi: 10.3390/math8060951

Abbasi, F., Hejazi, E., & Hakimzade, R. (2020). Lived experience of elementary school teachers about the opportunities and challenges of teaching in the educational network of students (SHAD): A phenomenological study. *Research in Teaching*, 8(3), 1-24. [https://trj.uok.ac.ir/article\\_61636\\_en.html?lang=fa](https://trj.uok.ac.ir/article_61636_en.html?lang=fa) [In Persian]

Ahmadi, M., Moradi, M., & Khushkar, F. (2022). The effect of financial literacy, financial technology and intellectual capital on performance in municipalities. *New Research in Management and Accounting*, 4(56), 109-121. <https://civilica.com/doc/1575140> [In Persian]

Ahmed, R. R., Akbar, W., Aijaz, M., Channar, Z. A., Ahmed, F., & Parmar, V. (2023). Ahmed, R. R., Akbar, W., Aijaz, M., Channar, Z. A., Ahmed, F., & Parmar, V. (2023). The role of green innovation on environmental and organizational performance: Moderation of human resource practices and management commitment. *Heliyon*, 9(1), 700-812. doi:10.32861/jssr.412-707-710

Aini, Q. (2018). Motivation, commitment and leadership skill in affecting performance hospital managers. *The Journal of Social Sciences Research*, 4(12), 707-710. doi:10.32861/jssr.412-707-710

Akhavan Alavi, S. H., Rahmati, M. H., & Ghanbari, A. A. (2014). The Influence of Motivation Factors (Including Occupational Factors, Organizational Factors and Personal Factors) on Accountant and

- Financial Managers and Financial Supervisors Improvement Executive System. *Organizational Culture Management*, 12(4), 719-739. doi:10.22059/JOMC.2014.53097 [In Persian]
- Al-Jabari, B., & Ghazzawi, I. (2019). Organizational Commitment: A Review of the Conceptual and Empirical Literature and a Research Agenda. *International Leadership Journal*, 11(1), 78-119. <http://internationalleadershipjournal.com/archives/winter-2019-vol-11-no-1/>
- Arifani, A. Z. T., & Susanti, A. Y. (2020). Literature Review Factors Affecting Employee Performance: Competence, Compensation and Leadership. *Dinasti International Journal of Economics, Finance & Accounting*, 1(3), 538-549. doi:10.38035/dijefa.v1i3.491
- Asaari, M. H. A. H., Desa, N. M., & Subramaniam, L. (2019). Influence of salary, promotion, and recognition toward work motivation among government trade agency employees. *International Journal of Business and Management*, 14(4), 48-59. doi:10.5539/ijbm.v14n4p48
- Asadi, N., & Karami, G. (2020). Earning Management Behavioral Pattern Based on Implicit Knowledge and Experience of Managers. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(36), 87-95. doi: 10.30495/JDAA.2023.698896 [In Persian]
- Asadi, N., Karami, G., & Pourzamani, Z. (2021). Identifying Tacit Knowledge Criteria and Experiences of Managers in the Earning Management Behavioral Pattern Using Delphi Method. *International Journal of Finance & Managerial Accounting*, 6(21), 167-184. [http://www.ijfma.ir/article\\_17238.html](http://www.ijfma.ir/article_17238.html)
- Astuty, W., Habibie, A., Pasaribu, F., Pratama, I., & Rahayu, S. (2022). Utilization of Accounting Information and Budget Participation as Antecedent of Managerial Performance: Exploring the Moderating Role of Organizational Commitment, Leadership Style, Environmental Uncertainty and Business Strategy in Indonesia. *The Journal of Modern Project Management*, 10(1), 188-200. <https://journalmodernpm.com/manuscript/index.php/jmpm/article/view/489>
- Babaei Fishani, M. R., Khozain, A., Ziyae, B., & Ashrafi, M. (2020). Designing a Model of Technological Entrepreneurship Financing Ecosystem in Knowledge-Based Business Case Study: Information Technology and Communication. *Accounting and Auditing Research*, 12(48), 177-192. doi: 10.22034/iaar.2020.128234
- Basa, Y. D. M., & Indrawan, M. I. (2023). The Influence of Organizational Culture and Motivation on Performance with Competence as an Intervening Variable in the Financial Management Agency Regional Income and Assets of Binjai City. *SINOMIKA Journal: Publikasi Ilmiah Bidang Ekonomi dan Akuntansi*, 2(2), 307-322. doi:10.54443/sinomika.v2i2.1294
- Battisti, E., Alfiero, S., Quaglia, R., & Yahiaoui, D. (2022). Financial performance and global start-ups: the impact of knowledge management practices. *Journal of International Management*, 28(4), 100938. doi: 10.1016/j.intman.2022.100938
- Chahardoli, M., Lebody, Z., Parasteh-Ghombavani, F., & Abdollahi, M. (2021). Analysis and Identification of General and Specialized Competencies of Financial Expert with Development Approach (Case Study: Day Bank). *Quarterly Journal of Training and Development of Human Resources*, 30(8), 24-46. doi: 10.52547/istd.31384.8.30.0
- Chaithanapat, P., Punnakitikashem, P., Oo, N. C. K. K., & Rakthin, S. (2022). Relationships among knowledge-oriented leadership, customer knowledge management, innovation quality and firm performance in SMEs. *Journal of Innovation & Knowledge*, 7(1), 100162. doi: 10.1016/j.jik.2022.100162
- Da Silva, E. A., Sodré, P. R. S., Gomes, F. L., & Cruz, L. P. (2023). Behavior in Financial Management in a Demographic Analysis. 11(10), 598. doi:10.21203/rs.3.rs-2432347/v1
- Desky, H., Mukhtasar, M., Istan, M., Ariesa, Y., Dewii, I. B. M., Fahlevi, M., ... & Purwanto, A. (2020). Did trilogy leadership style, organizational citizenship behaviour (OCB) and organizational commitment (OCO) influence financial performance? Evidence from pharmacy industries. *Systematic Reviews in Pharmacy*, 11(10), 297-305. doi:10.31838/srp.2020.10.50

- Dewi, V., Febrian, E., Effendi, N., & Anwar, M. (2020). Financial literacy among the millennial generation: Relationships between knowledge, skills, attitude, and behavior. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 14(4), 24-37. doi: 10.14453/aabfj.v14i4.3
- Dhar, B. K., Harymawan, I., & Sarkar, S. M. (2022). Impact of corporate social responsibility on financial expert CEOs' turnover in heavily polluting companies in Bangladesh. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 29(3), 701-711. doi: 10.1002/csr.2230
- Dirani, K. M., Abadi, M., Alizadeh, A., Barhate, B., Garza, R. C., Gunasekara, N., ... & Majzun, Z. (2020). Leadership competencies and the essential role of human resource development in times of crisis: a response to Covid-19 pandemic. *Human Resource Development International*, 23(4), 380-394. doi: 10.1080/13678868.2020.1780078
- Engel, L., Bar, Y., Beaton, D. E., Green, R. E., & Dawson, D. R. (2016). Identifying instruments to quantify financial management skills in adults with acquired cognitive impairments. *Journal of clinical and experimental neuropsychology*, 38(1), 76-95. doi: 10.1080/13803395.2015.1087468
- Irvan, N., Mus, A. R., Su'un, M., & Sufri, M. (2017). Effect of Human Resource Competencies, Information Technology and Internal Control Systems on Good Governance and Local Government *Financial Management Performance.RA-International Journal of Management & Social Science*, 8(1), 31-45. doi: 10.31219/osf.io/njzsy
- Kakemam, E., Liang, Z., Janati, A., Arab-Zozani, M., Mohaghegh, B., & Gholizadeh, M. (2020). Leadership and management competencies for hospital managers: a systematic review and best-fit framework synthesis. *Journal of healthcare leadership*, 37(2), 59-68. doi: 10.2147/JHL.S265825
- Kaunang, Y. P. S. (2020). The Influence of competence, motivation and organizational commitment to the performance of financial Management of Work Unit Government Development in Minahasa Regency. *Accountability*, 9(1), 1-7. doi: 10.32400/ja.28164.9.1.2020.1-7
- Kokkaew, N., Jokkaw, N., Peansupap, V., & Wipulanusat, W. (2022). Impacts of human resource management and knowledge management on non-financial organizational performance: Evidence of Thai infrastructure construction firms. *Ain Shams Engineering Journal*, 13(6), 101750. doi: 10.1016/j.asej.2022.101750
- Kumar, P., Pillai, R., Kumar, N., & Tabash, M. I. (2023). The interplay of skills, digital financial literacy, capability, and autonomy in financial decision making and well-being. *Borsa Istanbul Review*, 23(1), 169-183. doi:10.1016/j.bir.2022.09.012
- Lawrence, P. R., & Lorsch, J. W. (1967). Differentiation and integration in complex organizations. *Administrative science quarterly*, 1-47. doi: 10.2307/2391211
- Menshawy, I. M., Basiruddin, R., Mohdali, R., & Qahatan, N. (2022). Board information technology governance mechanisms and firm performance among Iraqi medium-sized enterprises: Do IT capabilities matter? *Journal of Risk and Financial Management*, 15(2), 72. doi: 10.3390/jrfm15020072
- Milena, T., & Amalia, D. (2023). The Effect of Financial Literacy, Financial Access and Growth on Micro Business Financial Management on Batam City. In Proceedings of the 4th International Conference on Applied Economics and Social Science, ICAESS 2022, 5 October 2022, Batam, Riau Islands, Indonesia. 10(3), 379-398. doi: 10.4108/eai.5-10-2022.2325850
- Mohseni Takalu, F., Salajeghe, S., Jalalkamali, M., & Mohseni Takalu, M. T. (2021). Using the Job-Demands-Resources (JD-R) Model in Predicting the Resilience of the Melli Bank Branch Employees of Kerman, Iran. *Iranian Journal of Ergonomics*, 9(1), 48-62. doi: 10.30699/jergon.9.1.48 [In Persian]
- Nouri, A., & Etemadzadeh, H. (2018). Evaluating the level of knowledge and attitudes of teachers in relation to Educational research. *Research in Teaching*, 6(4), 46-65. [https://trj.uok.ac.ir/article\\_60998.html](https://trj.uok.ac.ir/article_60998.html) [In Persian]
- Orobia, L. A., Nakibuuka, J., Bananuka, J., & Akisimire, R. (2020). Inventory management, managerial competence and financial performance of small businesses. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 10(3), 379-398. doi: 10.1108/JAEE-07-2019-0147

- Paais, M., & Pattiruhu, J. R. (2020). Effect of motivation, leadership, and organizational culture on satisfaction and employee performance. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(8), 577-588. doi: 10.56225/ijfeb.v1i3.63
- Phan, D. H. B., Narayan, P. K., Rahman, R. E., & Hutabarat, A. R. (2020). Do financial technology firms influence bank performance? *Pacific-Basin finance journal*, 62, 101210. doi: 10.1016/j.pacfin.2019.101210
- Prayitno, S., & Tubastuvi, N. (2022). Analysis of The Effect of Competence, Motivation, Knowledge, Participation and The Use of Information Technology on Financial Management Performance (Empirical Study on the Management of School Operational Assistance at Madrasah in Cilacap Regency). In *Proceedings of the 3rd International Conference of Business, Accounting, and Economics, ICBAE*, 7(8), 10-11. doi: 10.4108/eai.10-8-2022.2320847
- Pura, R. A. H. M. A. N. (2019). Effect of competence of human resources and application of village based financial system on performance of village financial management. *Qualitative and Quantitative Research Review*, 4(1), 192-205. doi: 10.21744/irjm.v6n3.635
- Putri, K. D. C., Sari, M. M. R., Ramantha, I. W., & Budiasih, I. G. A. N. (2019). Effect of self-efficacy, competence and compensation in performance of financial manager on motivation as moderation. *International research journal of management, IT and social sciences*, 6(3), 83-93. doi: 10.21744/irjm.v6n3.635
- Rajab, M. (2021). Factors affecting career planning: Skill and experience (literature review of human resources management). *Dinasti International Journal of Digital Business Management*, 2(6), 1070-1078. doi: 10.31933/dijdbm.v2i6.1295
- Rajest, S. S., Shynu, T., & Regin, R. (2023). The Effects of Effective Management of Human Resources on the Overall Performance of an Organization. *Central Asian Journal of Mathematical Theory and Computer Sciences*, 4(1), 1-20. doi: 10.21744/irjm.v6n3.635
- Rosyadah, K. (2020). The influence of financial knowledge, financial attitudes and personality to financial management behavior for micro, small and medium enterprises typical food of coto makassar *JHSS (Journal of Humanities and Social Studies)*, 4(2), 152-156. doi: 10.2147/JHL.S265825
- Sajjadi, N., & Rahmanian Kooshkaki, B. (2021). Effect Knowledge Management on Motivation and Job Performance Physical Education Secretaries in Shiraz City. *Educational and Scholastic studies*, 10(3), 221-244. [https://pma.cfu.ac.ir/article\\_1886.html](https://pma.cfu.ac.ir/article_1886.html) [In Persian]
- Safania, S., Azadi, K., & Delavar, A. (2021). Variable effecting ethical performance of managers and heads of accounting for innovation in Tehran Stock Exchange. *Journal of Innovation and Creativity in Human Science*, 11(2), 230-250. [https://journals.iau.ir/article\\_687634.html](https://journals.iau.ir/article_687634.html) [In Persian]
- Sandi, H., Yunita, N. A., Heikal, M., Ilham, R. N., & Sinta, I. (2021). Relationship Between Budget Participation, Job Characteristics, Emotional Intelligence and Work Motivation as Mediator Variables to Strengthening User Power Performance: An Empirical Evidence from Indonesia Government. *Morfai Journal*, 1(1), 36-48. doi: 10.54443/morfai.v1i1.14
- Taheri, A., Zahed Gharavi, M., & Asayesh, H. (2022). Prioritizing the inefficiency criteria of Melli Bank branches in Iran. *Financial Economics*, 16(60), 213-236. doi: 10.30495/fed.2022.697612 [In Persian]
- Tarigan, Z., Mochtar, J., Basana, S., & Siagian, H. (2021). The effect of competency management on organizational performance through supply chain integration and quality. *Uncertain Supply Chain Management*, 9(2), 283-294. doi: 10.5267/j.uscm.2021.3.004
- Tasi, R., & Syamsir, S. (2020). The Influence of Integrity and Loyalty on Employee Performance. *International Journal of Research and Analytical Reviews (IJRAR)*, 7(1), 774-779. <http://repository.unp.ac.id/id/eprint/27258>
- Tjahjadi, B., Soewarno, N., Astri, E., & Hariyati, H. (2019). Does intellectual capital matter in performance management system-organizational performance relationship? Experience of higher



education institutions in Indonesia. *Journal of intellectual capital*, 20(4), 533-554. doi: 10.1108/JIC-12-2018-0209

Wang, S., Abbas, J., Sial, M. S., Álvarez-Otero, S., & Cioca, L. I. (2022). Achieving green innovation and sustainable development goals through green knowledge management: Moderating role of organizational green culture. *Journal of innovation & knowledge*, 7(4), 100272.

Winda, M., Susanti, P. H., & Trarintya, M. A. P. (2022). The role of commitment to mediate effect of motivation on the performance of waste bank managers in the city of Denpasar. *International Journal of Social Science, Education, Communication and Economics (Sinomics Journal)*, 1(2), 115-130. doi: 10.54443/sj.v1i2.12

## Forward-looking disclosure and corporate reputation as mechanisms to reduce stock return volatility

Mohammad Kiamehr<sup>1</sup>, Ehsan Kermani<sup>2</sup>, Ali Norouzi<sup>3</sup>

Received: March 06, 2024

Accepted: May 02, 2024

### Abstract

**Purpose:** The purpose of this research is to investigate the relationship between the disclosure of prospective financial information and the volatility of stock returns of companies listed on the Tehran Stock Exchange, as well as to investigate the effect of companies' good reputation on this relationship.

**Methodology:** In order to achieve the goals of the research, two hypotheses have been developed that test the meaningfulness of the relationship between the disclosure of prospective financial information, the fluctuations of stock returns and good reputation in the companies listed on the Tehran Stock Exchange. Disclosure of prospective financial information was measured using content analysis method. The statistical method used to test the hypotheses presented in this research is the step-by-step regression analysis method, and the statistical sample of the research includes 120 companies in the years 2018 to 2022.

**Findings:** The results of the analysis of the research hypotheses show that the disclosure of forward-looking financial information leads to a decrease in the volatility of stock returns of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Also, disclosure of forward-looking financial information by firms with higher reputations (as opposed to firms with lower reputations) has a greater effect on reducing stock return volatility.

**Originality:** By analyzing the effect of forward-looking financial information on the volatility of stock returns, it expands previous research.

**Keywords:** Corporate reputation, forward-looking financial disclosures, volatility of stock returns.

**JEL Classification:** M41, G32

---

1. Department of Accounting, Dariun Branch, Islamic Azad University, Dariun, Iran. (Corresponding Author). (mohammad.kiamehr@iau.ac.ir)

2. Department of Accounting, Dariun Branch, Islamic Azad University, Dariun, Iran.

3. Department of Accounting, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

**Cite this paper:** Kiamehr, M., Kermani, E., Norouzi, A. (2024). Forward-looking disclosure and corporate reputation as mechanisms to reduce stock return volatility. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(2), 109-132. [In Persian]

## افشای آینده‌نگرانه و شهرت شرکت به عنوان مکانیزم‌هایی برای کاهش نوسانات بازده سهام

محمد کیامهر<sup>۱</sup>، احسان کرمانی<sup>۲</sup>، علی نوروزی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳

## چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگرانه و نوسانات بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و نیز بررسی اثر حسن شهرت شرکت‌ها بر این رابطه است.

**روش‌شناسی:** در راستای تحقق هدف‌های پژوهش دو فرضیه تدوین شده است که معنادار بودن رابطه بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگرانه، نوسانات بازده سهام و حسن شهرت را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد آزمون قرار می‌دهد. افشاء اطلاعات مالی آینده‌نگرانه، با استفاده از روش تحلیل محتوا اندازه‌گیری شد. روش آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش، روش تجزیه و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام و نمونه آماری پژوهش شامل ۱۲۰ شرکت - سال در سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ است.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که افشای اطلاعات مالی آینده‌نگرانه، منجر به کاهش نوسانات بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌گردد. همچنین، افشای اطلاعات مالی آینده‌نگرانه توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر)، دارای اثر بیشتری بر کاهش نوسانات بازده سهام است.

**دانش افزایی:** با تحلیل تأثیر اطلاعات مالی آینده‌نگر بر نوسانات بازده سهام، تحقیقات پیشین را گسترش می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** افشای مالی آینده‌نگرانه، شهرت شرکت، نوسانات بازده سهام.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G32

۱. گروه حسابداری، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران. (نویسنده مسئول). mohammad.kiamehr@iau.ac.ir

۲. گروه حسابداری، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.

۳. گروه حسابداری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

استناد: کیامهر، محمد، کرمانی، احسان، و نوروزی، علی. (۱۴۰۲). افشای آینده‌نگرانه و شهرت شرکت به عنوان مکانیزم‌هایی برای کاهش نوسانات بازده سهام. *حسابداری و شفافیت مالی*. ۱۰۹-۱۳۲. (۲) ۱

## مقدمه

چارچوب گزارش‌دهی یکپارچه بین‌المللی به شدت بر اطلاعات آینده‌نگر تأکید دارد. این چارچوب مشخص می‌کند که شرکت‌ها باید گزارش‌هایی را منتشر کنند که به سؤالات مربوط به چالش‌ها و عدم قطعیت‌هایی که ممکن است در اجرای استراتژی‌های خود با آن‌ها مواجه شوند، پاسخ داده و پیامدهای بالقوه‌ای که ممکن است برای مدل‌های کسب‌وکار و عملکرد آینده‌شان به وجود آید را ارائه نمایند. همچنین این گزارش‌ها باید تغییرات مورد انتظار در طول زمان را برجسته کند، و انتظاراتی را در مورد محیط خارجی که در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت ممکن است شرکت با آن مواجه شود را افشا نماید؛ اصول اصلی راهنمای آن، افشای شرکتی «استراتژیک و آینده‌نگر»، از جمله ارائه اطلاعات آینده‌نگر را ترویج می‌کند. اطلاعات آینده‌نگر شامل چشم‌انداز و روندهای پیش روی شرکت، استراتژی توسعه آتی شرکت، برنامه تجاری برای سال آینده، خطرات احتمالی آینده و اقدامات متقابل است. برای سرمایه‌گذاران، اطلاعات تاریخی و اطلاعات آینده‌نگر مکمل یکدیگر هستند و اطلاعات آینده‌نگر می‌تواند اطلاعاتی که در بهای تمام شده‌ی تاریخی هنوز ذکر نشده است یا نمی‌تواند ارائه کند را در برگیرد. بر اساس آن سرمایه‌گذاران در مورد وضعیت توسعه و آینده قضاوت می‌کنند. بنابراین، اهمیت اطلاعات آینده‌نگر از منظر نظری و عملی قابل اغراق نیست (چنجانگلی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۳).

از نقطه نظر تئوری، افزایش سطوح افشا، احتمال عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد که از طریق شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش، نقد شوندگی سهام و نوسانات بازده سهام اندازه‌گیری می‌شود (کورمیر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). با این وجود، ادبیات موضوعی، هیچ تعریف روشنی از مفهوم «افزایش سطوح افشا» ارائه نمی‌کند (لئوز و ورچیا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که کیفیت اطلاعات، عدم اطمینان در مورد آینده یک شرکت و نوسانات سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایزلی و اوهارا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ پاستور و ورونسی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳). افشا، ممکن است اشکال مختلفی داشته و انواع افشای اطلاعات، تأثیر مشابهی بر بازارهای سرمایه ندارند. مدیران و سیاست‌گذاران، علاقه‌مند به تأیید و تصدیق این موضوع هستند که کدام نوع از اطلاعات، برای سرمایه‌گذاران مفید بوده و می‌توانند بر بازارهای سرمایه تأثیر داشته باشند. به طور خاص، از آنجایی که اطلاعات تاریخی، برای سرمایه‌گذاران ناکافی هستند، اطلاعات آینده‌نگر حیاتی تلقی می‌شوند. سازمان‌ها و محققان به اهمیت اطلاعات آینده‌نگر در بهبود پیش‌بینی در مورد یک شرکت و سهولت فرایندهای تصمیم‌گیری در بازارهای سرمایه اذعان داشته‌اند. با وجود اینکه نوسانات سهام به عنوان مسئله‌ای حاد برای قانون‌گذاران و مدیران قلمداد می‌شود، رابطه بین اطلاعات آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام، ناشناخته باقی مانده است. از سوی دیگر، مباحث و گفتمان‌های جاری در رابطه با نحوه ارزیابی و تفسیر سرمایه‌گذاران از اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها وجود دارد (بیر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). هر شرکت، درجه‌های مختلف از اعتماد را به بازار انتقال می‌دهد. اکثریت قریب به اتفاق مطالعات، بر سطح اطلاعات افشا شده تمرکز کرده‌اند، اما اثرات رویه‌های افشا، می‌تواند بسته به شهرت شرکت، تغییر بیشتری داشته باشد. اگرچه نظریه مبتنی بر منابع، بر اهمیت شهرت شرکت تأکید

<sup>1</sup>. Chenggang Li

<sup>2</sup>. Cormier

<sup>3</sup>. Leuz & Verrecchia

<sup>4</sup>. Easley & O'Hara

<sup>5</sup>. Pastor & Veronesi

<sup>6</sup>. Beyer

دارد، شواهد در نشان دادن این موضوع که این منبع نامشهود، می‌تواند رویه‌های افشا و تغییرات در قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهد، ناکام مانده‌اند. از آنجاکه شهرت یک پیام‌رسان، باید نقش مهمی را در اثربخشی خود پیام ایفا نماید (مرسل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴)، سرمایه‌گذاران ممکن است دیدگاه ذاتی مثبتی در هنگام تفسیر اطلاعات افشاشده توسط شرکت‌های با اعتبار و شهرت بالا داشته باشند.

این پژوهش، با تحلیل تأثیر اطلاعات مالی آینده‌نگر (مانند پیش‌بینی‌های سود، درآمد مورد انتظار و جریان‌های نقدی پیش‌بینی‌شده) بر نوسانات بازده سهام، تحقیقات پیشین را گسترش می‌دهد. این اطلاعات می‌تواند منبع اصلی برای تمایز افشای شرکت‌ها باشند؛ چراکه به صورت واقعی قابل اثبات بوده و از این رو، افشای آن‌ها ممکن است به پاسخگویی بیشتر و افزایش هزینه‌های اعتباری<sup>۲</sup> منجر شود. با توجه به اینکه مطالعات پیشین، به تجزیه و تحلیل رابطه بین این اطلاعات و نوسانات بازده سهام پرداخته‌اند، با توجه به موارد پیش‌گفته سؤال اساسی پژوهش این است که افشای اطلاعات آینده‌نگر چه تأثیری بر نوسانات بازده سهام دارد و شهرت شرکت چگونه تأثیر اطلاعات آینده‌نگر را تعدیل می‌نماید؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### افشای اطلاعات آینده‌نگر

با این وجود، اطلاعات آینده‌نگر، مفهومی گسترده است که شامل انواع مختلف افشا شده و محتوای این اطلاعات نیز، موضوع حائز اهمیتی است. افشای اطلاعات آینده‌نگر با ماهیت مالی، به طور خاص توسط برخی از محققان مورد بررسی قرار گرفته است (حسینی و همکاران، ۲۰۰۳)؛ چرا که فرض بر این است که این اطلاعات، برای سرمایه‌گذاران مربوط تلقی گردند. همسو با تئوری نمایندگی، افشای اطلاعات آینده‌نگر، می‌تواند درجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و فرآیند تصمیم‌گیری را بهبود بخشد و در نتیجه، ممکن است هزینه تأمین مالی برای شرکت، کاهش یابد (حسینی و آل‌عیسی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). تغییرات سریع در محیط‌های اقتصادی، اطلاعات تاریخی را برای ذینفعان ناکافی کرده و انتشار اطلاعات آینده‌نگر، ممکن است به سرمایه‌گذاران در جهت بهبود پیش‌بینی‌های خود در مورد یک شرکت کمک نماید (وانگ و حسینی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). فرض بر این است که افشای این اطلاعات، شکاف اطلاعاتی بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران را از طریق بهبود پیش‌بینی سودهای آتی (شلیچر و واکر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹)، قیمت سهم (حسینی و همکاران، ۲۰۰۳) و عملکرد آتی شرکت (حسینی و آل‌عیسی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹) کاهش دهد. افشای اطلاعات آینده‌نگر، با دقت بالاتر در پیش‌بینی‌های تحلیلگران (بارون<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۹)، افزایش پیگیری تحلیلگر و ریسک اطلاعاتی پایین‌تر (گراهام<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) رابطه دارد؛ بنابراین، منافع بالقوه افشای اطلاعات آینده‌نگر، هم توسط سازمان‌ها (AICPA، ۱۹۹۴؛ CICA، ۲۰۰۲؛ FASB، ۲۰۰۱) و هم توسط پژوهشگران تایید گردیده است.

1. Mercel

2. Reputational Costs

3. Hussainey & Aal-Eisa

4. Wang & Hussainey

5. Schleicher & Walker

6. Barron

7. Graham

سطح اطلاعاتی که لازم است افشا شود تا حدودی به میزان اطلاعات و تخصص استفاده‌کنندگان بستگی دارد (عالی‌ور، ۱۳۶۵). سطح اطلاعات افشا شده در عین حال به مفاهیم مورد قبول حرفه حسابداری نیز بستگی دارد. مفاهیم ارائه شده در این مورد عبارت‌اند از افشای کافی (مناسب)، افشای منصفانه و افشای کامل.

افشای کافی بر ارائه حداقل اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان به نحوی که صورت‌های مالی گمراه‌کننده نباشد، دلالت دارد. افشای منصفانه به معنای دنبال کردن هدفی اخلاقی است که تمام گروه‌های استفاده‌کننده را به یک‌میزان مورد توجه قرار دهد. افشای کامل نیز به معنی ارائه کلیه اطلاعات مربوط است، به گونه‌ای که صورت‌های مالی، تصویر کاملی از فعالیت‌ها و رویدادهای مالی واحد تجاری را نشان دهد (کازم‌نژاد، ۱۳۸۹).

افشا در حسابداری و ازه‌ای فراگیر است و تقریباً تمامی فرآیند گزارشگری مالی را شامل می‌شود. یکی از اصول اولیه حسابداری، اصل افشای کلیه واقعیت‌های بااهمیت و مربوط درباره رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری به‌ویژه شرکت‌های سهامی عام است. اصل مزبور ایجاب می‌کند که صورت‌های مالی به گونه‌ای تهیه و ارائه شود که از لحاظ اهداف گزارشگری مالی، قابل فهم، آگاه‌کننده و تا حد امکان کامل باشد. به عبارت دیگر، گزارشگری مالی بر ارائه اطلاعات کافی و مفهوم در صورت‌های مالی تأکید دارد و خواستار افشای اطلاعات مربوط در صورت‌های مالی به گونه‌ای است که از یک طرف، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم کند و از طرف دیگر، باعث گمراهی آنان نشود (عالی‌ور، ۱۳۶۵).

#### افشاء اطلاعات آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام

اطلاعات آینده‌نگر، مانند پیش‌بینی‌های مدیریت، بیانیه‌های مطبوعاتی و تماس‌های کنفرانسی، می‌تواند به طور موثری منعکس‌کننده عدم قطعیت‌های بالقوه شرکت باشد و شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد. تعداد زیادی از مطالعات، از منظر نظری و تجربی، تأیید کرده‌اند که افشای اطلاعات نقدشوندگی سهام را بهبود می‌بخشد. از لحاظ نظری، افشای ناکافی اطلاعات شرکت ممکن است منجر به نقدشوندگی ضعیف سهام شود (مو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

افزایش سطح افشا، عدم تقارن اطلاعاتی در بازارهای سرمایه را کاهش داده و این امر منتج به بسیاری از مزایای بالقوه می‌گردد. افشای شرکت، برای عملکرد بازار سرمایه بسیار مهم بوده و اثرات بالقوه متعددی، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط دارند: بهبود نقدشوندگی سهام، کاهش هزینه سرمایه شرکت و افزایش پیگیری تحلیلگران مالی (هیلی و پالپو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). به طور خاص، سطوح پایین نوسانات، نشان‌دهنده عدم تقارن اطلاعاتی کمتر بوده و مطالعات پیشین نوسانات بازده سهام را به‌عنوان متغیر جانشینی برای عدم تقارن اطلاعاتی در نظر گرفته‌اند (کورنیر و همکاران، ۲۰۱۰). نوسان‌پذیری بازده سهام، توجه زیادی را به خود معطوف ساخته است؛ چراکه هم در تئوری و هم در عمل، مسئله‌ای مهم می‌باشد. افزایش نوسانات بازده سهام، منجر به شناخت بیشتر ریسک شرکت و از این رو، شناخت افزایش هزینه سرمایه شرکت می‌شود (بوشی و نو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). از سوی دیگر نوسانات، می‌تواند به شاخص منفی برای ارزش شرکت تبدیل شده و در نتیجه، جبران قیمت سهام، اثربخشی کمتری داشته و یا پرهزینه‌تر باشد. افزایش نوسانات سهام در

<sup>۱</sup>. Mo

<sup>۲</sup>. Healy & Palepu

<sup>۳</sup>. Bushee & Noe

سال‌های اخیر و تأثیر مورد انتظار عدم تقارن اطلاعاتی بر قیمت سهام، باعث به وجود آمدن این سؤال شده است که آیا اطلاعات مالی می‌تواند نوسانات بازده سهام را کاهش دهد یا خیر (راج گوپال و ونکتچلم،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱). تحقیقات پیشین در ادبیات حسابداری و تأمین مالی، دلایل متعددی را مبنی بر اینکه چرا اطلاعات می‌تواند بر نوسانات بازده سهام تأثیر گذارد، ارائه می‌دهد. ایزلی و اوهارا (۲۰۰۴) دریافتند که کیفیت گزارشگری مالی، محیط اطلاعاتی شرکت و بنابراین، هزینه سرمایه و نوسانات سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ادبیات پیرامون افشا، گرایش به استفاده از معیارهای اطلاعاتی عمومی مبتنی بر رتبه‌بندی ذهنی ارائه‌شده توسط تحلیلگران (براون و هیلجئیسیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ هاگارد<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸) یا شاخص‌های خودساخته (بوتوسان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶؛ میچلون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳؛ دومینگوئز و گامز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴) دارند. اکثر مطالعات پیشین که اثر افشای اختیاری بر بازارهای سرمایه را تحلیل کرده‌اند، بر سطح اطلاعات افشاشده در گزارش‌های سالانه متمرکز شده‌اند. اگرچه انتظار می‌رود مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه، از تمام منابع اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری در مورد یک شرکت استفاده کنند، اذعان گردیده است که افشای گزارش‌های سالانه، همبستگی شدیدی با سایر شیوه‌های ارتباطاتی داشته باشد (بوتوسان، ۲۰۰۶؛ لانگ و لاند هولم، ۱۹۹۳). هم اطلاعات اجباری و هم اطلاعات اختیاری، توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است. انواع خاصی از اطلاعات مورد ارزیابی واقع شده‌اند: سرمایه فکری (حسین<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۳)، اطلاعات بخش (پرنسپ<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴)، اطلاعات محیط زیستی (هوسیلوس و آلوارز-گیل<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸)، اطلاعات پیرامون مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (آریبی و گائو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲) و پایداری یا ثبات (مالی) (رودریگز-آریزا<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴) و یا اطلاعات مربوط به ریسک (لینسلی و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶؛ رودریگز-آریزا و همکاران، ۲۰۱۴). ممکن است تمامی انواع اطلاعات، بر بازارهای سرمایه تأثیر نداشته باشند. در این مطالعه، معیار افشای مبتنی بر اطلاعات آینده‌نگر با این فرض که این اطلاعات در فرایند تصمیم‌گیری با ارزش هستند، طراحی شده است.

این پژوهش با بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام، ادبیات موضوعی پیشین مرتبط با افشای اختیاری، به‌ویژه تحقیقات پیرامون اطلاعات آینده‌نگر را گسترش می‌دهد.

انتظار می‌رود اطلاعات مالی آینده‌نگر، معتبرتر باشند؛ چراکه به‌راحتی قابل اثبات بوده و افشای آن‌ها ممکن است به پاسخگویی بیشتری منجر شود. علاوه بر این، از آنجاکه اطلاعات مالی آینده‌نگر، دقیق بوده و اشاره به عملکرد آتی شرکت دارند، به احتمال زیاد این اطلاعات، برای سرمایه‌گذاران مربوط تلقی می‌شوند.

### افشاء اطلاعات آینده‌نگر و شهرت شرکت

افشای اطلاعات آینده‌نگر به شیوه‌های مختلف می‌تواند بر شهرت شرکت تأثیرگذار باشد: اول، بر اساس تئوری

1. Rajgopal & Venkatachalam

2. Brown & Hillegeist

3. Haggard

4. Botosan

5. Michelon

6. Domínguez & Gámez

7. Husin

8. Prencipe

9. Husillos & Álvarez-Gil

10. Aribi & Gao

11. Rodríguez-Ariza

12. Linsley

سیگنال‌دهی بازار؛ که تلاشی از سوی مدیریت یک شرکت برای متمایز ساختن خود از سایر شرکت‌های موجود در بازار با ارائه اطلاعاتی است که به وضوح آن را از سایر شرکت‌ها متمایز می‌کند. علاوه بر این، براساس تئوری نمایندگی، مدیران و سهامداران منافع متفاوتی دارند. مدیران ممکن است برای جلب اعتماد، سهامداران را با افشای اطلاعات بیشتر متقاعد کنند. بنابراین، در صورت دریافت سیگنال مثبت یا منفی، شهرت شرکت، می‌تواند دستخوش تغییرات شود (دنگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

شهرت شرکت، نشان‌دهنده شناخت از کیفیت مدیریت شرکت (هاموند و اسلوکوم<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶) بوده و می‌توان انتظار داشت که اطمینان سرمایه‌گذاران در یک شرکت را افزایش دهد. افشای آینده‌نگر شرکت‌های دارای شهرت بالاتر، می‌تواند با کاهش عدم اطمینان در مورد یک شرکت، برای سرمایه‌گذاران معتبرتر بوده و تأثیر بیشتری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی داشته باشد. از طرف دیگر، پرواضح است که رفتار سرمایه‌گذاران نیز می‌تواند از طریق جنبه‌های اجتماعی و روانی تعیین گردیده و ممکن است شهرت شرکت، تأثیر مثبتی بر دیدگاه روانی سرمایه‌گذاران فردی داشته باشد (هلم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). کارگزاران بازار سرمایه، شرکت‌های دارای شهرت بالاتر را در قالب شرکت‌های منسجم تلقی کرده و در نتیجه، تصویر یک شرکت ممکن است به‌عنوان یک عامل نامشهود در نظر گرفته شود که وفاداری و اعتماد سرمایه‌گذاران را تعیین می‌کند. از آنجاکه نوسانات بازده سهام نیز ممکن است احساسات غیرمنطقی سرمایه‌گذاران را منعکس گرداند (ونکتچلم<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰)، این نوسانات را می‌توان با شهرت شرکت تعیین کرد.

علاوه بر تأثیر منحصر به فرد شهرت شرکت بر نوسانات سهام، می‌توان انتظار داشت که شهرت شرکت، شیوه تفسیر افشای شرکت توسط سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد. شهرت شرکت، می‌تواند نقش مهمی در کاهش عدم اطمینان حاصل از اطلاعات افشاشده توسط شرکت‌ها ایفا کرده و در نتیجه، شیوه تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد. اطلاعات افشاشده توسط شرکت‌های دارای شهرت بالاتر، ممکن است اعتبار بیشتری داشته و اعتبار اطلاعات، عامل کلیدی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است (شوارتسکف<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

با توجه به مباحث ارائه شده در بالا، نقش شهرت شرکت در استراتژی‌های افشا و نیز کاهش نوسانات سهام، هنوز هم یک موضوع پژوهشی آزاد باقی مانده است. با توجه به استدلال‌های قبلی، به‌منظور تحلیل اینکه آیا اطلاعات افشاشده توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر، دارای اثر بیشتری بر نوسانات بازدهی سهام است یا خیر، اثر ترکیبی اطلاعات مالی آینده‌نگر و شهرت شرکت بررسی گردیده است.

### پیشینه خارجی

چنجانگلی و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای به افشای آینده‌نگر، احساسات سرمایه‌گذار و نقدشوندگی سهام در بورس چین پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که هر چه سطح افشای اطلاعات آینده‌نگر بالاتر باشد، نقدشوندگی سهام بالاتر است. دیگر نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد احساسات سرمایه‌گذار رابطه بر سطح افشای اطلاعات آینده‌نگر و نقدشوندگی سهام اثر تعدیلی دارد.

<sup>1</sup>. Dang

<sup>2</sup>. Hammond & Slocum

<sup>3</sup>. Helm

<sup>4</sup>. Venkatachalam

<sup>5</sup>. Schwarzkopf



دی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود به میزان افشای اطلاعات آینده‌نگر و شناسایی عوامل تعیین‌کننده برای افشای اطلاعات آینده‌نگر در اقتصاد در حال ظهور پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که اندازه هیئت مدیره، وابستگی جهانی حسابرس، اهرم و سودآوری تأثیر مثبت بر عوامل تعیین‌کننده بر افشای اطلاعات آینده‌نگر داشته است. اویار و کیلیچ<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) به بررسی قابلیت ایجاد ارزش توسط افشای داوطلبانه پرداختند. آن‌ها ۱۲۹ شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بازار بورس استانبول را برای سال مالی ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که فعالان بازار سرمایه به افشای داوطلبانه توسط شرکت‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که افشای داوطلبانه بیشتری ارائه می‌کنند، نزد سرمایه‌گذاران ارزش بیشتری دارند و این باعث افزایش ارزش این شرکت‌ها می‌شود.

بوسو و کومار<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) عوامل مؤثر بر افشای داوطلبانه شرکت‌ها در ایتالیا و آمریکا را تبیین کردند. اطلاعات این پژوهش از طریق گزارش‌های هیئت‌مدیره و تجزیه و تحلیل مقطعی گزارش‌های مالی ۷۲ شرکت در سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲، جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که علاوه بر اطلاعات موردنیاز سرمایه‌گذاران، عواملی مانند اتکای شرکت بر مدیریت افراد ذینفع، مربوط بودن دارایی‌های نامشهود و پیچیدگی بازار، هم حجم و هم کیفیت افشای داوطلبانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

کریستاندل و بونتیس<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) تأثیر افشای داوطلبانه را بر هزینه سرمایه سهام عادی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس کشورهای استرالیا، آلمان، سوئد و دانمارک بررسی کردند. نمونه این پژوهش شامل ۹۵ شرکت بود که تجزیه و تحلیل مربوط به آن‌ها به سال ۲۰۰۴ محدود شد. نتایج این بررسی نشان داد که رابطه بین هزینه سرمایه و سطح اطلاعات آینده‌نگرانه، منفی و رابطه بین هزینه سرمایه و سطح اطلاعات تاریخی مثبت است.

انگ و ماک<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) به بررسی حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه پرداختند. نمونه این پژوهش شامل ۱۵۸ شرکت از بازار اوراق بهادار سنگاپور می‌شد که برای سال ۱۹۹۵ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد که ساختار مالکیت و ترکیب هیئت‌مدیره، سطح افشای داوطلبانه شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شرکت‌های با ساختار مالکیت مدیریتی و یا ساختار مالکیت دولتی کمتر، با میزان افشای داوطلبانه بیشتر رابطه معناداری دارند. با این حال، ساختار مالکیت بلوکی سهام با سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها رابطه معناداری ندارند. دیگر نتیجه پژوهش نشان داد که شرکت‌های بزرگ‌تر و شرکت‌های با میزان بدهی کمتر، افشای داوطلبانه بیشتری دارند.

### پیشینه داخلی

جعفری و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات آینده‌نگر و نوسان پذیری بازده سهام در بورس تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که بین افشای اطلاعات آینده‌نگر مالی و نوسان‌پذیری بازده سهام رابطه وجود دارد.

خدای پور و محرومی (۱۳۹۱) تأثیر افشای داوطلبانه را بر مربوط بودن سود هر سهم بررسی کردند. جامعه مورد

<sup>۱</sup>. Dey

<sup>۲</sup>. Uyar & Kilic

<sup>۳</sup>. Boesso & Kumar

<sup>۴</sup>. Kristandl & Bontis

<sup>۵</sup>. Eng & Mak

بررسی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۸۹ می‌باشد. نتایج بیانگر این بود که افشای داوطلبانه اثر معناداری بر مربوط بودن سود هر سهم ندارد. یک دلیل مهم برای این نتیجه‌گیری، می‌تواند ناتوانی سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی در استفاده از اطلاعات حسابداری افشا شده باشد.

فخاری و فلاح محمدی (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر افشای اطلاعات بر نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش، میزان افشا از طریق چک‌لیستی که بر مبنای افشای اختیاری و استانداردهای الزامی سازمان حسابرسی تنظیم گردیده، اندازه‌گیری شده است. یافته‌های بررسی ۱۱۲ شرکت در سال ۱۳۸۶ حاکی از آن است که ارتباط معکوس و معناداری بین افشای اطلاعات و شاخص نقدشوندگی سهام وجود دارد. قائمی و وطن‌پرست (۱۳۸۴) نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش وجود عدم تقارن اطلاعاتی و تأثیر آن بر روی قیمت سهام و حجم مبادلات در ۲۱ روز قبل و بعد از اعلان سود برآوردی هر سهم مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، متشکل از ۱۲۱ مورد اعلان سود برآوردی شرکت‌ها در طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۳ است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در دوره مورد مطالعه، عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران بین سرمایه‌گذاران وجود داشته و این امر در دوره‌های قبل از اعلان سود به مراتب بیشتر از دوره‌های پس از اعلان سود است. هم‌چنین مشخص شد که عدم تقارن اطلاعاتی با حجم مبادلات و قیمت سهام مرتبط بوده است به طوری که در دوره قبل از اعلان سود حجم مبادلات افزایش یافته و قیمت سهام شرکت‌ها نیز دچار نوسان شدند.

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

**فرضیه اول:** افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر، منجر به کاهش نوسانات بازده سهام می‌شود.

**فرضیه دوم:** افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر)، دارای اثر بیشتری بر نوسانات بازده سهام است.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲). در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای؛ برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری از مجلات تخصصی داخلی و خارجی؛ برای گردآوری سایر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار EViews نسخه ۹ و SPSS نسخه ۲۱ استفاده گردید.

همچنین برای اندازه‌گیری افشاء آینده‌نگر از تحلیل محتوا و برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده گردید. تحلیل محتوا از روش‌های اسنادی است که به بررسی نظام مند، عینی، کمی و تعمیم‌پذیر پیام‌های ارتباطی می‌پردازد. این روش در دسته‌بندی روش‌ها، پنهانگر محسوب می‌شود و از آن برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌پردازد و در نتیجه وارد تاویل و نشانه‌شناسی محتوای پیام نمی‌شود. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است. هر چند در رویکردهای اولیه، ادعا می‌شد که تحلیل محتوا می‌تواند علاوه بر محتوای پیام، به ویژگی‌های مؤلف و تأثیر بر مخاطب بپردازد، اما امروزه دو کارکرد اخیر را تنها در روش‌های تلفیقی میدانی و اسنادی امکان‌پذیر می‌دانند (نئوندورف، ۱۳۹۵). یکی از مشکلاتی که در حد بسیار گسترده در پژوهش‌های مربوط به رگرسیون معمولی به چشم می‌خورد، هم‌خطی چندگانه<sup>۱</sup> است. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که بین متغیرهای مستقل رابطه‌ای قابل توجه و بالا وجود داشته باشد (رضایی و سلطانی، ۱۳۸۲). در این صورت کارایی روش‌های متداول رگرسیون کاهش یافته و از سایر روش‌ها مانند رگرسیون گام به گام استفاده می‌شود که تعدادی متغیر مستقل وارد مدل می‌شوند و مرتبه ورود آنها توسط معیار آماری که به وسیله روش گام به گام حاصل می‌شود، تعیین می‌گردد (فادن و بوکو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲).

### جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ است. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود، اما شرکت‌های مورد بررسی بر اساس محدودیت‌های زیر انتخاب شدند:

۱. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ نباشند.
  ۲. به منظور ایجاد قابلیت مقایسه پایان سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
  ۳. اطلاعات مالی شرکت‌ها در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.
  ۴. معاملات سهام شرکت‌ها به‌طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی با اهمیت نداشته باشند.
- با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تعداد ۱۲۰ شرکت - سال مورد بررسی قرار گرفت.

### متغیرهای پژوهش

#### متغیرهای مستقل

**سطح اطلاعات مالی آینده‌نگر:** با بررسی گزارش‌های هیئت‌مدیره منتشرشده توسط شرکت‌ها به دست خواهد آمد. افشای آینده‌نگر، به برنامه‌های جاری و پیش‌بینی‌های آتی اشاره دارد که سرمایه‌گذاران و کاربران دیگر را قادر به ارزیابی عملکرد مالی آتی شرکت می‌سازد (حسینی و آل‌عیسی، ۲۰۰۹). در این پژوهش، بر اطلاعات مالی خاص مانند پیش‌بینی‌های سود، درآمدهای مورد انتظار، جریان‌های نقدی پیش‌بینی‌شده و یا هر شاخص مالی دیگر تمرکز خواهد شد. این اطلاعات، واقعی و به سهولت قابل اثبات بوده و موارد افشای قابل اثبات (دارای منبع) از نظر مالی، در بهبود

<sup>۱</sup>. Multicollinearity

<sup>۲</sup>. Faden & Bobko

دقت و کاهش پراکندگی پیش‌بینی تحلیلگران، مؤثرتر از موارد افشای غیرقابل اثبات (بدون منبع) هستند (بوزولان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹).

تکنیک‌های تحلیل محتوا برای تعیین میزان اطلاعات مالی آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه، استفاده خواهد شد. متغیر افشای مالی آینده‌نگر (FFLDISC)، به تعداد جملات حاوی این اطلاعات در گزارش سالانه مجزا اشاره دارد. برای انتخاب تمام جملات حاوی اطلاعات مالی آینده‌نگر، هر بخش از این اطلاعات به صورت دستی تحلیل می‌گردد. استفاده از این جملات به عنوان یک واحد اندازه‌گیری برای افشا، در قالب ارائه‌کننده اطلاعات کامل، قابل اعتماد و معنی‌دار برای تحلیل بیشتر، مشخص می‌شود (میلنی و آدلر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). مطالعات پیشین در مورد افشای آینده‌نگر نیز، جملات را به منظور اندازه‌گیری سطح افشا بکار گرفته‌اند (حسینی و آل‌عیسی، ۲۰۰۹؛ برتا و بوزولان، ۲۰۰۸؛ چلیک و همکاران، ۲۰۰۶؛ وانگ و حسینی، ۲۰۱۳). همسو با مطالعات پیشین (لینسلی و شرایوز، ۲۰۰۶)، برای کمی‌سازی سطح افشا، قواعد تصمیم‌گیری خاصی پیش گرفته شدند. به عنوان مثال، جداولی که اطلاعات مالی آینده‌نگر را ارائه می‌کنند، به صورت یک خط برابر با یک جمله تفسیر خواهد شد. در واقع به هر یک از جملات حاوی اطلاعات آینده‌نگرانه مالی و غیرمالی ارائه‌شده در گزارش‌های هیئت‌مدیره که به صورت داوطلبانه ارائه‌شده باشد، یک امتیاز تعلق می‌گیرد و در نهایت، مجموع این امتیازات، سطح افشای اختیاری آینده‌نگرانه هر شرکت را مشخص می‌کند.

**شهرت شرکت‌ها:** با وجود مشکلات موجود در اندازه‌گیری شهرت شرکت، محققان اعلام کرده‌اند که بسیاری از شرکت‌های شهیر و معتبر، مزایای مالی بیشتری به دست می‌آورند (بلک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). به منظور اندازه‌گیری شهرت شرکت، رتبه‌بندی بر اساس ۵۰ شرکت اول بورس به عنوان مبنا، در نظر گرفته خواهد شد؛ بنابراین، شهرت شرکت یک متغیر مجازی خواهد بود که اگر یک شرکت در بین ۵۰ شرکت اول بورسی قرار گیرد، مقدار ۱ گرفته و در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود.

#### متغیر وابسته

**نوسانات بازده سهام:** به منظور تجزیه و تحلیل تأثیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر بر نوسانات بازده سهام، اطلاعات قیمت سهام جمع‌آوری می‌شود؛ بنابراین، تغییر در قیمت سهم، بلافاصله پس از انتشار گزارش‌های سالانه اندازه‌گیری خواهد شد. نوسانات بازده سهام (STDRET)، با عبارت‌های لگاریتمی (بوشی و نو، ۲۰۰۰؛ گارسیا لارا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲) و به صورت لگاریتم طبیعی یک به علاوه انحراف معیار بازده سهام محاسبه می‌شود.

$$r_t = \frac{p_t - p_{t-1}}{p_{t-1}}$$

پس از محاسبه انحراف معیار فرمول بالا، لگاریتم طبیعی آن به علاوه یک محاسبه می‌شود:

$$\text{Log}(r_{t+1})$$

#### متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مسئله پژوهش مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به مرور متون به شرح زیر تعیین شدند:

<sup>1</sup>. Bozzolan

<sup>2</sup>. Milne & Adler

<sup>3</sup>. Black

<sup>4</sup>. García Lara

**اهرم مالی (LEV):** اهرم مالی شاخصی برای ریسک شرکت بوده و ادبیات نظری در این حوزه، پیش‌بینی می‌کند که رابطه‌ای مثبت بین اهرم مالی و نوسانات بازده سهام وجود دارد (بوشی و نو، ۲۰۰۰؛ راج گوپال و ونکتچلم، ۲۰۱۱). نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها برای محاسبه اهرم استفاده خواهد شد.

**اندازه شرکت (SIZE):** شواهد تجربی پیشین نشان می‌دهد که شرکت‌های کوچک، نوسانات بالاتر بازده را تجربه می‌کنند (بوشی و نو، ۲۰۰۰؛ پاستور و ورونسی، ۲۰۰۳). لگاریتم فروش به‌عنوان جانشینی برای اندازه‌گیری اندازه شرکت مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

**حجم معاملات (TVOL):** تحقیقات پیشین، رابطه‌ای مثبت بین حجم معاملات و نوسانات قیمت سهام را نشان داده‌اند (بوشی و نو، ۲۰۰۰؛ کایرولاین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). حجم معاملات به‌صورت متوسط حجم ماهانه در طول سال تقسیم بر متوسط سهام منتشره اندازه‌گیری خواهد شد.

**عملکرد شرکت (PERF):** عملکرد بهتر، منجر به کاهش نوسانات سهام می‌شود (راج گوپال و ونکتچلم، ۲۰۱۱). در این پژوهش، عملکرد شرکت از طریق بازده سهام اندازه‌گیری خواهد شد.

#### مدل‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، برای استخراج متغیرهای معنی‌دار از کل گروه متغیرهای مستقل اجرا خواهد شد. اگرچه مدل اولیه بر اساس تئوری ایجادشده بود، تکنیک رگرسیون گام‌به‌گام برای تعیین متغیرهایی که بهتر می‌توانند نوسانات بازده سهام را پیش‌بینی کنند، استفاده خواهد شد.

در بخش بعدی، رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) برای تعیین اثر اطلاعات مالی آینده‌نگر و شهرت شرکت بر نوسانات بازده سهام اجرا می‌شود. در ابتدا، چهار مدل آماری جهت آزمون فرضیه اول پژوهش اجرا شد:

$$\text{Model 1: } STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 Lev_t + \beta_2 Size_t + \beta_3 TVOL_t + \beta_4 PERF_t + \varepsilon$$

$$\text{Model 2: } STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 FFLDISC_t + \beta_2 Lev_t + \beta_3 Size_t + \beta_4 TVOL_t + \beta_5 PERF_t + \varepsilon$$

$$\text{Model 3: } STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 REP_t + \beta_2 Lev_t + \beta_3 Size_t + \beta_4 TVOL_t + \beta_5 PERF_t + \varepsilon$$

$$\text{Model 4: } STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 FFLDISC_t + \beta_2 REP_t + \beta_3 Lev_t + \beta_4 Size_t + \beta_5 TVOL_t + \beta_6 PERF_t + \varepsilon$$

که در آن:

$STDRET_{t+1}$ : نوسانات بازدهی سهام در سال  $t+1$ ؛

$FFLDISC_t$ : افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر در سال  $t$ ؛

$REP_t$ : حسن شهرت شرکت در سال  $t$ ؛

$Lev_t$ : اهرم مالی شرکت در سال  $t$ ؛

$Size_t$ : اندازه شرکت در سال  $t$ ؛

$TVOL_t$ : حجم معاملات شرکت در سال  $t$  و

$PERF_t$ : عملکرد شرکت در سال  $t$  است.

<sup>۱</sup>. Kyröläinen

علاوه بر این، تأثیر اطلاعات مالی آینده‌نگر برای شرکت‌های دارای حسن شهرت در نمونه (آزمون فرضیه دوم پژوهش)، مدل زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

$$\text{Model 5: } STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 FFLDISC_t + \beta_2 FFLDISC_t \times REP_t + \beta_3 Lev_t + \beta_4 Size_t + \beta_5 TVOL_t + \beta_6 PERF_t + \varepsilon$$

### یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل‌های آزمون فرضیه‌ها

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نوسانات بازدهی سهام افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر	STDRET	۲/۱۴۸	۲/۲۱۲	۲/۷۷۴	۰/۸۲۶	۰/۴۷۱	-۰/۸۲۲	۳/۳۹۵
حسن شهرت شرکت	REP	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶	۳/۰۳۱	۱/۱۹۰
اهرم مالی	LEV	۰/۶۳۷	۰/۶۴۰	۱/۰۸۲	۰/۲۵۲	۰/۲۱۹	۰/۰۷۸	۲/۳۶۵
اندازه شرکت	SIZE	۶/۰۱۳	۵/۹۶۹	۷/۰۶۱	۵/۰۱۱	۰/۵۴۰	۰/۰۵۸	۲/۴۱۲
حجم معاملات شرکت	TVOL	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۵/۱۰۸	۵/۱۰۸
عملکرد شرکت	PERF	۲۶/۹۰۲	۹/۸۲۰	۱۶۷/۴۴۳	-۴۰/۱۹	۵۷/۰۲۵	۱/۱۰۹	۳/۳۱۷

میانگین متغیر نوسانات بازدهی سهام برابر ۲/۱۴۸ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این عدد پراکنده‌اند. همچنین برای متغیر اندازه شرکت این مقدار برابر ۶/۰۱۳ می‌باشد.

میانه متغیر نوسانات بازدهی سهام برابر با ۲/۲۱۲ می‌باشد که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیش‌تر از این مقدار هستند. برای متغیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر این مقدار برابر با ۴۴/۰۰ است. بررسی پراکندگی متغیرها، به‌ویژه متغیرهای مستقل، از اهمیت زیادی برخوردار است. پراکندگی نوسانات بازدهی سهام برابر با ۰/۴۷۱ می‌باشد. یکی دیگر از آماره‌های مهم متغیرها که می‌تواند استنتاج آماری را تحت تأثیر قرار دهد، آماره‌های مربوط به چولگی و کشیدگی متغیرهاست. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر نوسانات بازدهی سهام برابر با -۰/۸۲۲ می‌باشد، یعنی این متغیر، چولگی به چپ دارد و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد. متغیر حجم معاملات شرکت با احتساب مقدار ۵/۱۰۸، بیش‌ترین کشیدگی را نسبت به منحنی نرمال دارند.

### پایایی متغیرهای پژوهش

در جدول ۲ پایایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین و لین وچاو مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول ۲. نتایج مربوط به آزمون پایایی متغیرها

متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
نوسانات بازدهی سهام	-۱۱/۰۹۰	۰/۰۰۰
افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر	-۱۱/۹۴۲	۰/۰۰۰
حسن شهرت شرکت	-۸/۵۳۷	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۱۲/۹۲۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۱۰/۱۵۴	۰/۰۰۰
حجم معاملات شرکت	-۵/۸۵۹	۰/۰۰۰
عملکرد شرکت	-۸/۷۱۷	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون برای تمام متغیرهای موجود در پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض مبنی بر وجود ریشه واحد در سری‌ها را رد کرده و داده‌ها پایا هستند.

### بررسی عدم وجود همخطی در مدل‌های پژوهش

مطابق با جدول ۳ برای بررسی عدم وجود همخطی در نتایج مدل از نرم‌افزار EViews و آزمون VIF استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج مربوط به بررسی همخطی متغیرها

متغیر	مقدار VIF
افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر	۱/۰۷
حسن شهرت شرکت	۱/۳۷
اهرم مالی	۱/۰۳
اندازه شرکت	۱/۳۷
حجم معاملات شرکت	۱/۰۸
عملکرد شرکت	۱/۱۳

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۳ از آنجاکه VIF ضرایب مدل برآورد شده کوچک‌تر از عدد ۱۰ می‌باشد، در نتیجه مدل دارای مشکل همخطی نمی‌باشد.

### بررسی ناهمسانی واریانس در مدل‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور برآورد مدل‌های پژوهش از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است و به منظور رفع ناهمسانی واریانس و تقویت نتایج از تکنیک رگرسیون Robust استفاده شده است. لذا پس از اجرای این آزمون مشکل ناهمسانی واریانس وجود نخواهد داشت و سایر مدل‌های پژوهش دارای مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی نمی‌باشند.

### آزمون فرضیه اول

فرضیه اول این پژوهش بدین صورت بیان شد که افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر، منجر به کاهش نوسانات بازده سهام می‌شود. در این پژوهش برای آزمون فرضیه اول از تجزیه و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، برای استخراج متغیرهای معنی‌دار

از کل گروه متغیرهای مستقل استفاده می‌شود. خلاصه نتایج حاصل از بررسی هرکدام از مدل‌ها به صورت جداگانه در جداول ۴ تا ۷ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل اول مرتبط با فرضیه اول

$$Model 1: STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 Lev_t + \beta_2 Size_t + \beta_3 TVOL_t + \beta_4 PERF_t + \varepsilon$$

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره t	ارزش احتمال
عرض از مبدأ	C	۲/۳۸۵	۸/۰۱۸	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۵۹۸	-۳/۶۵۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۱	۰/۳۸۶	۰/۷۰۰
حجم معاملات شرکت	TVOL	۱۲/۲۱۱	۰/۳۳۳	۰/۸۳۹
عملکرد شرکت	PERF	۰/۰۰۰	۰/۳۹۶	۰/۶۹۳
$R^2$	۰/۰۸۰	$R^2$ تعدیل شده		۰/۰۴۸
آماره F فیشر	۲/۵۰۸	ارزش آماره F فیشر		۰/۰۴۶

جدول ۴ نتایج برآورد مدل اول برای فرضیه اول را به طور خلاصه نشان می‌دهد. بر طبق نتایج مندرج در این جدول P-Value آماره F، کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که مدل اول برای این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به جدول ۴ ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر است با ۰/۰۸۰ که نشان می‌دهد متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۸ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح داده است. همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به فرضیه اول حاکی از عدم معنی‌داری متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، حجم معاملات شرکت، عملکرد شرکت و تأثیر معنادار و مثبت متغیر اهرم مالی بر نوسانات بازده سهام در سطح معناداری ۵ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۵. نتایج برآورد مدل دوم مرتبط با فرضیه اول

$$Model 2: STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 FFLDISC_t + \beta_2 Lev_t + \beta_3 Size_t + \beta_4 TVOL_t + \beta_5 PERF_t + \varepsilon$$

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره t	ارزش احتمال
عرض از مبدأ	C	۱/۹۱۹	۴/۷۷۱	۰/۰۰۰
افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر	FFLDISC	-۰/۰۱۰	-۲/۱۸۳	۰/۰۳۱
اهرم مالی	LEV	-۰/۵۷۱	-۳/۶۵۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۵	۰/۴۵۴	۰/۶۵۰
حجم معاملات شرکت	TVOL	۸/۱۷۷	۰/۲۱۲	۰/۸۳۲
عملکرد شرکت	PERF	۰/۰۰۰	۰/۲۹۴	۰/۷۷۰
$R^2$	۰/۱۱۳	$R^2$ تعدیل شده		۰/۰۷۴
آماره F فیشر	۲/۹۱۸	ارزش آماره F فیشر		۰/۰۱۶



جدول ۵ نتایج برآورد مدل دوم برای فرضیه اول را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد. بر طبق نتایج مندرج در این جدول P-Value آماره F، کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که مدل دوم برای این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به جدول ۵ ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر ۰/۱۱۳ است که نشان می‌دهد متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۱۱ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح داده است. همچنین بر طبق نتایج بیان شده در جدول ضریب برآورد شده برای متغیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر برابر ۰/۰۱۰- است، همچنین P-Value برای این ضریب مقدار (۰/۰۳۱) می‌باشد که کمتر از ۵ درصد است، از این‌رو بیانگر تأثیر منفی و معنادار افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر بر نوسانات بازده سهام می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم مربوط به فرضیه اول حاکی از عدم معنی‌داری متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، حجم معاملات شرکت و عملکرد شرکت بوده و تأثیر معنادار و مثبت متغیر اهرم مالی بر نوسانات بازده سهام در سطح معناداری ۵ درصد می‌باشد.

جدول ۶. نتایج برآورد مدل سوم مرتبط با فرضیه اول

<i>Model 3: STDRET<sub>t+1</sub> = α + β<sub>1</sub>REP<sub>t</sub> + β<sub>2</sub>Lev<sub>t</sub> + β<sub>3</sub>Size<sub>t</sub> + β<sub>4</sub>TVOL<sub>t</sub> + β<sub>5</sub>PERF<sub>t</sub> + ε</i>					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره t	ارزش احتمال	
عرض از مبدأ	C	۲/۷۱۱	۸/۵۵۷	۰/۰۰۰	
حسن شهرت شرکت	REP	-۰/۲۵۱	-۲/۴۷۱	۰/۰۱۵	
اهرم مالی	LEV	-۰/۶۰۶	-۳/۷۱۵	۰/۰۰۰	
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۳۵	-۰/۵۸۳	۰/۵۶۱	
حجم معاملات شرکت	TVOL	۹/۸۲۰	۰/۲۶۵۷۶۲	۰/۷۹۱	
عملکرد شرکت	PERF	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	۰/۷۲۵	
$R^2$	۰/۰۹۵	$R^2$ تعدیل شده		۰/۰۵۶	
آماره F فیشر	۲/۴۲۶	ارزش آماره F فیشر		۰/۰۳۹	

جدول ۶ نتایج برآورد مدل سوم برای فرضیه اول را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد. بر طبق نتایج مندرج در این جدول P-Value آماره F، کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که مدل سوم برای این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به جدول ۶ ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر ۰/۰۹۵ است که نشان می‌دهد متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۹ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح داده است. همچنین بر طبق نتایج بیان شده در جدول ضریب برآورد شده برای متغیر حسن شهرت شرکت برابر ۰/۲۵۱- است، همچنین P-Value برای این ضریب مقدار (۰/۰۱۵) می‌باشد که کمتر از ۵ درصد است، از این‌رو بیانگر تأثیر منفی و معنادار حسن شهرت شرکت بر نوسانات بازده سهام می‌باشد. همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل سوم مربوط به فرضیه اول حاکی از عدم معنی‌داری متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، حجم معاملات شرکت و عملکرد شرکت بوده و تأثیر معنادار و مثبت متغیر اهرم مالی بر نوسانات بازده سهام در سطح معناداری ۵ درصد می‌باشد.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل چهارم مرتبط با فرضیه اول

$$Model\ 4: STDRET_{t+1} = \alpha + \beta_1 FFLDISC_t + \beta_2 REP_t + \beta_3 Lev_t + \beta_4 Size_t + \beta_5 TVOL_t + \beta_6 PERF_t + \varepsilon$$

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره t	ارزش احتمال
عرض از مبدأ	C	۲/۱۹۷	۵/۲۶۹	۰/۰۰۰
افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر	FFLDISC	-۰/۰۰۹	-۲/۰۶۹	۰/۰۴۱
حسن شهرت شرکت	REP	-۰/۲۲۵	-۲/۰۸۱	۰/۰۴۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۵۷۶	-۳/۶۳۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۹	-۰/۳۰۸	۰/۷۵۹
حجم معاملات شرکت	TVOL	۶/۳۷۱	۰/۱۶۸	۰/۸۶۷
عملکرد شرکت	PERF	-۰/۰۰۰	-۰/۱۷۴	۰/۸۶۲
$R^2$	۰/۱۲۴	$R^2$ تعدیل شده		۰/۰۷۸
آماره F فیشر	۲/۶۹۷	ارزش آماره F فیشر		۰/۰۱۷

جدول ۷ نتایج برآورد مدل چهارم برای فرضیه اول را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد. بر طبق نتایج مندرج در این جدول P-Value آماره F، کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که مدل سوم برای این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به جدول ۷ ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر ۰/۱۲۴ است که نشان می‌دهد متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۱۲ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح داده است که میزان توضیح دهنده‌گی متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل نسبت به مدل‌های ۱ تا ۳ بیشتر می‌باشد، از این رو این مدل به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مناسب‌تر است. همچنین بر طبق نتایج بیان شده در جدول ضریب برآورد شده برای متغیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر برابر ۰/۰۰۹- است، همچنین P-Value برای این ضریب مقدار (۰/۰۴۱) می‌باشد که کمتر از ۵ درصد است، از این رو بیانگر تأثیر منفی و معنادار افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر بر نوسانات بازده سهام می‌باشد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

از طرفی ضریب برآورد شده برای متغیر حسن شهرت شرکت نیز برابر ۰/۲۲۵- است، همچنین P-Value برای این ضریب مقدار (۰/۰۴۰) می‌باشد که کمتر از ۵ درصد است، از این رو بیانگر تأثیر منفی و معنادار حسن شهرت شرکت بر نوسانات بازده سهام می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل چهارم مربوط به فرضیه اول حاکی از عدم معنی‌داری متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، حجم معاملات شرکت، عملکرد شرکت و تأثیر معنادار و مثبت متغیر اهرم مالی بر نوسانات بازده سهام در سطح معناداری ۵ درصد می‌باشد.

#### آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم این پژوهش بدین صورت بیان شد افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر)، دارای اثر بیشتری بر کاهش نوسانات بازده سهام است. همان‌طور که بیان شد به‌منظور بررسی تأثیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر برای شرکت‌های دارای حسن شهرت و شرکت‌های دارای شهرت پایین‌تر در نمونه، متغیر حسن شهرت به‌صورت یک متغیر مجازی وارد مدل شده و در متغیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر

ضرب گردیده است، از این رو به منظور عدم رد فرضیه دوم انتظار می رود در سطح معناداری مورد نظر، ضریب برآوردی و سطح معناداری متغیر حاصل ضربی معنادار باشد. خلاصه نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل پنجم مرتبط با فرضیه دوم

Model 5: $STDRET_{t+1}$				
$= \alpha + \beta_1 FFLDISC_t + \beta_2 FFLDISC_t \times REP_t + \beta_3 Lev_t + \beta_4 Size_t + \beta_5 TVOL_t + \beta_6 PERF_t + \varepsilon$				
ارزش احتمال	آماره t	ضریب	نماد متغیر	نام متغیر
۰/۰۰۰	۵/۲۴۸	۲/۱۷۸	C	عرض از مبدأ
۰/۰۴۴	-۲/۰۳۶	-۰/۰۰۹	FFLDISC	افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر
۰/۰۳۹۵	-۲/۰۸۲	-۰/۰۰۵	FFLDISCREP	حسن شهرت شرکت * افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر
۰/۰۰۰	-۳/۶۳۷	-۰/۰۵۷۷	LEV	اهرم مالی
۰/۸۱۲	-۰/۲۳۸	-۰/۰۱۴	SIZE	اندازه شرکت
۰/۸۶۵	۰/۱۷۰	۶/۴۴۱	TVOL	حجم معاملات شرکت
۰/۸۵۶	-۰/۱۸۱	-۰/۰۰۰	PERF	عملکرد شرکت
۰/۰۷۷		$R^2$ تعدیل شده	۰/۱۲۳	$R^2$
۰/۰۱۸		ارزش آماره F فیشر	۲/۶۷۰	آماره F فیشر

جدول ۸ نتایج برآورد مدل پنجم برای فرضیه دوم را به طور خلاصه نشان می دهد. بر طبق نتایج مندرج در این جدول P-Value آماره F، کوچک تر از ۵ درصد می باشد، می توان گفت که مدل پنجم برای این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی دار می باشد. با توجه به جدول ۸ ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر ۰/۱۲۳ است که نشان می دهد متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۱۲ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح داده است. همچنین بر طبق نتایج بیان شده در جدول ضریب برآورد شده برای متغیر افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر برابر ۰/۰۰۹- است، همچنین P-Value برای این ضریب مقدار (۰/۰۴۴) می باشد که کمتر از ۵ درصد است، از این رو بیانگر تأثیر منفی و معنادار افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر بر نوسانات بازده سهام می باشد. همچنین مقدار متغیر تعاملی حسن شهرت شرکت در افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر برابر (۰/۰۰۴-) است و P-Value برای این ضریب مقدار (۰/۰۴۰) می باشد که کمتر از ۵ درصد است، از این رو افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر)، دارای اثر بیشتری بر کاهش نوسانات بازده سهام است. از این رو فرضیه دوم پژوهش رد نمی شود.

#### خلاصه نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی دو فرضیه تدوین گردیده است که در این بخش به تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخته می شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح جدول ۹ بیان شده است.

جدول ۹. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

شماره فرضیه	عنوان فرضیه	نتیجه
۱	افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر، منجر به کاهش نوسانات بازده سهام می‌شود.	عدم رد فرضیه
۲	افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر)، دارای اثر بیشتری بر کاهش نوسانات بازده سهام است.	عدم رد فرضیه

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سؤال مطرح این بود که آیا افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر، منجر به کاهش نوسانات بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود؟ برای پاسخ دادن به این سؤال پژوهش، به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد؛ و در فرضیه دوم پژوهش نیز به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر) و نوسانات بازده سهام پرداخته شد.

فرضیه اول این پژوهش بدین صورت بیان شد که افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر، منجر به کاهش نوسانات بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. با توجه به این‌که چون ضریب متغیر مستقل فرضیه معنادار است، پس به‌طورکلی بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین، فرضیه اصلی اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی معنادار بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام رد نمی‌شود.

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه اول پژوهش با نتایج پژوهش‌های کریستاندل و بونتیس (۲۰۰۷)، بوشی و نو (۲۰۰۰)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱) و براوو (۲۰۱۶)، تطابق دارد. با توجه به این‌که در ایران پژوهشی که به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر و نوسانات بازده سهام شرکت‌ها پرداخته باشد یافت نشد، در نتیجه مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های داخلی، عملاً امکان‌پذیر نیست.

نتایج نشان می‌دهد که افشای اطلاعات مالی آینده‌نگرانه افشاشده در گزارش‌های سالانه، به کاهش نوسانات سهام کمک می‌کند. از آنجاکه نوسانات سهام، تبدیل به موضوعی عمده برای قانون‌گذاران و مدیران گردیده است، این پژوهش به گسترش و توسعه ادبیات موجود درباره افشای اطلاعات مالی آینده‌نگرانه کمک می‌کند. افزایش در این متغیر، منجر به استنباط وجود ریسک بالاتر در یک شرکت شده و از این‌رو، افزایش هزینه سرمایه شرکت‌ها را در پی خواهد داشت (بوشی و نو، ۲۰۰۰). از آنجاکه شناخت اثر استراتژی‌های خاص افشا در بازارهای سرمایه، می‌تواند گسترش یابد، این تحلیل یک گام روبه‌جلو در ادبیات افشا بوده و مفاهیم کاربردی خاصی را برای مدیران و قانون‌گذاران ارائه می‌کند. این نتایج، مفهومی را به مدیران منتقل می‌کند که می‌توانند در هنگام طراحی سیاست‌های افشا برای اثرگذاری بر سرمایه‌گذاران، به‌صورت استراتژیک از این اطلاعات بهره‌گیرند. این یافته‌ها همچنین، مفاهیم مستقیمی برای نهادهای نظارتی در تهیه قوانین و پیشنهادها در مورد الزامات افشا دارند. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش مباحث قابل‌تأملی را در بحث پیرامون نیاز به ایجاد دستورالعمل‌های خاص درباره افشای اطلاعات داوطلبانه آینده‌نگرانه، مطرح می‌سازد.

فرضیه دوم این پژوهش بدین صورت بیان شد که افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر توسط شرکت‌های با شهرت بالاتر (در مقابل شرکت‌های با شهرت پایین‌تر)، دارای اثر بیشتری بر کاهش نوسانات بازده سهام است. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه سطح افشا، اثر معنی‌داری بر نوسانات سهام دارد، با این حال اثر این افشا، بسته به شهرت شرکت تغییر می‌کند. این مطالعه بایان این مطلب که تفسیر و اثربخشی اطلاعات آینده‌نگرانه، به شهرت یک شرکت بستگی دارد، تحقیقات پیشین را بسط و گسترش می‌بخشد. مطالعات پیرامون مبحث افشا، پیش‌ازین بر روی روند افشا متمرکز شده بودند، اما تلاش بیشتری در این زمینه برای تحلیل اینکه چگونه شناخت سرمایه‌گذاران در مورد یک شرکت، ممکن است اثرات اطلاعات افشاشده را تحت تأثیر قرار دهد، مورد مطالعه قرار نگرفته بود. اگرچه مزایای شهرت شرکت، عمدتاً از دیدگاه مبتنی بر منابع مورد بحث واقع شده است، به دلیل اینکه شهرت شرکت بر فرایند گزارش دهی شرکت‌ها تأثیرگذار است، این دیدگاه را می‌توان از دریچه نوع افشا بسط داد. این شواهد همچنین، مفاهیمی برای مدیران در خود دارند که باید به‌خوبی به اهمیت دستیابی به شهرت و حفظ آن، آگاه باشند. شهرت شرکت، نقش مهمی را در روند افشا ایفا می‌کند؛ زیرا به نظر می‌رسد که شهرت شرکت، در اثربخشی و کارایی اطلاعات، مهم تلقی می‌شود.

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه دوم پژوهش با نتایج پژوهش‌های بوتوسان (۲۰۰۶)، بوتوسان و پلاملی (۲۰۰۲)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، گیتزمن و آیرلند (۲۰۰۵)، ژانگ و دینگ (۲۰۰۶)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸)، لویز و آلنکار (۲۰۱۰)، امبانگ و همکاران (۲۰۱۲) و براوو (۲۰۱۶)، مطابقت دارد. با توجه به این‌که در ایران پژوهشی که به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مالی آینده‌نگر، شهرت شرکت و نوسانات بازده سهام پرداخته باشد یافت نشد، در نتیجه مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های داخلی، عملاً امکان‌پذیر نیست.

استنباط کلی از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هزینه سرمایه شرکت‌ها تحت تأثیر اقدامات و تصمیم‌های مدیریتی در جهت افشای داوطلبانه اطلاعات مالی آینده‌نگرانه، کاهش می‌یابد که همین امر موجب کاهش نوسانات بازدهی سهام شرکت‌ها می‌شود. بر طبق یافته‌های پژوهش، افشای داوطلبانه اطلاعات توسط شرکت‌های بررسی‌شده، از طرف سرمایه‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است و به این دلیل، این نوع افشا توانسته است میزان عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه و هزینه سرمایه شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار داده که در نتیجه موجب کاهش نوسانات بازدهی سهام شده است.

### فهرست منابع

- جعفری، علی، صحراری، ناصر، و صلحی فام اصل، ملیحه. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین افشای اطلاعات آینده‌نگر و نوسان‌پذیری بازده سهام، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۰)، ۱۱-۱.
- [https://www.jamv.ir/article\\_141221.html?lang=en](https://www.jamv.ir/article_141221.html?lang=en)
- خدای پور، احمد، و محرومی، رامین. (۱۳۹۱). تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم، حسابداری مدیریت، ۵(۳)، ۱-۱۲. <https://sanad.iau.ir/en/Article/816344>

رضایی، عبدالمجید، و سلطانی، افشین. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر تحلیل رگرسیون کاربردی (چاپ دوم)، اصفهان، مرکز نشر دانشگاه صنعتی اصفهان.

عالی‌ور، عزیز. (۱۳۶۵). افشا در گزارشگری مالی، چاپ اول، تهران، موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.

فخاری، حسین، و فلاح محمدی، نرگس. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر افشای اطلاعات بر نقد شوندگی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱(۳)، ۱۶۳-۱۴۸. doi: 10.22034/iaar.2009.105181

قائمی، محمدحسین، و وطن پرست، محمدرضا. (۱۳۸۴). بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۳)، ۱۰۳-۸۵. doi: 20.1001.1.26458020.1384.12.3.3.4

کاظم‌نژاد، مصطفی، و ستایش، محمدحسین. (۱۳۸۹). افشا در حسابداری، مجله حسابداری، ۲۲۷، ۶۹-۶۶. نمازی، محمد. (۱۳۸۲ب). بررسی عملکرد اقتصادی بازار بورس اوراق بهادار در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

نئوندورف، کیمبرلی‌ای. (۱۳۹۵). راهنمای تحلیل محتوا، ترجمه: حامد بخشی و وجیهه جلائیان بخشنده، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

Aribi, Z. A., & Gao, S. S. (2011). Narrative disclosure of corporate social responsibility in Islamic financial institutions. *Managerial Auditing Journal*, 27(2), 199-222. doi: 10.1108/02686901211189862

Armstrong, C. S., Core, J. E., Taylor, D. J., & Verrecchia, R. E. (2011). When does information asymmetry affect the cost of capital?. *Journal of accounting research*, 49(1), 1-40. doi: 10.1111/j.1475-679X.2010.00391.x

Barron, O. E., Kile, C. O., & O'KEEFE, T. B. (1999). MD&A quality as measured by the SEC and analysts' earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 16(1), 75-109. doi: 10.1111/j.1911-3846.1999.tb00575.x

Beyer, A., Cohen, D. A., & Beverly, R. W. (2010). The financial reporting environment: Review of the recent literature. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 296-343. doi: 10.1016/j.jacceco.2010.10.003

Boesso, G., & Kumar, K. (2007). Drivers of corporate voluntary disclosure: A framework and empirical evidence from Italy and the United States. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 20(2), 269-296. doi: 10.1108/09513570710741028

Botosan, C. A. (2006). Disclosure and the cost of capital: what do we know?. *Accounting and business research*, 36(sup1), 31-40. doi: 10.1080/00014788.2006.9730042

Bravo, F. (2016). Forward-looking disclosure and corporate reputation as mechanisms to reduce stock return volatility. *Spanish Accounting Review*, 19(1), 122-131. doi: 10.1016/j.rcsar.2015.03.001

Brown, S., & Hillegeist, S. A. (2007). How disclosure quality affects the level of information asymmetry. *Review of accounting studies*, 12, 443-477. doi: 10.1007/s11142-007-9032-5

- Bushee, B. J., & Noe, C. F. (2000). Corporate disclosure practices, institutional investors, and stock return volatility. *Journal of Accounting Research*, 171-202. doi: 10.2307/2672914
- Cormier, D., Ledoux, M. J., Magnan, M., & Aerts, W. (2010). Corporate governance and information asymmetry between managers and investors. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 10(5), 574-589. doi: 10.1108/14720701011085553
- Dang, M., Puwanenthiren, P., Nguyen, M. T., Hoang, V. A., Mazur, M., & Henry, D. (2022). Does managerial tone matter for stock liquidity? Evidence from textual disclosures. *Finance Research Letters*, 48, 102917. doi: 10.1016/j.frl.2022.102917
- Dey, P. K., Roy, M., & Akter, M. (2020). What determines forward-looking information disclosure in Bangladesh?. *Asian Journal of Accounting Research*, 5(2), 225-239. doi: 10.1108/AJAR-03-2020-0014
- Easley, D., & O'hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *The journal of finance*, 59(4), 1553-1583. doi: 10.1111/j.1540-6261.2004.00672.x
- Eng, L. L., & Mak, Y. T. (2003). Corporate governance and voluntary disclosure. *Journal of accounting and public policy*, 22(4), 325-345. doi: 10.1016/S0278-4254(03)00037-1
- Faden, V., & Bobko, P. (1982). Validity shrinkage in ridge regression: A simulation study. *Educational and Psychological Measurement*, 42(1), 73-85. doi: 10.1177/0013164482421009
- Fakhari, H., & Fallah Mohammadi, N. (2009). Investigating the Impact of Information Disclosure on Liquidity of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 1(4), 148-163. doi: 10.22034/iaar.2009.105181
- Francis, J. R., Khurana, I. K., & Pereira, R. (2005). Disclosure incentives and effects on cost of capital around the world. *The accounting review*, 80(4), 1125-1162. doi: 10.2308/accr.2005.80.4.1125
- Francis, J., Nanda, D., & Olsson, P. (2008). Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital. *Journal of accounting research*, 46(1), 53-99. doi: 10.1111/j.1475-679X.2008.00267.x
- Ghaemi, MH., Vatanparast, MR. (2005). Role of accounting information in information asymmetry in Tehran Stock. *Accounting and Auditing Review*, 12(3), 85-103. dor: 20.1001.1.26458020.1384.12.3.3.4 [In Persian]
- Gietzmann, M., & Ireland, J. (2005). Cost of capital, strategic disclosures and accounting choice. *Journal of Business Finance & Accounting*, 32(3-4), 599-634. doi: 10.1111/j.0306-686X.2005.00606.x
- Graham, J. R., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of accounting and economics*, 40(1-3), 3-73. doi: 10.1016/j.jacceco.2005.01.002
- Haggard, S., MacIntyre, A., & Tiede, L. (2008). The rule of law and economic development. *Annu. Rev. Polit. Sci.*, 11, 205-234. doi: 10.1146/annurev.polisci.10.081205.100244
- Hammond, S. A., & Slocum Jr, J. W. (1996). The impact of prior firm financial performance on subsequent corporate reputation. *Journal of Business Ethics*, 15(2), 159-165. doi: 10.1007/BF00705584
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of accounting and economics*, 31(1-3), 405-440. doi: 10.1016/S0165-4101(01)00018-0
- Helm, S. (2007). The role of corporate reputation in determining investor satisfaction and loyalty. *Corporate reputation review*, 10, 22-37. doi: 10.1057/palgrave.crr.1550036
- Husillos, J., & Álvarez-Gil, M. J. (2008). A stakeholder-theory approach to environmental disclosures by small and medium enterprises (SMES). *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*, 11(1), 125-156. <https://revistas.um.es/rcsar/article/view/384521>
- Hussainey, K., & Aal-Eisa, J. (2009). Disclosure and dividend signalling when sustained earnings growth declines. *Managerial Auditing Journal*, 24(5), 445-454. doi: 10.1108/02686900910956801

- Hussainey, K., Schleicher, T., & Walker, M. (2003). Undertaking large-scale disclosure studies when AIMR-FAF ratings are not available: the case of prices leading earnings. *Accounting and Business Research*, 33(4), 275-294. doi: 10.1080/00014788.2003.9729654
- Jafari, A., Sahrarey, N., & Solhi Fam Asl, M. (2021). Investigating the relationship between prospective information disclosure and stock volatility. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(50), 1-11. [https://www.jamv.ir/article\\_141221.html?lang=en](https://www.jamv.ir/article_141221.html?lang=en) [In Persian]
- Khodamioor A., & Mahroomi R. (2012). Effect of voluntary disclosure on value relevance of earnings per share. *Management Accounting*, 5(3), 1-12. <https://sanad.iau.ir/en/Article/816344> [In Persian]
- Kristandl, G., & Bontis, N. (2007). The impact of voluntary disclosure on cost of equity capital estimates in a temporal setting. *Journal of intellectual capital*, 8(4), 577-594. doi: 10.1108/14691930710830765
- Leuz, C., & Verrecchia, R. E. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research*, 91-124. doi: 10.2307/2672910
- Lara, J. M. G., Osmá, B. G., & Penalva, F. (2012). Accounting conservatism and the limits to earnings management. [https://www.wiwi.hu-berlin.de/en/professuren/bwl/finance/seminars/papers-fin-acc-res-seminars/15w/garcia\\_lara.pdf](https://www.wiwi.hu-berlin.de/en/professuren/bwl/finance/seminars/papers-fin-acc-res-seminars/15w/garcia_lara.pdf)
- Li, C., Yan, Y., Liu, X., Wan, S., Xu, Y., & Lin, H. (2023). Forward looking statement, investor sentiment and stock liquidity. *Heliyon*, 9(4). doi: 10.1016/j.heliyon.2023.e15329
- Linsley, P. M., Shrivés, P., & Kajuter, P. (2008). Risk reporting: development, regulation and current practice. *International Risk Management* (pp. 185-207). <https://pure.york.ac.uk/portal/en/publications/risk-reporting-development-regulation-and-current-practice>
- Lopes, A. B., & de Alencar, R. C. (2010). Disclosure and cost of equity capital in emerging markets: the Brazilian case. *The International Journal of Accounting*, 45(4), 443-464. doi.org/10.1016/j.intacc.2010.09.003
- Mercel, M. (2004). How do investors assess the credibility of management disclosures? *Accounting Horizons*, 18(3), 185-196. doi: 10.2308/acch.2004.18.3.185
- Michelon, G., Boesso, G., & Kumar, K. (2013). Examining the link between strategic corporate social responsibility and company performance: An analysis of the best corporate citizens. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 20(2), 81-94. doi: 10.1002/csr.1278
- Mo, Y. A. N. G., & DONG Dayong, X. (2022). Risk Information Disclosure and Stock Liquidity: Based on Textual Analysis of Annual Report of A-share Listed Firms in China. *Journal of Systems & Management*, 31(4), 794. doi: 10.3969/j.issn.1005-2542.2022.04.015
- Pastor, L., & Veronesi, P. (2003). Stock valuation and learning about profitability. *Journal of Finance*, 58(5), 1749-1789. doi: 10.1111/1540-6261.00587
- Prencipe, A. (2004). Proprietary costs and determinants of voluntary segment disclosure: evidence from Italian listed companies. *European Accounting Review*, 13(2), 319-340. doi: 10.1080/0963818042000204742
- Rajgopal, S., & Venkatachalam, M. (2011). Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility. *Journal of Accounting and Economics*, 51(1-2), 1-20. doi: 10.1016/j.jacceco.2010.06.001
- Rezaei, A., Soltani, A. (2003). *An introduction to applied regression analysis*. Isfahan University of Technology Publication Center. [In Persian]
- Rodríguez-Domínguez, L., & Gámez, L. C. N. (2014). Corporate reporting on risks: Evidence from Spanish companies. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*, 17(2), 116-129. doi: 10.1016/j.rcsar.2013.10.002



Schleicher, T., & Walker, M. (1999). Share price anticipation of earnings and management's discussion of operations and financing. *Accounting and Business Research*, 29(4), 321-335. doi: 10.1080/00014788.1999.9729591

Schwarzkopf, S. (2007). Transatlantic invasions or common culture? Modes of cultural and economic exchange between the American and the British advertising industries, 1945–2000. *Anglo-American media interactions, 1850–2000* (pp. 254-274). London: Palgrave Macmillan UK. doi: 10.1057/9780230286221\_14

Uyar, A., & Kılıç, M. (2012). Value relevance of voluntary disclosure: evidence from Turkish firms. *Journal of Intellectual Capital*, 13(3), 363-376. doi: 10.1108/14691931211248918







Venkatachalam, M. (2000). Discussion of corporate disclosure practices, institutional investors, and stock return volatility. *Journal of Accounting Research*, 38, 203-207. doi: 10.2307/2672915

Wang, M., & Hussainey, K. (2013). Voluntary forward-looking statements driven by corporate governance and their value relevance. *Journal of accounting and public policy*, 32(3), 26-49. doi: 10.1016/j.jaccpubpol.2013.02.009

---

## Content

---

<input type="checkbox"/> The effect of implementing web-based financial reporting model on stock market and tax avoidance Sara Makvandi, Bahareh Banitalebi Dehkordi & Hamid Reza Jafari		1-25
<input type="checkbox"/> Characteristics of the audit committee and auditor opinion shopping Kazem Shamsadini, Ahmadsadegh Soltaninejad & Hamze Zade Deh Balaei		26-45
<input type="checkbox"/> The effect of financial education on financial knowledge, financial attitude and financial behavior of students (case study: management and accounting students of Mashhad) Mahdi Filsaraei, Behzad & Shafiei Moghaddam		46-69
<input type="checkbox"/> The effect of CEO narcissism on debt maturity structure Mahmood Hasanzade Kuchou		70-85
<input type="checkbox"/> Examining the effect of psychological components and job requirements on the performance of financial managers with regard to the mediating role of financial technologies Saeed Amoozraee, Hossein Eslami Mofid Abadi & Marzieh Ebrahimi Shaghghi		86-108
<input type="checkbox"/> Forward-looking disclosure and corporate reputation as mechanisms to reduce stock return volatility Mohammad Kiamehr, Ehsan Kermani & Ali Norouzi		109-132

---

# *In the name of God*



Islamic Azad University  
Safashahr Branch

*Journal of Accounting & Financial Transparency*  
*Issue 2, Vol 1, Winter 2024*



**Publisher:** Islamic Azad University, Safashahr Branch

**Director-in-Charge:** Mehdi Sarikhani (Ph.D.)

**Editor-in-Chief:** Rezvan Hejazi (Ph.D.)

**Executive Manager:** Rouhollah Nozari (Ph.D.)

**Executive Director:** Fatemeh Karimi

## **Editorial Board:**

### **Seyed Hossein Abtahi**

Professor of Management, Safashahr Branch, Islamic Azad University

### **Daruosh Foroughi**

Professor of Accounting, University of Isfahan

### **Zohreh Hajjha**

Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University

### **Seyed Abbas Hashemi**

Associate Professor of Accounting, University of Isfahan

### **Mehdi Kheirandish**

Professor of Management, Shahid Sattari Air University

### **Mohammad Hossein Setayesh**

Professor of Accounting, Shiraz University

### **Hashem Valipour**

Associate Professor of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University

### **GholamReza Zandi**

Associate Professor of Accounting, University of Kuala Lumpur (UniKL)- Malaysia

Address: Vahdat Blvd., Safashahr, Fars, Iran. Postal Code:7396166561

Phone: +98 (71) 44451936

Fax: +98 (71) 44451939

Website: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/aft>



Islamic Azad University  
Safashahr Branch

Journal

of

# Accounting & Financial Transparency

e-ISSN: 2981-2453

Volume 1/ Issue 2/ Winter 2024/ Serial Number 2

- The effect of implementing web-based financial reporting model on stock market and tax avoidance 1-25  
Sara Makvandi, Bahareh Banitalebi Dehkordi & Hamid Reza Jafari Seraj
- Characteristics of the audit committee and auditor opinion shopping 26-45  
Kazem Shamsadini, Ahmadsadegh Soltaninejad & Hamze Zade Deh Balaei
- The effect of financial education on financial knowledge, financial attitude and financial behavior of students (case study: management and accounting students of Mashhad) 46-69  
Mahdi Filsaraei & Behzad Shafiei Moghaddam
- The effect of CEO narcissism on debt maturity structure 70-85  
Mahmood Hasanzade Kuchou
- Examining the effect of psychological components and job requirements on the performance of financial managers with regard to the mediating role of financial technologies 86-108  
Saeed Amoorezaee, Hossein Eslami Mofid Abadi & Marzieh Ebrahimi Shaghaghi
- Forward-looking disclosure and corporate reputation as mechanisms to reduce stock return volatility 109-132  
Mohammad Kiamehr, Ehsan Kermani & Ali Norouzi

